



پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی
پژوهشکده هیأت و خانواده



فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی

فصلنامه علمی - پژوهشی (ب)

سال پانزدهم، شماره دو، تابستان ۱۴۰۴

۸۰

صاحب امتیاز: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

مدیر مسئول: عبدالرسول احمدیان

سر دبیر: اصغر هادی

دبیر تحریریه: سعید خانی

با دآوری می‌شود فصلنامه اخلاق با تغییر عنوان به مطالعات اخلاق کاربردی، با استناد به مصوبه شماره ۵۷۳ مورخ ۱۳۸۷/۰۴/۱۶ شورای عالی حوزه‌های علمیه و با توجه به ارزیابی کمیسیون نشریات علمی حوزه، شورای اعطای مجوزها و امتیازات علمی در جلسه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۱۲ رتبه علمی - پژوهشی (ب) را دریافت کرده است. مقالات منتشر شده از شماره ۴۳ به بعد دارای رتبه علمی پژوهشی است.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی به استناد ماده واحده مصوبه جلسه ۶۲۵ مورخ ۱۳۸۷/۰۳/۲۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی «مصوب شورای عالی حوزه علمیه قم» درخصوص اعطای امتیاز علمی، تأسیس انجمن‌های علمی، قطب‌های علمی و واحدهای پژوهشی و همچنین امتیازات آزاداندیشی در حوزه، دارای اعتبار رسمی بوده و موجد امتیازات قانونی در دانشگاه و حوزه علمیه می‌باشد.

فصلنامه مطالعات اخلاق کاربردی در پایگاه استنادی فایل متنی فصلنامه از طریق سایت «Morsalat.ir»، پایگاه استنادی علوم جهان اسلام «ISC»، بانک اطلاعات نشریات کشور «Magiran»، مرجع دانش «Civilica»، مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی «SID»، پرتال جامع علوم انسانی «Ensani»، پایگاه مجلات تخصصی نور «Noormags» و کتاب‌خوان همراه پژوهان «pajooahaan» و پرتال دفتر تبلیغات اسلامی (<http://journals.ete.ir>) بارگذاری می‌شود. هیئت تحریریه در اصلاح و ویرایش مقاله‌ها آزاد است. دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نظر نویسندگان محترم آن‌هاست. نشانی: اصفهان، خیابان حافظ، دفتر تبلیغات اسلامی اصفهان، فصلنامه علمی - پژوهشی (ب) اخلاق کاربردی.

تارنما: akhlagh.morsalat.ir * پست الکترونیک: akhlagh@dte.ir

تلفن: (۷۳۲۱ داخلی) ۴ - ۳۲۲۰۸۰۰۱ (۰۳۱) * صندوق پستی: ۶۹۷-۸۱۴۶۵

دورنگار: ۳۲۲۰۸۰۰۵ (۰۳۱) کد پستی: ۸۱۴۶۹۵۷۵۷۱

چاپ: مؤسسه بوستان کتاب قیمت: ۸۰۰۰۰ تومان



هیئت تحریریه

(به ترتیب حروف الفبا):

مسعود آذربایجانی

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

مهدی حبیب الهی

استادیار دانشگاه باقرالعلوم علیه السلام

حسین دیا

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

محمد رضا سالاری فر

دانشیار پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

محمد مهدی صفورایی پاریزی

دانشیار مجتمع آموزش عالی علوم انسانی اسلامی جامعة المصطفی العالمیة

مهدی علیزاده

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

اصغر هادی

استادیار پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

داوران این شماره:

محمد مهدی صفورایی پاریزی، علی شیروانی شیری، حسن بوسلیکی، سید حسن
اسلامی اردکانی، حسین دیا، قدرت الله مؤمنی، سید محمد کاظمی قهفرخی، محسن
رضائی آدریانی، سید روح الله موسوی زاده، راضیه یوسف بروجردی

راهنمای تنظیم مقاله

ویژگی‌های شکلی مقاله

- حتماً با الگوی فصلنامه (مندرج در صفحه اول سامانه نشریه) تنظیم شده باشد؛
۱. حجم مقاله تایپ شده همراه با چکیده و کتابنامه (حداکثر ۷۵۰۰ کلمه) به آدرس سامانه نشریه ارسال شود.
 ۲. مقاله در محیط Word با پسوند DOCX (با قلم Noorzar نازک ۱۳ برای متن و Times New Roman نازک ۱۰ برای انگلیسی) حروف چینی گردد.
 ۳. شیوه‌های استناد بایستی به صورت درون‌متنی بین پرانتز به شرح ذیل باشد:
❖ **قرآن:** آیات (همراه با ترجمه) داخل گیومه درج شده و سپس نام سوره و شماره آیه (داخل پرانتز) آورده شود. **نمونه:** «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ؛ ستایش مخصوص خداوندی است که پروردگار جهانیان است» (حمد، ۱).
❖ **کتاب:** (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار اثر، شماره جلد: شماره صفحه، مثال: منبع فارسی با صفحات متناوب (مطهری، ۱۳۶۰، ج ۱: ص ۲۰۰-۲۲۰) و با صفحات متفاوت (امینی، ۱۳۸۷، ج ۱: صص ۲۰۰ و ۲۰۷)؛ **تکته:** درج (حرف ق) برای تاریخ قمری لازم است.
منبع انگلیسی با صفحات متناوب (Kant, 1788: p. 224-288) و با صفحات متفاوت (Kant, 1788: pp. 44, 288).
 - ❖ **مقاله:** (نام خانوادگی، سال انتشار اثر: شماره صفحه. مثال: یاسری، ۱۳۸۵: ص ۷۵).

تذکر:

- ✓ اگر از یک نویسنده، بیش از یک اثر در مقاله استفاده شود، در صورت اشتراک زمان انتشار آنان، پس از سال انتشار، با ذکر حروف الفبا در گیومه از یکدیگر متمایز شوند. مانند: (مطهری، ۱۳۶۰ «الف»، ص ۲۰۰) یا (مطهری، ۱۳۶۰ «ب»، ص ۱۴۵).
- ✓ اگر مؤلفان یک اثر بیش از سه نفر باشند، تنها نام خانوادگی یک نفر می‌آید و با واژه «دیگران» به دیگر مؤلفان اشاره می‌شود.

✓ اگر به دو اثر از یک نویسنده، بدون فاصله ارجاع داده شود، به جای تکرار نام نویسنده، از واژه «همو» استفاده می‌شود و به جای تکرار منبع و سال «همان» درج شود. در ارجاع به منابع لاتین در متن به جای واژه «همان» از «ibid»، «همو» از «Idem» و «پیشین» از «op.cit» استفاده شود.

۴. معادل لاتین کلمات غیرفارسی و تلفظ واژگان و اصطلاحات مهجور، داخل متن و پرانتز بیاید.

۵. عبارات تکریمی: از کلیشه به جای عبارات تکریمی استفاده شود. مانند: صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ به جای (ص)؛ عَلَيْهِ السَّلَام به جای (ع)؛ رَضِيَ اللّٰهُ عَنْهُ به جای (ره) و وَعَلَيْهِمُ السَّلَام به جای (علیهم السلام) و ...

۶. فهرست منابع و مآخذ (کتابنامه) در پایان مقاله به ترتیب حروف الفبا و به روش زیر تدوین و درج شود:

❖ **کتاب‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، *عنوان کتاب (ایرانیک)*، مترجم، جلد، نوبت چاپ، محل نشر: ناشر.

❖ **مقالات:** نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، «عنوان مقاله»، نام نشریه (*ایرانیک*)، دوره و شماره نشریه، شماره صفحات مقاله.

❖ **منابع الکترونیکی:** نام خانوادگی، نام (تاریخ مشاهده منبع در سایت یا وبلاگ)، «عنوان مقاله یا نوشته»، آدرس دقیق اینترنتی یا دسترسی (CD و ...) .

❖ **پایان نامه‌ها:** نام خانوادگی، نام (سال دفاع از رساله)، *عنوان رساله*، مقطع تحصیلی، گروه، نام دانشکده، دانشگاه.

ویژگی‌های محتوایی مقاله

الف) صفحه اول شامل: ۱. عنوان کامل مقاله، نام و نام خانوادگی، مرتبه علمی دانشگاهی و پست الکترونیکی سازمانی نویسنده یا نویسندگان؛ ۲. چکیده فارسی (حداقل ۱۵۰ و حداکثر ۲۵۰ کلمه)؛ ۳. کلیدواژه‌ها (۳ تا ۷ کلمه) (**ترجمه و ارسال تمامی موارد به لاتین الزامی است**).

❖ در صورتی که مقاله برگرفته از پایان نامه باشد یا سازمان و نهادی هزینه مالی پروژه را پرداخت کرده و یا تشکری لازم داشته باشد، باید در پاورقی صفحه اول (چکیده) درج شود.

❖ مقاله پیش‌تر یا هم‌زمان به مجله‌های دیگر ارایه نشده باشد و نویسنده به نشر آن در جای دیگر متعهد نباشد.

❖ اعضای هیئت علمی، اساتید و محققان مراکز آموزشی و پژوهشی موظف‌اند در مقاله

خود پست الکترونیکی سازمانی خود را وارد کنند.

❖ در صورتی که مقاله مشترک است، عنوان (نویسنده مسئول) در پاورقی و در مقابل اسم او درج شود.

ب) صفحات دوم تا آخر شامل: ۱. مقدمه و طرح مسئله، پیشینه تحقیق، روش تحقیق و گردآوری اطلاعات؛ ۲. تبیین ابعاد مسئله به صورت منطقی شده با رعایت انسجام و هماهنگی مطالب در زیرمجموعه سازی استاندارد (پیگیری از الگوی عددی یا حرف و عدد)؛ ۳. نتیجه گیری؛ ۴. پی نوشت ها (در صورت لزوم)؛ ۵. کتابنامه.

اهداف

تولید و توسعه دانش در حوزه مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی و حرفه ای همه رشته های تحصیلی و حرفه های شغلی، با اولویت اخلاق اسلامی؛

تبیین اخلاق کاربردی همه شاغلان در همه مشاغل معتبر موجود و کارهای حرفه ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

احیاء تراث در زمینه اخلاق کاربردی و حرفه ای؛

احیاء مروت نامه ها و اخلاق کاربردی در زمان های گذشته؛

مطالعات اخلاق کاربردی و حرفه ای بین رشته ای، با اولویت اخلاق اسلامی؛

توسعه اخلاق کاربردی و حرفه ای، متناسب با نیازهای پژوهشی جهان معاصر.

یادآوری

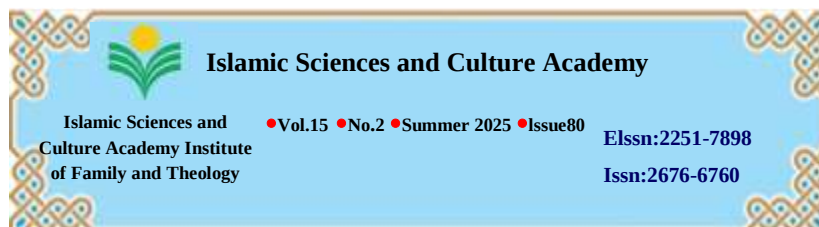
۱. با توجه به اینکه رویکرد فصلنامه، ناظر به مباحث اخلاق کاربردی است، مقالات پیمایشی در اولویت پذیرش نیستند.

۲. مقاله ارسالی باید گویای نوآوری در مسائل اخلاق و حوزه های مرتبط به ویژه اخلاق کاربردی باشد.

۳. هیئت تحریریه در رد یا قبول و نیز اصلاح مقالات آزاد است.
۴. دیدگاه‌های مطرح‌شده در مقالات صرفاً نشانگر نظر نویسندگان آنهاست.

فهرست مطالب

سقط‌جنین از منظر اخلاق اسلامی (تحلیلی انتقادی از رویکردها و ابعاد اخلاقی)	
محمد فولادی‌وندا، خدیجه نظری	۹
هوش مصنوعی در پزشکی: ارزیابی اخلاقی تحولات و مسائل	
محدثه قوامی‌پور سرشکه، زینب محمدی	۴۳
نقش شهود و فراشناخت در تصمیم‌گیری کارآفرینان: راهکارهای اسلامی برای تقویت شهود و بهبود فرایند تصمیم‌گیری	
زینب محمدی، حسین صادقی	۷۷
تناقضات راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش با اخلاق حرفه‌ای و سلامت اخلاقی و روان‌شناختی	
زینب رستمی	۱۱۵
تبیین خلوص نیت در دانشجویان: یک مطالعه تکوینی	
فرهاد خرمائی، نادیا دریانی‌زاده، نیلوفر موهبت	۱۴۵
واکاوی ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش‌دبستانی	
فیروزه دردی‌محمدی، علی حسنائی، محمدمهدی نادری، علی اصغر بیانی، حسین فکوری حاجی یار	۱۸۱



Abortion from the Perspective of Islamic Ethics (A Critical Analysis of Approaches and Ethical Dimensions)*

Mohammad Fouladi Vanda¹  Khadija Nazari² 

1- Associate Professor, Department of Sociology, Imam Khomeini Education and Research Institute (IKI), Qom, Iran (Corresponding Author).
fooladi@iki.ac.ir

2- Graduate of Level Three in Quranic Exegesis and Sciences, Fatimah Al-Ma'sumah (SA) Higher Education Institute, Bandar Abbas, Iran.
khadijeh31365@gmail.com



Abstract

This study aims to elucidate the issue of abortion from the perspective of Islamic ethics and provide a critical analysis of its ethical approaches and dimensions. Employing a critical-analytical method and documentary research, it seeks to address the following questions: What is the status of abortion in Islamic ethics? What are the ethical approaches to abortion? And under what circumstances is abortion ethically permissible? The findings indicate that three primary approaches to abortion exist: absolute permissibility, absolute prohibition, and the nuanced (differentiated) perspective. In Islam, the Creator of existence and the true owner of life is God, and no one except the Almighty has the right to claim ownership over human life-whether their own or others'. Consequently, from the

*Cite this article: Fouladi Vanda; M, Nazari, Kh (2025). Abortion from the Perspective of Islamic Ethics (A Critical Analysis of Approaches and Ethical Dimensions), Journal in Applied Ethics Studies, 2(80), 9-41.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70477.1985>

▣ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

▣ **Received:** 2024/12/08 • **Revised:** 2025/02/13 • **Accepted:** 2025/05/03 • **Published online:** 2025/10/11



standpoint of Islamic ethics, abortion is impermissible, with no distinction made between the presence or absence of a soul in the fetus, as the embryo is considered a potential human being from the moment of conception. In most non-religious ethical systems, abortion is permissible and not regarded as unethical, as it aligns with utilitarian principles, hedonism, convenience, and the avoidance of responsibility. However, in the Islamic ethical framework, the fetus is recognized as a human being. Moreover, the ethical system emphasizes the impact of abortion on the moral agent's character, its role in either attaining moral perfection or ethical decline, and its effects on the spiritual dimension, transcendental values, and the individual's ultimate moral and existential fulfillment.

Keywords

Abortion, Ethical Dimensions of Abortion, Absolute Permissibility Approach, Absolute Prohibition Approach, Nuanced (Differentiated) Approach.



الإجهاض من منظور الأخلاق الإسلامية (تحليل نقدي للاتجاهات والمناحي الأخلاقية)*

محمد فولادي وندا^١ خديجه نظري^٢

١- أستاذ مساعد في قسم علم الاجتماع لمؤسسة الإمام الخميني التعليمي البحثي. قم - إيران (الكاتب المسؤول).

fooladi@iki.ac.ir

٢- خريجة المستوى الثالث لدراسات التفسير والعلوم القرآنية في مؤسسة فاطمة معصومة (س) العالمية. بندر عباس - إيران.

khadijeh31365@gmail.com

مستخلص

تهدف هذه الدراسة إلى توضيح قضية الإجهاض من منظور الأخلاق الإسلامية، وتقديم تحليل نقدي للاتجاهات والأبعاد الأخلاقية له، وتسعى، مستخدمةً المنهج التحليلي النقدي والبحث الوثائقي، إلى الإجابة على الأسئلة التالية: ما مكانة الإجهاض في الأخلاق الإسلامية؟ ما هي الاتجاهات الأخلاقية للإجهاض؟ وفي أي حالات يكون الإجهاض جائزاً أخلاقياً؟ تشير النتائج إلى وجود ثلاثة اتجاهات رئيسية للإجهاض: الجواز المطلق، والمنع المطلق، في الإسلام، خالق الوجود والمالك الحقيقي للحياة هو الله، ولا أحد غيره سبحانه وتعالى يملك

* **الاستناد إلى هذه المقالة:** فولادي وندا، محمد؛ نظري، خديجه (٢٠٢٥). الإجهاض من منظور الأخلاق الإسلامية (تحليل نقدي للاتجاهات والمناحي الأخلاقية). دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٢ (٨٠)، صص ٩-٤١.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70477.1985>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٤/١٢/٠٨ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٢/١٣ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٥/٠٣ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١١



حياة الإنسان أو غيره، وبالتالي، فمن منظور الأخلاق الإسلامية، يُعد الإجهاض غير جائز، دون تمييز بين وجود الروح أو عدمها في الجنين، حيث يُعتبر الجنين إنساناً محتملاً منذ لحظة الحمل. و أما في معظم النظم الأخلاقية غير الدينية، فيُسمح بالإجهاض ولا يُعتبر أمراً غير أخلاقي؛ لأنه يتماشى مع مبادئ النفعية، والمتعة، والسعي إلى الراحة، والتنصل البشري من المسؤولية. ولكن في النظام الأخلاقي الإسلامي، بالإضافة إلى كون الجنين إنساناً، يشدد النظام الأخلاقي على تأثير الإجهاض في شخصية الفاعل الأخلاقي، ودوره في تحقيق كماله الأخلاقي أو انحداره، كما يؤثر على البعد الروحي والقيم السامية والاكتمال الحقيقي للفرد.

الكلمات المفتاحية

الإجهاض، الأبعاد الأخلاقية للإجهاض، اتجاه الجواز المطلق، اتجاه المنع المطلق، الموافقة التفصيلية.





سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی (تحلیلی انتقادی از رویکردها و ابعاد اخلاقی)*

محمد فولادی و ندا^۱ خدیجه نظری^۲

۱- دانشیار گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، قم، ایران (نویسنده مسئول).

fooladi@iki.ac.ir

۲- دانش‌آموخته سطح سه تفسیر و علوم قرآنی، مؤسسه عالی فاطمه معصومه (علیها السلام)، بندرعباس، ایران.

khadijeh31365@gmail.com

چکیده

این مقاله با هدف تبیین مسئله سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی و ارائه تحلیلی انتقادی از رویکردها و ابعاد اخلاقی آن تدوین شده و با روش تحلیلی انتقادی و به شیوه اسنادی، در پی پاسخ‌دادن به این سؤالات است که: سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی چه جایگاهی دارد؟ رویکردهای اخلاقی سقط جنین کدام‌اند؟ و در چه صورتی سقط جنین از منظر اخلاقی مجاز است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از این است که در سقط جنین، سه رویکرد جواز مطلق و عدم جواز مطلق و قول به تفصیل مطرح است. در اسلام، خالق هستی و مالک

* **استناد به این مقاله:** فولادی و ندا، محمد؛ نظری، خدیجه (۱۴۰۴). سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی (تحلیلی انتقادی از رویکردها و ابعاد اخلاقی). مطالعات اخلاق کاربردی، ۲(۸۰)، صص ۹-۴۱.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70477.1985>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۱۷ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۳/۱۱/۲۵ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۳ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹



حقیقی، خداست و هیچ کس جز خدای متعال، مالک حیات انسان یا دیگران نیست؛ بنابراین، از منظر اخلاق اسلامی، سقط جنین جایز نیست و تفاوتی بین حلول روح و عدم آن در جنین وجود ندارد؛ زیرا جنین از لحظه انعقاد نطفه، انسانی بالقوه است. در بیشتر نظام‌های اخلاقی غیردینی، سقط جنین مجاز است و امری ضد اخلاقی محسوب نمی‌شود؛ زیرا این امر با مبانی سودگرایی، لذت‌گرایی، راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی انسان سازگار است. اما در نظام اخلاقی اسلام، افزون‌بر اینکه جنین، یک انسان است، تأثیر سقط جنین بر شخصیت فاعل اخلاقی و نقش آن در نیل به کمال یا سقوط اخلاقی او و نیز تأثیر آن بر جنبه روحانی و ارزش‌های معنوی و کمال حقیقی وی مورد تأکید است.

کلیدواژه‌ها

سقط جنین، ابعاد اخلاقی سقط، رویکرد جواز مطلق، رویکرد عدم جواز، رویکرد تفصیل.





مقدمه

سقط جنین، با توجه به ابعاد گسترده‌ای که دارد، موضوعی بسیار پیچیده است و به‌عنوان مسئله مهم اجتماعی قابل بررسی است. کشورهای مختلف، براساس فرهنگ، آداب و رسوم، باورها و اعتقادات مذهبی خود، قوانین متفاوتی را در این زمینه وضع کرده‌اند. به‌رغم موضع‌گیری مشابه مذاهب مختلف در قبال سقط جنین و مبارزه با این پدیده شوم، نظر به آزادی‌های زیاد روابط جنسی در کشورهای غربی و ترویج آن در جوامع اسلامی، متأسفانه میزان سقط جنین، به‌ویژه سقط‌های عمدی و غیربهداشتی، در این کشورها بسیار زیاد است. مسائلی مانند داشتن فرزند زیاد، بیماری مادر، بارداری‌های ناخواسته، نامشروع‌بودن فرزند، ولنگاری جنسی و روابط آزاد و مدیریت بدن، زمینه سقط جنین را فراهم کرده است. در اسلام و اخلاق اسلامی، انسان و انسانیت دارای ارزش است و حرمت آن از نظر اخلاقی لازم است. معیار انسانیت در دو سطح مطرح است: سطح نازل انسانیت، همان چیزی که در زیست‌شناسی به‌عنوان جاننداری خاص شناخته می‌شود و سطح عالی‌تر انسانیت که با دو معیار عقل و ایمان سنجیده می‌شود. در مسائل اخلاقی، سطح اول تعیین‌کننده انسانیت است (فیاضی، ۱۳۹۶، ص ۳۴).

بنابراین، اسلام برخلاف مکاتب دیگر، به‌دلیل کرامتی که برای انسان در نظر گرفته است، حتی برای مرحله انعقاد نطفه و قبل از دمیده‌شدن روح در جنین نیز ارزش خاصی قائل است و لذا سقط جنین را برنمی‌تابد. اسحاق بن عمار می‌گوید: «به امام کاظم علیه السلام عرض کردم: زنی از ترس حاملگی، برای سقط جنین خود دارو می‌خورد. حضرت فرمود: جایز نیست. عرض کردم: جنین او هنوز در مرحله نطفه است. فرمود: نخستین چیزی که آفریده می‌شود، نطفه است» (ابن بابویه، بی‌تا، ج ۴: ص ۱۷۱).

در سقط جنین، این مناقشه مطرح است: مواجهه با حق حیات جنین و ارزش حیات انسان و حق مادر؛ زیرا سقط جنین با مفاهیمی مانند حق زندگی جنین، حق انتخاب مادر، ارزش زندگی انسان و اخلاق انسانی گره خورده است. حق زندگی، اساس هر نظام اخلاقی و حقوقی است. از منظر اخلاق اسلامی، این سؤال مطرح است که آیا سقط جنین اختیاری



توجیه‌پذیر است یا نه؟ به‌طور خاص، در صورت عروض عناوینی مثل عسر و حرج، تهدید حیات مادر، نقص خلقت در جنین، جنین ناشی از تجاوز به عنف، به‌خطرافتادن آبرو و حیثیت مادر، سقط جنین اخلاقاً درست است یا نه؟ (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۹۵). برخی معتقدند سقط جنین، کشتن یا تجاوز به حق حیات یک انسان است و اخلاقاً بر ما لازم است با آن مقابله کنیم (Schur, 1992, p. 44).

متأسفانه امروزه سقط جنین به‌عنوان یک اپیدمی اجتماعی در جوامع مختلف مطرح است و عوامل مختلفی از جمله فشارها و مشکلات اقتصادی، اجتماعی، راحت‌طلبی و لذت‌گرایی و ناآگاهی از حقوق انسان و اخلاق انسانی در آن نقش دارند. براساس مطالعات انجام‌شده در ایران، به‌طور میانگین، سالانه بین ۳۵۰ تا ۵۳۰ هزار سقط در کشور انجام می‌شود و تقریباً یک‌سوم تولدها از دست می‌رود. از این تعداد، تنها حدود ده تا دوازده هزار سقط با مجوز قانونی و ازسوی پزشکی قانونی انجام می‌شود (وبگاه خبرآنلاین). به عبارت دیگر، روزانه بین هزار تا ۱۵۰۰ جنین در کشور سقط می‌شود. این رقمی است که به‌صورت رسمی ازسوی متولیان امر اعلام شده است و شامل بیش از ۵۰ درصد بارداری‌های سالانه در کشور می‌شود. این موضوع در حوزه اخلاق و حقوق انسانی، نیازمند کالبدشکافی جدی است.

مهم‌ترین حق انسان، حق حیات است و سایر حقوق از این حق نشئت می‌گیرند؛ زیرا اگر زندگی و حیاتی نباشد، حقوق دیگر مصداقی نخواهد داشت. حیات و زندگی، بزرگ‌ترین موهبت الهی است که به انسان اعطا شده است؛ «الحياة هبة الله». به همین جهت، احدی حق از بین بردن یا ضعیف کردن آن را ندارد. این حق، از جانب خداوند در امانت اوست و انسان، مأمور و مکلف به حفظ آن است (جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۸۹-۲۹۰).

شاید همه شرایع بر این مطلب اتفاق داشته باشند که حفظ حیات و پرهیز از تعدی به آن یا محدود کردن آن واجب است. این تحقیق نیز به روش توصیفی تحلیلی و انتقادی، با



مطالعه اسنادی انجام شده و در صدد پاسخ دادن به این سؤال است: ابعاد و پیامدهای اخلاقی سقط جنین کدام‌اند؟ و رویکردهای مختلف و دیدگاه اسلام درباره سقط جنین چیست؟

پیشینه پژوهش

۱. آل‌بویه (۱۳۹۸)، در کتاب سقط جنین از منظر اخلاقی، ضمن بررسی استدلال‌های موافقان و مخالفان، سعی کرده براساس فلسفه اسلامی، تقریرهای دیگری از استدلال‌های مخالفان سقط جنین ارائه کند و براساس آموزه‌های اخلاقی قرآن، استدلال‌های جدیدی برای نادرستی سقط جنین از منظر اخلاقی با توجه به جایگاه انسان در هستی و هدیه بودن جنین از سوی خدا به دست دهد؛

۲. حاجی کاظم (۱۴۰۲)، در کتاب سه مجلس دینی در موضوع حمایت از حیات جنین، در راستای درک منزلت جنین و قبح قتل آن، شبهه فلسفی گیاهی یا حیوانی بودن جنین را بررسی کرده و معتقد است تصور غلط این است که فلسفه می‌گوید شکل‌گیری جنین با شکل گرفتن شأن نباتی همراه است و سپس، به حیوان تبدیل می‌شود و کم‌کم به سوی انسانیت حرکت می‌کند. با توجه به وجود معارف روشنی درباره انسانیت جنین... مقصود این است که این موجود انسانی است که دارای رشد نباتی و حیوانی است؛ انسانی که در ابتدا مثل یک گیاه رشد و تغذیه دارد؛

۳. رخی (۱۳۸۶)، در پایان‌نامه سقط جنین از منظر فقه و حقوق، به تفاوت اساسی دیدگاه اسلام با دیدگاه غرب در مسئله سقط جنین پرداخته است. غرب به بهانه آزادی و تساوی زن و مالکیت او بر بدن خود، سقط جنین را مجاز و مباح می‌داند؛ اما در اسلام، از حیات بشری حتی از لحاظ انعقاد نطفه حمایت شده است و دستورات و احکام متعدد شرع در این زمینه دلالت بر آن دارد. این پژوهشگر، پس از اثبات حکم شرعی، درباره مبحث مهم کیفری سقط جنین و موضوع ثبوت قصاص در سقط جنین عمدی بحث و بررسی کرده است؛

۴. موحدی و همکاران (۱۳۹۱)، در مقاله «نگاهی به راه‌حل‌های وظیفه‌گرایانه و غایت‌گرایانه در سقط جنین و مرگ مغزی» معتقدند در اخلاق هنجاری، دو دسته بزرگ



نظریات وظیفه گرایانه و غایت گرایانه در مقابل هم قرار گرفته‌اند. آن‌ها در این مقاله، با در نظر داشتن جایگاه دو نظریه وظیفه گرایی و غایت گرایی در اخلاق هنجاری، کوشیده‌اند برای مسائل اخلاقی سقط جنین و مرگ مغزی، پاسخ‌های مناسبی ارائه کرده، با تحلیل و مقایسه آن پاسخ‌ها، معقولیت و مقبولیت هریک از این دو نظریه را در پاسخ به آن مسائل و معضلات اخلاقی بررسی کنند؛

۵. کیری (۱۴۰۱)، در مقاله «واکاوی انتقادی ادله فمینیست‌های لیبرال موج دوم بر جواز سقط جنین»، بر آن است که فمینیست‌هایی نظیر روین وست، بتی فریدن، لوکر و تامسون، با تکیه بر سه مبنای آزادی فردی زنان، حقوق فردی زن و تساوی و برابری زن و مرد، بر جواز سقط جنین استدلال کرده‌اند. این طیف، سقط جنین را در بارداری ناخواسته مطلقاً مجاز می‌شمارند؛ زیرا از نظر آنان آزادی فردی زن و حق انتخاب آگاهانه او در پذیرش نقش مادری، به عنوان یک حق فردی مهم، بسیار حائز اهمیت است. زنان باید همانند مردان از حقوق آزادی بخش برخوردار باشند. البته باید بین بارداری ناشی از تجاوز به العنف با دیگر اقسام بارداری ناخواسته تمایز قائل شد و فرار از مسئولیت پذیری به هر بهانه‌ای، صحیح نیست، بلکه افراد باید مسئولیت پیامدهای اعمالشان را بپذیرند؛

۶. شمشیری میلانی (۱۳۸۵)، در مقاله «سقط جنین عمدی»، ضمن تعریف سقط جنین، به انواع آن اشاره کرده است: در حالت اول، بعد از شروع بارداری، به دلایل جنینی یا مادری، محصول بارداری محکوم به خروج خودبه خود از رحم مادر است. این نوع سقط جنین را سقط جنین «خودبه خود» می‌گویند. گاهی هم در فرایند بارداری مشکلی وجود ندارد، ولی به دلایلی به طور ارادی، به آن خاتمه داده می‌شود. این نوع سقط جنین را «ارادی یا القاشده» می‌گویند که در بیشتر جوامع، این نوع سقط جنین با قوانین مغایر است و به آن جنایی یا غیرقانونی نیز گفته می‌شود؛

۷. شمشیری میلانی (۱۳۸۴)، در مقاله «سقط جنین، حق حیات مادر؛ بررسی سقط جنین از منظر طب» معتقد است در فرایند بارداری تمامی تخم‌هایی که حاصل لقاح اسپرم و تخمک هستند، به مرحله لانه گزینی در رحم و ادامه بارداری نمی‌رسند؛ یعنی بارداری‌های متعدد،



به طور خودبه خود، به دلایل اشکالات جنینی یا مادری، خاتمه می یابند. تعدادی از بارداری - ها نیز به طور اختیاری خاتمه داده می شوند. در این میان، اعداد و ارقام مرگ مادرانی که در تنگنای پذیرفتن یا نپذیرفتن بارداری ناخواسته قرار می گیرند و به سقط جنین های خطرناک مبادرت می کنند، قابل توجه بوده است؛

۸. سلیمانی (۱۳۸۴)، در مقاله «سقط جنین در مسیحیت» معتقد است هرچند در مجموعه عهد جدید هیچ بیان صریحی درباره سقط جنین وجود ندارد، فرقه های مسیحی به آن توجه کرده اند. به اعتقاد کلیسای کاتولیک رم، جنین از لحظه انعقاد نطفه، انسانی کامل است و حق حیات دارد؛ از این رو، این کلیسا از آغاز پیدایش جنین، هرگونه اقدام به سقط جنین را نکوهش کرده است.

گرچه برخی از دانشمندان، دمیده شدن روح را ملاک جواز یا عدم جواز سقط جنین می دانستند، کلیسای کاتولیک در قرن نوزدهم رسماً این دیدگاه را رد و اعلام کرد جنین در هر مرحله ای باشد، سقط آن ناروا است و سقط کننده جنین به مجازات شرعی طرد محکوم می شود. در مسیحیت حتی اگر زندگی مادر در خطر مرگ قرار گیرد، نمی توان اقدام به سقط کرد. کاتولیک ها در پاسخ به این ایراد، براساس قاعده «نتیجه دوگانه»، معتقدند اگر زن بارداری به سرطان رحم مبتلا باشد، پزشک می تواند برای نجات جان وی، رحم سرطانی را بیرون بیاورد. در اینجا پزشک و مادر، مرگ جنین را قصد نکرده اند، بلکه یک عمل مشروع را برای درمان بیماری وی انجام داده اند، گرچه نتیجه قهری آن مرگ جنین است. اما بسیاری از پروتستان ها و ارتدوکس ها و دیگر فرقه های مسیحی، جنین را انسان بالقوه شمرده اند که دارای حقوقی بر گردن زن باردار و دیگران است. الهی دانان فمینیست، با ارائه تفسیر دیگری از رابطه جنین و مادر، اجازه داده اند در صورت خطر داشتن بارداری برای مادر، برای سقط جنین اقدام شود.

در بیان وجه نوآوری مقاله حاضر باید گفت، در این مقاله، سقط جنین از منظر اخلاق اسلامی بررسی و تحلیلی انتقادی از رویکردها و ابعاد اخلاقی سقط جنین ارائه شده است. در این پژوهش، سه رویکرد جواز مطلق، عدم جواز مطلق سقط و تفصیل بین قبل و بعد از



حلول روح سقط، طرح و بررسی شده است؛ افزون بر این، مقایسه دو نظام اخلاقی اسلام و سکولار و برجستگی دیدگاه اسلام در حرمت و منزلت انسان و اینکه فرزند عطیه الهی و دارای روح خدایی است، نشان می‌دهد اسقاط آن از نظر اخلاقی شایسته نیست. در مطالعات پیشین به موضوع اخیر پرداخته نشده است.

تعریف جنین و سقط جنین

«جنین»، در لغت، یعنی پوشانده شده، بچه‌ای که در رحم مادر است و هنوز به دنیا نیامده است (مروج، ۱۳۷۹، ص ۱۶۷). در اصطلاح، «جنین محصول حاملگی است که از انعقاد نطفه در رحم شروع شده و تا لحظه ماقبل تولد ادامه می‌یابد» (جعفری لنگرودی، ۱۳۸۰، ص ۲۰۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۴: ص ۴۸۷).

سقط جنین^۱، در لغت، به معنی افتادن جنین ناتمام از شکم زن حامله، انداختن زن حامله بچه ناتمام خود را از شکم خود و افتادن بچه ناتمام از رحم است (دهخدا، ۱۳۹۰، ذیل «سقط جنین»؛ همچنین به معنی بچه نارس و مرده که پیش از فرارسیدن هنگام ولادت، از شکم مادر بیفتد (عمید، ۱۳۸۱، ذیل «سقط جنین»).

سقط جنین، به معنی افتادن جنین قبل از نمو کامل در رحم است (معین، ۱۳۷۶، ذیل «سقط جنین»).

در دایرةالمعارف‌ها، سقط جنین القایی، در مقابل سقط جنین خودبه‌خودی، پایان دادن عمدی حاملگی مستقر یا پایان دادن حیات جنین در داخل رحم، پس از بارداری و پیش از تولد، تعریف شده است (Nancy, 2001, p. 2). در بسیاری موارد، به جای واژه سقط یا اسقاط، از واژه «اجهاز» استفاده می‌شود که از نظر معنا با اسقاط برابر است (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۲، ج ۴: ص ۷۶۰). حملی که در شکم مادر است، اگر زنده به دنیا آید «ولد» و اگر مرده به دنیا آید، «سقط» است (جلالی زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸).

1.abortion.



به طور کلی، تعریف سقط جنین چنین است: «اخراج غیرطبیعی حمل پیش از موعد طبیعی زایمان - سقط - یا قابل زیستن نباشد. اعم از اینکه این اخراج با جراحی و برداشتن جنین از رحم باشد و یا با مصرف داروها و کارهای خاصی، جنین بیفتد» (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۱۸۵).

در واقع، سقط جنین به معنی از دست دادن جنین تا قبل از هفته بیستم بارداری است و سقط ناخواسته جنین نیز به معنی پایان یافتن بارداری در همین دوره زمانی (به ویژه در سه ماهه اول بارداری) است. شاید جامع ترین تعریف حقوقی آن، «از بین بردن آگاهانه حیات جنین (خارج کردن عمدی از رحم به منظوری غیر از توالد یا درآوردن جنین) مرده باشد» (دیوسالار، ۱۳۸۱، ص ۵۳).

ابعاد اخلاقی و رویکردهای سقط جنین

به طور کلی، در سقط جنین سه رویکرد مطرح است: جواز سقط جنین به طور مطلق، عدم جواز سقط جنین به طور مطلق، رویکرد تفصیل و اینکه تا پیش از چهار ماهگی و دمیدن روح، سقط مجاز است و بعد از آن، مجاز نیست. در اینجا این رویکردها را به اجمال بیان می کنیم:

۱. رویکرد عدم جواز مطلق سقط جنین

طبق این رویکرد، «سقط جنین از ابتدای مراحل بارداری و پیدایش جنین در رحم زن که با تلقیح نطفه از تخمک زن و اسپرم مرد و استقرار آن در رحم شروع می شود تا به صورت انسان کامل درآید، از نظر شرع حرام است» (فیاض، ۱۴۲۶ق، ص ۷۴۳-۷۴۴).

این رویکرد، به طور مطلق، سقط جنین را از لحظه لقاح تا تولد حرام می داند و آن را معادل قتل یک انسان بی گناه می شمارد. در این رویکرد، توجه به چند اشکال اساسی و پاسخ به آنها ضروری است.



منتقدان این رویکرد، اشکالاتی بر آن وارد کرده‌اند. در ادامه، این شبهات مطرح و به آن‌ها پاسخ داده می‌شود:

۱.۱. بی‌توجهی به حق انتخاب مادر

منتقدان این رویکرد معتقدند دیدگاه عدم جواز سقط جنین، حق زن را در انتخاب بدن خود، نادیده گرفته است؛ زیرا زن مجبور است تا پایان بارداری، حتی در موارد خطرناک برای خود، حاملگی را ادامه دهد و فرزند را به دنیا بیاورد. این درحالی است که زنان می‌توانند با ابزار پیشگیری از بارداری و سقط جنین، بر بدن خود کنترل داشته باشند و از میان وضعیت بارداری یا خاتمه‌دادن به بارداری، یکی را انتخاب کنند. سیمون دوبووار^۱ می‌گوید: «در دسترس بودن وسایل پیشگیری از حاملگی و سقط جنین بدین معناست که زنان قادر خواهند بود بر بدن خویش حاکم باشند، نه اینکه به‌مثابه برده عمل کنند. آناتومی، فرصت‌هایی ایجاد می‌کند، نه اینکه سرنوشت حک شده بر سنگ باشد» (ویلفورد، ۱۳۷۵، ص ۳۶۸). فریدان^۲، نظریه پرداز فمینیسم لیبرال، معتقد است:

چون زن موجودی مستقل است، حق دارد بر جسم خود کنترل داشته باشد. زنان نباید از مادری رها شوند، بلکه مادری تنها وقتی به عملی لذت‌آفرین و مسئولانه تبدیل می‌شود که زنان بتوانند با آگاهی و مسئولیت انسانی کامل، تصمیم بگیرند مادر باشند. حق زن و فقط زن است که بخواهد یا نخواهد بچه‌دار شود؛ به این ترتیب، حق کنترل بر باروری به‌مثابه حقی مدنی دانسته می‌شود که هیچ مرجعی نمی‌تواند جز خود زن درباره آن تصمیم بگیرد (مشیرزاده، ۱۳۸۵، ص ۲۴۹-۲۵۰).

سیمون دوبووار در این باره معتقد است:

به یاری آبستنی مصنوعی، تحولی کمال می‌پذیرد که به بشریت اجازه می‌دهد بر کار تولیدمثل تسلط یابد. این تغییرها به‌خصوص برای زن اهمیت فراوان دارد. زن می‌تواند تعداد آبستنی‌ها را محدود کند... زن حق تسلط بر پیکر خود را دارد و با گریختن از

1. Simone de Beauvoir.

2. Faridan.



قسمت اعظم بردگی های تولیدمثل، می تواند وظیفه اقتصادی مورد نظرش را به عهده بگیرد (دوبووار، ۱۳۸۰، ص ۲۰۷).

در نقد این اشکال باید گفت هرچند حق انتخاب زن درباره بدنش لازم است و نباید او را به حمل جنین و تولد فرزند مجبور کرد، اما جنین را (به عنوان یک انسان دارای حق حیات) نمی توان از بین برد. در اسلام و اخلاق اسلامی، هیچ انسانی نه تنها حق و اختیار آسیب زدن به دیگران را ندارد، بلکه از آسیب زدن به عضوی از اعضای خود نیز منع شده است. از این منظر، حیات انسان، چه مادی چه معنوی، از آن خداوند است و هیچ انسانی بدون اذن الهی، حق تصرف در آن را ندارد؛ از این رو، خودکشی و از بین بردن حیات خویش نیز امری ممنوع و حرام است. لازمه چنین نگاهی، حرمت سقط جنین است (ر.ک: چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، ص ۲۱۲-۲۱۳).

بنابراین، اگر کسی خود را مالک حیات و زندگی خویش تصور کند، ممکن است این حق را برای خود قائل باشد که خودکشی کند یا این را حق مسلم خود بداند که آن را بفروشد یا به رهن و اجاره دهد و به تن فروشی و بزهکاری روی آورد. درحالی که در اسلام براساس مبنای امانت، حقوق و تکالیف انسان به گونه ای است که هرکس امانت دار مال، جان، هویت و سرنوشت خویش است.

چنین انسان امانت داری نمی تواند سرنوشت خود را به دلخواه و مالکانه رقم زند یا چنین حق داشته باشد که درباره ادامه حیات خویش، تسلیم قوانین خودساخته گردد، بلکه او هرگونه تخطی از حقوق الهی درباره جان و مال و ناموس خویش را گناهی نابخشودنی می داند... برخلاف نگاه مالکیت که با پندار غلط و توهم باطل، هیچ چیز را برای خود به دست نمی آورد، بلکه ذلت و خواری را تحصیل می کند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۹۸).

قرآن می فرماید: ﴿وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ﴾ (بقره، ۱۹۵)؛ یعنی هیچ کس نمی تواند بگوید چون حفظ حیات و زندگی، حق طبیعی من است، هرگونه که بخواهم



می‌توانم در آن تصرف کنم؛ چنان‌که مدافعان خودکشی می‌گویند انسان آزاد است که... دست به هر کاری بزند و در بدن خود تصرف کند.

این دیدگاه با تفکر دینی شدیداً در تعارض است؛ زیرا خداوند خواسته است حیات انسان، حیاتی معقول بوده و او برای حفظ چنین حیاتی کوشا باشد، درحالی‌که انتحار و خودزنی و کشتن جنین با حفظ حیات انسانی در تضاد است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۸ الف، ص ۲۶۶-۲۶۷).

بنابراین، اخلاق اسلامی با تأکید بر حیات به‌عنوان امانت الهی و منع تصرف در آن، به‌طور کلی، سقط جنین را مذموم می‌داند و آن را با اخلاق اسلامی و حق حیات انسان در تراحم می‌بیند.

۲.۱. جنین، بخشی از بافت بدن

منتقدان رویکرد عدم جواز مطلق بر این باورند که جنین، انسان نیست که قتل آن جایز یا خطا باشد، بلکه بخشی از بافت بدن است. فمسنیت مشهور، مری آنه وارن^۱، معتقد است چیزی که اخلاقاً درست نیست، کشتن «انسان» است و چون «جنین»، انسان نیست، بلکه بخشی از بافت مانند از بدن مادر نظیر آپاندیس است، از بین بردن آن خطا نیست (شریفی و همکاران، ۱۳۹۶، ص ۳۶).

در نقد این سخن باید گفت جنین هرچند از لحظه لقاح، تمام خصوصیات انسان کامل را ندارد، اما همین لخته خون، در مسیر تکامل و رشد تدریجی و سیر به‌سوی تبدیل شدن به انسان کامل قرار دارد؛ براین اساس، حیات انسان از دوران جنینی شروع می‌شود و حتی پیش از تشکیل نطفه نیز باید مورد توجه قرار گیرد.

در آموزه‌های دینی، سلب زندگی از جنین، جرم به‌شمار می‌آید و عملی غیراخلاقی است؛ زیرا موجودیت انسان از زمان پیوند دو سلول جنسی اولیه آغاز

1. Mary Anna Warren.



می‌گردد و از بین بردن آن، در هر مرحله‌ای، نابودی مرحله‌ای از انسانیت به شمار می‌آید که در مسیر فعلیت و بروز هویت انسانی قرار گرفته است (ر.ک: آیت‌اللهی، ۱۳۸۱، ج ۳: ص ۱۱۹).

بنابراین، از بین بردن جنین، از همان لحظه لقاح، از منظر اخلاق اسلامی، عملی ناشایست است؛ چراکه جنین از آغاز پیوند سلولی در مسیر انسان شدن است و اخلاقاً سلب حق حیات از آن، جایز نیست.

۳.۱. بی‌توجهی به جنین ناقص‌الخلقه و عسر و حرج ناشی از آن

دیدگاهی که قائل به عدم جواز سقط جنین است، اولویت مادی و آزادی فردی مادر را نادیده می‌گیرد و از داشتن جنین ناقص‌الخلقه حمایت می‌کند. گاهی ممکن است حفظ جنین ناقص‌الخلقه برای مادر خطرناک باشد. دیدگاه فمینیستی در توجیه سقط جنین «ناقص‌الخلقه» و نامشروع، بر دو پیش‌فرض استوار است: اول، اولویت رفاه مادی؛ هر عاملی که رفاه مادی را محدود کند، قابل حذف است؛ زیرا جنین ناقص‌الخلقه به‌عنوان عامل محدودکننده رفاه مادی توجیه می‌شود. دوم، آزادی فردی: هر کس حق انجام هر کاری را دارد و براین اساس، سقط جنین به‌عنوان حق فردی زن توجیه می‌شود (ر.ک: متمسک، ۱۳۸۰، ص ۴۸۲).

در نقد این سخن باید گفت از منظر اسلام و اخلاق اسلامی، انسان ناقص‌الخلقه وجود ندارد. ممکن است اعضا و جوارح کسی ناقص باشد، اما روح، ناقص‌الخلقه نیست؛ زیرا قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا﴾؛ «قسم به جان آدمی که خدا او را مستوی‌الخلقه آفرید» (شمس، ۷). پس انسان ناقص‌الخلقه نیست. خداوند در تفسیر تسویه نفس می‌فرماید: ﴿قَالَهُمَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا﴾ (شمس، ۸)؛ یعنی تسویه نفس به الهام فجور و تقواست. روحی که در انسان عاقل هست و روحی که در انسان دیوانه هست، هر دو از



﴿نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر، ۲۹) هستند و فرقی ندارند (جوادی آملی، ۱۳۹۲، ج ۳۱: ص ۱۳۲).

انسان، روحی دارد ملکوتی؛ این موجد خارجی است که نه زمان دارد و نه مکان، نه مترم است و نه متمکن، نه تهی و خالی خلق شد و نه عاریتی است. آنچه مربوط به گوهر هستی اوست، اصل معرفتی است که خدا به او داده و فرمود: من هیچ انسانی را ناقص الخلقه خلق نکردم، ﴿وَلَقَدْ أَنشَأْنَا نَفْسًا وَنَا سَوَاءَهَا﴾؛ سوگند به روح آدمی و سوگند به خدایی که روح آدمی را مستوی الخلقه خلق کرد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۷، ج ۹: ص ۲۷۱).

بنابراین، نمی توان جنین انسانی که دارای روح خدایی و عطیة الهی است، به دلیل بی توجهی والدین و به بهانه اولویت رفاه مادی و آزادی فردی مادر، به مذبح فرستاد؛ زیرا روح انسان، حتی انسان دارای نقصان در خلقت، یک هستی ملکوتی و مستقل از محدودیت های مادی و زمان و مکان معرفی می شود. با این توضیح، سقط جنین عملی ضد اخلاقی و تجاوز به حق زندگی یک هستی ملکوتی و مستوی الخلقه محسوب می شود. براین اساس، با توجه به قدسیت روح انسان و رد وجود انسان ناقص الخلقه، قتل جنین، از نظر اخلاقی ناموجه است. اگر چنین قتلی موجه باشد، باید قتل انسان های سالم از نظر خلقت نیز که در زندگی دنیایی دچار تصادف و نقص عضو می شوند، از منظر اخلاقی موجه باشد.

۲. رویکرد جواز مطلق سقط جنین

رویکرد دوم، جواز مطلق سقط جنین است. از نظر بسیاری از فمینیست ها، بیانیه موسوم به «روی وید» در سال ۱۹۷۳م، در حکم منشور آزادی زنان به شمار می آید:

زن در آن [بیانیه] به عنوان یک «فرد مستقل» پذیرفته شده و «قانونی شدن سقط جنین»، آزادی رفتار جنسی زنان را تثبیت کرده و آن ها را از قید و بندهای مردانه رهانیده است. فمینیست ها از سقط جنین، به عنوان دگرگونی مقدس که پیوسته باید از آن حمایت کرد، یاد



می‌کنند. آن‌ها این دکترین را سنگ بنای آزادی جنسی قلمداد کرده و با هرگونه عملکردی که به محدودشدن آن منجر شود، مخالفت می‌کنند (حق‌شناس، ۱۳۸۹، ص ۳۶).

از این رو، جنین را نه انسان که بخشی از بافت بدن تلقی می‌کنند و قتل آن را جایز می‌دانند. در ذیل، ادله حامیان جواز مطلق سقط جنین را طرح کرده، به نقد و بررسی آن‌ها می‌پردازیم:

۱.۲. حق حاکمیت و آزادی کامل و بی‌قید و شرط زن بر بدن

فمینیست‌ها بر این باورند که حق حاکمیت و آزادی زن، کامل و بی‌قید و شرط است؛ هیچ‌کس نباید در تصمیم‌گیری زن درباره بدن و انتخاب مادرشدن یا نشدن او دخالت کند. تکثیر نسل و مادری، مسئولیتی سختی بر عهده زنان و سرکوبی آنان است که زنان باید از این بند رها و آزاد شوند و بر تصمیم‌گیری جسم خود اختیار و کنترل داشته باشند؛ از این رو، فمینیست‌ها سقط جنین را حق مسلم زن برای کنترل بدن و خاتمه‌دادن به بارداری می‌دانند و اعمال هرگونه محدودیت برای حق زن در سقط جنین را نقض آزادی و استقلال او تلقی می‌کنند (ر.ک: چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

عمده‌ترین دلایل فمینیست‌ها در جواز مطلق سقط جنین، در دو مسئله اساسی ریشه دارد: اول، حق زنان در کنترل جسم خود، و دوم، فاعل مختار شمردن زن. برخی از فمینیست‌های لیبرال علاقمند به بارداری زنان‌اند و برخی از فمینیست‌های مسیحی نیز سقط جنین را قتل نفس می‌دانند (هام، ۱۳۸۲، ص ۲۳)؛ اما فمینیست‌های رادیکال، سرسخت‌ترین حامیان سقط جنین هستند. هر دو جریان فمینیسم لیبرال و رادیکال معتقدند زن حق دارد بر جسم خود کنترل داشته باشد و زنان باید به جسم خود آگاهی و بر آن کنترل داشته باشند. زنان حق پایان‌دادن به بارداری یا سقط جنین را دارند و این امری شخصی و مربوط به خود زن است، نه دولت (ر.ک: مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۸۶).



در واقع، سلطه مردان بر زنان برگرفته از تقسیم‌بندی زیست‌شناختی وظایفی است که زن را مسئول تولیدمثل می‌کند؛ وظایفی که به‌طور ذاتی، زنان را در مقام ضعف قرار داده، آن‌ها را به مردان وابسته می‌کند. تکنولوژی تولیدمثل می‌تواند وظایف تولیدمثل را به‌طور مشترک به مرد و زن واگذار کند و سلطه مردان بر زنان را به چالش بکشد (ر.ک: فریدمن، ۱۳۸۱، ص ۱۱۰).

بتی فریدان، نظریه‌پرداز لیبرال، معتقد است حق سلطه زنان بر بدن، ناشی از اصل برابری زن و مرد (به‌عنوان انسان) است و مادری تنها زمانی مسئولانه است که زنان با آگاهی و مسئولیت‌پذیری تصمیم به مادرشدن بگیرند؛ حق انتخاب مادرشدن یا نشدن، تنها به زن تعلق دارد؛ لذا حق کنترل باروری، حقی انسانی است که هیچ مرجعی به‌جز خود زن، حق تصمیم‌گیری درباره آن را ندارد (ر.ک: مشیرزاده، ۱۳۸۳، ص ۲۴۹-۲۵۰).

بنابراین، «آزادی مطلق سقط جنین در فمینیسم بر پایه دو اصل قرار دارد: اختیار تن خود را داشتن و تصمیم‌گیرنده‌بودن؛ چراکه تولیدمثل، تأثیر زیادی بر زنان می‌گذارد. آنان حق دارند عاملی را که می‌تواند بر آینده زندگی‌شان تأثیر بگذارد، خود انتخاب و درباره آن تصمیم‌گیری کنند» (چراغی کوتیانی، ۱۳۹۳، ص ۱۳۷).

این حق زن است که بخواهد بچه‌دار شود یا نه. اگر ناخواسته حامله شود (بدون توجه به چگونگی آن) می‌تواند به‌صورت قانونی، سقط جنین را انتخاب کند (ر.ک: مانستن، ۱۳۷۴، ج ۱: ص ۱۴۰).

در نقد این رویکرد باید گفت اسلام و رویکرد اخلاقی آن، برخلاف نگرش لیبرالیستی فمینیسم که به‌دلیل اعتقاد به اصالت فرد و منافع فردی، زنان را مالک جسم خود می‌داند و حکم به جواز سقط جنین می‌دهد، با سقط جنین در هر مرحله مخالف است؛ زیرا همان‌گونه که گذشت:

اولاً، در نگرش اسلامی، زن حق ندارد به این دلیل که مالک جسم خویش است، حیات موجودی دیگر را به خطر اندازد. اسلام، برخلاف فمینیسم که بارداری و فرایند تولیدمثل را باری بر زنان می‌داند، آن را سبب‌ساز ستم به آنان نمی‌داند و نگاه اسلامی، نگاهی توأم



با ارزش و احترام است. در اسلام، تولیدمثل، فرایند انسان‌سازی و مسیری است که در آن با پرورش فرزندان باایمان، دین خدا در زمین گسترش می‌یابد و در گستره زمین، خداوند عبادت می‌شود. این نوع نگاه، ارزش تولیدمثل را در سطح فریضه‌ای چون جهاد در راه خدا قرار می‌دهد (ر.ک: چراغی کوتیانی، ۱۲۹۳، ص ۲۰۸).

ثانیاً، برخلاف نظر مخالفان سقط جنین که مهم‌ترین موضوع اخلاقی سقط جنین را حق زندگی جنین می‌دانند، از دیدگاه اسلام، حق حیات، مهم‌ترین حق انسان است و همه حقوق دیگر از آن نشئت می‌گیرند. آنان حق زندگی جنین را در مقابل حق انتخاب مادر قرار می‌دهند. از نظر اخلاقی، حق زندگی یک انسان (حتی جنین) بر حقوق دیگر، از جمله حق انتخاب مادر، اولویت دارد. سقط جنین، به معنی نقض حق زندگی و حیات یک انسان است و حکم آن معادل قتل نفس است: «سقط جنین، مانند قتل نفس حرام است و به معنای نقض حق حیات یک انسان است» (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ص ۲۸۹-۲۹۰) و «حق حیات از آن خداست و هیچ کس، حتی خود انسان، مالک جان خود یا دیگران نیست» (جوادی آملی، ۱۳۹۶، ص ۳۴۱-۳۴۳).

بنابراین، براساس آموزه‌های دینی و با تأکید بر قدسیت روح و حیات انسان از لحظه لقاح، سقط جنین یک عمل غیر اخلاقی محسوب می‌شود. این حق حیات نمی‌تواند حق فردی زن و کنترل او بر بدن خود را با گرفتن حق حیات جنین توجیه کند.

۲.۲. آزادی جنسی زن

از نظر دیدگاه‌های فمینیستی، «بارداری، بزرگ‌ترین مانع آزادی جنسی زنان است. نداشتن فرزند، یکی از حقوق زنان است که آنان را از چهارچوب جنسی سنتی نجات داده، مانند مرد، آزاد می‌سازد» (فاکس، ۱۳۸۱، ص ۲۳۳). آنان معتقدند زنان باید آزاد باشند تا درباره رابطه جنسی خود تصمیم بگیرند؛ از این رو، سقط جنین به زنان اجازه می‌دهد بدون ترس از بارداری و مادرشدن، زندگی جنسی مناسب با اراده خود داشته باشند و آزادانه به فعالیت‌های جنسی بپردازند. امروزه تنظیم رفتار جنسی برای مردان و زنان به‌طور یکسان



حاصل نمی‌شود و... ارضای تمایلات جنسی همچنان برحسب معیارهای مردانه تعریف می‌شود و سائق جنسی مرد قوی‌تر از سائق جنسی زن فرض می‌گردد (ر.ک: بستان، ۱۳۸۵، ص ۶۸).

آزادی و ترتیب جنسی آرمانی برای فمینیست‌ها این است که هرکسی مناسب‌ترین سبک زندگی را برای خود برگزیند و گزینش او از سوی دیگران مورد احترام قرار گیرد، خواه خانه‌داری یا خانه شوهری باشد یا زندگی مجردی، بچه‌دار یا بی‌بچه و یا نوعی ارضای جنسی انعطاف‌پذیر را در پیش گیرد (ر.ک: ریتزر، ۱۳۸۰، ص ۴۷۷).

در ارزیابی این دیدگاه باید گفت از منظر دینی و اخلاقی، این نگرش مقام انسان را از برخی از حیوانات پست‌تر می‌کند؛ زیرا حتی برخی از حیوانات هم برای تولیدمثل، دارای قانون و نظم هستند؛ چنان‌که هر کبوتر برای جفت‌گیری و تولیدمثل با کبوتری معین می‌آمیزد و هر دو به کمک یکدیگر آشیانه‌ای می‌سازند. این روش، نوعی تعهد و اختصاص بین نر و ماده پدید می‌آورد و هریک از آن‌ها خود را در حفظ تخم و تدبیر برای تبدیل آن به جوجه و همچنین، در تغذیه و تربیت جوجه‌ها شریک می‌داند. این اشتراک مساعی تا پایان تربیت اولاد و رساندن آن‌ها به توانمندی اداره زندگی و جداسدن از پدر و مادر ادامه دارد. آزادی بی‌حد و حصر زن و مرد، ارمغانی تازه نیست، بلکه همان سنت جاهلی قبل از اسلام است که زنان و مردان به انواع فساد و فحشا تن می‌دادند (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۶، ج ۱۷: ص ۲۷۴).

بنابراین، از منظر این رویکرد، در صورت تزامم بین حق آزادی جنسی زن و حق آزادی آنان در انتخاب شرکای جنسی (ترویج فحشا)، با مسئولیت‌گریزی آنان در بارداری و آزادی سقط‌جنین، آزادی جنسی زنان مقدم و آنان در گرفتن حق حیات جنین مختارند؛ امری که از منظر اخلاقی، عقلی و شرعی ناپسند است.



۳. رویکرد قائل به تفصیل

در این رویکرد، دو دیدگاه مطرح است: اول، پیش از دمیده شدن روح در جنین و مخاطره سلامت مادر و حرج برای او و جواز سقط، و دوم، پس از دمیده شدن روح و خطر مرگ مادر در صورت ادامه بارداری و نیز شباهت جنین به اندام حیوان که در این دو مورد، سقط جنین جایز است. در غیر این موارد، سقط قبل و بعد از دمیدن روح جایز نیست (ر.ک: فیاض، ۱۴۲۶ق، ص ۷۴۳-۷۴۴). در اینجا به طرح و بررسی این رویکرد و ادله هریک از دیدگاه‌های آن می‌پردازیم:

۳.۱. اختلاف در زمان دمیده شدن روح

گفته شده بدان دلیل که تعیین زمان دمیده شدن روح از نظر علمی و فقهی محل بحث و اختلاف است و تعیین زمان قطعی برای آن دشوار است، رویکرد تفصیل بین قبل و بعد از حلول روح و جواز یا عدم جواز سقط، قابل اعتنا نیست و وجود حرج برای مادر یا جامعه و نیز آزادی انتخاب زن و آزادی جنسی او می‌تواند مجوز سقط جنین باشد. با استناد به عبارت قرآنی ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر، ۲۹؛ ص، ۷۲) که دمیدن روح را به مرحله بعد از تکمیل بدن جنین و مشخص شدن جنسیت آن منسوب کرده است، زمان دمیده شدن روح بعد از ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾ (مؤمنون، ۱۴) است؛ یعنی پس از شکل‌گیری بدن اتفاق می‌افتد؛ چنان‌که علامه جوادی آملی می‌فرماید:

ذات اقدس اله، مسئله انسان را به یک اصل که روح اوست و به یک فرع که تن اوست، تحلیل می‌کند و این فرع را به طبیعت و ماده و طین و تراب اسناد می‌دهد: ﴿إِنِّي خَالِقُ بَشَرًا مِنْ طِينٍ﴾ (ص، ۷۱) و آن اصل را به خود اسناد می‌دهد و می‌فرماید: ﴿وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي﴾ (حجر، ۲۹). آن‌گاه می‌فرماید: ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ (مؤمنون، ۱۴)؛ ما به او روح دادیم؛ یعنی هنگام دمیدن روح، مسئله زن و مرد تمام شده است، یعنی بعد از ﴿فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا﴾. وقتی صورت‌نگر، صورت‌سازی نمود و مسئله ذکورت و انوشت تمام شد، آن‌گاه ﴿ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ﴾ که آن خلق دیگر ذکور



و اناث ندارد. در آیه دیگر، ذکورت و انوٲت را به طبیعت و ماده برمی گردانند: ﴿أَلَمْ يَكُنْ نُطْفَةً مِنْ مَنِيٍّ يُُمْنَىٰ، ثُمَّ كَانَ عَلَقَةً فَخَلَقَ فَسَوَّىٰ، فَجَعَلَ مِنْهُ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنْثَىٰ﴾ (قیامت، ۳۷-۳۹)؛ آیا او نطفه از منی که (در رحم) ریخته می شود، نبود؟ سپس، به صورت خون بسته در آمد و خدا او را آفرید و پرداخت و از او دو زوج مرد و زن قرار داد. در هر صورت، روح بعد از پیدایش ذکورت و انوٲت است؛ یعنی پس از اینکه بدن، دوران مذکر و مؤنث را پشت سر گذاشت، آن گاه روح پدید می آید (جوادی آملی، ۱۳۸۸ ب، ص ۱۱۱-۱۱۲).

بنابراین، در پاسخ باید گفت اولاً، نیازی به تعیین زمان حلول روح در جنین نیست. ثانیاً، زمان حلول روح در جنین مشخص است و آن پس از تکمیل بدن جنین و مشخص شدن جنسیت آن است. ثالثاً، در اسلام تفاوتی بین حلول روح و عدم حلول نیست؛ زیرا همان طور که گذشت، آغاز خلقت، نطفه است که حتی با مصرف دارو نمی توان آن را از بین برد.

۳.۲. بی توجهی به عسر و حرج جنین ناقص الخلقه، پیش از دمیده شدن روح

یکی از اشکالات بر رویکرد تفصیل این است که به سقط جنین ناقص الخلقه پیش از حلول روح، به لحاظ حرج شدیدی که به جنین، خانواده و اجتماع وارد می شود، توجه نشده است. در حالی که پیش از دمیدن روح، اگر جنین دارای نقص عضو باشد و هنوز به صورت انسان کامل در نیامده باشد، بعید نیست سقط جنین جایز باشد؛ زیرا امکان ادعای اینکه ادله حرمت سقط منصرف از مثل این مورد است، وجود دارد و آن موردی است که سقط جنین تنها به دلیل رأفت و شفقت به جنین نیست، بلکه به لحاظ حرج شدیدی است که بر خانواده وی و بلکه بر اجتماع وارد می شود (طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۴).

البته باید توجه داشت که جواز این عمل مشروط به تحقق علم یا ظن نزدیک به علم (اطمینان آور) است؛ بنابراین، اقدام به این عمل به مجرد احتمال، جایز نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۱۹ ق، ص ۳۵).



افزون‌براین، براساس برخی از آرا، معلولیت یا نقص جنین، اگر موجب حرج بر خانواده شود، بنا بر قاعده نفی حرج، حرمت سقط پیش از دمیده شدن روح برداشته می‌شود. البته ملاک حرجیت، با تمسک به دلیل نفی حرج و عسر یا نفی ضرر، در بیماری‌های کشنده‌ای نظیر ایدز حائز است؛ مشروط به حصول حرج و علم به ابتلای جنین به بیماری مزبور پیش از دمیدن روح. اما در بیماری ایدز، انتقال این بیماری به جنین، اولاً احتمالی است و ثانیاً امکان تشخیص آن در ماه‌های آخر بارداری یعنی پس از چهار ماه، ممکن است؛ ازاین‌رو، در صورت معلولیت و نقص جنین نیز سقط جایز نیست (ر.ک: خرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۰) و به قاعده لاجرح به چند دلیل نمی‌توان تمسک کرد؛ زیرا:

۱. اکثر این موارد، حرج نیست و ادله نفی حرج، شامل مواردی که بالطبع حرج متوجه انسان می‌شود، نیست. بنابراین، کسی که حرجی متوجه وی می‌شود، نمی‌تواند آن را متوجه غیر کند؛ چنان‌که با این قاعده نمی‌توان ضرری را که متوجه انسان شده، به غیر وارد کرد؛ زیرا هر دو قاعده نفی حرج و نفی ضرر، امتنانی است و متوجه ساختن ضرر یا حرج به غیر، خلاف امتنان است؛

۲. حرج تقدیری و استقبالی مانع حرمت فعلی نیست؛ یعنی نمی‌توان با این بهانه که چون در آینده ممکن است مادر و خانواده فرزندی که به دنیا می‌آید، دچار حرج شوند، حرمت فعلی سقط جنین را نفی کرد؛ مگر اینکه احراز حرج، باوجود علم به آن در آینده باشد (ر.ک: طلعتی، ۱۳۸۳، ص ۳۲۵)؛

۳. حرج مجوز قتل نمی‌شود. آیا کسی می‌تواند پدر و مادر کهن سال خود را که موجب حرج او شده‌اند، از بین ببرد؟ در اینجا نیز مقدم شدن حرمت سقط جنین بر حرمت تأخیر اجرای حدود، باوجود اهمیت اجرای حد، می‌تواند شاهی بر اهمیت حفظ نفس جنین باشد؛ پس به دلیل حرج، ضرر، اضطراب و مانند آن، نمی‌توان از وجوب حفظ نفس جنین دست برداشت (ر.ک: خرازی، ۱۴۲۰ق، ص ۸۰).



بنابراین، بر رویکرد تفصیل که سقط جنین ناقص الخلقه را مطلقاً (قبل از دمیدن روح یا بعد از آن) جایز نمی‌داند، نقدی وارد نیست؛ زیرا اخلاقاً سقط چنین جنینی درست نیست و عسر و حرج جنین برای خانواده و جامعه، به دلیل داشتن انسانی ناقص الخلقه، نمی‌تواند مجوزی برای قتل او باشد.

۳.۳. جواز قتل جنین دارای اندام مشابه اندام حیوان

از منظر رویکرد تفصیلی، اگر اندام جنین در شکم مادر، شبیه اندام حیوان باشد و در اعضای عمده بدن، شباهتی به انسان نداشته باشد، سقط جنین جایز است. در این زمینه، اگر شدت ناهنجاری زیاد باشد و تطوّر جنین تا مرحله دمیده شدن روح ممکن نباشد، با استفاده از صحیحۀ رفافه، حرمت اسقاط جنین منتفی است: «لِأَنَّ النُّطْفَةَ إِذَا وَقَعَتْ فِي الرَّحِمِ تَصِيرُ إِلَى عِلْقَةٍ ثُمَّ إِلَى مُضْغَةٍ ثُمَّ إِلَى مَا شَاءَ اللَّهُ؛ زَمَانِي كَهَ فِي رَحِمِ اسْتَقْرَارِ يَابِدُ، بِهِ عِلْقَهُ وَ سِيسُ، بِهِ مُضْغَهُ وَ بَعْدُ، بِهِ أَنْجَحَهُ خُذَا وَ هُوَ يَتَغَيَّرُ يَابِدُ» (ابن بابویه، ۱۳۶۲ق، ج ۱: ص ۹۴). طبق این روایت، حرمت اسقاط در جایی است که نطفه در مسیر تکامل و انسان شدن قرار گیرد، نه نطفه‌ای که مانند غده یا شبیه آن، امکان بلوغ به جنین مرحله‌ای را ندارد. در این صورت، سقط جنین دچار ناهنجاری که هنوز به حد انسانی و ولوج روح نرسیده، اشکال ندارد؛ مانند آنکه به صورت حیوان است یا سر ندارد. البته این دیدگاه در جایی است که روح در جنین دمیده نشده است؛ اما پس از آن، اسقاط به هیچ وجه جایز نیست، هر چند حرج شدید بر مادر و پدرش وارد شود. اما اگر جنین دارای اندام‌های حیوان و ناقص الخلقه، پس از دمیده شدن روح، دچار ناهنجاری باشد، دو دیدگاه مطرح می‌شود:

۱. عدم جواز سقط؛ زیرا انسان زنده بر آن اطلاق می‌شود و همان‌طور که کشتن انسان ناقص الخلقه (مانند مجانین) پس از ولادت، جایز نیست، قبل از ولادت و پس از نفخ روح و صدق انسان کامل بر آن نیز جایز نیست؛ زیرا شامل اطلاقات حرمت قتل می‌شود؛ چنان‌که عمومات حرمت قتل جنین، جنین سالم و ناقص الخلقه را پس از نفخ روح شامل می‌شود؛

۲. جواز سقط جنین: بنا بر قاعده نفی حرج و «الضرورات تبیح المحظورات»، شاید بتوان گفت با توجه به حرج متوجه جنین، پدر و مادر و جامعه، محظور حرمت سقط جنین

برداشته می‌شود؛ به‌خصوص اینکه میان حرمت جنین و فرزندى که به دنیا می‌آید، تفاوت وجود دارد. اما چنین ضرورت‌هایی برای حکم به اباحه کفایت نمی‌کند؛ پس کشتن جنین پس از چهارماهگی او و دمیده‌شدن روح، جایز نیست.

بنابراین، نظر اول، سقط را به‌دلیل حرمت قتل انسان جایز نمی‌داند و نظر دوم، با توجه به حرج و ضرر، جواز سقط را مطرح می‌کند. با توجه به مباحث اخلاقی، مثل حرمت حیات، دفاع از نفس و حق زندگی، به‌طور کلی می‌توان گفت سقط جنین در چنین شرایطی از نظر اخلاقی جایز نیست و این دیدگاه به حفظ حیات انسان، حتی در شرایط ناهنجاری و ناقص‌الخلقه‌بودن، اهمیت می‌دهد و حرج برای مادر یا جنین نمی‌تواند مجوزی برای سقط جنین باشد.





نتیجه‌گیری

براساس آنچه گذشت، نتایج زیر به دست می‌آید:

۱. سقط جنین به معنی از بین بردن و اسقاط آگاهانه حیات جنین و خارج کردن عمدی آن از رحم، به منظوری غیر از تولد یا درآوردن جنین مرده است که گاهی عمدی و گاهی غیر عمدی می‌باشد؛

۲. در حوزه اخلاق، این پرسش‌ها مطرح است: آیا جنین، انسان است و سقط آن مانند قتل یک انسان بی‌گناه تلقی می‌شود؟ آیا مخالفت با آن، با آزادی زن در تضاد است؟ آیا جنین‌های ناقص‌الخلقه قابل اسقاط هستند؟ آیا به دلیل مخاطره حیات مادر، می‌توان جنین را اسقاط کرد؟ در پاسخ سه رویکرد مطرح است: جواز مطلق سقط جنین، عدم جواز مطلق سقط جنین و قول به تفصیل بین حلول روح و عدم حلول روح؛

۳. فمینیست‌ها، قانونی شدن سقط جنین را آزادی رفتار جنسی زنان دانسته، معتقدند: کشتن «انسان» نادرست است و چون «جنین» انسان نیست، از بین بردن آن خطا نیست؛

۴. مخالفان سقط جنین معتقدند از مراحل ابتدایی و انعقاد نطفه و بارداری تا تولد انسان کامل، حتی درباره جنین‌های ناقص، سقط عملی ضد اخلاقی و به طور کلی ممنوع است و اخلاقاً و شرعاً شایسته نیست؛

۵. طبق قول به تفصیل، سقط قبل از دمیدن روح، اگر برای سلامت مادر مضر باشد، جایز است؛ اما پس از دمیدن روح، در صورت وجود خطر مرگ مادر یا ناهنجاری شدید جنین، سقط از نظر اخلاقی جایز است. در غیر این صورت، سقط جایز نیست؛

۶. در اسلام، مالک حقیقی همگان خداست. هیچ کس در برابر خدا، مالک حیات خود یا دیگران نیست: «تنها اوست که می‌میراند و زنده می‌کند» (نجم، ۴۴)، «جانی که نزد خدا محترم است، جز به حق نستائید» (اسراء، ۳۳). از منظر اخلاقی و دینی، سقط جنین جایز نیست و تفاوتی بین حلول روح و عدم آن وجود ندارد؛ زیرا نطفه بالقوه انسان است.



سقط جنین عمدی نیز به دلیل معلولیت احتمالی کودک، خطر برای جان مادر، محدودیت آزادی او، جنین غیرطبیعی، مشکلات متعدد جسمی یا عقب ماندگی ذهنی، جایز نیست؛ ۷. نمی توان جنین انسانی که روح خدایی دارد و عطیة الهی است، به بهانه اولویت رفاه مادی و آزادی فردی مادر به مذبح فرستاد؛ زیرا حتی جنین دارای نقصان، انسان است و حق حیات دارد و سقط او عملی ضد اخلاقی و تجاوز به حق زندگی دیگران است؛ ۸. این سخن که انعقاد نطفه به خواست مادر صورت گرفته و او مسئول حفظ و به دنیا آوردن جنین است، پس مادر در حفظ یا سقط آزاد است، با مبانی اسلامی نیز سازگار است؛ زیرا در مسئولیت پذیری مادر، پاداش هایی نهفته است که قابل مقایسه با سختی های بارداری نیست. این مهم در روایات بسیاری منعکس شده است؛ ۹. اینکه مادر، مالک بدن خویش است، به پیش از آمیزش جنسی مربوط می شود؛ سقط پس از انعقاد نطفه، غیر اخلاقی است. پس از بارداری، حتی اگر جان مادر در خطر باشد، وظیفه اخلاقی پزشک در شرایطی که مستلزم کشتن جنین است، پرهیز از آن است؛ زیرا هیچ تفاوتی بین احترام جان مادر و جنین وجود ندارد. ترجیح جان مادر به بهانه سختی و دشواری بارداری، مجوزی برای سلب حیات جنین نیست؛ ۱۰. عسر و حرج و ضرر ناشی از بارداری مادر نیز نمی تواند مجوزی برای سقط جنین باشد؛ زیرا براساس «قاعدة لاضرر» در کلام پیامبر اسلام، ضرر نافی زیان و خسارتی است که فرد بر جسم، مال، آبرو و شخصیت محترم وارد می کند. طبیعی است که در موضوع سقط جنین، ضرر هم به مادر و هم به جنین وارد می شود. بارداری برای مادر دارای مشقت است؛ اما سختی دوران بارداری، مجوزی برای قتل یک انسان نیست؛ ۱۱. اینکه بارداری مانع کام جویی و آزادی جنسی زنان باشد، مجوز اسقاط جنین نیست. بسیاری از مردان و زنان هوسران، بارداری را مانع کام جویی خود می دانند؛ به همین دلیل، شعار سقط جنین سر می دهند. در اخلاق اسلامی، میل به آمیزش جنسی و رهاشدگی در این عرصه، موجب انحطاط اخلاقی جامعه و فروپاشی کانون خانواده است؛ نمی توان برای راحتی خویش، جان دیگران را ستاند؛



۱۲. به نظر می‌رسد از آنجا که در قرآن و معارف اهل بیت علیهم‌السلام، جنین از لحظه انعقاد نطفه، بالقوه یک انسان و در مسیر رشد و انسان شدن است، به هیچ وجه نمی‌توان آن را از بین برد؛ زیرا اسقاط عمدی جنین، طبق روایات، جنایت و حرام و به تبع، موجب دیه است. در روایات، در مواردی که مادر مرتکب سقط عمدی شده باشد، به صراحت قاتل شمرده شده است؛ زیرا سلب حیات جنین در مرحله نطفه و استقرار آن در رحم نیز موجب دیه است. بنابراین، سلب حیات جنین، قتل محسوب می‌شود؛

۱۳. بنابراین، با مقایسه دو نظام اخلاقی اسلام و سکولار، باید گفت اینکه در بیشتر نظام‌های اخلاقی غیردینی و سکولار، سقط جنین امری مجاز شمرده می‌شود و عملی ضد اخلاقی به حساب نمی‌آید، به این دلیل است که آن‌ها بیشتر از بُعد مادی و جسمی، با نظر به حق انتخاب انسان و طبق مبانی سودگرایی، لذت‌گرایی، راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی به موضوع نگاه می‌کنند؛ اما در نظام اخلاقی اسلام، افزون‌بر اینکه جنین یک انسان است، تأثیر سقط جنین بر شخصیت فاعل اخلاقی و نقش آن در نیل به کمال یا سقوط او نیز از منظر اخلاق بررسی می‌شود. بدیهی است که ارتکاب این عمل، بر شخصیت انسان و مهم‌تر از آن، بر جنبه روحانی و ارزش‌های معنوی و کمال حقیقی او تأثیر دارد. اجمالاً ادله غیر اخلاقی بودن اسقاط جنین در اسلام عبارت‌اند از: حمایت از انسان ضعیف (جنین)، احترام به حق حیات جنین، سقط جنین فعل منافی با فطرت انسانی، مسئولیت‌پذیری مادر، نادرستی ضرر به غیر، پیشگیری از بی‌بندوباری در روابط جنسی، قبیح بودن فعل سقط در منابع روایی و نکوهش آن.



کتابنامه

- آیت‌اللهی، زهرا (۱۳۸۱)، *زن و خانواده*، تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲ق)، *الامالی*، چاپ پنجم، بیروت: اعلمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی (بی تا)، *من لا یحضره الفقیه*، قم: جامعه مدرسین.
- بستان، حسین (۱۳۸۵)، *اسلام و جامعه‌شناسی خانواده*، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۸۰)، *ترمینولوژی حقوق*، چاپ یازدهم، تهران: گنج دانش.
- جلالی زاده، جلال (۱۳۸۷)، *مبادی و اصطلاحات علم فقه*، تهران: احسان.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸الف)، *حق و تکلیف*، تحقیق مصطفی خلیلی، چاپ سوم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸ب)، *زن در آینه جلال و جمال*، تحقیق محمود لطیفی، چاپ نوزدهم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۲)، *تسнім*، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۶)، *مفاتیح الحیاة*، تحقیق محمدحسین فلاح زاده و همکاران، چاپ دویست و یازدهم، قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷)، *سروش هدایت*، تحقیق جعفر آریانی، قم: اسراء.
- چراغی کوتیانی، اسماعیل (۱۳۹۳)، *خانواده، اسلام و فمینیسم: تبیین رویکرد اسلام به کارکردهای خانواده*، چاپ دوم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- حق شناس، جعفر (۱۳۸۹)، *نقد فمینیسم از منظر نویسندگان غرب*، قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم (ع).



خرازی، محسن (۱۴۲۰ق)، «تحدید النسل و التعقیم (القسم الثانی)»، *فقه اهل البيت* عليه السلام، ش ۱۵، ص ۴۱-۶۹.

دوبووار، سیمون (۱۳۸۰)، *جنس دوم*، ترجمه قاسم صنعوی، تهران: توس.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۹۰)، *لغت نامه: فرهنگ متوسط دهخدا*، تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ.

دیوسالار، نادر (۱۳۸۱)، «سقط جنین»، *مجله پزشکی قانونی ایران*، سال ۸، ش ۱ (پیاپی ۲۶)، ص ۵۳-۵۶.

ریتزر، جورج (۱۳۸۰)، *نظریه جامعه شناسی در دوران معاصر*، ترجمه محسن ثلاثی، چاپ پنجم، تهران: علمی.

شریفی، احمدحسین و همکاران (۱۳۹۶)، *دانشنامه اخلاق کاربردی*، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

طلعتی، محمدهادی (۱۳۸۳)، *رشد جمعیت، تنظیم خانواده و سقط جنین: آرا و مبانی فقهی-حقوقی*، قم: مؤسسه بوستان.

عمید، حسن (۱۳۸۱)، *فرهنگ عمید*، چاپ بیست و پنجم، تهران: امیرکبیر.
فاکس جلووف، الیزابت (۱۳۸۱)، «زنان و آینده خانواده (آزادی رفتار جنسی و تأثیر آن بر خانواده)»، ترجمه اصغر افتخاری و محمد تراهی، *مطالعات راهبردی زنان*، سال ۵، ش ۱۷، پاییز، ص ۲۳۲-۲۴۳.

فریدمن، جین (۱۳۸۱)، *فمینیسم*، ترجمه فیروزه مهاجر، تهران: آشیان.
فیاض، محمداسحاق (۱۴۲۶ق)، *توضیح المسائل*، قم: مجلسی.
فیاضی، مهدی (۱۳۹۶)، «معیار انسانیت و نقش آن در اخلاق زیستی»، در *دانشنامه اخلاق کاربردی*، احمدحسین شریفی و همکاران، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

مانستن، رونالد (۱۳۷۴)، *مدخله و تأمل در اخلاق پزشکی*، ترجمه فرامرز چمنی و اصغر ابوترابی، تهران: مرکز مطالعات و تحقیقات اخلاق پزشکی.



متمسک، رضا (۱۳۸۰)، «فمینیسم اسلامی؛ واقعیت‌ها و چالش‌ها»، در مجموعه مقالات هم‌اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان؛ اولویت‌ها و رویکردها، قم: پژوهشکده زن و خانواده.

مروّج، حسین (۱۳۷۹)، اصطلاحات فقهی، قم: بخشایش.
مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، مقدمه‌ای بر مطالعات زنان، تهران: وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی.

معین، محمد (۱۳۷۶)، فرهنگ فارسی معین، چاپ یازدهم، تهران: امیرکبیر.
مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۹ق)، «المسائل المستحدثة فی الطب (القسم الثاني)»، فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)، ش ۱۰، ص ۲۷-۵۴.
وبگاه خبرآنلاین، در:

<https://www.khabaronline.ir/news/1768541>.

ویلفورد، ریک (۱۳۷۰)، «فمینیسم»، در مقدمه‌ای بر ایدئولوژی‌های سیاسی، یان مکنزی و دیگران، ترجمه محمد قائد، تهران: مرکز.

هاشمی شاهرودی، محمود (۱۳۸۲)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت، قم: مؤسسه دایرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).

هام، مگی (۱۳۸۲)، فرهنگ نظریه‌های فمینیستی، ترجمه نوشین احمدی خراسانی و دیگران، تهران: توسعه.

Nancy, Ann, Davis (2001). "Abortion" In *Encyclopedia of Ethics*.
edited by Lawrence Becker & Charlotte. second ed., New York &
London: Routledge.

Schur, M. Edwin (1992). "Attitudes toward Abortion" In *The Encyclopedia of Amerisana, volume U.S.A*, Grolier incorporated.



Artificial Intelligence in Medicine: An Ethical Assessment of Developments and Challenges*

Mohadeseh Ghavami-Pour Sereshkeh¹  Amir-Reza Mahmoudi² 

1- PhD student in Criminal Law and Criminology, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran. (Corresponding Author)
mohadeseh.ghavamipour@iau.ir

2- Assistant Professor, Department of Law, Lahijan Branch, Islamic Azad University, Lahijan, Iran.
amirreza.mahmodi@liau.ac.ir



Abstract

Artificial intelligence (AI), as a transformative technology, has profoundly impacted contemporary medicine, bringing about fundamental changes in diagnostic, therapeutic, and managerial processes. While this transformation has enhanced the precision and efficiency of healthcare systems, it has also introduced complex ethical challenges. Key questions center on AI's impact on physician autonomy, accountability in diagnostic errors, patient privacy protection, and equity in access to advanced technologies. This study examines the ethical issues associated with the deployment of AI in the medical domain. Findings indicate that despite considerable benefits—such as improved diagnostic accuracy and reduced human error—there are numerous ethical concerns, including algorithmic

*Cite this article: Ghavami-Pour Sereshkeh, M. Mahmoudi. A.R.(2025). Artificial Intelligence in Medicine: An Ethical Assessment of Developments and Challenges. Journal in Applied Ethics Studies, 2(80), 43-75.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70650.1997>.

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:**2024/12/30 • **Revised:** 2025/05/30 • **Accepted:**2025/05/21 • **Published online:**2025/10/11



bias, the erosion of trust between physicians and patients, and security risks related to health data. Furthermore, the integration of AI into medicine has fundamentally altered the physician–patient relationship, potentially leading to a “digitalization of trust” and diminishing the physician’s role in decision-making. The results underscore the necessity of establishing rigorous regulatory frameworks, ensuring algorithmic transparency, promoting equitable distribution of technology, and safeguarding patient rights to enable the ethical use of AI. The development of these technologies should involve physicians, patients, and policymakers collaboratively to preempt ethical dilemmas.

Keywords

artificial intelligence, medical ethics, diagnosis and treatment, privacy, accountability, health equity.

الذكاء الاصطناعي في الطب: تقييم أخلاقي للتطورات والقضايا*

محدثه قوامي پور سرشكه^۱ اميررضا محمودي^۲

۱- طالبة مرحلة الدكتوراه في القانون الجنائي وعلم الإجرام، جامعة آزاد الإسلامية - فرع لاهيجان. لاهيجان - إيران
(الكتابة المسؤولة)

mohadeseh.ghavamipour@iau.ir

۲- أستاذ مساعد في قسم القانون، جامعة آزاد الإسلامية - فرع لاهيجان. لاهيجان - إيران.

amirreza.mahmodi@liau.ac.ir



مستخلص

لقد أثر الذكاء الاصطناعي (AI)، بمثابة تقنية تحويلية، تأثيراً بالغاً في الطب المعاصر، مُحدثاً تغييرات جذرية في عمليات التشخيص والعلاج والإدارة. وبينما عزز هذا التحول دقة وكفاءة أنظمة الرعاية الصحية، إلا أنه أثار أيضاً قضايا أخلاقية معقدة. تتمحور الأسئلة الرئيسية حول تأثير الذكاء الاصطناعي (AI) على استقلالية الطبيب، والمساءلة في أخطاء التشخيص، وحماية خصوصية المرضى، والمساواة في الوصول إلى التقنيات المتقدمة. تبحث هذه الدراسة في القضايا الأخلاقية المرتبطة باستخدام الذكاء الاصطناعي (AI) في المجال الطبي.

***الاستناد إلى هذه المقالة:** قوامي پور سرشكه، محدثه؛ محمودي، اميررضا (۲۰۲۵). الذكاء الاصطناعي في الطب: تقييم أخلاقي للتطورات والقضايا. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ۲ (۸۰)، صص ۴۳-۷۵.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70650.1997>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ۲۰۲۴/۱۲/۳۰ • تاريخ التعديل: ۲۰۲۵/۰۵/۳۰ • تاريخ القبول: ۲۰۲۵/۰۵/۲۱ • تاريخ الإصدار: ۲۰۲۵/۱۰/۱۱





وتشير النتائج إلى أنه على الرغم من الفوائد الكبيرة، مثل زيادة دقة التشخيص وتقليل الأخطاء البشرية، إلا أن هناك العديد من المخاوف الأخلاقية، بما في ذلك التحيز الخوارزمي، وضعف الثقة بين الأطباء والمرضى، والمخاطر الأمنية المتعلقة بالبيانات الصحية. تبحث هذه الدراسة في القضايا الأخلاقية المرتبطة باستخدام الذكاء الاصطناعي في الطب. وتُظهر النتائج أنه على الرغم من الفوائد الكبيرة، مثل زيادة دقة التشخيص وتقليل الأخطاء البشرية، إلا أن هناك العديد من المخاوف الأخلاقية، مثل التحيز الخوارزمي، وتآكل الثقة بين الأطباء والمرضى، والمخاطر الأمنية المرتبطة بالبيانات الصحية. علاوة على ذلك، أحدث إدخال الذكاء الاصطناعي (AI) في الطب تغييرات جوهرية في العلاقة بين الطبيب والمريض، مما قد يؤدي إلى "رقمنة الثقة"، وتقليل دور الطبيب في صنع القرار. تؤكد النتائج على ضرورة وضع أطر تنظيمية صارمة، وخوارزميات شفافة، وتعزيز التوزيع العادل للتكنولوجيا، وحماية حقوق المرضى من أجل الاستخدام الأخلاقي للذكاء الاصطناعي (AI)، كما ينبغي أن يتعاون الأطباء والمرضى وصنّاع السياسات في تطوير هذه التقنيات للحيلولة دون حدوث المضاعفات الأخلاقية.

الكلمات المفتاحية

الذكاء الاصطناعي، أخلاقيات الطب، التشخيص والعلاج، الخصوصية، المساواة، العدالة في الصحة.

هوش مصنوعی در پزشکی: ارزیابی اخلاقی تحولات و مسائل*

محدثه قوامی پور سرشکه^۱ امیررضا محمودی^۲



۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران (نویسنده مسئول).

mohadeseh.ghavamipour@iau.ir

۲- استادیار گروه حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد لاهیجان، لاهیجان، ایران.

amirreza.mahmodi@liau.ac.ir

چکیده

هوش مصنوعی (AI)، به عنوان فناوری تحول آفرین، تأثیرات عمیقی بر پزشکی معاصر داشته و موجب تغییرات اساسی در فرایندهای تشخیصی، درمانی و مدیریتی گردیده است. این تحول، ضمن بهبود دقت و کارایی سیستم‌های بهداشتی، مسائل اخلاقی پیچیده‌ای نیز به همراه داشته است. پرسش‌های اساسی شامل تأثیر AI بر استقلال پزشکان، مسئولیت‌پذیری در خطاهای تشخیصی، محافظت از حریم خصوصی بیماران و عدالت در دسترسی به فناوری‌های پیشرفته می‌باشد. در این پژوهش، مسائل اخلاقی مرتبط با

* **استناد به این مقاله:** قوامی پور سرشکه، محدثه؛ محمودی، امیررضا (۱۴۰۴). هوش مصنوعی در پزشکی: ارزیابی اخلاقی تحولات و مسائل. مطالعات اخلاق کاربردی، مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۵(۲)، صص ۴۳-۷۵.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70650.1997>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۱۰ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۰۹ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۳۱ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹



به کارگیری AI در حوزه پزشکی بررسی شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد با وجود مزایای قابل توجه نظیر افزایش دقت تشخیص و کاهش خطای انسانی، نگرانی‌های اخلاقی متعددی همچون سوگیری الگوریتمی، تضعیف اعتماد میان پزشک و بیمار و خطرات امنیتی مرتبط با داده‌های سلامت وجود دارد. علاوه بر این، ورود AI به حوزه پزشکی موجب تغییرات بنیادین در رابطه پزشک و بیمار شده که ممکن است به «دیجیتالی شدن اعتماد» و کاهش نقش پزشک در تصمیم‌گیری منجر گردد. نتایج بیانگر آن است که برای استفاده اخلاقی از AI، تدوین چهارچوب‌های نظارتی دقیق، الگوریتم‌های شفاف، رعایت عدالت در توزیع فناوری و حفظ حقوق بیماران ضروری است. توسعه این فناوری‌ها باید با مشارکت پزشکان، بیماران و سیاست‌گذاران صورت پذیرد تا از بروز معضلات اخلاقی پیشگیری شود.

کلیدواژه‌ها

هوش مصنوعی، اخلاق پزشکی، تشخیص و درمان، حریم خصوصی، مسئولیت‌پذیری، عدالت در سلامت.





مقدمه

هوش مصنوعی (AI)، به عنوان یکی از فناوری‌های بنیادین عصر جدید، تحولی جدی در ساختار و کارکرد حرفه‌های انسانی ایجاد کرده است. در این میان، پزشکی از جمله حوزه‌هایی است که تأثیر بسیار زیادی از این فناوری پذیرفته است؛ از تحلیل داده‌های تصویری و آزمایشگاهی گرفته تا کمک به برنامه‌ریزی درمان، پایش بیماران و حتی جراحی‌های پیچیده (Russell & Norvig, 2020, p. 3). برخلاف تصور اولیه که این فناوری‌ها صرفاً ابزارهایی برای ارتقای بهره‌وری تلقی می‌شدند، اکنون روشن شده است که هوش مصنوعی در پزشکی، مفاهیم بنیادینی چون تشخیص، اعتماد و مسئولیت را نیز تحت تأثیر قرار داده است.

ویژگی ممتاز پزشکی در مقایسه با دیگر حوزه‌ها، مرکزیت انسان و آسیب‌پذیری او در تصمیم‌گیری‌های درمانی است. در حالی که صنایع دیگر شاید تنها با خطر مالی یا فنی مواجه باشند، در پزشکی همواره پای زندگی، کرامت و حق انتخاب انسان در میان است؛ به همین دلیل، اخلاق هوش مصنوعی در پزشکی را نمی‌توان با همان معیارهای رایج در صنایع دیگر سنجید. موضوعاتی چون استقلال حرفه‌ای پزشک، حفظ حریم خصوصی بیمار، تضعیف رابطه پزشک و بیمار و نقش الگوریتم‌ها در تصمیم‌های حیاتی، مسائلی کاملاً متمایز و پیچیده ایجاد کرده‌اند.

پژوهش حاضر در پاسخ به این وضعیت، به بررسی مسائل اخلاقی هوش مصنوعی در پزشکی (با تمرکز بر ابعاد خاص این حوزه) می‌پردازد. تحلیل‌های این مقاله فراتر از دیدگاه‌های عمومی اخلاق کاربردی است و به دنبال آن است که نشان دهد چگونه ورود هوش مصنوعی به پزشکی، نه تنها کارکرد فنی نظام سلامت، بلکه ساختارهای اخلاقی حاکم بر آن را نیز دستخوش تغییر قرار داده است. برای این منظور، از چهارچوب‌های نظری گوناگون بهره گرفته شده است؛ از جمله اخلاق فضیلت که بر مفاهیمی مانند دل‌سوزی و خردمندی در عمل پزشکی تأکید دارد (عباسی و تیموری، ۱۴۰۲، ص ۳).



در این مقاله، پس از بررسی کاربردهای کلیدی هوش مصنوعی در پزشکی، مسائل اخلاقی آن بررسی می‌شود. موضوعات اصلی شامل تأثیر بر رابطه پزشک و بیمار، پیچیدگی‌های تصمیم‌گیری بالینی و تعیین مسئولیت در خطاهای سیستمی است؛ همچنین الزامات طراحی چهارچوب‌های بومی اخلاق پزشکی برای هوش مصنوعی بررسی می‌شود.

این مقاله با رویکردی چندبُعدی و واقع‌گرایانه نشان می‌دهد اخلاق در هوش مصنوعی، جزء جدایی‌ناپذیر تصمیم‌گیری‌های پزشکی آینده محسوب می‌شود. با توجه به تحولات فناورانه و پیامدهای اخلاقی ناشی از ورود هوش مصنوعی به عرصه پزشکی، این پژوهش در پی پاسخ‌دادن به این پرسش است که: مسائل اخلاقی اصلی در استفاده از هوش مصنوعی در پزشکی چیست و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از چهارچوب‌های اخلاقی، راهکارهایی برای مواجهه با این مسائل ارائه داد؟

در بررسی پیشینه پژوهش می‌توان به مقاله‌های زیر اشاره کرد:

- گشمرد (۱۴۰۳) در مقاله‌ای با عنوان «چالش‌های اخلاقی کاربرد هوش مصنوعی در پزشکی»، به‌طور کلی به برخی از دغدغه‌های اخلاقی ناشی از ورود هوش مصنوعی به نظام سلامت اشاره کرده است. او موضوعاتی مانند حفظ حریم خصوصی، رضایت آگاهانه، کاهش حس همدلی در تعامل با ربات‌های پزشکی و تهدید فرصت‌های شغلی را به‌عنوان چالش‌های اخلاقی مطرح می‌کند و بر لزوم پابندی به اصول کلاسیک اخلاق پزشکی تأکید دارد؛

- صالحی‌نیا و همکاران (۱۴۰۳) در مقاله «بررسی ملاحظات اخلاقی در استفاده از هوش مصنوعی در حوزه سلامت: مروری روایتی» که در ویژه‌نامه یازدهمین کنگره سالیانه اخلاق پزشکی در نشریه اخلاق و تاریخ پزشکی/ ایران منتشر شد، به مرور پژوهش‌های انجام‌شده بین سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۴م در زمینه مسائل اخلاقی هوش مصنوعی در سلامت پرداخته‌اند. نگارندگان، ضمن برشمردن مزیای



هوش مصنوعی مانند افزایش دقت تشخیص، بهبود مراقبت و مدیریت منابع، به مسائلی چون نقض حریم خصوصی، سوگیری الگوریتمی، نبود شفافیت و مسئولیت حرفه‌ای نیز اشاره کرده و بر لزوم رعایت اصولی مانند انصاف، شفافیت و عدالت در دسترسی، تأکید دارند.

پژوهش حاضر، با رویکردی تحلیلی و نظریه‌محور، مسائل اخلاقی هوش مصنوعی در پزشکی را نه تنها در سطح توصیف، بلکه از منظر ساختارهای تصمیم‌گیری، روابط پزشک و بیمار، مسئولیت‌پذیری، سوگیری الگوریتمی و الزامات عدالت فناورانه بررسی می‌کند. استفاده از چهارچوب‌هایی مانند اخلاق فضیلت و اخلاق محاسبات، و پرداختن به مفاهیم نوینی چون دیجیتالی‌شدن اعتماد، نابرابری دانشی و ابهام مسئولیت، ازجمله نوآوری‌های این پژوهش است.

۱. حوزه‌های کاربرد هوش مصنوعی در پزشکی

کاربرد هوش مصنوعی در پزشکی را می‌توان در قالب دو فرضیه کلی آینده‌نگر تحلیل کرد؛ فرضیه نخست که بر تداوم روندهای فعلی مبتنی است، به توسعه تدریجی کاربردهای فعلی هوش مصنوعی در مداخلات پزشکی اشاره دارد. در این مسیر، AI به بخشی جدایی‌ناپذیر از فرایندهای بالینی تبدیل خواهد شد؛ به گونه‌ای که در تشخیص بیماری‌های خاص، پیشنهاد دستورالعمل‌های درمانی و پیش‌بینی مسیر پیشرفت بیماری، نقش فعالی ایفا می‌کند. فرضیه دوم، حالتی آرمانی‌تر را ترسیم می‌کند: جایگزینی کامل پزشک با «ربات دکتر»؛ ماشینی مجهز به الگوریتم‌های پیشرفته که می‌تواند شرح حال بیمار را دریافت کند، معاینه انجام دهد، نسخه صادر کند، توصیه‌های بهداشتی ارائه دهد و حتی در صورت نیاز، جراحی کند (اقتدار و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۲۷۴). هرچند این فرضیه در حال حاضر تحقق نیافته باقی مانده، با توجه به سرعت پیشرفت‌های فناورانه، نمی‌توان تحقق آن را در آینده‌ای نه‌چندان دور نادیده گرفت.



هوش مصنوعی در پزشکی تنها به ذخیره‌سازی، طبقه‌بندی یا تحلیل داده‌ها محدود نیست؛ بلکه فرایند ایجاد دانش جدید از دل این داده‌ها از طریق الگوریتم‌های پیشرفته و استفاده عملی از این دانش در تصمیم‌گیری‌های درمانی را نیز شامل می‌شود. همین امر موجب شده AI در رشته‌هایی مانند رادیولوژی، پاتولوژی، پوست‌شناسی، پزشکی اورژانس و مراقبت‌های ویژه، نقشی فزاینده پیدا کند. اگرچه بسیاری از این کاربردها هنوز در مرحله آزمایشی هستند، اما تشخیص مبتنی بر تصاویر دیجیتال یا توصیه درمان براساس تحلیل چندلایه داده‌های بالینی، به سرعت به استاندارد رایج تبدیل می‌شود.

در این میان، باید توجه داشت که تشخیص صرفاً یک عمل فنی نیست. ارائه یک برچسب تشخیصی، به ویژه در بیماری‌هایی مانند سرطان، تأثیری فراتر از جنبه زیستی دارد و می‌تواند به نقطه‌ای محوری در زیست‌جهان و هویت فردی بیمار تبدیل شود. فریتز هارتمان، انسان‌شناس پزشکی، از تشخیص به عنوان «دسته‌بندی پاتولوژیک وجود» یاد می‌کند؛ مفهومی که بیانگر بُعد عمیق انسانی و وجودی این فرایند است (Hartmann, 1984, p. 24).

در چنین بستری، نقش پزشک نیز دستخوش تغییر اساسی قرار خواهد گرفت. او دیگر تنها بر دانش آموخته شده در دوران تحصیل پزشکی تکیه نخواهد کرد، بلکه باید قادر باشد از خروجی‌های پیچیده‌ای که بر پایه تحلیل میلیون‌ها داده توسط سیستم‌های هوشمند تولید شده‌اند، به درستی استفاده کند.

الگوریتم‌ها به سرعت داده‌های آزمایشگاهی و تصویربرداری را پردازش می‌کنند، مقالات علمی به طور مستمر اسکن و به روزرسانی می‌شوند و تجربیات بالینی به صورت دیجیتال در اختیار جامعه پزشکی قرار می‌گیرند. در چنین فضایی، تجربه کلاسیک فردی پزشک جای خود را به نوعی دانش جمعی، ماشینی و قابل انتقال می‌دهد. این تغییر، نه صرفاً در سطح ابزار، بلکه در سطح هستی‌شناختی حرفه پزشکی اتفاق می‌افتد (ابراهیم‌نژاد و دیگران، ۱۴۰۲، ص ۱۸۱).



پزشک موفق آینده، کسی نیست که ابزارهای سنتی مانند گوشی پزشکی یا دستگاه نوار قلب را بهتر از دیگران به کار گیرد، بلکه کسی است که توانایی تعامل با سیستم‌های هوش مصنوعی، تحلیل نتایج آن‌ها و مدیریت تصمیم‌گیری در فضای داده‌محور را دارد.

جایگاه سنتی پزشک، به عنوان تصمیم‌گیرنده اصلی، ممکن است در آینده‌ای نزدیک تغییر یابد و به جای آن، نقشی نیمه فنی و مبتنی بر تفسیر تصمیمات ماشینی جایگزین شود. چنین تحولی، برخلاف تصور عمومی، صرفاً فرضیه‌ای آرمانی نیست؛ بلکه با توجه به داده‌های تجربی و پیشرفت‌های فناوری، به طور جدی در افق نزدیک قابل پیش‌بینی است (Marchetti et al., 2018, p. 272).

۲. کاربردهای عملی هوش مصنوعی در پزشکی و مسائل اخلاقی مرتبط

این فناوری با توانایی تحلیل حجم عظیمی از داده‌ها و ارائه تصمیمات سریع و دقیق، پتانسیل بهبود مراقبت‌های بهداشتی را دارد. با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در پزشکی، مسائل اخلاقی متعددی را نیز به همراه دارد که نیازمند بررسی دقیق از منظر اصول اخلاقی مانند اختیار، عدالت و پیشگیری از آسیب است. در این بخش، با بررسی چند مورد کاوی عملی، کاربردهای هوش مصنوعی در پزشکی و مسائل اخلاقی مرتبط با آن‌ها تحلیل می‌شود.

۲.۱. تشخیص بیماری‌ها با هوش مصنوعی

یکی از شاخص‌ترین کاربردهای هوش مصنوعی در پزشکی، بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری عمیق برای تحلیل تصاویر پزشکی و تشخیص بیماری‌هاست؛ برای مثال، در رادیولوژی، سیستم‌های مبتنی بر AI توانسته‌اند در تشخیص سرطان ریه از طریق تصاویر سی‌تی‌اسکن، به دقتی برابر یا حتی بیشتر از رادیولوژیست‌های انسانی دست یابند.



مطالعه‌ای نشان داد این الگوریتم‌ها قادر به شناسایی ضایعات ریوی با حساسیت ۹۴ درصد هستند؛ این یافته، گامی مهم در تشخیص زودهنگام این بیماری محسوب می‌شود (Hosny et al., 2018, p. 503). این پیشرفت، فرصت‌هایی جدید برای افزایش دقت، کاهش تأخیر در تشخیص و بهبود نتایج درمانی ایجاد کرده است.

با این حال، ورود هوش مصنوعی به فرایند تشخیص، پیامدهای اخلاقی خاصی نیز به همراه دارد که این پیامدها فراتر از دغدغه‌های رایج در حوزه فناوری اطلاعات است؛ نخست، مسئله «اعتماد بالینی» مطرح می‌شود. تشخیص پزشکی، برخلاف تحلیل فنی داده، تصمیمی است که اغلب در بستر نااطمینانی، فشار روانی بیمار و شرایط پیچیده انسانی گرفته می‌شود.

اگر تشخیص مبتنی بر هوش مصنوعی، نادرست باشد، تعیین مسئولیت میان پزشک، توسعه‌دهنده الگوریتم یا مؤسسه ارائه‌دهنده خدمات، همچنان مبهم است. اتکای بیش از حد به این سیستم‌ها ممکن است مهارت‌های بالینی پزشکان را تضعیف کند و در بلندمدت، اعتماد سنتی بیمار به پزشک را جایگزین ناپذیر کند. موضوع دوم، استفاده از داده‌های پزشکی برای آموزش الگوریتم‌ها است. برخلاف دیگر داده‌های صنعتی، اطلاعات سلامت، ماهیتی شدیداً شخصی و حساس دارند و هرگونه افشا یا تحلیل بدون رضایت آگاهانه، می‌تواند کرامت و حق انتخاب بیمار را زیر سؤال ببرد. حتی در صورت ناشناس‌سازی، همچنان امکان بازشناسایی بیماران با استفاده از شیوه‌های پیشرفته داده‌کاوی وجود دارد (Topol, 2019, p. 45).

در مجموع، تشخیص پزشکی با کمک هوش مصنوعی، نیازمند درکی دقیق از ابعاد بالینی، انسانی و هنجاری آن است. این فرایند صرفاً یک «تصمیم فنی» نیست، بلکه بخشی از رابطه انسانی پزشک و بیمار است که باید همچنان بر مبنای مسئولیت‌پذیری، شفافیت تصمیم‌گیری و احترام به حق بیمار در دانستن و انتخاب، باقی بماند.



۲.۲. برنامه‌ریزی درمان شخصی‌سازی شده با هوش مصنوعی

یکی دیگر از کاربردهای شاخص هوش مصنوعی در پزشکی، طراحی برنامه‌های درمانی شخصی‌سازی شده براساس داده‌های بالینی، ژنتیکی و سوابق پزشکی بیماران است. سیستم‌هایی مانند «IBM Watson for Oncology» با تحلیل گسترده ادبیات علمی و اطلاعات بیمار، می‌توانند پیشنهادهایی برای درمان سرطان ارائه دهند که با تصمیمات متخصصان انکولوژی هم‌راستا است. مطالعه‌ای نشان داد این سیستم در ۹۳ درصد موارد با دیدگاه پزشکان انطباق دارد و در برخی از موارد نیز توانسته درمان‌هایی را پیشنهاد دهد که از نظر بالینی جدید یا غیرمنتظره تلقی شده‌اند (Somashekhar et al., 2018, p. 387). چنین ابزارهایی با ایجاد تصمیم‌سازی مبتنی بر شواهد، می‌توانند به ارتقای کیفیت درمان و کاهش خطاهای انسانی کمک کنند.

با این حال، استفاده از هوش مصنوعی در طراحی درمان، مسائل خاصی را نیز به همراه دارد؛ یکی از این مسائل، عدالت در دسترسی به فناوری است. درحالی که سیستم‌هایی مانند «Watson» عمدتاً در مراکز پیشرفته و کشورهای توسعه‌یافته در دسترس هستند، در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، زیرساخت‌های لازم برای بهره‌گیری از این فناوری وجود ندارد. این شکاف دیجیتال می‌تواند به تعمیق نابرابری در مراقبت‌های بهداشتی منجر شود و بیماران مناطق محروم را از دریافت درمان‌های به‌روز و مبتنی بر داده محروم سازد (Amiri et al., 2021, p. 15).

مسئله دیگر به اختیار بیمار و رضایت آگاهانه مربوط است. درمان‌های شخصی‌سازی شده‌ای که براساس الگوریتم‌ها پیشنهاد می‌شوند، معمولاً بر پایه محاسبات پیچیده و داده‌محور عمل می‌کنند. در این شرایط، بیمار ممکن است درک روشنی از منطق تصمیم‌گیری درمان نداشته باشد و صرفاً به توصیه پزشک یا سیستم اعتماد کند؛ بدون آنکه قدرت ارزیابی یا نقد آن را داشته باشد. این وضعیت می‌تواند کیفیت رضایت آگاهانه را زیر سؤال ببرد و از نظر اخلاقی مشکل‌زا باشد؛ همان‌طور که چار و همکارانش تأکید



کرده‌اند، پیچیدگی الگوریتم‌ها نباید به حذف مشارکت فعال بیمار در فرایند تصمیم‌گیری درمانی منجر شود (Char et al., 2020, p. 102).

در نتیجه، درمان مبتنی بر هوش مصنوعی، تنها زمانی می‌تواند از منظر اخلاقی موجه باشد که دسترسی عادلانه به آن فراهم شده باشد و همچنین، ساختارهای توضیح‌پذیر (Explainable AI) و آموزش به بیماران برای درک گزینه‌های درمانی در کنار آن توسعه یابد.

۳.۲. مداخلات جراحی با کمک هوش مصنوعی

هوش مصنوعی در حوزه جراحی نیز به سرعت در حال تثبیت جایگاه خود به عنوان یک ابزار پشتیبان پیشرفته است. ربات‌های جراحی، مانند سیستم «da Vinci»، که با قابلیت‌های هوش مصنوعی تقویت شده‌اند، به جراحان امکان می‌دهند با دقت بیشتر و خطای کمتر، مداخلات پیچیده را انجام دهند. این فناوری، به ویژه در جراحی‌های کم‌تهاجمی مانند لاپاراسکوپی، نقش برجسته‌ای ایفا کرده است. مطالعه‌ای در این باره نشان داد استفاده از چنین سیستم‌هایی توانسته زمان جراحی را تا ۲۰ درصد کاهش دهد و میزان عوارض پس از عمل را به حداقل برساند (Hashizume & Kishida, 2022, p. 14).

با وجود این دستاوردها، استفاده از ربات‌های جراحی، مسائل اخلاقی خاصی را در بستر پزشکی ایجاد می‌کند؛ یکی از مهم‌ترین آن‌ها، ابهام در مسئولیت‌پذیری قانونی و اخلاقی است. اگر در حین جراحی، خطایی ناشی از نقص فنی یا تصمیم‌گیری نادرست الگوریتم رخ دهد، مسئولیت این خطا متوجه چه کسی است؟

آیا پزشک (به عنوان ناظر عمل) باید پاسخگو باشد یا توسعه‌دهنده نرم‌افزار و یا سازنده سخت‌افزار؟ شادمان و همکارانش به نبود چهارچوب‌های مشخص قانونی و اخلاقی در این زمینه اشاره کرده، آن را یکی از موانع اصلی در پذیرش عمومی و اعتماد پایدار به این فناوری می‌دانند (Shademan et al., 2020, p. 23).



از سوی دیگر، هزینه زیاد ربات‌های جراحی، مسئله‌ای جدی در برابر اصل عدالت است. تنها مراکز درمانی برخوردار از منابع مالی گسترده می‌توانند به چنین تجهیزاتی دست یابند. این نابرابری در دسترسی، ممکن است به شکاف کیفی در ارائه خدمات جراحی میان مناطق مختلف یا اقشار گوناگون منجر شود؛ در نتیجه، عدالت در دسترسی به مراقبت‌های پیشرفته نه تنها به زیرساخت‌های فنی، بلکه به سیاست‌گذاری‌های منصفانه و نظام تأمین مالی سلامت گره خورده است.

۳. تأثیر هوش مصنوعی بر روابط پزشک و بیمار

تغییرات ذکرشده در فرایند کاری پزشک، بدون شک، روابط پزشک و بیمار را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد. در این زمینه، نابرابری و عدم تقارن معرفت‌شناسی موجود در این روابط تغییر خواهد کرد و مفاهیم هنجاری مانند اعتماد و حریم خصوصی، معانی جدیدی پیدا می‌کنند.

۳.۱. عدم تقارن دیجیتالی

هنگامی که از روابط نامتقارن پزشک و بیمار صحبت می‌شود، منظور این است که افراد درگیر در این روابط، از نظر وضعیت، حالت و موقعیت برابر نیستند. پزشک، فردی قدرتمند است که دانش و تجربه لازم برای درمان بیماری را دارد و از او کمک خواسته می‌شود و در درمان به او امید دارند.

بیمار، فردی ضعیف و ناتوان است که از درد و بیماری رنج می‌برد و برای بهبود به کمک پزشک نیازمند است. با ورود ماشین‌های مجهز به هوش مصنوعی، عامل سومی به روابط کلاسیک پزشک و بیمار اضافه می‌شود. عدم تقارن میان پزشک، ماشین هوش مصنوعی و بیمار، از لحاظ کمی و کیفی، بُعد جدیدی به روابط پزشک و بیمار می‌افزاید.



اگر پذیرفته شود که در آینده از داده‌های بزرگ و سیستم‌های هوش مصنوعی در فرایند تشخیص و درمان، به‌طور گسترده‌ای استفاده خواهد شد، احتمالاً پزشک، نقش رهبری و قدرت خود را در این روابط از دست خواهد داد. در برخی از مطالعات، کارشناسان ادعا می‌کنند سیستم‌های هوش مصنوعی در آینده، فقط پشتیبان پزشک خواهند بود و پزشک هرگز اقتدار و مسئولیت خود را از دست نخواهد داد (Karches, 2018, p. 93).

اگرچه این ادعا می‌تواند در مراحل اولیه این فرایند صادق باشد، اما در مراحل بعدی احتمالاً موازنه به نفع سیستم‌های هوش مصنوعی تغییر خواهد کرد؛ زیرا اگر پزشکی از تصمیمات این ماشین‌های موفق انحراف داشته باشد، باید انحراف خود را توجیه کند و در صورت بروز عوارض نامطلوب در درمان، ممکن است از نظر قانونی، مسئول شناخته شود. بنابراین، پزشک، اقتدار سابق خود را در تشخیص و درمان از دست خواهد داد.

۲.۳. نابرابری دانشی

روابط نامتقارن توصیف‌شده پزشک و بیمار، نابرابری دانش میان پزشک و بیمار را نیز در بر می‌گیرد. انتظار می‌رود با تسهیل دسترسی پزشک به دانش پزشکی و تجربی از طریق سیستم‌های هوش مصنوعی، برتری اطلاعاتی موجود پزشک نسبت به بیمار که به نفع پزشک است، افزایش یابد.

از سوی دیگر، اگر در این فرایند، بیمار به اطلاعات شخصی‌سازی‌شده درباره بیماری خود دسترسی آسان‌تری داشته باشد، ممکن است شکاف اطلاعاتی موجود میان پزشک و بیمار کاهش یابد. در حال حاضر، در محیط اینترنت، تنها اطلاعات عمومی درباره بیماری‌ها ارائه می‌شود و سنجش ارزش علمی آن‌ها دشوار است (صراف‌زاده و ابوطالب، ۱۴۰۲، ص ۲).



این وضعیت می‌تواند بیمار را گمراه کند و دسترسی او به اطلاعات صحیح را دشوار سازد. اگرچه به نظر می‌رسد صفحات اینترنتی، نابرابری اطلاعاتی را کاهش می‌دهند، اما در واقع چنین نیست و در برخی از موارد، پزشکان باید زمان و تلاش اضافی صرف کنند تا اطلاعات نادرست را اصلاح یا از تفسیرهای غلط جلوگیری کنند.

اگر موتورهای جست‌وجوی هوشمند در محیط اینترنت کارآمدتر شوند و صفحات اطلاع‌رسانی به صورت فردی عمل کنند، نابرابری اطلاعاتی کاهش می‌یابد. ازسوی دیگر، این کاهش برای همهٔ بیماران به یک اندازه رخ نخواهد داد؛ همان‌طور که در حال حاضر نیز گروه‌های آسیب‌پذیر خاص، به‌ویژه سالمندان که مهارت و امکان محدودی برای استفاده از اینترنت دارند، در دستیابی به این منابع با مشکل مواجه‌اند و نمی‌توانند از امکاناتی که ارائه می‌شود، بهره‌مند شوند. این یک مسئلهٔ اخلاقی در زمینهٔ دسترسی عادلانهٔ همهٔ انسان‌ها به منابع موجود خواهد بود.

۳.۳. دیجیتالی شدن اعتماد

اعتماد، پایه و اساس رابطهٔ پزشک و بیمار را تشکیل می‌دهد. در زمان بیماری که انسان در آستانهٔ هستی قرار دارد، اصل اعتماد برای اجرای سالم این رابطه از هر لحاظ ضروری است. در دنیای پزشکی هوشمند، اعتماد به استفادهٔ پزشک از روش‌های تشخیصی و درمانی شناخته‌شده، با گذشت زمان به اعتماد به استفادهٔ وی از سیستم‌های کارآمد با هوش مصنوعی تبدیل خواهد شد. همچنین، اعتماد به پزشک در پرهیز از افشای اطلاعات بیمار، از اعتماد به یک فرد خاص به اعتماد به سیستم تغییر خواهد کرد؛ زیرا برای عملکرد سیستم سلامت هوشمند، تمام داده‌ها باید به دنیای دیجیتال منتقل شوند. در این فرایند، از بیمار نیز انتظار می‌رود اطمینان داشته باشد که از اطلاعات محرمانهٔ دیجیتالی‌شدهٔ او سوءاستفاده نخواهد شد. اگر او اعتماد نداشته باشد، باید داده‌های خود را از سیستم خارج کند که این از نظر فنی دیگر امکان‌پذیر نیست.

۳.۴. دیجیتالی شدن حریم خصوصی

مسئله حفظ حریم خصوصی همواره در سنت دیرینه اخلاق پزشکی وجود داشته و رابطه پزشکی و بیماری که در آن حریم خصوصی نقض شده باشد، قابل تصور و امکان پذیر نیست (İlkılıç & Kucur, 2019, p. 14)؛ اما برای استفاده موفق از سیستم های داده های بزرگ و هوش مصنوعی در پزشکی، لازم است داده های بیمار در محیط دیجیتال بارگذاری شود. به اعتقاد کارشناسان، هر داده ای که به فضای دیجیتال منتقل می شود، با وجود اعمال تمام اقدامات احتیاطی، قابلیت دسترسی دارد؛ بنابراین، در دنیای دیجیتال می توانیم از حریم خصوصی مجازی یا غیر واقعی صحبت کنیم.

۴. اخلاقی بودن سیستم های هوش مصنوعی

پیش از آنکه سیستم های هوش مصنوعی به عنوان بخشی ثابت در خدمات سلامت به کار گرفته شوند، باید ارزیابی دقیقی از مشروعیت اخلاقی تصمیم هایی که این سیستم ها اتخاذ می کنند، صورت گیرد. در پزشکی، تصمیم گیری تنها یک محاسبه فنی یا انتخاب مبتنی بر داده نیست، بلکه درگیر مفاهیمی عمیق چون کرامت انسان، رضایت، حرمت حیات، عدالت و کیفیت زندگی است؛ به ویژه در موقعیت های حساس مانند مراقبت های پایان عمر، تشخیص بیماری های لاعلاج یا تصمیمات جایگزینی اعضا، پزشک با معضلات اخلاقی پیچیده ای روبه روست که صرفاً به تحلیل سود و زیان خلاصه نمی شوند؛ برای مثال، درباره بیمار سال خورده ای که در آستانه مرگ قرار دارد و قادر به ابراز نظر نیست، پزشک باید متغیرهایی همچون رضایت فرضی، شأن انسانی، هزینه-فایده درمان، کیفیت باقی مانده زندگی و خواست خانواده را در نظر بگیرد.

این فرایند، از نظر اخلاقی و انسانی، امری چندلایه و سیال است. پرسش کلیدی این است: آیا می توان ارزیابی چنین تصمیماتی را به الگوریتم های هوش مصنوعی واگذار کرد؟ (Biller-Andorno & Biller, 2019, p. 1480).





یکی از موانع اصلی در این مسیر، نبود ویژگی‌هایی است که برای «سوژه اخلاقی بودن» ضروری است. سیستم‌های هوش مصنوعی نه اراده آزاد دارند، نه خودآگاهی و نه درک معانی اخلاقی اعمال خود.

حتی الگوریتم‌هایی که از طریق یادگیری ماشین (با یا بدون نظارت) تصمیم‌سازی می‌کنند، همچنان به طراحی و تنظیمات انسانی وابسته‌اند و نمی‌توان آن‌ها را واجد مسئولیت اخلاقی مستقل دانست؛ بنابراین، مسئولیت تصمیم‌نهایی باید همچنان با انسان باشد، حتی اگر هوش مصنوعی پیشنهاد یا تحلیل ارائه دهد.

افزون بر این، اگرچه از جنبه نظری، امکان طراحی الگوریتم‌هایی وجود دارد که بتوانند معیارهای اخلاقی را در خود داشته باشند، همچنان این پرسش‌های بنیادی باقی می‌ماند: کدام نظریه اخلاقی، مبنای طراحی این الگوریتم‌ها باشد؟ فایده‌گرایی، اخلاق فضیلت یا نظام‌های دینی؟ و چه کسی تصمیم می‌گیرد کدام چهارچوب برای همه مناسب است؟ این مسئله نه فقط فنی یا فلسفی، بلکه سیاسی، فرهنگی و اجتماعی نیز هست (Char et al., 2020).

باوجود همه این پیچیدگی‌ها، نمی‌توان چشم بر دستاوردهای چشمگیر هوش مصنوعی بست. فناوری‌های نوین داده‌محور می‌توانند به تشخیص سریع‌تر، درمان مؤثرتر و کاهش خطاهای انسانی منجر شوند. رد کامل آن‌ها، تنها به دلیل نگرانی‌های اخلاقی، نوعی تکنوفوبی غیرسازنده خواهد بود؛ اما در سوی دیگر، پذیرش ساده‌انگارانه آن نیز به این شکل که «اگر کارآمد است، پس اخلاقی است»، خطری جدی برای ارزش‌های بنیادین پزشکی است؛ چراکه در این حوزه، معنا و ارزش، نه صرفاً با نتیجه، بلکه با فرایند تصمیم‌گیری گره خورده است.

در سطح جهانی، مسائل جدیدی در حال ظهورند. اگر قرار باشد بهره‌وری کامل از هوش مصنوعی در پزشکی حاصل شود، به تجمیع داده‌های بیماران در مقیاسی جهانی نیاز است؛ اما این امر مسئله حاکمیت داده شخصی را زیر سؤال می‌برد. در جهانی

که داده‌ها مرز نمی‌شناسند، امکان پیگیری اینکه چه اطلاعاتی، کجا، چگونه و توسط چه سیستمی استفاده می‌شود، بسیار کاهش می‌یابد. مشارکت کامل در اکوسیستم هوش مصنوعی، عملاً به معنی واگذاری بخش‌هایی از اختیار فرد بر داده‌های شخصی خود است (Deutscher Ethikrat, 2017, p. 241).

۵. ابعاد فنی و عملیاتی هوش مصنوعی در پزشکی: مسائل اخلاقی

در این بخش به جنبه‌های فنی و عملیاتی کلیدی هوش مصنوعی در پزشکی پرداخته و مسائل اخلاقی مرتبط با آن‌ها تحلیل می‌شود.

۵.۱. یادگیری ماشین و بازتولید سوگیری در تشخیص

یکی از پایه‌های اصلی هوش مصنوعی در پزشکی، بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین برای تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی نتایج بالینی است. این الگوریتم‌ها با اتکا به داده‌های تاریخی، الگوهایی را شناسایی می‌کنند که در تشخیص بیماری یا پیشنهاد درمان از آن‌ها استفاده می‌شود؛ برای نمونه، مطالعه‌ای نشان داد این الگوریتم‌ها در شناسایی بیماران نیازمند مراقبت‌های ویژه، عملکرد دقیقی دارند؛ اما هم‌زمان ممکن است سوگیری‌های نهفته در داده‌های آموزشی را بازتولید کنند (Obermeyer et al., 2019, p. 451).

مسئله اخلاقی: در بافت بالینی، چنین سوگیری‌هایی ممکن است به نابرابری در درمان منجر شوند و اصل عدالت را به خطر بیندازند. همان مطالعه نشان داد یک الگوریتم رایج در آمریکا، به دلیل آموزش بر مبنای داده‌های هزینه‌محور، بیماران سیاه‌پوست را با احتمال کمتری برای مراقبت‌های پیشرفته ارجاع می‌داد؛ چراکه داده‌ها تحت تأثیر نژادپرستی ساختاری تنظیم شده بودند (Obermeyer et al., 2019, p. 452). این وضعیت، ضرورت شفافیت در طراحی الگوریتم‌ها و تحلیل دقیق داده‌های آموزشی را از منظر اخلاقی برجسته می‌کند.





۵. ۲. داده کاوی و مخاطرات حریم خصوصی بیماران

داده کاوی یکی از توانمندی‌های کلیدی هوش مصنوعی در نظام سلامت است که امکان استخراج دانش از پایگاه‌های گسترده داده پزشکی را فراهم می‌سازد. این فناوری در شناسایی الگوهای بیماری، پیش‌بینی اپیدمی‌ها و بهینه‌سازی منابع بیمارستانی، کاربرد فراوان دارد.

پژوهش واینا و همکارانش نشان داد با استفاده از داده کاوی می‌توان نرخ مرگ و میر را با شناسایی سریع شرایط بحرانی تا ۱۵ درصد کاهش داد (Vayena et al., 2022, p. 78).

مسئله اخلاقی: بهره‌گیری از داده‌های بزرگ، به‌ویژه در حوزه سلامت، خطراتی جدی برای حریم خصوصی بیماران به همراه دارد. حتی در صورت شناساسازی، امکان بازشناسایی هویت افراد با استفاده از شیوه‌های پیشرفته همچنان وجود دارد (Vayena et al., 2022, p. 80).

افزون بر این، رضایت آگاهانه در بسیاری از موارد یا به‌درستی اخذ نمی‌شود یا بیمار درک روشنی از میزان استفاده از داده‌هایش ندارد؛ امری که می‌تواند اختیار فرد را نقض کند. این وضعیت، لزوم طراحی چهارچوب‌های نظارتی سخت‌گیرانه و شفاف‌سازی رویه‌های داده‌محور را دوچندان می‌کند.

۵. ۳. مداخلات درمانی و مسئولیت‌پذیری بالینی

هوش مصنوعی در حوزه مداخلات درمانی، از جراحی‌های رباتیک گرفته تا سیستم‌های پشتیبانی از تصمیم‌گیری بالینی، به سرعت در حال گسترش است. این ابزارها می‌توانند در جراحی‌های ظریف، انتخاب دارو یا تفسیر آزمایش‌ها، نقشی مؤثر ایفا کنند. مطالعه‌ای نشان داده استفاده از سیستم‌های پشتیبانی هوش مصنوعی در اورژانس‌ها، دقت تشخیص را تا ۳۰ درصد افزایش داده است (Klang et al., 2021, p. 123).



مسئله اخلاقی: استفاده از این ابزارها، پرسش‌های مهمی در زمینه مسئولیت‌پذیری مطرح می‌کند. اگر یک تصمیم اشتباه به آسیب منجر شود، پاسخ‌گویی بر عهده پزشک است یا توسعه‌دهنده سیستم؟ نبود قوانین مشخص در این زمینه، نه تنها اعتماد عمومی را تهدید می‌کند، بلکه اصل بنیادین «آسیب‌نرساندن»^۱ را نیز با مشکل مواجه می‌سازد (Cath et al., 2020, p. 15). این وضعیت ایجاب می‌کند که تعامل بین متخصصان فنی و پزشکان برای طراحی دستورالعمل‌های مسئولیت‌پذیر تقویت شود.

۴.۵. شفافیت سیستم و اعتماد بیمار

شفافیت در عملکرد و منطق تصمیم‌گیری سیستم‌های هوش مصنوعی، یکی از ارکان پذیرش این فناوری در حوزه سلامت است. باین حال، بسیاری از این سیستم‌ها به صورت «جعبه سیاه» عمل می‌کنند؛ یعنی فرایند استدلال و تصمیم‌گیری درونی آن‌ها برای کاربر (پزشک یا بیمار) نامشخص است.

مسئله اخلاقی: این وضعیت می‌تواند از اعتماد بیماران به فرایند درمان بکاهد. هنگامی که بیماران ندانند روش تشخیص یا درمانشان چگونه انتخاب شده است، احساس بی‌اختیار بودن می‌کنند. همچنین، نبود شفافیت، مانع شناسایی سوگیری‌ها و اصلاح خطاهای سیستمی می‌شود و خطر آسیب‌های غیرعمدی را افزایش می‌دهد (London, 2022, p. 4)؛ به همین دلیل، توسعه الگوریتم‌های «قابل توضیح»^۲ برای حفظ شفافیت و اعتماد، ضرورتی اخلاقی محسوب می‌شود.

۶. تحولات هوش مصنوعی در حوزه سلامت

هوش مصنوعی (AI) در دهه گذشته، یکی از مهم‌ترین عوامل تحول در حوزه سلامت شناخته شده است و در مراحل مختلف، از تشخیص بیماری‌ها گرفته تا مدیریت

1.Non-maleficence.

2.Explainable AI.



بیمارستان‌ها و مراقبت‌های شخصی سازی شده، نقش آفرینی می‌کند. این تحولات، ضمن بهبود کارایی و دقت در ارائه خدمات بهداشتی، دیدگاه‌های اخلاقی جدیدی را مطرح کرده‌اند که نیازمند تحلیل در زمینه‌های مختلف عملیاتی است. در این بخش، تحولات هوش مصنوعی در مراحل کلیدی حوزه سلامت و مسائل اخلاقی مرتبط با آن‌ها بررسی می‌شود.

۶.۱. تحول در تشخیص بیماری‌ها

هوش مصنوعی در تشخیص بیماری‌ها، به‌ویژه از طریق تحلیل تصاویر پزشکی و داده‌های بالینی، پیشرفت‌های چشمگیری داشته است؛ برای مثال، سیستم‌های مبتنی بر یادگیری عمیق در تشخیص زودهنگام بیماری‌هایی مانند سرطان پستان از ماموگرافی‌ها، دقت بی‌سابقه‌ای را به ارمغان آورده‌اند. مطالعه استوا و همکارانش نشان داد الگوریتم‌های هوش مصنوعی می‌توانند ضایعات پوستی را با دقتی مشابه متخصصان پوست‌شناسی (حدود ۹۵ درصد) تشخیص دهند و زمان تحلیل را به‌طور قابل توجهی کاهش دهند (Esteva et al., 2021, p. 67).

دیدگاه‌های اخلاقی: این تحول، سؤالاتی درباره اعتماد و مسئولیت‌پذیری ایجاد می‌کند. اگر تشخیص هوش مصنوعی با نظر پزشک متفاوت باشد، بیمار به کدام اعتماد کند؟ هولزینگر و همکارانش تأکید می‌کنند که نبود شفافیت در فرایند تصمیم‌گیری الگوریتم‌ها (به اصطلاح «جعبه سیاه») می‌تواند اعتماد بیماران را کاهش دهد و اصل اختیار آن‌ها را تهدید کند (Holzinger et al., 2022, p. 12)؛ همچنین، اگر خطایی رخ دهد، تعیین مسئولیت بین پزشک و سیستم هوش مصنوعی بحث‌برانگیز است.

۶.۲. مدیریت بیمارستان‌ها و منابع

هوش مصنوعی در بهینه‌سازی مدیریت بیمارستان‌ها، از جمله تخصیص تخت‌ها، پیش‌بینی نیازهای بیمار و کاهش هزینه‌ها تحول ایجاد کرده است. طبق مطالعه‌ای، سیستم‌های



هوش مصنوعی در بیمارستان‌های ایالات متحده توانسته‌اند نرخ اشغال تخت‌های آی‌سی‌یو را با پیش‌بینی دقیق‌تر نیازها تا ۲۰ درصد بهبود دهند (Bates et al., 2020, p. 935). این ابزارها با تحلیل داده‌های بزرگ، تصمیم‌گیری‌های عملیاتی را تسریع می‌کنند.

دیدگاه‌های اخلاقی: این تحول با مسئله عدالت در دسترسی به منابع مرتبط است. اگر سیستم‌های هوش مصنوعی، اولویت‌بندی بیماران را براساس داده‌های موجود انجام دهند، ممکن است گروه‌های محروم (مانند افرادی که به سوابق دیجیتال دسترسی ندارند) نادیده گرفته شوند.

راجکومار و همکارانش در پژوهشی هشدار می‌دهند سوگیری‌های موجود در داده‌ها می‌تواند نابرابری‌های ساختاری را تشدید کند (Rajkomar et al., 2019, p. 420). این موضوع نیازمند طراحی سیستم‌هایی با در نظر گرفتن تنوع جمعیتی است.

۳.۶. مراقبت‌های شخصی‌سازی شده و سلامت از راه دور

هوش مصنوعی، با استفاده از ابزارهای wearable و برنامه‌های سلامت از راه دور^۱، مراقبت‌های شخصی‌سازی شده را متحول کرده است؛ برای مثال، حسگرهای هوشمند مجهز به هوش مصنوعی می‌توانند علائم حیاتی را پایش کنند و هشدارهای زودهنگام برای شرایطی مانند نارسایی قلبی ارائه دهند.

دیدگاه‌های اخلاقی: این تحول، مسائلی در زمینه حریم خصوصی و رضایت آگاهانه ایجاد می‌کند. داده‌های جمع‌آوری شده از بیماران ممکن است در معرض سوءاستفاده قرار گیرند؛ به‌ویژه اگر شرکت‌های خصوصی، کنترل آن‌ها را در دست داشته باشند. در پژوهشی اشاره شده که بیماران اغلب از نحوه استفاده از داده‌هایشان آگاه نیستند و این، اختیار آن‌ها را نقض می‌کند (Cohen et al., 2021, p. 310).

1.telehealth.



همچنین، وابستگی به این فناوری ممکن است دسترسی عادلانه را برای افرادی بدون امکانات دیجیتال محدود کند.

۴.۶. جراحی رباتیک و مداخلات خودکار

هوش مصنوعی در جراحی رباتیک، دقت و کارایی عمل‌های پیچیده را افزایش داده است. سیستم‌هایی مانند ربات‌های جراحی تقویت‌شده با هوش مصنوعی می‌توانند حرکات جراح را بهبود بخشند و خطاها را کاهش دهند.

مطالعات نشان داد این فناوری، زمان بهبود پس از جراحی‌های کم‌تهاجمی را تا ۱۵ درصد کمتر می‌کند (Ficuciello et al., 2022, p. 89).

دیدگاه‌های اخلاقی: این پیشرفت، مسائل مسئولیت‌پذیری و پیشگیری از آسیب را مطرح می‌کند. اگر ربات در حین جراحی خطایی مرتکب شود، مسئولیت با جراح است یا سازنده و یا الگوریتم؟ پژوهشگران استدلال می‌کنند که نبود چهارچوب‌های قانونی مشخص، اعتماد به این فناوری را تضعیف می‌کند و می‌تواند به آسیب‌های غیرعمدی منجر شود (Siciliano et al., 2020, p. 34). علاوه بر این، هزینه زیاد این سیستم‌ها، دسترسی عادلانه را محدود می‌کند.

۷. توصیه‌های اخلاقی در فرایند کاربرد سیستم‌های هوش مصنوعی در حوزه پزشکی

- برای ارزیابی اخلاقی کاربرد سیستم‌های هوش مصنوعی در حوزه سلامت، ابتدا باید مفاهیم هنجاری کلیدی و معنادار در این فرایند، شناسایی و تبیین شوند؛ مفاهیمی چون کرامت انسانی، اعتماد، مسئولیت‌پذیری و خودمختاری باید با وضوح و درک ملموس در بافت بالینی بررسی شوند؛

- در ارزیابی این فناوری‌ها، اولویت باید با حفظ سلامت انسان و بهبود روند درمان باشد. اتخاذ موضعی از سر شیفتگی یا بدبینی به فناوری، بدون بررسی انتقادی و عینی، رویکردی نادرست است؛



- سنجش اخلاقی باید ابعاد مختلف را در بر گیرد؛ نه تنها کارآمدی در پیشگیری و درمان بیماری، بلکه حقوق بنیادی بشر، عدالت در دسترسی، حفظ حریم خصوصی، رفاه جمعی و مصالح اجتماعی نیز باید لحاظ شوند؛
- با توجه به اینکه استقرار این فناوری‌ها مستلزم سرمایه‌گذاری قابل توجه مالی و انسانی است، بهره‌وری و اثربخشی آن‌ها باید بر پایه اصل تناسب میان منابع مصرف‌شده و منافع حاصل، ارزیابی شود؛
- به کمک روش‌های ارزیابی فناوری سلامت، آثار و پیامدهای آتی کاربرد سیستم‌های هوش مصنوعی باید با دقت شناسایی و تحلیل شوند. این تغییرات نه تنها باید از منظر فنی و اقتصادی، واقع‌بینانه باشند، بلکه از نظر مشروعیت قانونی، مقبولیت اجتماعی و استحکام استدلال اخلاقی نیز باید قابل دفاع باشند؛
- بررسی اخلاقی این پیشرفت‌ها نمی‌تواند جدا از زمینه اجتماعی فرهنگی، باورهای دینی و سنت فکری هر جامعه باشد. مفاهیمی چون انسان، بیماری، سلامت، شفا، حقیقت و حکمت باید در بافت ارزشی بومی، بازفهمی شوند و تحلیل‌ها درباره آن‌ها با تأمل فلسفی همراه باشد؛
- این تصور که الگوریتم‌های مورد استفاده در تشخیص و درمان، بی‌طرف و فارغ از ارزش‌های اخلاقی یا فرهنگی‌اند، تصویری نادرست است. این الگوریتم‌ها حامل ارزیابی‌های هنجاری (مستقیم یا غیرمستقیم) از بستر فرهنگی مبدأ خود هستند؛ بنابراین، واردات آن‌ها به معنای واردات دیدگاه‌ها و ارزش‌هایی است که ممکن است با ساختار اخلاقی کشور ما هم‌راستا نباشند؛
- پژوهش‌ها و نقدهای میان‌رشته‌ای درباره اخلاق هوش مصنوعی، به‌ویژه در تقاطع علوم انسانی و پزشکی، باید هم‌زمان با پیشرفت فناوری صورت گیرند. این بررسی‌ها نباید محدود یا متوقف شوند، بلکه لازم است پویا، مشارکتی و در تعامل با تغییرات فنی و اجتماعی باشند؛

- از آنجا که کاربردهای هوش مصنوعی در پزشکی همه شهروندان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، اطلاع‌رسانی در این حوزه ضروری است. اصل شفافیت اقتضا می‌کند اطلاعات لازم از منابع معتبر، به زبان ساده، دقیق و قابل فهم در اختیار عموم قرار گیرد. سیستم‌هایی که مردم آن‌ها را نمی‌فهمند، به آن‌ها اعتماد ندارند و از فوایدشان مطمئن نیستند، در نهایت با شکست روبه‌رو خواهند شد.

نتیجه‌گیری

تحولات ناشی از هوش مصنوعی در پزشکی، زمینه‌ساز پیشرفت‌های قابل‌توجهی در تشخیص، درمان و مدیریت نظام سلامت شده است. این فناوری، با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین و تحلیل داده‌های کلان، توانسته است دقت و کارایی تشخیص بیماری‌ها را افزایش داده، فرایندهای درمانی را بهینه کند و نقش مهمی در پزشکی فردمحور ایفا نماید. با این حال، توسعه و به‌کارگیری هوش مصنوعی در پزشکی، پیامدهای اخلاقی، حقوقی و اجتماعی گسترده‌ای دارد که نیازمند بررسی‌های عمیق و چندبعدی است.

یکی از مسائل مهم در این حوزه، مسئله مسئولیت‌پذیری در تصمیمات پزشکی مبتنی بر هوش مصنوعی است. در شرایطی که سیستم‌های AI به‌طور مستقیم در فرایندهای بالینی نقش‌آفرینی می‌کنند، تعیین مسئولیت در صورت بروز خطا یا آسیب‌رسیدن به بیماران، یکی از دغدغه‌های اساسی محسوب می‌شود. این امر، نه تنها پزشکان، بلکه توسعه‌دهندگان، نهادهای نظارتی و حتی شرکت‌های تولیدکننده این فناوری را در معرض مسائل و مشکلات حقوقی و اخلاقی قرار می‌دهد.

حریم خصوصی و امنیت داده‌های بیماران نیز از مسائل کلیدی در کاربرد هوش مصنوعی در پزشکی است.

این فناوری به جمع‌آوری و پردازش حجم وسیعی از داده‌های بیماران وابسته است و می‌تواند خطراتی از جمله سوءاستفاده، افشای ناخواسته اطلاعات و نقض حریم خصوصی را به دنبال داشته باشد. این موضوع، نیازمند تدوین چهارچوب‌های حفاظتی قوی و رعایت اصول اخلاقی در مدیریت داده‌های پزشکی است.

هوش مصنوعی همچنین روابط سنتی پزشک و بیمار را تحت‌تأثیر قرار داده و به تغییر در مفهوم اعتماد در نظام سلامت منجر شده است. با ورود سیستم‌های هوشمند به فرایند تشخیص و درمان، بیماران ممکن است بیش از پیش به تصمیمات الگوریتم‌ها وابسته شوند،



درحالی که پیچیدگی این سیستم‌ها و شفافیت‌نداشتن تصمیم‌گیری آن‌ها می‌تواند موجب کاهش اعتماد عمومی به نظام سلامت گردد.

در مجموع، باوجود توانمندی‌های چشمگیر هوش مصنوعی در پزشکی، بهره‌گیری مسئولانه و اثربخش از این فناوری مستلزم درک دقیق مسائل اخلاقی و اجتماعی آن است. بدون در نظر گرفتن این ملاحظات، استفاده از AI در پزشکی می‌تواند پیامدهای ناخواسته‌ای در زمینه حقوق بیماران، عدالت در دسترسی به خدمات سلامت و جایگاه حرفه‌ای پزشکان داشته باشد؛ بنابراین، درک و مدیریت این مسائل، گامی ضروری در مسیر هم‌گرایی فناوری و اخلاق پزشکی خواهد بود.

کتابنامه

ابراهیم‌نژاد، پدرام، محمدصادق امیرخانلو و فاطمه شکی (۱۴۰۲)، «کاربردهای هوش مصنوعی در آموزش داروسازی: چالش‌های حقوقی و اخلاقی»، *مجله دانشگاه علوم پزشکی مازندران*، دوره ۳۳، ش ۲۲۷، ص ۱۷۴-۱۸۶.

اقتدار، سامره، مریم مسگرزاده و فاطمه‌سارا اپرناک (۱۴۰۲)، «هوش مصنوعی در مراقبت‌های پرستاری و مامایی: راه‌حل جدید یا چالش‌های اخلاقی جدید؟»، *پرستاری و مامایی*، دوره ۲۱، ش ۴، ص ۲۷۲-۲۷۶.

صراف‌زاده، شقایق و احسان ابوطالب (۱۴۰۲)، «اهمیت اخلاق در استفاده از هوش مصنوعی در آموزش پزشکی»، *پژوهش در آموزش علوم پزشکی*، دوره ۱۵، ش ۲، ص ۱-۱۴.

عباسی، محمود و مهرداد تیموری (۱۴۰۲)، «مروری بر چالش‌های اخلاقی و حقوقی کاربرد هوش مصنوعی در نظام سلامت»، *اخلاق پزشکی*، دوره ۱۷، ش ۴۸، ص ۱-۱۱.

Amiri, M. et al. (2021). "Artificial intelligence in healthcare: Opportunities and challenges in low-income countries". *Global Health Journal*, 5(1): 12-18.

Bates, D. W. et al. (2020). "Artificial intelligence in hospital management: Opportunities and challenges". *New England Journal of Medicine*, 383(10): 930-938.

Biller-Andorno, N. & Biller, A. (2019). "Algorithm-aided prediction of patient preferences-An ethics sneak peek". *New England Journal of Medicine*, 381(15): 1480-1485. <https://doi.org/10.1056/NEJMms1904152>.



- Cath, C. et al. (2020). "Artificial intelligence and the 'good society': The US, EU, and UK approach". *Science and Public Policy*, 47(1): 12-20.
- Char, D. S. et al. (2020). "Implementing machine learning in health care-Addressing ethical challenges". *New England Journal of Medicine*, 382(11): 100-105.
- Cohen, I. G. et al. (2021). "Big data and privacy in healthcare: Ethical implications". *Nature Medicine*, 27(2): 308-314.
- Deutscher Ethikrat (2017). *Big data and health-Data sovereignty as the shaping of informational freedom*. Berlin: Deutscher Ethikrat.
- Esteva, A. et al. (2021). "Deep learning for dermatological diagnosis: A review". *Lancet Digital Health*, 3(1): 65-72.
- Ficuciello, F. et al. (2022). "AI-enhanced robotic surgery: Precision and ethics". *IEEE Transactions on Medical Robotics*, 4(2): 85-93.
- Hartmann, F. (1984). *Patient, Arzt und Medizin: Beiträge zur ärztlichen Anthropologie*. Berlin: Springer.
- Hashizume, M. & Kishida, A. (2022). "Roles of artificial intelligence in surgery in the era of computer-integrated surgery". *Journal of Hepato-Biliary-Pancreatic Sciences*, 29(1): 10-19.
- Holzinger, A. et al. (2022). "Explainable AI in healthcare: Bridging the trust gap". *Artificial Intelligence in Medicine*, 125: 10-18.
- Hosny, A. et al. (2018). "Artificial intelligence in radiology". *Nature Reviews Cancer*, 18(8): 500-510.





- İlkılıç, İ. & Kucur, C. (2019). *Hasta mahremiyeti*. Ankara: Nobel Akademik Yayıncılık.
- Karches, K. E. (2018). "Against the iDoctor: Why artificial intelligence should not replace physician judgment". *Theoretical Medicine and Bioethics*, 39(2): 91-110. <https://doi.org/10.1007/s11017-018-9446-3>.
- Klang, E. et al. (2021). "AI-based decision support systems in emergency medicine: A retrospective analysis". *Journal of Medical Systems*, 45(12): 120-128.
- London, A. J. (2022). "Artificial intelligence in medicine: Overcoming or recapitulating structural challenges to improving patient care?". *Cell Reports Medicine*, 3(5): 1-8.
- Marchetti, M. A. et al. (2018). "Results of the 2016 International Skin Imaging Collaboration International Symposium on Biomedical Imaging challenge: Comparison of the accuracy of computer algorithms to dermatologists for the diagnosis of melanoma from dermoscopic images". *Journal of the American Academy of Dermatology*, 78(2): 270-277.e1. <https://doi.org/10.1016/j.jaad.2017.08.016>.
- Obermeyer, Z. et al. (2019). "Dissecting racial bias in an algorithm used to manage the health of populations". *Science*, 366(6464): 447-453.
- Rajkomar, A. et al. (2019). "Ensuring fairness in machine learning to advance health equity". *Annals of Internal Medicine*, 171(6): 417-423.

- Russell, S. & Norvig, P. (2020). *Artificial intelligence: A modern approach*. 4th edition. Boston: Pearson.
- Shademan, A. et al. (2020). "Autonomous surgery: The role of AI and robotics". *Annals of Surgery*, 271(1): 20-25.
- Siciliano, B. et al. (2020). "Ethics and liability in AI-driven surgery". *Journal of Robotic Surgery*, 14(1): 30-36.
- Somashekhar, S. P. et al. (2018). "Watson for Oncology and breast cancer treatment recommendations". *Journal of Clinical Oncology*, 36(4): 385-390.
- Topol, E. J. (2019). "High-performance medicine: The convergence of human and artificial intelligence". *Nature Medicine*, 25(1): 44-56.
- Vayena, E. et al. (2022). "Health data governance in the age of artificial intelligence". *Nature Medicine*, 28(1): 76-82.



The Role of Intuition and Metacognition in Entrepreneurial Decision-Making: Islamic Strategies for Enhancing Intuition and Improving the Decision-Making Process*

Zeianb Mohammadi¹  Hossein Sadeghi² 

1- PhD Student in Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

Mohammadize@ut.ac.ir

2- Associate Professor, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran

(Corresponding Author).

hosadeghi@ut.ac.ir



Abstract

This study examines the role of intuition and metacognition in entrepreneurs' decision-making processes and proposes Islamic strategies to improve their decision-making. By analyzing the concepts of intuition and metacognition in both Western and Islamic literature, it explores how these notions influence entrepreneurial decision-making. In Western literature, intuition is generally understood as rapid decision-making without extensive analysis, aiding entrepreneurs in situations of uncertainty (albeit with a risk of error). Metacognition enables individuals to monitor their cognitive processes and leverage them to enhance decision quality. In contrast, from an Islamic perspective, intuition is an inner and metaphysical

*Cite this article: Mohammadi, Z; Sadeghi, H (2025). The Role of Intuition and Metacognition in Entrepreneurial Decision-Making: Islamic Strategies for Enhancing Intuition and Improving the Decision-Making Process, Journal in Applied Ethics Studies, 2(80), 77-113.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70971.2011>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

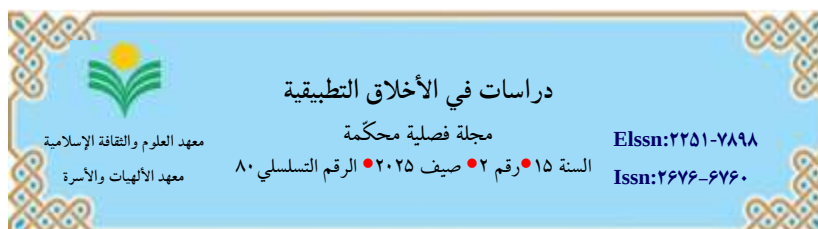
■ **Received:**2025/02/02 ■ **Revised:**2025/06/10 ■ **Accepted:**2025/06/17 ■ **Published online:**2025/10/11



process resulting from self-purification and spiritual wayfaring. In this framework, wisdom emerges from the integration of reason, innate disposition (fiṭra), and servitude to God, encompassing elevated forms of intuition. Metacognition is thereby presented as a means to supervise intuitive and cognitive processes in achieving higher-order decision-making. This descriptive-analytical research, based on a library method, finds that combining intuition and metacognition helps entrepreneurs make superior decisions. Such a combination, when aligned with Islamic teachings—such as self-purification, divine wisdom, and reliance on spiritual sources (the Qur'an, the Prophetic tradition, and divinely guided reason)—yields even more effective outcomes. Therefore, entrepreneurial decision-making should be grounded in a multidimensional approach that integrates reason, intuition, and religious teachings to avoid cognitive errors and arrive at optimal and elevated decisions.

Keywords

Islamic metacognition, intuition, mystical intuition, Islamic decision-making, intuitive decision-making, entrepreneurial decision-making.



دور الحدس والتفكير فوق المعرفي في اتخاذ القرارات لدى رواد الأعمال: الحلول الإسلامية لتعزيز الشهود وتحسين عملية اتخاذ القرار*

زينب محمدي^١ حسين صادقي^٢

١- طالبة مرحلة الدكتوراه في ريادة الأعمال، كلية ريادة الأعمال بجامعة طهران، طهران - إيران.

Mohammadize@ut.ac.ir

٢- أستاذ مشارك في ريادة الأعمال، كلية ريادة الأعمال بجامعة طهران، طهران - إيران (الكاتب المسؤول).

hosadeghi@ut.ac.ir

مستخلص

تبحث هذه الدراسة في دور الحدس والتفكير فوق المعرفي في عملية اتخاذ القرار لدى رواد الأعمال، وتقدم حلولاً إسلامية لتحسين عملية اتخاذ القرار لديهم. ومن خلال تحليل مفهومي الحدس والإدراك فوق المعرفي في الأدبيات الغربية والإسلامية، بينت أثرهما على عملية اتخاذ القرار لدى رواد الأعمال. في الأدبيات الغربية، يشير الحدس إلى اتخاذ قرارات سريعة دون تحليل عميق، مما يساعد رواد الأعمال في أوقات عدم اليقين (مع أنهم قد يرتكبون أخطاءً). ويتيح الإدراك فوق المعرفي للأفراد مراقبة عملياتهم المعرفية، واستخدامها لتحسين

***الاستناد إلى هذه المقالة:** محمدي، زينب؛ صادقي، حسين (٢٠٢٥). دور الحدس والتفكير فوق المعرفي في اتخاذ القرارات لدى رواد الأعمال: الحلول الإسلامية لتعزيز الشهود وتحسين عملية اتخاذ القرار، دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٢ (٨٠)، صص ٧٧-١١٣.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.70971.2011>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٢/٠٢ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٦/١٠ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٦/١٧ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١١





عملية اتخاذ القرارات. وفي المقابل، من المنظور الإسلامي، يُعدّ الحدس المسمى في السياقات العرفانية بالشهود أو الانكشاف عمليةً داخليةً وميتافيزيقيةً، ونتيجةً لتزكية النفس والسلوك العرفاني. ففي هذا الإطار، تُكتسب الحكمة من خلال الجمع بين العقل والفطرة والعبودية، بما في ذلك الحدس المتسامي، ويُقدّم التفكير فوق المعرفي كأداةٍ للرقابة على العمليات الحدسية والمعرفية في أعمال اتخاذ القرارات المتسامية. تُظهر هذه الدراسة الوصفية التحليلية التي جُمعت بياناتها باستخدام البحث المكتبي أن الجمع بين الحدس والتفكير فوق المعرفي يُساعد رواد الأعمال على اتخاذ قرارات أفضل، ويؤدي هذا الجمع إلى نتائج أفضل إذا اقترن بتعاليم إسلامية كتزكية النفس، والحكمة الإلهية، واستخدام الموارد الروحية (القرآن الكريم، والسنة النبوية، والعقل المهتدي). لذلك، ينبغي لرجال الأعمال أن يتخذوا قراراتهم بناءً على اتجاه متعدد الأبعاد يجمع بين العقل والحدس والتعاليم الدينية لتجنب الأخطاء المعرفية، والوصول إلى قرارات مثلى وسامية.

الكلمات المفتاحية

الإدراك الميتا إسلامي، الحدس، الحدس العرفاني، اتخاذ القرار الإسلامي، اتخاذ القرار الشهودي، اتخاذ قرار رواد الأعمال.



نقش شهود و فراشناخت در تصمیم‌گیری کارآفرینان: راهکارهای اسلامی برای تقویت شهود و بهبود فرایند تصمیم‌گیری*

زینب محمدی^۱ حسین صادقی^۲

۱- دانشجوی دکتری کارآفرینی، دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

Mohammadize@ut.ac.ir

۲- دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).

hosadeghi@ut.ac.ir

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی نقش شهود و فراشناخت در فرایند تصمیم‌گیری کارآفرینان و ارائه راهکارهای اسلامی برای بهبود تصمیم‌گیری آنان پرداخته و با استفاده از تحلیل مفاهیم شهود و فراشناخت در ادبیات غربی و اسلامی، تأثیر این مفاهیم را بر تصمیم‌گیری کارآفرینان بیان کرده است. در ادبیات غربی، شهود به تصمیم‌گیری سریع و بدون تحلیل عمیق اطلاق می‌شود که به کارآفرینان در مواقع عدم قطعیت کمک می‌کند (البته ممکن است دچار خطا شوند). فراشناخت به افراد این امکان را می‌دهد تا با نظارت فرایندهای

* **استناد به این مقاله:** محمدی، زینب؛ صادقی، حسین (۱۴۰۴). نقش شهود و فراشناخت در تصمیم‌گیری کارآفرینان:

راهکارهای اسلامی برای تقویت شهود و بهبود فرایند تصمیم‌گیری. مطالعات اخلاق کاربردی، ۲ (۸۰)، صص ۷۷-۱۱۳.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.70971.2011>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۱۴ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۳/۲۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۲۷ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹





شناختی خود، از آن‌ها برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها استفاده کنند. در مقابل، از منظر اسلامی، شهود فرایندی درونی و متافیزیکی و نتیجه تهذیب نفس و سلوک عرفانی است. در این چهارچوب، حکمت از طریق ترکیب عقل، فطرت و عبودیت به دست می‌آید که شهود متعالی را در بر دارد و فراشناخت به عنوان ابزاری برای نظارت بر فرایندهای شهودی و شناختی در تصمیم‌گیری‌های متعالی معرفی می‌شود. این پژوهش که از نوع توصیفی تحلیلی است و اطلاعات آن به روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است، نتایج نشان می‌دهد ترکیب شهود و فراشناخت به کارآفرینان کمک می‌کند تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. این ترکیب در صورتی که با آموزه‌های اسلامی مانند تطهیر نفس، حکمت الهی و استفاده از منابع معنوی (قرآن، سنت و عقل هدایت شده) همراه باشد، به نتایج بهتری منتهی می‌شود. بنابراین، تصمیم‌گیری کارآفرینان باید مبتنی بر رویکردی چندبعدی شامل ترکیب عقل، شهود و آموزه‌های دینی باشد تا از خطاهای شناختی جلوگیری شود و تصمیمات بهینه و متعالی به دست آید.

کلیدواژه‌ها

فراشناخت اسلامی، شهود، شهود عرفانی، تصمیم‌گیری اسلامی، تصمیم‌گیری شهودی، تصمیم‌گیری کارآفرینان.



مقدمه

کارآفرینان به دلیل مواجهه با محیط‌های پیچیده، ناشناخته و مملو از عدم قطعیت، ناگزیرند تصمیماتی سریع، خلاقانه و اغلب شهودی اتخاذ کنند که این با رویکردهای تحلیلی مدیران سنتی تفاوت دارد.

در چنین شرایطی، اتکای صرف به دانش و تجربه کافی نیست و ادراکات شهودی نقش محوری می‌یابند. البته تصمیم‌گیری شهودی، به‌ویژه در لحظات بحرانی، می‌تواند به بروز خطاهای شناختی منجر شود (کلابی و دیگران، ۱۴۰۰؛ Sarasvathy et al., 2003).

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد مطالعات متعددی درباره نقش شهود و فراشناخت در تصمیم‌گیری‌های کارآفرینانه انجام شده است. به‌طور خاص، در پژوهش‌هایی به تبیین فراشناخت به‌عنوان ابزاری برای نظارت بر افکار و بهبود تصمیم‌گیری اشاره شده است (see: Schraw & Dennison, 2003; Yeung & Summerfield, 2012).

بعضی از پژوهشگران نیز با بررسی مدل‌های ذهنی، نشان داده‌اند که فراشناخت می‌تواند شهود کارآفرینان را از مسیرهای خطا بازگرداند (see: Milkman et al., 2009; Dimov & Pistrui, 2023). مبارکی و همکارانش (۱۳۹۷) نیز مدلی پنج‌مرحله‌ای برای فراشناخت ذهنی در تصمیم‌گیری‌های پیچیده پیشنهاد داده‌اند.

پژوهش‌های یادشده عمدتاً در چهارچوب روان‌شناسی تجربی یا علوم شناختی غربی باقی مانده و به مؤلفه‌های معنوی و متافیزیکی در تصمیم‌سازی بی‌توجه بوده‌اند؛ درحالی‌که از منظر اسلامی، تصمیم‌گیری، فرایندی صرفاً عقلانی یا تجربی نیست، بلکه مفاهیمی چون حکمت، شهود عرفانی و تطهیر نفس نیز در آن نقش حیاتی دارند.

شهود در عرفان اسلامی، فرایندی درونی و متافیزیکی است که حاصل سلوک عرفانی، تهذیب قوا و اتصال با عالم غیب بوده و فرد را به دریافت حکمت الهی رهنمون می‌سازد (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲؛ غلامی و دیگران، ۱۴۰۱).



در این نگاه، حکمت، ترکیبی از عقل، فطرت و عبودیت است که کیفیت تصمیم‌گیری را از سطح تجربی به سطح متعالی ارتقا می‌دهد.

اگرچه منابع اسلامی متعددی بر نقش شهود و فراشناخت در تربیت فردی و اخلاقی تأکید دارند (رضازاده و حبیبی‌منش، ۱۳۹۸)، در کمتر پژوهشی این مفاهیم به‌طور عملیاتی در چهارچوب تصمیم‌گیری کارآفرینانه در شرایط عدم قطعیت به کار گرفته شده است.

وجه تمایز پژوهش حاضر دقیقاً در همین نکته است؛ ضمن مرور و تلفیق ادبیات غربی و اسلامی، راهکاری ارائه می‌شود که به‌صورت تلفیقی از شهود و فراشناخت، در چهارچوب تعالیم اسلامی، به بهبود فرایند تصمیم‌گیری کارآفرینان کمک می‌کند؛ راهکاری که نه تنها از دانش تجربی و علوم شناختی بهره می‌برد، بلکه بر منابع معنوی نظیر قرآن، سنت، عقل هدایت‌شده و سلوک عرفانی نیز تکیه دارد.

این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی با بهره‌گیری از شیوه کتابخانه‌ای و تحلیل محتوا، مفاهیم کلیدی شهود، فراشناخت و حکمت را از دو دیدگاه علمی و اسلامی بررسی و تحلیل کرده است.

هدف پژوهش، ارائه راهکارهایی چندبُعدی برای تصمیم‌گیری کارآفرینان است؛ به‌نحوی که از یک سو، خطاهای شناختی را کاهش دهند و از سوی دیگر، زمینه‌ساز تصمیماتی عالمانه، الهام‌گرفته، متعالی و سازگار با ارزش‌های اسلامی و حکمت الهی باشند.

پژوهش حاضر، به‌دنبال پاسخ‌دادن به سه پرسش کلیدی است: نخست، نقش شهود و فراشناخت در فرایند تصمیم‌گیری کارآفرینان چیست؟

دوم، چگونه آموزه‌های اسلامی می‌توانند در تقویت شهود و بهبود فرایند تصمیم‌گیری مؤثر باشند؟ و سوم، چه راهکارهای نظری و عملی اسلامی برای کاهش خطاهای شناختی و ارتقای کیفیت تصمیم‌گیری کارآفرینان وجود دارد؟



خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش در جدول ۱ ارائه گردیده است.

جدول ۱. خلاصه‌ای از پیشینه پژوهش

مفاهیم کلیدی	تعریف	منبع	تفاوت با پژوهش حاضر
تعریف شهود و فراشناخت در ادبیات غربی	شهود به عنوان تصمیم‌گیری سریع و بدون تحلیل عمیق براساس احساسات و تجربیات قبلی تعریف شده است؛ فراشناخت فرایند نظارت، ارزیابی و کنترل فرایندهای شناختی فرد برای بهبود تصمیم‌گیری و کاهش خطاهای شناختی است.	(Schraw & Dennison, 1994); (Yeung & Summerfield, 2012)	تمرکز این مطالعات صرفاً بر تعاریف روان‌شناختی غربی است، درحالی‌که پژوهش حاضر علاوه بر بررسی این مفاهیم، آن‌ها را با مفاهیم متافیزیکی و معنوی در اسلام تلفیق کرده است.
نقش شهود و فراشناخت در کارآفرینی غربی	کارآفرینان در مواجهه با عدم قطعیت به شهود تکیه می‌کنند؛ ولی فراشناخت به آن‌ها کمک می‌کند این شهود را ارزیابی و اصلاح کنند تا خطاهای شناختی کاهش یافته و تصمیمات دقیق‌تری اتخاذ شود. مدل‌های ذهنی، چهارچوب تفسیر شهود هستند.	(Milkman et al., 2009) (Dimov & Pistrui, 2023) (Sarasvathy et al., 2003)	این مطالعات نقش عملکردی فراشناخت و شهود را در شرایط عدم قطعیت بررسی می‌کنند؛ اما پژوهش حاضر با افزودن چهارچوب اسلامی، شهود را به مثابه فرایندی معنوی و قابل ارتقا از طریق تهذیب نفس معرفی می‌کند.



مفاهیم کلیدی	تعریف	منبع	تفاوت با پژوهش حاضر
الگوی فراشناختی ذهنی کارآفرینانه	این مدل پنج مرحله دارد: هوشیاری فراشناختی، راهبرد فراشناختی، پاسخ شناختی، نظارت فراشناختی و تجربه فراشناختی که به بهبود تصمیمات راهبردی در شرایط پیچیده کمک می‌کند.	(مبارکی و دیگران، ۱۳۹۷)	این مدل عملکرد ذهنی را در چهارچوب فراشناخت توصیف می‌کند؛ در پژوهش حاضر فراشناخت با آموزه‌های دینی بررسی شده تا نقش ابزارهای معنوی در هدایت آن تبیین شود.
تعریف و نقش شهود و فراشناخت در اسلام	شهود، فرایندی درونی و متافیزیکی است که حاصل تهذیب نفس و سلوک عرفانی است. حکمت به‌عنوان ترکیبی از عقل، فطرت و عبودیت، کیفیت تصمیم‌گیری را ارتقا می‌دهد. فراشناخت ابزار نظارت بر فرایندهای شهودی و شناختی در تصمیم‌گیری‌های متعالی است.	(غلامی و دیگران، ۱۴۰۱) (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲) (طباطبایی، ۱۳۷۴)	تمرکز این منابع بر تربیت عرفانی و سلوک فردی است؛ پژوهش حاضر با هدف به‌کارگیری این راهکارها در فضای کارآفرینی، سعی در به‌کارگیری آن‌ها در تصمیم‌گیری کاربردی و قابل اجرا دارد.
راهکارهای اسلامی برای تقویت شهود و فراشناخت	تطهیر نفس، عبادت، مراقبه، محاسبه، ذکر دائم و توجه به منابع دینی مثل قرآن و سنت، راهکارهایی برای رسیدن به حکمت و	(رضازاده و حبیبی‌منش، ۱۳۹۸) (غلامی و دیگران، ۱۴۰۱) (صمدی آملی،	تمرکز این منابع بر تربیت عرفانی و سلوک فردی بوده؛ پژوهش حاضر با هدف به‌کارگیری



مفاهیم کلیدی	تعریف	منبع	تفاوت با پژوهش حاضر
	تصمیم‌گیری متعالی‌اند.	(۱۴۰۱)	این راهکارها در فضای کارآفرینی، سعی در به کارگیری آن‌ها در تصمیم‌گیری کاربردی و قابل اجرا دارد.
مزیت رویکرد اسلامی	رویکرد چندبُعدی که عقل، شهود و آموزه‌های دینی را تلفیق می‌کند، موجب جلوگیری از خطاهای شناختی و رسیدن به تصمیمات بهینه و متعالی می‌شود.	(رحمانی، ۱۳۹۵) (Vosconcelos, 2009)	درحالی‌که این مطالعات اغلب نظری و کلان هستند، پژوهش حاضر این تلفیق را در حوزه خاص تصمیم‌گیری کارآفرینانه در شرایط عدم قطعیت انجام داده است.

۱. نقش فراشناخت و شهود در تصمیم‌گیری کارآفرینان در ادبیات غربی

در تحقیقات غربی، ارتباط شهود، فراشناخت و مدل‌های ذهنی به این شکل بیان شده است که هنگام مواجهه با یک مسئله، فرد احساسی ناگهانی یا شهود پیدا می‌کند. بعد، این شهود از طریق مدل‌های ذهنی تفسیر می‌شود.

سپس، با کمک فراشناخت بررسی می‌شود که آیا این تفسیر با واقعیت هماهنگ است یا نه. فراشناخت در واقع تفکر سطح بالاتری است که به فرد امکان می‌دهد بر شهود خود نظارت کرده، آن را با معیارهای عقلانی ارزیابی و کنترل کند (Schraw & Dennison, ۲۰۰۵).



1994). به عبارتی، فراشناخت به فرد کمک می‌کند بر افکار خود کنترل داشته باشد و از آن‌ها برای یادگیری و حل مسئله بهره‌برد (Stanton et al., 2021).

این مفهوم، یک عنصر ضروری برای موفقیت در محیط‌های پیچیده و دنیای مدرن شناخته می‌شود؛ زیرا با مجموعه‌ای از مهارت‌های تفکر سطح بالا مرتبط است (Dimov & Pistrui, 2023).

پژوهش‌ها نشان می‌دهند تقویت مهارت‌های فراشناختی می‌تواند بهبود عملکرد فرد و تقویت انگیزه و توانایی‌های تصمیم‌گیری را در پی داشته باشد (Jain et al., 2023). افراد با توانایی‌های فراشناختی بیشتر قادرند احساسات و ایده‌های خود را شناسایی و درک کنند و بدین وسیله، بر خود کنترل بیشتری داشته باشند و از فرایندهای شناختی خود آگاه باشند (Wainaina et al., 2023). فراشناخت در واقع یک عامل کلیدی در کارآفرینی به‌شمار می‌رود (Dabić et al., 2021).

در ادبیات غربی، از فرایند اکتشافی به‌عنوان نوعی استدلال شهودی یاد می‌شود که در آن فرد، به‌جای تجزیه و تحلیل داده‌های وسیع، تصمیمات خود را براساس تجربه‌ها و احساسات گذشته اتخاذ می‌کند (Lufitianto & Pearson, 2022).

شهود روشی برای سرعت‌دادن به تصمیم‌گیری است که از طریق احساسات ناگهانی و جرقه‌های ذهنی عمل می‌کند و به فرد اجازه می‌دهد بدون تحلیل عمیق، سریع و مؤثر تصمیم بگیرد.

مدل‌های ذهنی نیز چهارچوب‌هایی هستند که به ساده‌سازی موقعیت‌های پیچیده کمک می‌کنند و افراد را در استفاده بهینه از اطلاعات و تجربیات برای اتخاذ تصمیمات یاری می‌کنند (Johnson, 1983, p. 10-15).

البته استفاده از این میان‌برها می‌تواند به خطاهای ادراکی منجر شود که انحراف از منطق و نتایج بهینه را در پی دارد (Milkman et al., 2009). در اینجا، فراشناخت می‌تواند به افراد کمک کند تا با ارزیابی دقیق شهودهای خود، این خطاها را شناسایی کنند

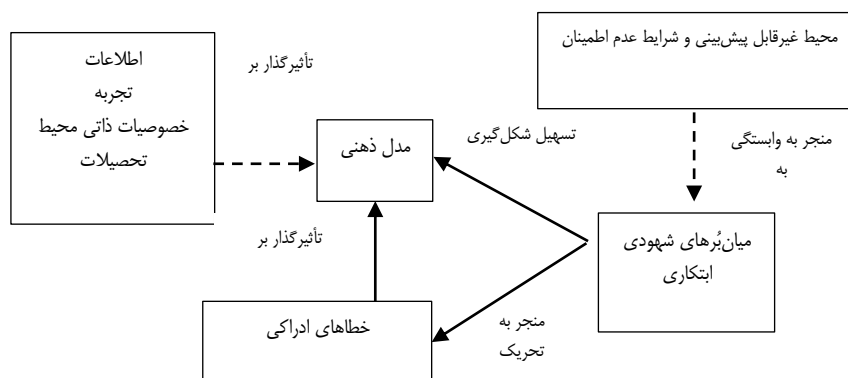


و کاهش دهند و تصمیم‌گیری‌های دقیق‌تر و کم‌خطاتری داشته باشند (Yeung & Summerfield, 2012).

در جدول ۲، ارتباط سه مفهوم فراشناخت، شهود و مدل‌های ذهنی ارائه گردیده است.

جدول ۲. ارتباط سه مفهوم شهود، مدل‌های ذهنی و فراشناخت

مفهوم	نقش در شناخت	ارتباط با دیگر مفاهیم
شهود	کشف اولیه	الهام‌بخش مدل ذهنی جدید، منبع اطلاعات درونی
مدل ذهنی	چهارچوب تفسیر و تصمیم	ساختاری برای درک شهود و سازمان‌دهی شناخت
فراشناخت	ارزیابی و هدایت	نظارت بر صحت شهود و بازسازی مدل‌های ذهنی



شکل ۱. ارتباط بین مدل‌های ذهنی، میان‌برهای شهودی ابتکاری و خطاهای ادراکی (Milkman et al., 2009)

کارآفرینان، به دلیل مواجهه با محیط‌های پیش‌بینی‌ناپذیر و نامطمئن، برای تصمیم‌گیری به میان‌برهای شهودی تکیه می‌کنند. در چنین شرایطی که اطلاعات کافی و سازگار برای تصمیم‌گیری بهینه کم یا ناکافی است، آن‌ها با بهره‌گیری از دانش، تجربه و هوش شخصی

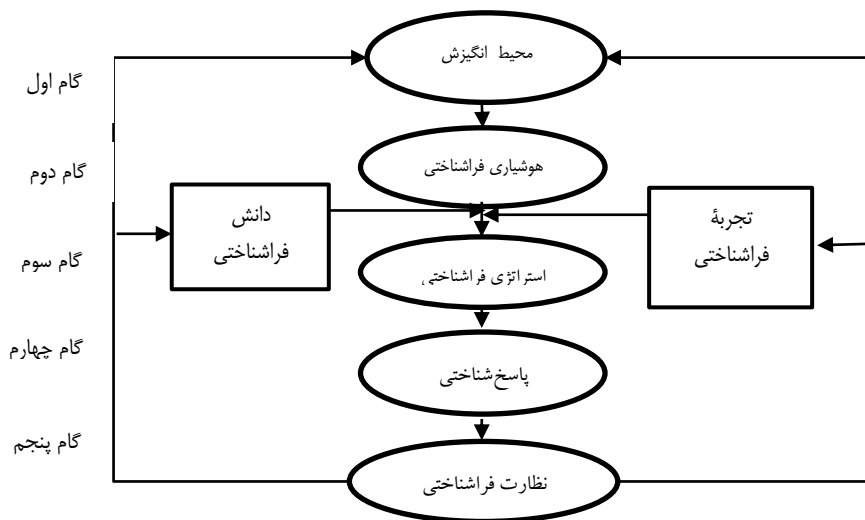


خود، این میان‌برها را به کار می‌گیرند. با ترکیب این شهودها و مدل‌های ذهنی، کارآفرینان قادرند در محیط‌های پیچیده و ناسازگار، ارتباطات مناسبی برقرار و تصمیمات بهتری اتخاذ کنند.

یکی از ارکان مهم تصمیم‌گیری کارآفرینان، توانایی دقیق ارزیابی عملکرد، مهارت‌ها و ضعف‌های خود است که از طریق فراشناخت ممکن می‌شود. فراشناخت به آن‌ها کمک می‌کند آگاهانه فرایندهای شناختی خود را بررسی کنند و براساس این شناخت، تصمیمات راهبردی و بهتری بگیرند (Jain et al., 2023). با این مهارت‌ها، کارآفرینان می‌توانند دانش کسب‌شده را به فرصت‌های مختلف تبدیل کنند و در مقابل شرایط محیطی پیچیده، عملکرد شناختی مؤثر و انعطاف‌پذیری از خود نشان دهند. همچنین، توانایی انطباق با محیط‌های در حال تغییر، یک عامل کلیدی در موفقیت کارآفرینی شناخته می‌شود (Bastian & Zucchella, 2022). فراشناخت به کارآفرینان این امکان را می‌دهد تا چندین چهارچوب ذهنی مختلف ایجاد و آن‌ها را با اهداف خود هم‌راستا کنند (Flavell, 1979).

در نهایت، الگوی فراشناختی ذهنی کارآفرینانه، به‌عنوان یک مدل پنج‌گامی برای کمک به کارآفرینان در اتخاذ تصمیمات راهبردی در شرایط پیچیده معرفی شده است (مبارکی و دیگران، ۱۳۹۷، ص ۱۴۲). این الگو شامل مراحل مختلفی است و از ارزیابی انگیزه‌ها و محیط تا تدوین راهبردها و استفاده از بازخورد برای بهبود تصمیم‌گیری‌ها را در بر می‌گیرد.

الگوی فراشناختی ذهنی کارآفرینانه، پنج گام دارد که در شکل ۲ ارائه شده است.



شکل ۲. الگوی فراشناختی ذهنی کارآفرینانه (Haynie et al., 2009)

به طور کلی، در فرایند تصمیم گیری کارآفرینان، استفاده هم زمان از فراشناخت و شهود می تواند به بهبود تصمیم گیری ها و عملکرد در شرایط پیچیده و نامطمئن منجر شود (Vosconcelos, 2009).

در جدول ۲، مفاهیم مرتبط با شهود و فراشناخت در ادبیات غربی و مقایسه آنها ارائه شده است.

جدول ۳. مقایسه فراشناخت و شهود در تصمیم‌گیری کارآفرینان

شهود	فراشناخت	
تصمیم‌گیری سریع و غیرمستقیم براساس احساسات و تجربه‌های قبلی.	تفکر سطح بالاتر که شامل نظارت، ارزیابی و کنترل فرایندهای شناختی فرد است.	تعریف
استفاده به‌عنوان میان‌بر ذهنی برای ساده‌سازی فرایند تصمیم‌گیری.	کمک به ارزیابی و بهبود تصمیم‌گیری‌های راهبردی و کاهش خطاهای شناختی.	نقش در تصمیم‌گیری
تصمیم‌گیری سریع و مستقیم بدون تجزیه و تحلیل گسترده اطلاعات.	ارزیابی دقیق فرایندهای شناختی و بازخورد برای کاهش خطاهای ادراکی.	سازگار عملکرد
استفاده در محیط‌های نامطمئن برای گرفتن تصمیمات سریع.	کمک به ارزیابی خود، کنترل تصمیمات و انعطاف‌پذیری در محیط‌های پیچیده.	کاربرد در کارآفرینی
سرعت زیاد در تصمیم‌گیری و کاربرد در شرایط پیچیده و نامطمئن.	بهبود عملکرد، اعتماد به نفس، کاهش خطاهای شناختی و انعطاف‌پذیری بیشتر.	مزایا
احتمال بروز خطاهای ادراکی و انحراف از تصمیم‌گیری بهینه.	ممکن است باعث پیچیدگی و تحلیل بیش از حد در برخی موقعیت‌ها شود.	معایب
مدل‌های ذهنی ساده و سریع که براساس شهود و تجربه ساخته می‌شوند.	تشکیل مدل‌های ذهنی براساس ارزیابی‌های شناختی و فراشناختی.	ارتباط با مدل‌های ذهنی
استفاده از فرایندهای بازخورد و تصحیح میان‌برهای شهودی.	ارزیابی و نظارت بر تصمیمات، بازخورد و تصحیح اشتباهات شناختی.	روش‌های کاهش خطا





با توجه به دیدگاه غربی که فراشناخت و شهود را ابزارهایی برای بهبود تصمیم‌گیری کارآفرینان می‌داند و اذعان می‌دارد القائنات ذهنی همواره عاری از خطا نیستند و به پالایش نیاز دارند، در این پژوهش به بررسی دیدگاه اسلام درباره فراشناخت و شهود پرداخته می‌شود. همچنین، راهکارهای اسلامی برای کاهش خطاهای ادراکی ناشی از شهود مطرح می‌گردد تا در جامعه اسلامی از مواهب دین مبین اسلام در این زمینه بهره‌مند شویم.

۲. فراشناخت و شهود از منظر اسلام

برای تبیین راهکار اسلام در مسئله تصمیم‌گیری بهینه، ابتدا باید مفاهیم شهود و فراشناخت که در ادبیات غربی مطرح شده‌اند، از منظر اسلام نیز بررسی شوند. در عرفان اسلامی، علاوه بر این دو اصطلاح، مفهوم حکمت نیز اهمیت دارد؛ زیرا شهود مقدمه رسیدن به حکمت است.

اگر خداوند به واسطه اعمال صالح، حکمت عطا کند، فرد به مقام شهود رسیده است. حکمت به معنی دستیابی به حقیقت از طریق علم و عقل است و علامه طباطبایی، آن را به کاری محکم و استوار تشبیه می‌کند که قابل ابطال نیست (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ص ۳۹۵).

عده‌ای معنای حکمت را «بازداشتن» دانسته‌اند. کلمه «حکم» به معنی نهادن امور در جای خود، به نحوی جامع‌تر، به مفهوم حکمت اشاره می‌کند که «تعادل» جایگاه ویژه‌ای در آن دارد (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲). آیت‌الله مکارم در تفسیر حکمت می‌گوید: «حکمت به معنی علم و دانش و منطق و استدلال است» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱: ص ۴۵۵). علامه طبرسی نیز می‌گوید:

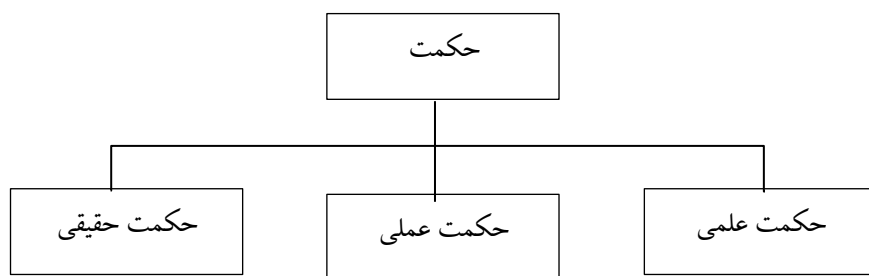
حکمت آن است که تو را بر امر حق که باطلی در آن نیست، واقف کند؛ بنابراین، می‌توان گفت مفهوم حکمت یعنی یافتن حقیقت و آنچه مطابق با واقع است. برخی از مفسران حکمت را علم و دانشی که فایده و منفعت آن بزرگ و زیاد است، معرفی می‌کنند (طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۴۵۰).



دستیابی به حکمت اصیل همواره دغدغهٔ علما و عرفا بوده است؛ زیرا انسان در پی کمال است. ابتدا باید با تزکیهٔ نفس که حضرت امام خمینی رحمته الله علیه به‌طور کامل توضیح داده‌اند، زمینهٔ حکمت فراهم شود.

هرچند حکمت واقعی با عنایت الهی حاصل می‌شود، تلاش و شناخت راهکارهای صحیح برای دسترسی به سرچشمهٔ حکمت و به‌کارگیری آن در زندگی، مسیر رسیدن به کمال را هموار می‌کند (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲).

حکمت، در اصطلاح، شامل سه نوع اصلی است: حکمت علمی که شناخت دقیق و عمیق اشیا و جهان هستی است؛ حکمت عملی که به‌کارگیری معرفت در زندگی و اعمال روزمره است؛ حکمت حقیقی که بصیرت، نورانیت درونی و در نهایت، رسیدن به مقام انسان کامل می‌باشد (مهدوی و جعفرپور، ۱۴۰۳). انواع حکمت در شکل ۳ ترسیم شده است:



شکل ۳. انواع حکمت

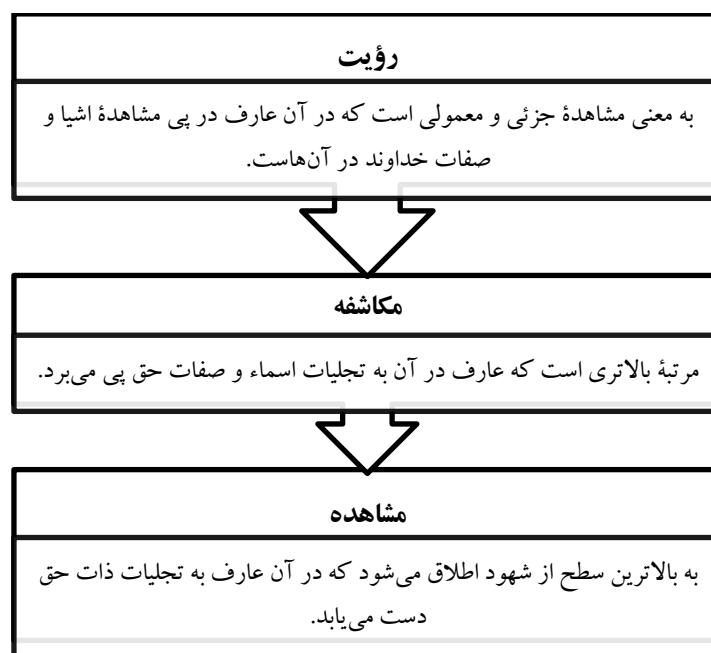
یکی از نتایج حکمت که در زمینهٔ کارآفرینی می‌توان به آن توجه کرد، تولید دانش‌بنیان و اقتصاد مقاومتی است که با تأسی از حکمت الهی منجر به رشد پایدار می‌شود؛ به عبارتی، تجلی حکمت در انسان باعث ارتقای فردی، اصلاح اجتماعی، پیشرفت اقتصادی و دستیابی به حیات طیبه می‌شود (مهدوی و جعفرپور، ۱۴۰۳).

در غرب، شهود بیشتر به‌عنوان توانمندی درونی است و قابل انتقال نمی‌باشد؛ اما در عرفان اسلامی، علم حضوری و شهود از طریق الهام قلبی و عقل برهانی، معیار معرفت



محسوب می‌شود. عقل در اینجا به مثابه کلید و مصباح درك حقایق عرفانی عمل می‌کند (شیروانی، ۱۳۸۹). تجربه دینی نزد فلاسفه غرب (مانند ویلیام جیمز یا اوتو) بیشتر جنبه روان‌شناختی دارد؛ اما در عرفان امام خمینی، شهود، جنبه وجودی و متافیزیکی دارد و به اتصال واقعی با حق می‌انجامد (غلامی و دیگران، ۱۴۰۱).

شهود در عرفان اسلامی به معنای درك حضور حق و تجلیات الهی است. ابن عربی و امام خمینی، آن را راه اصلی رسیدن به حقیقت می‌دانند؛ ابن عربی آن را کشف غیبی مخصوص اولیای الهی معرفی می‌کند؛ اما امام خمینی رحمته الله علیه معتقد است همه با تزکیه نفس می‌توانند به آن دست یابند. هر دو معتقدند تأمل در قرآن، سالک را به شهود واقعی رهنمون می‌شود. شهود، معرفتی عمیق و درونی به خود و خداوند است که با معرفت نفس آغاز می‌شود. شهود در آموزه‌های ابن عربی دارای مراتبی است (رجبی گوندره و وکیلی، ۱۴۰۱) که در شکل ۴ ارائه شده است:



شکل ۴. مراتب شهود از دیدگاه امام خمینی رحمته الله علیه



از نظر امام خمینی علیه السلام، شهود، محصول سلوک عرفانی و تهذیب نفس است، نه صرفاً تفکر یا مطالعه.

امام خمینی علیه السلام، شهود را نه یک تجربه ذهنی، بلکه مشاهده حقیقی از عالم معنا می‌داند (غلامی و دیگران، ۱۴۰۱) و از اصطلاح «فتوح» که به معنی بازشدن درهای معرفت است، برای اشاره به گشایش‌های الهی استفاده می‌کند. سالک از طریق این گشایش‌ها به معرفت‌های جدید دست می‌یابد (رجبی گوندره و وکیلی، ۱۴۰۱).

در سوره ناس به انسان توصیه می‌شود به درون خود نگرسته و از افکار و احساسات منفی آگاه شود. قرآن در این زمینه، به‌طور ضمنی، فراشناخت را ترویج می‌کند؛ به‌ویژه در آیات مختلف مانند آیه ۱۶ سوره ق و آیات ۴ و ۵ سوره ناس که به انسان دستور می‌دهد از وسوسه‌ها و نجواهای منفی در ذهن خود آگاه شود.

این مفهوم، در فراشناخت دینی نیز بازتاب دارد؛ جایی که فرد به خودآگاهی دینی دست می‌یابد و درباره تکالیف دینی، راهبردها و اعمال خود به‌طور دائم نظارت می‌کند (Iqbal et al., 2021).

در عرفان اسلامی، بر مراقبه به‌عنوان ابزاری برای حفظ و پالایش ذهن تأکید می‌شود؛ این فرایند باعث ارتقای شناخت فردی و توجه به اعمال و افکار خود می‌شود (ر.ک: صمدی آملی، ۱۴۰۱، ج ۱: ص ۴۵۲).

در عرفان اسلامی، شهود و عقل دو ابزار مکمل در فرایند تصمیم‌گیری به‌شمار می‌روند. این دو در تصمیم‌گیری‌های فردی و دینی به‌طور مستقل عمل می‌کنند؛ اما در عین حال، هم‌افزایی دارند (Vosconcelos, 2009).

در پژوهش‌های صورت گرفته، مشخص شده است که مدیران مذهبی در شرایط سخت، از ابزارهای مدیریتی خود در کنار شهود دینی (ایمان و توکل) بهره می‌برند تا تصمیمات بهتری بگیرند (Fernando & Jackson, 2006).



شکل ۵. نمودار مدل تصمیم‌گیری ترکیبی با پشتیبانی رویکرد مذهبی (Vosconcelos, 2009)

در نهایت، برای اعتبار و صحت شهود در عرفان اسلامی، لازم است از معیارهای دقیقی مانند مطابقت با متون دینی، اجماع اهل عرفان و آزمایش‌های معنوی برای سنجش صحت شهود استفاده گردد تا از خطاهای شناختی و القائات شیطانی دوری شود (افتخار و دیگران، ۱۳۹۰).

۲. ۱. راه دستیابی به حکمت، شهود و فراشناخت ناب در اسلام

علمای اسلام در آموزه‌های خود درباره راه‌های دستیابی به حکمت الهی، شهود و فراشناخت ناب سخن گفته‌اند؛ در این پژوهش، به دلیل محدودیت حجم مقاله، به بیان برخی از آن‌ها اکتفا می‌کنیم.

به‌طور خلاصه، راهکارهای دستیابی به حکمت از دیدگاه امام خمینی علیه السلام شامل بازگشت به فطرت اصیل انسانی، عبودیت، اخلاص، عمل به شریعت، توجه به طریقت و حقیقت، ذکر دائم خدا، اتحاد با اسماء الله، استفاده از دعا و اذکار، داشتن استاد راستین و پذیرش ولایت انسان کامل و ائمه معصومین علیهم السلام است. برای فراهم کردن زمینه حکمت، پاک‌سازی نفس ضروری است و این پاک‌سازی با محاسبه، مراقبه، مشارطه، تفکر، عزم





جدی و تذکر مستمر محقق می‌شود. موانع حکمت نیز شامل غفلت از یاد خدا، اشتغال به لهو و دنیا، خودبینی، انکار مراتب معنوی، عمل بدون معرفت و بی‌توجهی به استاد است (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲).

همچنین، امام خمینی رحمته‌الله، مراحل رسیدن به شهود را توبه و تطهیر نفس، عبادت و تهجد، مراقبه و محاسبه، محبت و فنا، وصال و مشاهده حقیقت می‌داند و بیان می‌کند کشف و شهود در مرحله نهایی قرار دارد و ثمره ریاضت و صفای باطن است. ایشان معتقد است ایمان حقیقی و تقوای عملی، زمینه‌ساز شهود هستند و کسی که دلش با ایمان و تقوا پاک شود، آمادگی دریافت اشراقات و مکاشفه الهی را پیدا می‌کند (غلامی و دیگران، ۱۴۰۱).

حکمت در نگاه امام خمینی رحمته‌الله، نه صرفاً دانشی نظری، بلکه معرفتی حضوری و همراه با تهذیب نفس و اتصال قلب به خداوند است. راه رسیدن به حکمت، سلوک عرفانی با التزام به شریعت، عشق به انسان کامل و مراقبه دائم است. حکمت واقعی نتیجه ترکیب عقل، فطرت، عبودیت و اتصال به سرچشمه فیض یعنی اهل بیت علیهم‌السلام است (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲).

با تحلیل آیات مربوط به هدف بعثت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، روشن می‌شود که از میان تلاوت، تزکیه و تعلیم کتاب و حکمت، تزکیه مهم‌ترین هدف شمرده شده است. این مطلب، ما را به این نکته رهنمود می‌کند که در تعلیم و تربیت اسلامی، به‌جای اینکه آموزش در اولویت باشد، تزکیه در اولویت قرار گیرد (موسوی و دیگران، ۱۴۰۳).

اتصال به عالم غیب، جوهره اصلی سلوک عرفانی و توجه به قداست عالم است. روش‌های سلوکی مثل تزکیه نفس، عزلت، نفی خواطر و ذکر، همه هموارکننده این مسیر است (افتخار و دیگران، ۱۳۹۰). رسیدن به مرتبه طهارت خود سبب تمایز بین القائنات شیطانی و شهود ناب می‌گردد و اساس مبحث طهارت و رسیدن به مراتب آن، همین تمایز و تفکیک بین حق و باطل است.



همان‌طور که گفته شد، رسیدن به حکمت و حقایق، با پاک‌سازی درون و تزکیه نفس آغاز می‌شود. این تزکیه یعنی پاک کردن دل از صفات ناپسند و تمرین صفات الهی؛ برای این منظور، شش مرحله اساسی بیان شده است (رضازاده و حبیبی منش، ۱۳۹۸):

- تفکر: اندیشیدن در خلقت و هدف زندگی؛

- عزم: تصمیم جدی برای اصلاح خود؛

- مشارطه: شرط‌گذاری روزانه با خود برای عمل درست؛

- مراقبه: نظارت بر افکار و اعمال؛

- محاسبه: حساب‌کشی روزانه از رفتارها؛

- تذکر (ذکر دائم): همیشه به یاد خداوند بودن.

آیت‌الله صمدی آملی (۱۴۰۱)، در کتاب شرح مراتب طهارت، مراحل تطهیر قوا و قوای انسانی را با رویکرد عرفانی و تربیتی تشریح کرده است. هدف از این تطهیر، دستیابی به علم حضوری، یقین قلبی و در نهایت، تصمیم‌گیری صحیح و متعالی است. طهارت در این چهارچوب، به عنوان راهکاری اسلامی برای تقویت شهود و فراشناخت معرفی می‌شود.

طهارت از ظاهر آغاز می‌شود و در مراتب بالاتر به باطن می‌رسد. طهارت ظاهری شامل تطهیر حواس جسمانی (چشم، گوش، زبان، لمس) است که با اعمال عبادی مانند وضو آغاز می‌گردد. این مرحله مقدماتی برای ورود به ساحت‌های عمیق‌تر نفس است. در مراحل بعدی، طهارت قوه خیال اهمیت ویژه‌ای دارد؛ زیرا خیال ناپاک مانع شهود و شناخت درست است.

با پاک‌سازی خیال از افکار بیهوده، سوءظن‌ها و آرزوهای باطل، این قوه به «دوربین معرفت» تبدیل می‌شود و فرد را به شهود حقایق غیبی هدایت می‌کند. تطهیر خیال، زمینه کشف باطن اشیا و دریافت‌های الهامی را فراهم می‌سازد. تفکر هدفمند و مراقبه مستمر، دو راهکار مهم برای پاک‌سازی خیال و تقویت تمرکز ذهنی هستند. پس از آن، مراحل



طهارت ذهن، عقل، قلب، روح، حقیقت انسان و سرّ انسان طی می‌شود که در هر مرحله، ادراک فرد عمیق‌تر و شهودش با حکمت و شناخت وسیع‌تری همراه می‌گردد.

در این مسیر، عقل نیز با آزادی از مفاهیم محدود، به ابزار مهمی برای تحلیل و ارزیابی شهودها تبدیل می‌شود؛ فرایندی که در متون علمی از آن با عنوان فراشناخت یاد می‌شود. در نهایت، طهارت قلب و سرّ انسان، بالاترین مراتب شهودی و الهامی را در اختیار سالک قرار می‌دهند که زمینه‌ساز تصمیم‌گیری مبتنی بر وحی و هدایت الهی است.

اسلام، برخلاف مکاتب جبرگرا یا اختیارمحور صرف، تصمیم‌گیری را امری چندبُعدی می‌داند که علاوه بر عقل و تجربه، نیازمند استفاده از منابع معنوی چون قرآن، سنت، اجماع و عقل هدایت‌شده است. از دیدگاه اسلامی، فراشناخت دینی یعنی شناختی که هم از درون (عقل و شهود) و هم از بیرون (وحی و تعالیم دینی) هدایت می‌شود و این نگاه، به‌ویژه در شرایط پیچیده تصمیم‌گیری، جایگاهی ممتاز می‌یابد.

در نهایت، می‌توان نتیجه گرفت که مسیر طهارت در عرفان اسلامی، به‌ویژه از دیدگاه آیت‌الله صمدی آملی، نه تنها راه رسیدن به شهود واقعی است، بلکه ابزار دستیابی به تصمیم‌گیری عالمانه و الهی در زندگی فردی و اجتماعی نیز می‌باشد. علاوه بر این، نگاه اسلام به تصمیم‌گیری، فراتر از تکیه صرف بر عقل است و بر اندیشه‌های برتر و والاتر از فهم معمول انسان تأکید دارد (فاضلی، ۱۳۷۱).

نگرش اسلامی به انسان به گونه‌ای است که نه کاملاً در جبر است و نه کاملاً مختار، بلکه همواره هدفمندی الهی را در تصمیم‌گیری‌ها لحاظ می‌کند. در اسلام برای اتخاذ تصمیمات بهتر، باید از همه امکانات مادی و معنوی بهره برد؛ زیرا بخشی از عوامل مؤثر در تصمیم‌گیری به جنبه‌های معنوی مربوط است و باید از طریق تمسک به معنویت به آن‌ها دست یافت (منطقی، ۱۳۹۱). دین اسلام منابعی دارد که فرایند تصمیم‌گیری را تحت تأثیر قرار می‌دهند؛ از این رو، باید برای رسیدن به یک تصمیم خوب از آن‌ها استفاده کرد. این منابع عبارت‌اند از: کتاب، سنت، اجماع و عقل (جوادی آملی، ۱۳۸۸).



تعالیم اسلامی شامل اعتقادات، احکام و ارزش‌هایی است که فرد می‌آموزد و این تعالیم بر تجارب قضاوتی، ارزش‌ها و آرمان‌های او تأثیر می‌گذارد. هنگامی که تصمیم‌گیری عقلانی محدود شود، تجربه‌های قضاوت شهودی هدایت‌شده، کمک‌کننده خواهد بود؛ بنابراین، هدایت معرفت شهودی توسط عقل و تعالیم اسلامی انجام می‌گیرد (رحمانی، ۱۳۹۵).

۳. نقش حکمت، شهود و فراشناخت ناب در اسلام و در تصمیم‌گیری کارآفرینان

در آموزه‌های اسلامی، نقش شهود، حکمت و فراشناخت در فرایند تصمیم‌گیری، به‌ویژه برای کارآفرینان، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. این مفاهیم می‌توانند به کارآفرینان کمک کنند تا تصمیمات دقیق‌تر، آگاهانه‌تر و مبتنی بر ارزش‌های معنوی بگیرند. **نقش شهود:** شهود در اسلام، فرایندی درونی و نتیجه پاک‌سازی نفس است. امام خمینی رحمه‌الله آن را حاصل توبه، تطهیر، عبادت، مراقبه و محاسبه می‌داند. این شهود به کارآفرینان کمک می‌کند در شرایط پیچیده، تصمیمات آگاهانه‌تر بگیرند (غلامی و دیگران، ۱۴۰۱).

نقش حکمت: حکمت از نظر امام خمینی، معرفتی حضوری است که با سلوک عرفانی و تهذیب نفس به دست می‌آید و به کارآفرینان، بینش عمیق‌تری درباره شرایط و فرصت‌ها می‌دهد. حکمت، تلفیقی از عقل، فطرت، عبودیت و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام است و در تصمیمات اخلاقی و بلندمدت مؤثر است (علی‌بالائی و دیگران، ۱۴۰۲). به گفته امام خمینی رحمه‌الله، حکمت نتیجه ترکیب عقل، فطرت، عبودیت و ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام است که در تصمیم‌گیری‌های بلندمدت و اخلاقی مؤثر است.

نقش فراشناخت: فراشناخت به معنی درک و تحلیل شهود و تصمیمات است که به کارآفرینان کمک می‌کند تصمیمات خود را دقیق‌تر و آگاهانه‌تر ارزیابی کنند؛ به‌ویژه در شرایط پیچیده (رحمانی، ۱۳۹۵)؛ به این ترتیب، تصمیمات کارآفرینان به‌طور مؤثری از تحلیل عقلانی و تجربیات گذشته، به همراه شهود و هدایت‌های دینی شکل می‌گیرد.



در نهایت، اسلام تأکید می‌کند که تصمیم‌گیری باید مبتنی بر عقل، تجربه، منابع معنوی (قرآن، سنت، اجماع) و شهود باشد. این نوع نگاه که به ترکیب عقل و شهود (فراشناخت دینی) تأکید دارد، می‌تواند به کارآفرینان کمک کند تا در فرایند تصمیم‌گیری‌های خود، به‌ویژه در شرایط پیچیده، بهتر عمل کنند (جوادی آملی، ۱۳۸۸).

۴. یافته‌ها

در ادبیات غربی، شهود معمولاً به تصمیم‌گیری سریع و بدون تحلیل عمیق اطلاق می‌شود که به‌طور معمول براساس احساسات و تجربیات قبلی صورت می‌گیرد. این نوع تصمیم‌گیری که به آن «میان‌برهای شهودی» گفته می‌شود، در مواقع عدم قطعیت و در شرایط پیچیده، به فرد امکان می‌دهد تا به‌سرعت تصمیم‌گیری کند (Lufitianto & Pearson, 2022). در کنار این فرایند، مفهوم فراشناخت نیز مطرح است که به تحلیل و ارزیابی آگاهانه تصمیمات اشاره دارد. فراشناخت به فرد کمک می‌کند بر فرایندهای شناختی خود نظارت کرده، از آن‌ها برای بهبود و اصلاح تصمیم‌گیری‌های خود استفاده کند.

این فرایند شامل تأمل آگاهانه درباره فرایندهای ذهنی و ارزیابی نتایج و پیامدهای احتمالی تصمیمات است که به‌ویژه در شرایط پیچیده و نامطمئن نقش کلیدی ایفا می‌کند (Schraw & Dennison, 2003).

در این زمینه، فرایندهای شهودی به کارآفرینان کمک می‌کند فراتر از ساختارهای دانشی و تفکر معمولی خود به کشف و ارزیابی اکتشافات ذهنی بپردازند. این امکان باعث می‌شود کارآفرینان در مواجهه با شرایط نامطمئن، توانایی تصمیم‌گیری بهتر و دقیق‌تری داشته باشند (Stanton et al., 2021)؛ به همین دلیل، برای اتخاذ تصمیمات بهینه در شرایط پیچیده، استفاده از فراشناخت و نظارت بر فرایندهای شهودی، ضروری است. به عبارتی، فراشناخت باعث می‌شود فرد بتواند تصمیمات خود را بازبینی و از شهود خود به‌طور مؤثرتر استفاده کند.



از دیدگاه اسلامی، علاوه بر عقل و تفکر منطقی، تعالیم و ارزش‌های دینی، نقش کلیدی در تصمیم‌گیری دارند. هنگامی که تصمیم‌گیری عقلانی محدود می‌شود، فرد می‌تواند با استفاده از شهود هدایت‌شده مبتنی بر اصول دینی و تجربه‌های معنوی، از خطاهای شناختی جلوگیری و تصمیمات بهتر و متعالی‌تری اتخاذ کند. در عرفان اسلامی، شهود به درک حضوری و باطنی گفته می‌شود که فرد را به حکمت یعنی علمی همراه با عمل درست می‌رساند.

برای صحت این مسیر، مدل‌های ذهنی باید با آموزه‌های دینی منطبق باشند و فراشناخت، نقش نظارت و هدایت این فرایندها را ایفا می‌کند تا فرد به تصمیم‌گیری صحیح و کمال روحانی برسد. این ارتباط میان شهود، مدل‌های ذهنی، فراشناخت و حکمت، چرخه‌ای است که انسان را به درک عمیق‌تر و صحیح‌تری از جهان هستی و وجود الهی می‌رساند (صمدی آملی، ۱۴۰۱، ج ۲: ص ۷۵۰).

جدول ۴. ارتباط بین شهود، مدل‌های ذهنی، فراشناخت و حکمت در عرفان اسلامی

مفهوم	نقش و ارتباط
شهود	ادراک مستقیم و حضوری از حقیقت که براساس طهارت نفس به دست می‌آید.
مدل‌های ذهنی	چهارچوب‌های فکری و دینی که شهودات و معارف را معناگذاری و تفسیر می‌کنند.
فراشناخت	توانایی نظارت و ارزیابی شهود و مدل‌های ذهنی، اصلاح مسیرهای فکری و تصمیم‌گیری درست براساس آموزه‌های اسلامی.
حکمت	علم و عمل درست به حقیقت که از طریق شهود، مدل‌های ذهنی درست و فراشناخت ایجاد می‌شود و در نهایت، به تصمیم‌گیری صحیح و کمال معنوی منجر می‌شود.

امام خمینی رحمته‌الله، راهکارها و چهارچوبی برای رسیدن به حقیقت و حکمت الهی ارائه می‌دهد که از خودسازی آغاز و به معرفت الهی ختم می‌شود؛ خلاصه این راهکارها در جدول ۴ ارائه شده است:

جدول ۵. راهکارهای دستیابی به حکمت از نگاه امام خمینی علیه السلام

راهکار	نقش راهکار در دستیابی به حکمت
تزکیه نفس و سلوک عرفانی	پیش نیاز دریافت حکمت، پاک سازی درون از رذایل اخلاقی و تهذیب نفس است. مراحل آن: تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه، محاسبه و تذکر دائم.
عبودیت و اخلاص	عبودیت یعنی بیرون آمدن از خودپرستی و ورود به فضای بندگی محض خدا. اخلاص، کلید گشایش قلب به سوی حکمت الهی است.
شناخت انسان کامل و پذیرش ولایت او	ولایت اهل بیت علیهم السلام ، شرط اساسی برای دریافت معارف حقیقی و رسیدن به حکمت است.
بازگشت به فطرت اصیل انسانی	فطرت الهی انسان، زمینه عشق به حق و میل به کمال است؛ باید بیدار شود و پرورش یابد.
التزام به شریعت	طریقت و حقیقت بدون شریعت اعتباری ندارد؛ شریعت مقدمه رسیدن به حکمت است.
تفکر و عقلانیت	عقل از دیدگاه امام، نور الهی و مربی درونی انسان است. تفکر عمیق در آیات الهی، خودشناسی، هدف زندگی، معاد و وظایف انسانی، راه های گسترش عقل و حکمت است.
نقش دعا، مناجات و ذکر	دعا، کلید ورود به عالم معنا و تقویت اتصال با خداوند معرفی شده است. دعا، فطرت انسان را بیدار و قلب را برای پذیرش نور حکمت آماده می کند.

در این بخش، علاوه بر دیدگاه امام خمینی علیه السلام، دیدگاه های علامه حسن زاده آملی و آیت الله صمدی آملی نیز بررسی شده است؛ کتاب شرح مراتب طهارت از آثار استاد صمدی آملی (۱۴۰۱) است. استاد در این کتاب، با تفسیر کتاب وحدت از دیدگاه عارف و حکیم (نوشته علامه حسن زاده آملی)، به شرح مراتب طهارت می پردازد.

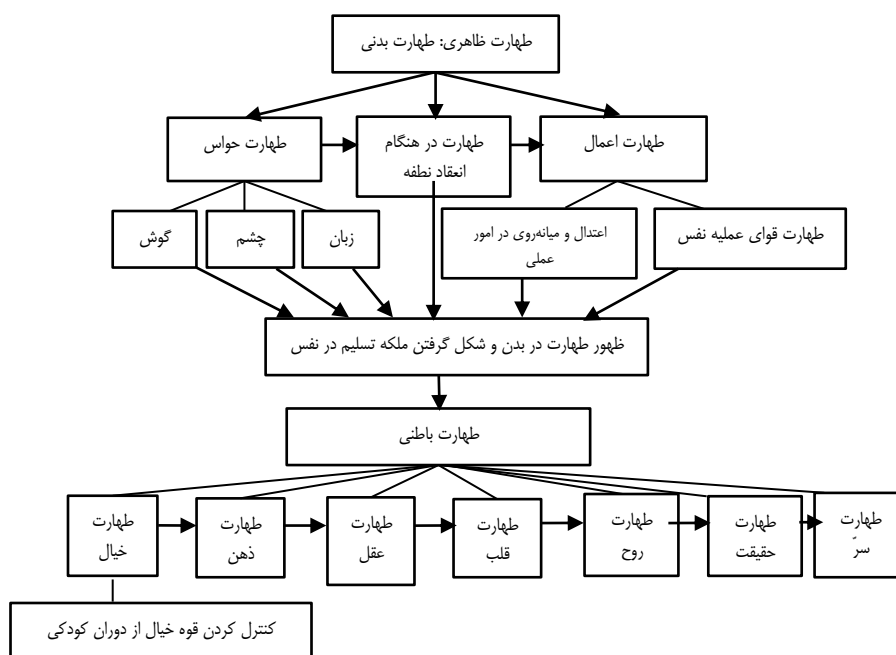
طبق سخن استاد صمدی آملی، طهارت مراحل مختلفی دارد، شامل تطهیر قوه خیال، عقل، قلب، روح، حقیقت انسان و سر انسان. در مرحله طهارت قوه خیال، این قوه به وسیله ای برای دریافت اسرار ماوراء الطبیعت تبدیل می شود و فرد، توان تشخیص عمیق





موضوعات را پیدا می‌کند. برای پاک‌سازی خیال دو راه مطرح است: پاک کردن ذهن از سوءظن‌ها و برداشت‌های منفی، و تفکر هدفمند برای جلوگیری از پراکندگی خیال. طهارت عقل به معنی دستیابی به دانش کامل و فراتر رفتن از مفاهیم محدود است. طهارت قلب به رهایی از تشنگی ذهنی و تقویت قدرت تصمیم‌گیری درست اشاره دارد. بالاترین مرحله طهارت به روح و سر انسان مربوط است که موجب ادراکات الهی و غیبی و اتخاذ بهترین تصمیم‌ها می‌شود.

همچنین، اثر اذکار و دعاها به درجه طهارت فرد بستگی دارد و تکرار صرف آنها بدون طهارت، ممکن است باعث قساوت و دوری از حقیقت گردد.



شکل ۶. مراتب طهارت



نتیجه‌گیری

براساس منابع بررسی شده در این پژوهش می‌توان گفت شهود و فراشناخت، به‌عنوان دو عنصر کلیدی در فرایند تصمیم‌گیری کارآفرینان، به‌ویژه در شرایط پیچیده و مبهم، نقش تعیین‌کننده‌ای دارند.

کارآفرینان در مواجهه با محیط‌های پویا و پیش‌بینی‌ناپذیر که در آن‌ها تحلیل‌های منطقی و داده‌محور به‌تنهایی کافی نیستند، به شهود متکی می‌شوند. شهود، به‌عنوان درک غریزی و درونی مبتنی بر تجربیات گذشته، امکان تصمیم‌گیری سریع و مؤثر را فراهم می‌کند و به کارآفرینان اجازه می‌دهد در موقعیت‌هایی که اطلاعات کامل نیست، با اعتماد به حس درونی خود عمل کنند.

باین‌حال، اتکای صرف به شهود ممکن است به‌دلیل ماهیت غیرتحلیلی و گاه احساسی آن، به خطاهای شناختی و ادراکی منجر شود که پیامدهای منفی بر عملکرد و موفقیت کارآفرین دارد.

در این راستا، فراشناخت به‌عنوان فرایندی آگاهانه، برای نظارت، ارزیابی و اصلاح فرایندهای شناختی و شهودی، نقش مکمل و حیاتی ایفا می‌کند. فراشناخت با فراهم آوردن آگاهی از چگونگی تفکر و تصمیم‌گیری، به کارآفرینان کمک می‌کند تا نقاط ضعف و سوگیری‌های احتمالی در شهود خود را شناسایی کرده، با اصلاح آن‌ها، تصمیماتی دقیق‌تر، راهبردی‌تر و مطمئن‌تر اتخاذ کنند.

از منظر عرفان اسلامی، شهود، مفهومی عمیق‌تر از یک فرایند ذهنی صرف دارد و به‌عنوان ادراک حضوری و باطنی تعریف می‌شود؛ ادراکی که از طریق تهذیب نفس، سلوک عرفانی و پاک‌سازی قوای نفسانی به دست می‌آید.

این نوع شهود، انسان را به حکمت الهی راهنمایی می‌کند؛ حکمت در این دیدگاه، علمی است که با عمل صالح و درست همراه است و به درک عمیق‌تر از حقیقت وجود و ارتباط با وجود الهی منجر می‌شود. برای دستیابی به شهود ناب و هدایت‌شده، لازم است مدل‌های ذهنی فرد با آموزه‌های دینی هم‌راستا شوند. این هم‌راستایی از طریق التزام به



شریعت، تقویت اخلاص، و پالایش قوه خیال و عقل از آلودگی‌های نفسانی محقق می‌شود.

فراشناخت در چهارچوب دینی، فرایندی است که با تلفیق عقل و وحی و شهود هدایت‌شده، نظارت بر حالات درونی و فرایندهای ذهنی را ممکن می‌سازد. این نظارت که در عرفان اسلامی با مفاهیمی چون مراقبه و محاسبه نفس شناخته می‌شود، به کارآفرین کمک می‌کند با آگاهی از حالات درونی خود، از انحرافات و خطاهای شناختی جلوگیری کرده، تصمیماتی متعالی‌تر بگیرد.

علاوه بر این، آموزه‌های اسلامی، راهکارهای عملی متعددی برای تقویت شهود و فراشناخت ارائه می‌دهند. تزکیه نفس، به عنوان پایه و اساس این فرایند، از طریق اعمالی مانند مراقبه (توجه مستمر به حالات درونی)، محاسبه (ارزیابی اعمال و افکار)، مشارطه (عهد بستن با خود برای پابندی به ارزش‌های معنوی) و تذکر دائم (یادآوری هدف والای الهی) تحقق می‌یابد. این اعمال، قوای نفسانی مانند خیال و عقل را از تأثیرات منفی نفسانیات و القائات نادرست پاک می‌کنند و زمینه‌ساز شهود خالص و تصمیم‌گیری صحیح می‌شوند؛ همچنین، ارتباط با منابع و حیانی (قرآن و سنت)، بهره‌گیری از عقل هدایت‌شده و الگوگرفتن از انسان کامل و اهل بیت علیهم‌السلام به عنوان نمونه‌های اعلای حکمت و طهارت، به کارآفرینان کمک می‌کند در مسیر تصمیم‌گیری، از ارزش‌های معنوی و دینی بهره‌مند شوند.

این عوامل نه تنها از بروز خطاهای شناختی جلوگیری می‌کنند، بلکه با تقویت بصیرت درونی، کارآفرینان را به سوی تصمیماتی سوق می‌دهند که هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی، سازنده و متعالی هستند.

در نهایت، تلفیق شهود و فراشناخت با آموزه‌های اسلامی، رویکردی جامع و چندبُعدی برای تصمیم‌گیری کارآفرینان در محیط‌های پیچیده و نامطمئن ارائه می‌دهد.

این رویکرد، با ادغام عقل هدایت‌شده، شهود پالایش‌یافته و ارزش‌های معنوی، کارآفرینان را قادر می‌سازد در مواجهه با مسائل محیطی، تصمیماتی آگاهانه، متعادل و



متعالی اتخاذ کنند. چنین تصمیماتی، ضمن کاهش خطاهای شناختی و افزایش دقت، به کارآفرینان امکان می‌دهد با بهره‌گیری از حکمت الهی و بصیرت درونی، به موفقیت‌های پایدار و معنادار در مسیر حرفه‌ای و روحانی خود دست یابند.

این ترکیب نه تنها به بهبود عملکرد کارآفرینان در دنیای مادی کمک می‌کند، بلکه آن‌ها را به سوی کمال انسانی و تقرب به حقیقت الهی که نهایت آرمان عرفان اسلامی است، هدایت می‌کند.



کتابنامه

قرآن کریم.

- افتخار، مهدی، مهدی زمانی، سیدعلی علم‌الهدی و علیرضا اژدر (۱۳۹۰)، «معیارهای صحت شهودات عرفانی»، پژوهش‌های عرفان، دوره ۳، ش ۵، ص ۲۷-۴۴.
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۸)، «تبیین برخی از مطالب منزلت عقل در هندسه معرفتی دینی»، حکمت/سراء، ش ۲، ص ۱۷-۴۰.
- رجبی گوندره، عباس و هادی و کیلی (۱۴۰۱)، «حقیقت شهود و نقش آن در حصول معرفت از نگاه ابن عربی و امام خمینی»، مطالعات ادیان و عرفان تطبیقی، ش ۱، ص ۲۳-۴۷.
- رحمانی، نیما (۱۳۹۵)، «بررسی نقش وحی در تصمیم‌گیری عقلانی-شهودی»، اسلام و مدیریت، دوره ۵، ش ۱۰، ص ۲۹-۵۲.
- رضازاده، رضا و هدی حبیبی‌منش (۱۳۹۸)، «سرچشمه‌های معرفتی حکمت اشراقی و نقش و تأثیر قرآن و منابع روایی»، مطالعات قرآنی، ش ۳۷، ص ۵۹-۷۹.
- شیروانی، علی (۱۳۸۹)، «مفهوم شهود در فلسفه غرب و نسبت آن با علم حضوری»، آیین حکمت، دوره ۲، ش ۶، ص ۶۵-۱۱۰.
- صمدی آملی، محمدحسین (۱۴۰۱)، شرح مراتب طهارت (ج ۱ و ۲)، قم: نور السجاد.
- طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴)، تفسیر المیزان (ج ۳)، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، چاپ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
- طبرسی، ابوالفضل بن الحسن بن الفضل (۱۳۸۵)، مشکاة الانوار، نجف: کتابخانه حیدریه.
- علی‌بالائی، میثم، سید محمدرضا موسوی، سیدمحمد حسینی (۱۴۰۲)، «حکمت و حکیم در تعالیم اسلام با تأکید بر دیدگاه امام خمینی (ره)»، پژوهش‌نامه معارف اهل بیت (علیهم‌السلام)، دوره ۲، ش ۴، ص ۱۲۰-۱۲۴.
- غلامی، داوود، محمدرضا غلامی و علی غلامی (۱۴۰۱)، «کشف و شهود، کلید عرفان روح‌الله موسوی خمینی»، پژوهش‌نامه مذاهب اسلامی، ش ۱۲، ص ۳۴۶-۳۷۳.



- فاضلی، خلیل‌الله (۱۳۷۱)، «سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری در نظام رهبری و مدیریت اسلامی از دیدگاه عقل و وحی»، مدیریت دولتی، ش ۱۹، ۵۹-۷۳.
- کلابی، امیرمحمد، جهانگیر یداله‌ی فارسی و فاطمه شفیعی (۱۴۰۰)، «مدل‌های ذهنی کارآفرینان برتر ایران: با تأکید بر موفقیت کارآفرینان نوپا». پژوهش‌های مدیریت منابع سازمانی، دوره ۱۱، ش ۴، ص ۱۳۷-۱۵۸.
- مبارکی، محمدحسن، اسدالله کرد نائیج و شهریار عزیزی (۱۳۹۷)، *الگوهای تصمیم‌گیری کارآفرینان*، تهران: سمت.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، *تفسیر نمونه*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- منطقی، محسن (۱۳۹۱)، «نقش نگرش‌های اسلامی در فرایندهای تصمیم‌گیری»، *اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ش ۲، ص ۴۱-۵۷.
- مهدوی، محمد و صفیه جعفرپور (۱۴۰۳)، «وجوه کارآمدی دستیابی به مقام حکمت در جامعه و تأثیر آن بر سبک زندگی»، *دین‌پژوهی و کارآمدی*، دوره ۴، ش ۳، ص ۸۵-۱۰۴.
- موسوی، سیدمحمدعلی، سیدمحمدرضا موسوی‌نسب و سیدعیسی مسترحمی (۱۴۰۳)، «روش‌های تربیتی در نظام تزکیه‌محور»، *قرآن و علم*، دوره ۱۸، ش ۳۴، ص ۴۷-۷۰.
- Bastian, Brock & Zucchella, Antonella (2022). "Entrepreneurial metacognition: A study on nascent entrepreneurs". *International Entrepreneurship and Management Journal*, 18(1): 1-31. <https://doi.org/10.1007/s11365-021-00793-4>.
- Dabić, Marina; Stojčić, Nebojša & Colović, Ana (2021). "Serial entrepreneurs: A review of literature and guidance for future research". *Journal of Small Business Management*, 59(3)" 1-36. <https://doi.org/10.1080/00472778.2020.1824527>.



- Dimov, Dimo & Pistrui, Joseph (2023). "Kinetic thinking styles: A tool for developing entrepreneurial thinking". *Journal of Business Venturing Design*, 2(1). <https://doi.org/10.1016/j.jbvd.2023.100015>
- Fernando, Mario & Jackson, Brad (2006). "The influence of religion-based workplace spirituality on business leaders' decision-making: An inter-faith study". *Journal of Management & Organization*, 12(1): 23–39. <https://doi.org/10.1017/S1833367200004124>.
- Flavell, John H. (1979). "Metacognition and cognitive monitoring: A new area of cognitive-developmental inquiry". *American Psychologist*, 34(10): 906–911. <https://doi.org/10.1037/0003-066X.34.10.906>.
- Haynie, Michael J. & Shepherd, Dean A. (2009). "A measure of adaptive cognition for entrepreneurship research". *Entrepreneurship Theory and Practice*, 33(3): 695–714. <https://doi.org/10.1111/j.1540-6520.2009.00322.x>.
- Iqbal, Nabeel; Mustaffa, Mohd Sukki & Ariffin, Shamsul Rizal (2021). "Self-development in the Holy Qur'an: The important role of metacognition". *QURANICA - International Journal of Quranic Research*, 13(2): 29–42.
- Jain, Sanjay; Sharma, Sanjay & Vijay, T. S. (2023). "Linking metacognition, workplace cognitive competencies and performance: An integrative review-based conceptual framework". *Primenjena Psihologija*, 16(1): 107–147. <https://doi.org/10.19090/pp.2023.1.107-147>.



- Johnson, Laird Philip Norman (1983). *Mental models: Towards a cognitive science of language, inference and consciousness*. Harvard University Press.
- Lufitianto, Galang & Pearson, Joel (2022). "Evaluating the Spidey sense: The metacognition of intuition". Research Square. <https://doi.org/10.21203/rs.3.rs-1538076/v1>.
- Milkman, K. L., Chugh, D. & Bazerman, M. H. (2009). "How can decision making be improved?". *Perspectives on Psychological Science*, 4(4): 379–383. <https://doi.org/10.1111/j.1745-6924.2009.01142.x>.
- Sarasvathy, S. D., Dew, N., Velamuri, S. R. & Venkataraman, S. (2003). "Three views of entrepreneurial opportunity" In Z. J. Acs & D. B. Audretsch (Eds.), *Handbook of entrepreneurship research: An interdisciplinary survey and introduction* (pp. 141–160). Springer. https://doi.org/10.1007/0-387-24519-7_7.
- Schraw, Gregory & Dennison, Rayne Sperling (1994). "Assessing metacognitive awareness". *Contemporary Educational Psychology*, 19(4): 460–475. <https://doi.org/10.1006/ceps.1994.1033>
- Stanton, J. M., Stam, K. R. & Guzman, I. (2021). "Metacognition and decision-making in complex environments". *Journal of Cognitive Engineering and Decision Making*, 15(2–3): 67–89. <https://doi.org/10.1177/15553434211023854>.
- Vasconcelos, Fernando A. (2009). "Intuition, prayer, and managerial decision-making processes: A religion-based framework".

Management Decision, 47(6): 930–949. <https://doi.org/10.1108/00251740910966668>.

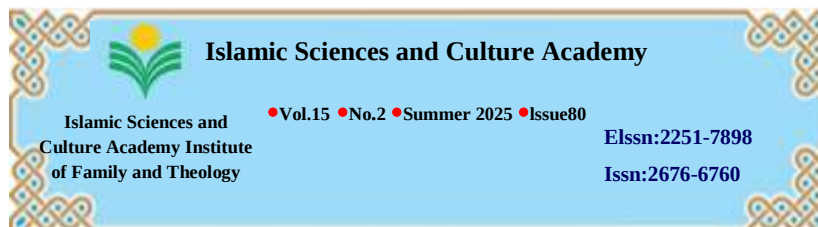
Wainaina, Michael G.; Ngugi, John K. & Njoroge, Martin (2023).

“Metacognition in entrepreneurship: Literature review and future sparks”. *IJARIE*, 9(2): 2395–4396.

Yeung, N. & Summerfield, C. (2012). “Metacognition in human decision-making: Confidence and error monitoring”. *Philosophical Transactions of the Royal Society B: Biological Sciences*, 367(1594): 1310–1321. <https://doi.org/10.1098/rstb.2011.0416>.







Contradictions Between Marketing Strategies and Sales Tactics and the Principles of Professional Ethics and Psychological Well-being*

Zeinab Rostami¹ 

1- Assistant Professor, Department of Religious Education, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding author).
zeinabrostami@modares.ac.ir



Abstract

This study investigates the conflicts between modern marketing strategies and sales tactics, and the standards of professional ethics as well as moral and psychological well-being. Employing the systematic qualitative review method known as MOOSE, the research draws on prior studies conducted in this field. An initial pool of 868 articles was identified, and through a two-stage screening process, nine studies meeting the predefined criteria were selected for in-depth analysis. The findings reveal nineteen critical issues reflecting contradictions between marketing and sales practices and ethical or psychological principles. These issues were grouped into four overarching categories: (1) deception and exploitation, (2) monopolistic and self-centered behaviors, (3) harm to psychological well-being, and (4) erosion of ethical values. The results emphasize the necessity of strict

*Cite this article: Rostami, Z.(2025). Contradictions Between Marketing Strategies and Sales Tactics and the Principles of Professional Ethics and Psychological Well-being, Journal in Applied Ethics Studies, 2(80), 115-144
<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71293.2024>.

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

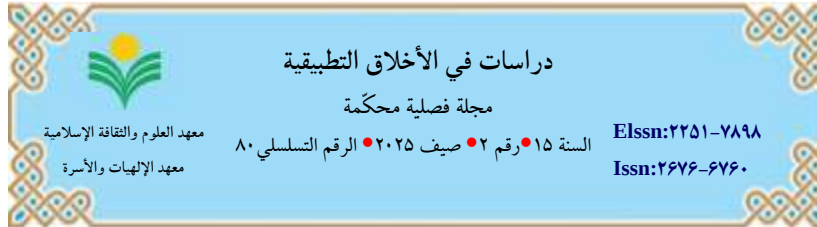
■ **Received:**2025/03/03 ■ **Revised:**2025/05/07 ■ **Accepted:**2025/05/04 ■ **Published online:**2025/10/11

oversight over marketing practices and sales techniques, as well as public awareness initiatives, in order to safeguard ethical standards and mitigate the negative impacts on individuals' mental health.

Keywords

Marketing, Sales, Professional Ethics, Psychological Well-being.





مفارقات إستراتيجيات التسويق وتكتيكات البيع مع الأخلاقيات المهنية والصحة النفسية والأخلاقية*

زينب رستمي^١

١- الأستاذة المساعدة لهيئة التدريس، جامعة تربية مدرس، طهران - إيران (الكاتبة المسؤولة).
zeinabrostami@modares.ac.ir

مستخلص

تهدف هذه الدراسة إلى دراسة التناقضات بين إستراتيجيات التسويق وتكتيكات البيع من جهة، وأخلاقيات المهنة والصحة النفسية والأخلاقية من جهة أخرى. أُجريت هذه الدراسة باستخدام منهج MOOSE النوعي المنهجي، واستندت إلى أبحاث أُجريت في هذا المجال. ففي البداية، تم استخراج ٨٦٨ مقالة، وبعد الفرز الأولي والثانوي، تم اختيار تسع مقالات نهائياً وفقاً للمعايير المحددة مسبقاً. فتخلص البحث بأنه، وبوجه عام، هناك تسع عشرة مشكلة رئيسية في مجال تناقض إستراتيجيات المبيعات وأساليب التسويق مع أخلاقيات المهنة ومبادئ الصحة النفسية، والتي تُصنف إلى أربعة عوامل عامة. هذه العوامل الأربعة هي:

***الاستناد إلى هذه المقالة:** رستمي، زينب (٢٠٢٥). مفارقات إستراتيجيات التسويق وتكتيكات البيع مع الأخلاقيات المهنية والصحة النفسية والأخلاقية. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٢ (٨٠)، صص ١١٥-١٤٤.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71293.2024>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلفون

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٣/٠٥ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٥/٠٧ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٥/٠٤ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١١



الخداع والاستغلال؛ الاحتكار والأنانية؛ تدمير الصحة النفسية؛ تخريب القيم الأخلاقية وتدنيها. ووفقاً لنتائج البحث، يبدو من الضروري إجراء مراقبة جادة على إستراتيجيات التسويق وأساليب البيع، وتوعية المجتمع للحفاظ على القيم الأخلاقية، والحد من آثارها السلبية على الصحة النفسية للأفراد.

الكلمات المفتاحية

التسويق، المبيعات، الأخلاقيات المهنية، الصحة النفسية.





تناقضات راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش با اخلاق حرفه‌ای و سلامت اخلاقی و روان‌شناختی*

زینب رستمی^۱

۱- استادیار گروه مدرسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
zeinabrostami@modares.ac.ir

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی تناقضات راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش با اخلاق حرفه‌ای و سلامت اخلاقی و روان‌شناختی است. این مطالعه با استفاده از روش کیفی سیستماتیک موس (MOOSE) و با تکیه بر پژوهش‌های انجام‌شده در این زمینه صورت گرفته است. در ابتدا، ۸۶۸ مقاله استخراج و پس از غربالگری‌های اولیه و ثانویه، در نهایت ۹ مقاله با توجه به معیارهای از پیش تعیین‌شده انتخاب شدند. به‌طور کلی، نوزده مشکل کلیدی در زمینه تناقضات راهبردهای فروش و ترفندهای بازاریابی با اخلاق حرفه‌ای و مبانی سلامت روان‌شناختی وجود دارد که زیرمجموعه چهار عامل کلی قرار می‌گیرند.

* **استناد به این مقاله:** رستمی، زینب (۱۴۰۴). تناقضات راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش با اخلاق حرفه‌ای و سلامت اخلاقی و روان‌شناختی، مطالعات اخلاق کاربردی، ۲(۸۰)، صص ۱۱۵-۱۴۴.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71293.2024>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵ • تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۷ • تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۱۴ • تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹



این چهار عامل عبارت‌اند از: دغل‌کاری و سوءاستفاده؛ انحصارطلبی و خودخواهی؛ تخریب سلامت روان‌شناختی؛ تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی. با توجه به نتایج حاصل از پژوهش، نظارت جدی بر راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش و آگاهی‌بخشی به افراد جامعه، به‌منظور حفظ ارزش‌های اخلاقی و کاهش تبعات و آثار منفی آن بر سلامت روان‌شناختی افراد، ضروری به نظر می‌رسد.

کلیدواژه‌ها

بازاریابی، فروش، اخلاق حرفه‌ای، سلامت روان.





مقدمه

بازاریابی و فروش، از اجزای اصلی هر کسب و کار به شمار می‌رود که به ایجاد ارزش برای مشتریان و در نهایت، سودآوری فروشندگان می‌انجامد.

در واقع، بازاریابی، فرایندی است که فروشندگان از طریق آن با مشتریان در تعامل قرار می‌گیرند، با آن‌ها ارتباط قوی برقرار می‌کنند و با فروش کالا و تأمین نیاز ضروری آن‌ها برای مشتری ارزش ایجاد می‌کنند.

این فرایند شامل شناخت نیازهای مشتریان، طراحی محصولات یا خدمات مناسب و ارائه آن‌ها به بازار است. فروش نیز یکی از عوامل زیرمجموعه بازاریابی است که به انتقال مالکیت کالا یا خدمات از فروشنده به خریدار اشاره دارد. این فرایند شامل فعالیت‌های مختلفی مانند مذاکره، ارائه پیشنهادها و خدمات پس از فروش می‌شود (Marudachalam & Ramesh, 2017; Kumar & Lal, 2018).

بنابراین، راهبردهای بازاریابی و فروش شامل روش‌های مختلفی مانند بازاریابی دیجیتال، تبلیغات و انواع رویدادهای تبلیغاتی می‌شود که هدف اصلی آن‌ها بهبود فروش، افزایش نرخ بازگشت مشتریان و ایجاد شناخت و اعتماد به نشان تجاری است (Morgan et al., 2025; Yasin et al., 2025; Multhazam et al., 2025; Zong et al., 2025). با این حال، در بسیاری از موارد، این راهبردها با آموزه‌های اخلاق حرفه‌ای و مبانی سلامت روان در تضاد قرار می‌گیرند (Hua et al., 2022; Cooper et al., 1985; Aziz et al., 2024; Goswami, 2023; Is'haq, 2012).

اخلاق حرفه‌ای، الگوی رفتاری پایدار درون‌فردی و برون‌فردی مبتنی بر رعایت حقوق طرف مقابل است و شعار زیبای آن این است که «دیگران حق دارند و من وظیفه». بر همین مبنا، رعایت اصول اخلاقی بر شایستگی‌های اخلاقی و الزاماتی چون صداقت، عدالت و احترام به حقوق دیگران استوار است و از افراد انتظار می‌رود در همه جنبه‌های زندگی، از جمله در محیط کار، با شأن و منزلت و اشتیاقی خاص، به این اصول پایبند باشند.



این آموزه‌ها بر اهمیت رفتار درست و اخلاقی در تعاملات تجاری تأکید می‌کند و از افراد مشغول به تجارت و کسب‌وکار انتظار دارد در همه اقدامات خود، از جمله بازاریابی و فروش، صادق و راست‌گو باشند، به حقوق مصرف‌کنندگان احترام بگذارند و از هرگونه فریبندگی یا سوءاستفاده از مشتریان خودداری کنند (فرامرزی قراملکی، ۱۳۹۷، ص ۶۰)؛ چراکه رعایت نکردن هر کدام از این نکات می‌تواند اثری نامطلوب و گاه جبران‌ناپذیر بر سلامت ارزش‌های اخلاقی و سلامت روان‌شناختی افراد بگذارد (Goswami, 2023; Ik- (Seon, 2001; Chavda & Deshpande, 2022).

سلامت روان به حالتی از بهزیستی اطلاق می‌شود که در آن، فرد توانمندی‌های خود را شناخته و از آن‌ها به‌نحو مؤثر و مولد استفاده می‌کند و برای اجتماع خویش مفید است (عباسی رستمی، ۱۴۰۳؛ گراوند و دیگران، ۱۴۰۳؛ سبحانی‌فر و دیگران، ۱۴۰۴؛ Koreitem et al., 2025).

این مفهوم شامل جنبه‌های مختلف مانند مهار استرس، رضایت شغلی و برقراری تعادل بین کار و زندگی می‌شود. علاوه‌بر مشتریان و خریداران، سلامت روان فروشندگان و صاحبان کسب‌وکار نیز می‌تواند تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند فشار برای رسیدن به اهداف فروش، رقابت با همکاران و مشکلات کاری قرار گیرد (رستمی و دیگران، ۱۴۰۲؛ Rostami et al., 2021).

تناقضات بین راهبردهای بازاریابی و فروش با اخلاق حرفه‌ای و مبانی سلامت روان می‌تواند به مواردی مانند استفاده از تبلیغات فریبنده، ایجاد استرس در کارمندان برای رسیدن به اهداف فروش و نادیده گرفتن حقوق مصرف‌کنندگان اشاره داشته باشد (Munjal & Malik, 2014).

این تناقضات نه تنها ممکن است موجب از بین رفتن اعتماد مشتری و کاهش رضایت شغلی کارمندان شود، بلکه می‌تواند بر سلامت اخلاقی و روان‌شناختی صاحبان کسب‌وکار و به‌طور کلی جامعه نیز تأثیر منفی بگذارد؛ برای مثال، استفاده از تبلیغات فریبنده نه تنها با



اصول اخلاقی اسلامی در تضاد است، بلکه از اعتماد مشتری می‌کاهد و در نهایت، به ضرر فروشنده تمام می‌شود (Parilti et al., 2014).

همچنین، فشار برای رسیدن به اهداف فروش می‌تواند استرس کارمندان را افزایش دهد و به کاهش سلامت روان آن‌ها منجر شود. در بسیاری از موارد، بازاریابان و فروشندگان، برای دستیابی به اهداف مالی و فروش زیر فشار قرار دارند. این فشار ممکن است آن‌ها را به استفاده از ترفندهای غیراخلاقی و فریبده سوق دهد.

از سوی دیگر، آموزه‌های اخلاق حرفه‌ای بر صداقت، انصاف و احترام به حقوق دیگران تأکید دارند. راهبردهای تأثیرگذار بازاریابی، مانند ترغیب افراد به خرید، می‌تواند سهواً به گرفتن تصمیمات اجباری و خلاف میل منجر شده، بر رضایت و کیفیت مراقبت از سلامت روان افراد تأثیرات نامطلوب به جای گذارد (مصلح و اله‌یاری بوزنجانی، ۱۳۹۴).

متخصصان بهداشت روان نیز غالباً بین رهنمودهای اخلاقی و کاربردهای عملی آن‌ها در بازاریابی و فروش، این ناهماهنگی را گوشزد می‌کنند؛ باوجود این، ناسازگاری بین راهبردهای بازاریابی و فروش با مراقبت‌های بهداشت روان و اخلاق حرفه‌ای، مسائل مهمی را ایجاد می‌کند. این اختلافات می‌تواند به ایجاد معضلات اخلاقی و ازدست‌رفتن بهزیستی روان‌شناختی افراد منجر شود.

با توجه به اهمیت این مسئله، پژوهش‌های صورت گرفته صرفاً به بررسی جایگاه اخلاق در بازاریابی پرداخته‌اند.

با بررسی پژوهش‌های انجام‌شده به نظر می‌رسد تاکنون پژوهشی به‌طور مستقیم و جامع به بررسی آثار راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش بر کیفیت ارزش‌های اخلاق حرفه‌ای و سلامت روان‌شناختی افراد نپرداخته است. با توجه به ضرورت بررسی تناقضات اخلاقی راهبردهای بازاریابی و فروش و تأثیرات نامطلوب آن بر سلامت روان‌شناختی و تغییر ارزش‌های اخلاقی جامعه و وجود خلأ پژوهشی در این زمینه (چه در ایران، چه در خارج از مرزهای کشور)، انجام این پژوهش با هدف بررسی تناقضات راهبردهای بازاریابی



و ترفندهای فروش با اخلاق حرفه‌ای و سلامت اخلاقی و روان‌شناختی ضروری به نظر می‌رسد.

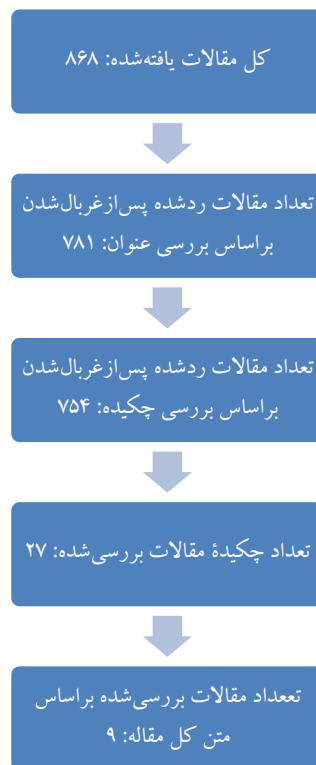
روش پژوهش

این مطالعه با استفاده از روش کیفی سیستماتیک موس و بر پایه مقالات تحقیقی‌ای که به بررسی مشکلات اخلاقی در راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش پرداخته‌اند، انجام شد؛ برای این منظور، جستجوی الکترونیکی از چهار بانک اطلاعاتی IEEE، EMBASE، Xplore، PUPMED و Google Scholar با استفاده از کلمات کلیدی فارسی و لاتین شامل فروش^۱، بازاریابی^۲، اخلاق^۳، اخلاق حرفه‌ای^۴ و سلامت روان^۵ انجام شد. تمام مقالات منتشر شده از ابتدا تا سال ۲۰۲۵م که به این موضوع و کلمات کلیدی مربوط بودند، انتخاب شدند.

برای انتخاب مقالات، در ابتدا عنوان و چکیده مقالات بررسی شد. همچنین، منابع مقالات برای یافتن مقالات مرتبط با آن‌ها جستجو شد. پس از آن، مقالات به نرم‌افزار اندنوت^۶ وارد شدند و براساس ملاک‌های از پیش تعیین‌شده ورود و خروج مقالات، ارزیابی شدند. در مرحله اول جستجو از راهبرد شمول جامع^۷ استفاده شد.

تمام چکیده‌های مقالات استخراج شده بررسی و از معیارهای از پیش تعریف شده برای بازاریابی و استخراج متن کامل مقالات منتخب استفاده شد. در ابتدا ۸۶۸ مقاله استخراج شد. پس از غربالگری اولیه، ۸۷ مقاله و پس از غربالگری ثانویه، ۲۷ مقاله باقی ماند. پس از مطالعه متن کامل مقالات، در نهایت، ۷ مقاله مطابق با معیارهای از پیش تعیین شده انتخاب شدند.

- 1.Sale.
- 2.Marketing.
- 3.Ethic.
- 4.Professional ethic.
- 5.Mental health.
- 6.EndNotes.
- 7.inclusion strategy.



معیارهای ورود و خروج مقالات

معیارهای ورود:

الف) متن کامل مقالات در دسترس باشد؛ ب) مقاله به زبان‌های انگلیسی یا فارسی منتشر شده باشد؛ ج) عنوان و محتوای گزارش شده در مقاله شامل کلیدواژه‌های فارسی یا لاتین فروش، بازاریابی، اخلاق، اخلاق حرفه‌ای و سلامت روان باشد.

معیارهای خروج:

الف) عنوان و محتوای مقاله به دیگر موضوعات نامربوط مثل انجام بازاریابی برای خدمات سلامت روان یا اخلاق اشاره داشته باشد؛ ب) پیامدهای گزارش شده در مقاله به دیگر حوزه‌های تجارت و کسب‌وکار مربوط باشد.



فرایند کدگذاری

پس از بررسی مقالات نهایی، داده‌های مستخرج از آن‌ها مطابق با یک قالب استاندارد کدگذاری شدند: الف) عنوان مقاله؛ ب) نام نویسنده اول؛ ج) سال انتشار؛ د) نوع مشکلات اخلاقی گزارش شده. در نهایت، تمام یافته‌ها بر همین اساس در جداول ۱ و ۲ گزارش شدند.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در نهایت، با بررسی ۹ مقاله منتخب، مشکلات اخلاقی مرتبط با راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش به شرح زیر به دست آمد:

جدول ۱. مفاهیم مستخرج از مقالات با محتوای مشکلات اخلاقی مرتبط با راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش

ردیف	عنوان مقاله	سال انتشار	نویسنده اول	مشکلات اخلاقی مرتبط با راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش
۱	Child-Directed Marketing, Health Claims, and Nutrients in Popular Beverages	۲۰۲۲	Hua, S. V.	تبلیغات فریبنده
۲	Marketing ethics, functions, and content: a health education/marketing survey	۱۹۸۵	Cooper, P. D.	فریب و سوءاستفاده از مشتریان
۳	Thematic Analysis of Marketing Studies in The Islamic Context with a Meta-Synthesis Approach	۲۰۲۳	Azizi, S.	- توجه به سود و رضایت شخصی - تبلیغات خودخواهانه
۴	Does Ethics Matter in Corporate Business Management from View Point of Islam?	۲۰۱۲	Is'haq, A. Y.	انحصارطلبی و بی‌توجهی به رفاه جمعی
۵	Fundamental Issues in the Ethics of Marketing	۲۰۱۳	Goswami, B.	- نقض خودمختاری مشتری - آسیب‌زدن به رقبا



ردیف	عنوان مقاله	سال انتشار	نویسنده اول	مشکلات اخلاقی مرتبط با راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش
				- تغییر ارزش های اخلاقی جامعه - رواج مصرف گرایی و اسراف - تغییر خودپنداره افراد در جهت منفی - از بین بردن توانایی تعامل با دیگران - از بین بردن آگاهی و دانش - ایجاد تغییرات مثبت - تبلیغات فریبنده - تغییر نگرش های جنسی
۶	Marketing ethics: conceptual study	۲۰۱۴	Munjal, V.	- به خطر انداختن ایمنی محصول برای برنده شدن در رقابت شدید با رقبای
۷	The Relationships between Personal Cultural and Professional Values and Marketing Ethics among the Academicians	۲۰۱۴	Ahmad, M.	- بازاریابی خودخواهانه
۸	Ethical issues in marketing: an application for understanding ethical decision making	۲۰۱۴	Parilti, N.	- بسته بندی فریبنده - تبلیغات فریبنده
۹	اخلاق در بازاریابی: ارزش های اخلاقی مورد تأکید اسلام در مدیریت	۱۳۹۴	مصلح، ع.	- استفاده نادرست از تصاویر زنان و کودکان برای افزایش فروش



ردیف	عنوان مقاله	سال انتشار	نویسندهٔ اول	مشکلات اخلاقی مرتبط با راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش
	فعالیت‌های بازاریابی			- پیام‌ها و تماس‌های تبلیغاتی نابه‌جا و سلب آرامش مشتری - افزایش واسطه‌های غیرضروری برای رساندن کالا به مشتری و در نهایت، افزایش قیمت

پس از بررسی مجدد یافته‌های مستخرج (جدول ۱) و دسته‌بندی داده‌ها براساس شباهت موضوعی، هر مشکل ذکرشده در مقالات، در ذیل یکی از چهار حوزهٔ کلی قرار گرفتند.

در جدول ۲، یافته‌ها حاکی از آن است که به‌طور کلی، نوزده مشکل کلیدی در زمینهٔ راهبردهای فروش و ترفندهای بازاریابی وجود دارد که زیرمجموعهٔ چهار عامل کلی قرار می‌گیرند؛ شامل: الف) دغل‌کاری و سوءاستفاده (تبلیغات فریبنده، فریب و سوءاستفاده از مشتری، بسته‌بندی فریبنده، افزایش واسطه‌های غیرضروری برای رساندن کالا به مشتری و در نهایت، افزایش قیمت)؛ ب) انحصارطلبی و خودخواهی (توجه به سود و رضایت شخصی، به‌خطرانداختن ایمنی محصول برای برنده‌شدن در رقابت شدید با رقبای، تبلیغات خودخواهانه، بازاریابی خودخواهانه، انحصارطلبی و بی‌توجهی به رفاه جمعی، آسیب‌زدن به رقبای، نقض خودمختاری مشتری)؛ ج) تخریب سلامت روان‌شناختی (تغییر خودپندارهٔ فرد در جهت منفی، ازبین‌بردن توانایی تعامل با دیگران، تغییر نگرش‌های جسمی، پیام‌ها و تماس‌های تبلیغاتی نابه‌جا و سلب آرامش مشتری)؛ د) تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی (کنترل پنهان و تغییر ارزش‌های اخلاقی جامعه، رواج مصرف‌گرایی و اسراف، ازبین‌بردن آگاهی و دانش ایجاد تغییرات مثبت، استفادهٔ نادرست از تصاویر زنان و کودکان برای افزایش فروش).



جدول ۲. جمع‌بندی مفاهیم مستخرج از محتوای مقالات مرتبط با مشکلات اخلاقی راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش

ردیف	زیرمجموعه‌ها	مشکلات اخلاقی راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش
۱	تبلیغات فریبنده فریب و سوءاستفاده از مشتری بسته‌بندی فریبنده افزایش واسطه‌های غیرضروری برای رساندن کالا به مشتری و در نهایت، افزایش قیمت	دغل کاری و سوءاستفاده
۲	توجه به سود و رضایت شخصی به‌خطرانداختن ایمنی محصول برای پرنده‌شدن در رقابت شدید با رقبا تبلیغات خودخواهانه بازاریابی خودخواهانه انحصارطلبی و بی‌توجهی به رفاه جمعی آسیب‌زدن به رقبا نقض خودمختاری مشتری	انحصارطلبی و خودخواهی
۳	تغییر خودپنداره فرد در جهت منفی ازبین‌بردن توانایی تعامل با دیگران تغییر نگرش‌های جسمی پیام‌ها و تماس‌های تبلیغاتی نابه‌جا و سلب آرامش مشتری	تخریب سلامت روان‌شناختی
۴	کنترل پنهان و تغییر ارزش‌های اخلاقی جامعه رواج مصرف‌گرایی و اسراف ازبین‌بردن آگاهی و دانش ایجاد تغییرات مثبت استفاده نادرست از تصاویر زنان و کودکان برای افزایش فروش	تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی



بحث

با توجه به یافته‌های پژوهش نوزده مشکل اخلاقی کلیدی در زمینه راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش وجود دارد که در ذیل چهار عامل کلی دغل کاری و سوء استفاده، انحصارطلبی و خودخواهی، تخریب سلامت روان‌شناختی، و تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی جای می‌گیرند. در ادامه، این یافته‌ها با تحقیقات هم‌سو و مخالف مقایسه خواهند شد.

دغل‌بازی، استفاده از تبلیغات فریبده و سوء استفاده از مشتری، نگرانی قابل توجهی در صنایع مختلف، به‌ویژه در چشم‌انداز بازاریابی دیجیتال است. تبلیغات اغلب حاوی اظهارات نادرست یا مبهم درباره محصولات است (مانند ۱۰۰ درصد طبیعی یا بدون شکر) که می‌تواند مصرف‌کنندگان را در مورد محتوای واقعی گمراه کند (Martinova, 2018).

ضمن آن، شرکت‌ها ممکن است از راهبردهایی مانند هزینه‌های پنهان یا هزینه‌های اضافی استفاده کنند که می‌تواند هزینه واقعی یک محصول را نادرست نشان دهد (Zgheib, 2017, p. 1482-1494).

شیوه‌های فریبده می‌تواند اعتماد مصرف‌کننده را به میزان قابل توجهی کاهش دهد و به تجربیات منفی منجر شود. این عوامل بر عادات خرید تأثیر می‌گذارد و مصرف‌کننده را دچار پدیده فرسایش اعتماد می‌کند (Domadenik & Tomažič, 2024, p. 91-111).

تبلیغات فریبده نه تنها خریداران را گمراه می‌کند، بلکه اعتماد و وفاداری مشتری را نیز هم در زمینه خرید (Neama & AL-Sammarraie, 2024) و هم در دیگر جنبه‌ها مثل اعتماد به افراد مهم زندگی از بین می‌برد و در نهایت، با تکرار این الگوی معیوب، علاوه بر آسیب‌رساندن به مشاغل و اقتصاد حاکم بر جامعه، با ترویج دغل‌بازی، نیرنگ، دروغ‌گویی، خودخواهی، منفعت‌طلبی و مرسوم نشان دادن آن‌ها، به تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی و فروپاشی سلامت روان‌شناختی فرد می‌پردازد (Goswami, 2023).

از همین رو، شرکت‌ها و فروشندگان اخلاق حرفه‌ای اغلب برای پوشاندن انحصارطلبی و خودخواهی خود، از ترفندهای روان‌شناختی برای تغییر و کنترل پنهان رفتار



مصرف کننده استفاده می کنند. این کنترل پنهان نه تنها وابستگی مصرف کننده به محصول را تقویت می کند، بلکه احساس اضطراب، بی کفایتی و ضعف اراده را در او تشدید می کند. بازاریابی مدرن اغلب از ضعف اراده افراد سوءاستفاده می کند.

در واقع، جایی که نیروی اراده مصرف کنندگان ضعیف می شود، تصمیمات ناگهانی برای خرید رخ می دهد. این ترفند فروش، نگرانی های اخلاقی فزاینده ای را به وجود می آورد که معادل آسیب زدن به قدرت قضاوت و بینش افراد از طریق روش های فریب کارانه کنترل پنهان افکار، اعمال و احساسات فرد است (Daley & Howell, 2018). برندسازی احساسی نیز خود مسئله ای ناقض سلامت و حقوق روان شناختی است. شرکت ها و فروشندگان، برندهای خود را به احساسات خاص مرتبط می کنند و پیوندی روان شناختی ایجاد می کنند که می تواند به خریدهای اجباری منجر شود و وابستگی مصرف کننده را بیشتر کند (Lindström, 2012).

شیوه های انحصارطلبی شرکت هایی مانند آمازون و علی بابا، موجب تغییر و کنترل پنهان پویایی بازار می شود، انتخاب های مصرف کننده را محدود می کند و احساس ناتوانی را تقویت می کند (Yang, 2024). این احساس ناتوانی و به دنبال آن، انجام تبلیغات، اغلب ترجیحات مصرف کننده را تحریف و حاکمیت مصرف کننده را تضعیف می کند و به ایجاد مشکلات سلامت روانی مرتبط با مصرف گرایی دامن می زند.

وسواس سیری ناپذیری از خرید، فرد را در شرایط اضطراب اجبارگونه ای قرار می دهد؛ به طوری که فرد از کنترل گرایز خود برای نخریدن آنچه لازم ندارد، ناتوان می ماند (Van Tuinen, 2011).

اضطراب، سردرگمی و کاهش عزت نفس از جمله ساده ترین عوارض راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش بر سلامت روان شناختی مصرف کننده است.

این راهبردها، به ویژه آن هایی که از اضطراب اجتماعی مربوط به نگرانی از ظاهر در چشم دیگران سوءاستفاده می کنند یا آن ها که از روش های کنترل پنهان استفاده می کنند، می توانند چرخه ای معیوب ایجاد کنند که بر مصرف کننده و کسب و کارها تأثیر منفی



بگذارد. راهبردهای بازاریابی و اضطراب مربوط به ظاهر که بر تصاویر بدنی ایدئال تأکید می‌کنند، اضطراب اجتماعی مربوط به ظاهر^۱ را تشدید کرده، به مشکلات روان‌شناختی همچون کاهش عزت‌نفس و نارضایتی از بدن و خودپنداره (مخصوصاً بین زنان) منجر می‌شود (Wu et al., 2023).

تبلیغات معمولاً تصاویری از زنان و کودکان را به نمایش می‌گذارند که استانداردهای زیبایی غیرواقعی را ترویج می‌کنند (Perloff, 2014).

این نوع تبلیغات با تأثیر بر تصویر بدنی و خودباوری فرد می‌توانند به کاهش اعتمادبه‌نفس و افزایش اضطراب و بیماری‌های روانی در بین افراد، به‌ویژه دختران جوان، منجر شوند (Tiggemann & Slater, 2014). همچنین استفاده از تصاویر زنان و کودکان، به‌عنوان ابزاری برای فروش محصولات، ممکن است موجب تضعیف ارزش انسانی آن‌ها شود (Kilbourne, 1999, p. 90-130).

این نوع تبلیغات، علاوه‌بر تقویت کلیشه‌های جنسیتی و اجتماعی، می‌تواند به تبعیض‌های موجود نیز دامن بزند و انتظارات غیرواقعی از نقش‌ها و رفتارهای اجتماعی زنان و کودکان ایجاد کند (Ward, 2004). علاوه‌بر آن، تمرکز بر زیبایی ظاهری و موفقیت‌های سطحی، روابط عاطفی و خانوادگی را تحت تأثیر قرار داده و می‌تواند بسیاری از این روابط را به فروپاشی و جدایی بکشانند (Chae, 2018).

اغلب مشاهده می‌شود کودکان نیز تحت تأثیر تصاویر تبلیغاتی قرار گرفته و هویت خود را براساس آن‌ها شکل می‌دهند؛ این امر به‌طور پنهان موجب تربیت و شکل‌دهی شخصیت کودکان براساس ارزش‌های خودخواهانه بنگاه‌های اقتصادی می‌شود و اختیار شکل‌دهی شخصیت کودک را به‌طور غیرمستقیم از والدین سلب می‌کند (Valkenburg & Peter, 2011).

تأثیرات روان‌شناختی راهبردهای بازاریابی کنترل پنهان متن ریز در قراردادهای، اغلب باعث می‌شود مصرف‌کنندگان با کشف واقعیت کنترل‌های پنهانی که فروشندگان اعمال

1. Social Appearance Anxiety (SAA)



می‌کنند، دچار احساس دل‌سردی شوند. این تأثیر روان‌شناختی می‌تواند به نوعی احساس ناتوانی منجر شود؛ زیرا مصرف‌کنندگان به اشتباه بر این باورند که به توافق‌های ناعادلانه محدود شده‌اند و این خود باعث می‌شود اعتمادشان به کسب‌وکارها بیشتر تضعیف شود (Furth-Matzkin & Sommers, 2019).

در ضمن، افزایش مصرف‌گرایی در شیوه‌های بازاریابی می‌تواند احساس ناکافی بودن را در میان مصرف‌کنندگان تشدید و به شکل‌گیری چرخه‌ای از نارضایتی و اضطراب کمک کند (Iftekhar et al., 2013). در واقع، روان‌شناسی مصرف‌کننده در بازاریابی مدرن، به‌طور فزاینده‌ای بر ارزش‌های احساسی (به‌جای منافع عملی) تمرکز دارد و بنابراین، احتمال دارد بر آورده‌نشدن انتظارات، به ناامیدی مصرف‌کننده منجر گردد (Han, 2023). در واقع، راهبردهای بازاریابی، به‌ویژه زمانی که شیوه‌های غیراخلاقی به کار گرفته می‌شوند، می‌توانند تأثیر قابل توجهی بر ارزش‌های اخلاقی بگذارند. این راهبردها اغلب سود را بر ملاحظات اخلاقی ترجیح می‌دهند و به کنترل پنهان مصرف‌کننده و آسیب‌دیدن جامعه منجر می‌شوند. برهم‌کنش راهبردهای بازاریابی و ارزش‌های اخلاقی جامعه، پیچیده است و دربارهٔ اینکه آیا این راهبردها به زوال اخلاقی کمک می‌کنند، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد.

عده‌ای بر این باورند که شیوه‌های بازاریابی، استانداردهای اخلاقی را تضعیف می‌کنند و برخی معتقدند این شیوه‌ها ممکن است تأثیر قابل توجهی بر ارزش‌های اخلاقی نگذارند. ارزش‌های بازاریابی به حوزه‌هایی نفوذ کرده است که به‌طور سنتی تحت حاکمیت ملاحظات اخلاقی بوده‌اند و این امر موجب مادی و مصرفی شدن جنبه‌های ضروری زندگی، مانند سلامت و آموزش شده است (de Silva, 2017, p. 55-57; Khan & Butoot, 2013).

راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش، با ارجحیت دادن سود نسبت به ملاحظات اخلاقی، مادی‌گرایی را تقویت می‌کنند و الگوهای مصرف غیرپایدار را رواج می‌دهد؛ علاوه بر این، راهبردهای بازاریابی اغلب از فریب استفاده می‌کنند که این رواج دروغ،



دورویی، بی‌صدافتی و تزویر می‌تواند اعتماد و رفتار اخلاقی را در جامعه تضعیف کند (Eagle & Dahl, 2015).

شرکت‌ها و فروشندگانی که به تبلیغات فریبده مشغول‌اند یا جمعیت‌های آسیب‌پذیر را برای افزایش فروش محصولات خود هدف قرار می‌دهند، می‌توانند اعتماد و خوش‌بینی و روابط ایمن و دوستانه را تضعیف کنند. آن‌ها با سوق‌دادن افراد بی‌اعتمادی به دیگران، دشمن‌انگاری دیگران در دید اول و بدبینی، آنان را ناخودآگاه به‌سوی فرهنگ فردگرایی و دوری از روابط جمعی و حتی انسانی می‌کشانند.

این امر تا آنجا ادامه پیدا می‌کند که افراد به پرورش حیوانات خانگی که از نظرشان مورد اطمینان و بدون آسیب هستند، گرایش می‌یابند. در واقع، راهبردهای بازاریابی و ترفندهای غیراخلاقی فروش، این‌گونه به تغییر و کنترل پنهان ارزش‌های اخلاقی و فرهنگی جامعه مبادرت می‌ورزند (Davidović et al., 2024).

درحالی که طبق دسته‌ای از پژوهش‌ها راهبردهای بازاریابی می‌توانند به نتایج منفی روانی منجر شوند، برخی از پژوهش‌ها نشان می‌دهند راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش اگر با شیوه‌های اخلاقی هم‌سو باشند، این قدرت را دارند که تجربیات مثبت مصرف‌کننده را پرورش دهند؛ برای مثال، «بازاریابی مرتبط با مسئولیت‌های اجتماعی»^۱ می‌تواند به کاهش احساس تهدید هویت اجتماعی کمک کند، با درپیش گرفتن رویکردی متوازن موجب بهزیستی روان‌شناختی مصرف‌کننده شود و با ترویج کار نیک و خیر در اجتماع، از تخریب و انحطاط ارزش‌های اخلاقی جلوگیری کند (Ukrainets & Homburg, 2021).

برخلاف فرضیه زوال ارزش‌های اخلاقی در جامعه متأثر از راهبردهای بازاریابی، برخی از مطالعات نشان می‌دهند جوامع بازارگرا ممکن است سطوح بالاتری از اعتماد و رفتار اخلاقی را نشان دهند؛ این امر نشان می‌دهد بازارها لزوماً باعث زوال اخلاقی نمی‌شوند (Callais et al., 2022).

1. Cause-related marketing.



نتیجه گیری

بحث در مورد ارزش های اخلاقی دارای ظرافتی است و برخی بر این باورند که چهارچوب های اخلاقی می توانند با شیوه های بازار هم زیستی داشته باشند و تعادلی بین کسب سود و اخلاق فراهم کنند. درحالی که راهبردهای بازاریابی می توانند از طریق مادی گرایی و فریب، زوال اخلاقی را تشدید کنند، شواهدی وجود دارد که نشان می دهد جوامع بازارگرا می توانند استانداردهای اخلاقی را حفظ یا حتی تقویت کنند. این دوگانگی، لزوم گفتگوهای مداوم درباره مضامین اخلاقی بازاریابی در جامعه را برجسته می کند.

باوجود شواهدی که از مزایای بازاریابی اخلاقی حمایت می کند، شیوع شیوه های غیراخلاقی (مانند سبزشویی^۱ و تبلیغات گمراه کننده)، نگرانی هایی را درباره تمامیت کلی راهبردهای بازاریابی به وجود می آورد.

این شیوه های غیراخلاقی صاحبان کسب و کار ممکن است به تدریج به پذیرش وسیع تری از رفتار غیراخلاقی در جامعه منجر شوند و نشان می دهند که مسئله حفظ استانداردهای اخلاقی در بازاریابی قابل توجه و مستمر هستند.

در پژوهش حاضر، چهار عامل کلی دغل کاری و سوءاستفاده، انحصارطلبی و خودخواهی، تخریب سلامت روان شناختی، و تخریب و انحطاط ارزش های اخلاقی، از تأثیرات نامطلوب راهبردهای بازاریابی و ترفندهای فروش متناقض با اخلاق حرفه ای معرفی شدند و آثار منفی هر کدام از این عوامل با توجه به تحقیقات هم سو و چند تحقیق ناهم سو بررسی شد.

با توجه به یافته های پژوهش، رسیدگی به این مسائل، برای پرورش بازاری سالم که حقوق مصرف کننده و استانداردهای اخلاقی را در اولویت قرار می دهد، حیاتی است؛ مخصوصاً آنکه مشخص شد گاهی راه تربیت و شکل گیری افراد از مسیر سامان نیافته بازار

1.greenwashing.

می‌گذرد. همچنین، با توجه به حساسیت حیطة رعایت اخلاق و اهمیت سلامت روان‌شناختی، پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده به بررسی الگوهای جایگزین و ارائه راه‌حلهایی برای رفع این آسیب جهان‌شمول پرداخته شود.





کتابنامه

رستمی، زینب، محمدرضا عابدی و پریسا نیلفروشان (۱۴۰۲)، «توسعه، اعتبارسنجی و بررسی ویژگی‌های روان‌سنجی پرسش‌نامه مشکلات شغلی افراد با اختلال دوقطبی: ابزاری برای مداخلات توان‌بخشی شغلی زودرس»، *بهداشت و ایمنی کار*، دوره ۱۳، ش ۴، ص ۷۷۸-۷۵۴.

سبحانی‌فر، فائزه، سجاد جوان‌بخت، رضا احمدی جیرنده، ابوالفضل ره‌گوی و محسن واحدی (۱۴۰۴)، «سواد سلامت روان و عوامل مرتبط با آن در دانشجویان کارشناسی دانشگاه علوم توان‌بخشی و سلامت اجتماعی»، *سلامت روان در مدرسه*، دوره ۳، ش ۱، ص ۵۵-۴۸.

عباسی رستمی، نجیبه (۱۴۰۳)، «تأثیر نماز بر عوامل روان‌شناختی افزایش‌دهنده و کاهش‌دهنده سلامت روان»، *مطالعات تربیتی و اجتماعی قرآن و عترت*، دوره ۷، ش ۱۳.

<https://doi.org/10.48310/qej.2025.17261.1037>.

فرامرزی قراملکی، احد (۱۳۹۷)، *مقدمه‌ای بر اخلاق حرفه‌ای*، چاپ یازدهم، تهران: سازمان مدیریت صنعتی.

گراوند، عالیہ، حسین جلیل‌زادگان، هیوا خضری، پوران احمدی شولی و شفیق مهربان (۱۴۰۳)، «اثربخشی مداخلات معنوی‌مذهبی بر سلامت روان و کیفیت زندگی بیماران مبتلا به سرطان: فراتحلیل مطالعات انجام‌شده در ایران»، *پژوهش در دین و سلامت*، دوره ۱۰، ش ۴، ص ۱۲۸-۱۴۲.

<https://doi.org/10.22037/jrrh.v10i4.43780>.

مصلح، عبدالمجید و احمد اله‌یاری بوزنجانی (۱۳۹۴)، «اخلاق در بازاریابی: ارزش‌های اخلاقی مورد تأکید اسلام در مدیریت فعالیت‌های بازاریابی»، *پژوهش‌نامه اخلاق*، سال ۸، ش ۲۸، ص ۷۳-۵۷.



- Ahmad, M. A. (2014). "The relationships between personal cultural and professional values and marketing ethics among the academicians". *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 130: 273-281. <https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2014.04.032>.
- Azizi, S., Eivazinezhad, S. & Khiri, N. (2024). "Thematic Analysis of Marketing Studies in The Islamic Context with a Meta-Synthesis Approach". *Commercial Strategies*, 20 (21): 17-36.
- Callais, J. T., Harris, C. & Borchard, B. (2022). "The moral costs of markets: Testing the deterioration hypothesis". *Journal of Economic Behavior & Organization*, 204: 200–220. <https://doi.org/10.1016/j.jebo.2022.10.007>
- Chae, J. (2018). "The Impact of Social Media on Family Relationships". *Journal of Family Communication*, 18(3): 250-26. <https://doi.org/10.52589/BJMCMR-NYGWLLJ9>.
- Chavda, D. & Deshpande, S. (2022). "Ethical issues in marketing". *International Journal of Management, Public Policy and Research*, 1(4): 8-11.
- Cooper, P. D. & King, K. K. (1985). "Marketing ethics, functions, and content: a health education/marketing survey". *Health values*, 9(6): 29-36. <https://doi.org/10.52589/BJMCMR-NYGWLLJ9>.
- Daley, K. & Howell, R. J. (2018). "Draining the Will to Make the Sale: The Impermissibility of Marketing by Ego-Depletion". *Neuroethics*, 11(1)" 1–10. <https://doi.org/10.1007/S12152-017-9335-6>.

- Davidović, G. R., Nikolić, N. & Zečević, M. (2024). "The limits of ethical marketing". *Meždunarodna Naučna Konferenciâ Unitech... Izbrani Dokladi*. <https://doi.org/10.70456/ahyd4241>.
- De Silva, P. (2017). *Erosion of Moral Values in an Era of Market Triumphalism*. Cham: Palgrave Macmillan. https://doi.org/10.1007/978-3-319-69029-2_8.
- Domadenik, Ž. & Tomažič, T. (2024). *Unethical Advertising Techniques and Their Impact on Consumer Shopping Habits*. IGI Global. <https://doi.org/10.4018/979-8-3693-1231-5.ch004>.
- Eagle, L. & Dahl, S. (2015). *Marketing Ethics and Society*. SAGE. <https://researchonline.jcu.edu.au/41305>.
- Furth-Matzkin, M. & Sommers, R. (2019). "Consumer Psychology and the Problem of Fine Print Fraud". *Social Science Research Network*. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3378353.
- Goswami, B. (2023). "Fundamental Issues in the Ethics of Marketing". *International Journal of Managment, IT and Engineering*, 3(3): 165-171.
- Han, Z. (2023). "The Effectiveness of Marketing Strategies from the Perspective of Consumer Psychology". *Advances in Economics, Management and Political Sciences*, 26: 343-349. <https://doi.org/10.54254/2754-1169/26/20230594>.
- Hua, S. V., Musicus, A. A., Thorndike, A. N., Kenney, E. L. & Rimm, E. B. (2022). "Child-directed marketing, health claims, and nutrients in popular





beverages". *American journal of preventive medicine*, 63(3): 354-361.
<https://doi.org/10.1016/j.amepre.2022.02.009>.

Iftekhar, H., Ayub, A., Razzaq, A. & Aslam, M. S. (2013). "Detrimental effects of marketing practices on consumers' buying behaviors". *Business Management Dynamics*, 2(10): 1-5.

Ik-Seon, J. (2001). "A Study of the Marketing Ethics". *Management & Information Systems Review*, 6: 291-308.

Is'haq, A. Y. (2012). "Does Ethics Matter in Corporate Business Management from View Point of Islam?". *Arabian Journal of Business and Management Review (Kuwait Chapter)*, 2(2): 1-9.

Khan, H. R. & Butoot, F. (2013). "Money Market and Dying Moral Values". *international journal of economy, managment and social sciences*, 2(6): 463-467.

Kilbourne, J. (1999). *Can't Buy My Love: How Advertising Changes the Way We Think and Feel*. Free Press. Simon and Schuster.

Koreitem, A., Mocello, A., Gomez, J. L., Saggese, G., Neilands, T., de Sousa Mascena Veras, M. A. ... & Sevelius, J. (2025). "Intersectional discrimination, mental health, and health care access among transgender women in Brazil". *Health Psychology*, 44(3): 256. <https://doi.org/10.1037/hea0001447>.

Kumar, R. & Lal, P. (2018). "Electronic Nicotine Delivery System (E-cigarettes) marketing, sale and availability-an emerging challenge for tobacco control in India". *Tobacco Induced Diseases*, 16(1): A790. <https://doi.org/10.18332/tid/84436>.

- Lindström, M. (2012). "Brandwashed: Tricks Companies Use to Manipulate Our Minds and Persuade Us to Buy". *Mankind Quarterly*, 52: 428. <https://www.questia.com/library/journal/1P3-2678446471/brandwashed-tricks-companies-use-to-manipulate-our>.
- Martinova, S. (2018). "Food marketing use and abuse". *New Knowledge Journal of Science*, 7(4): 127-136.
- Marudachalam, N. & Ramesh, L. (2017). "Study on retail marketing sale data using r software data cleaning and clustering algorithms". *Journal of Management and Science*, 7(1): 135-141.
- Morgan, N. A., Menon, A., Jaworski, B. J. & Musarra, G. (2025). "Marketing strategy implementation: Why is it so hard?". *Journal of Business Research*, 190: 115231. <https://doi.org/10.1016/j.jbusres.2025.115231>.
- Multhazam, R., Sahabuddin, R., Amin, A. N. & Sulolipu, A. A. (2025). "Literature Review: Digital Marketing Strategy to Increase MSME Income". *Economics and Business Journal (ECBIS)*, 3(3): 267-274. <https://doi.org/10.47353/ecbis.v3i3.195>.
- Munjal, V. & Malik, A. (2014). "Marketing ethics: conceptual study". *IRJMSH*, 5(5): 448-453.
- Neama, N. H. & AL-Sammarraie, M. M. I. (2024). "Evaluating the Impact of Deceptive Marketing and Advertising on Customer Loyalty". *Journal of Ecohumanism*, 3(5): 1139-1152. <https://doi.org/10.62754/joe.v3i5.3961>.





- Parilti, N., DEMİRGÜNEŞ, B. K. & ÖZSAÇMACI, B. (2014). "Ethical issues in marketing: An application for understanding ethical decision making". *Marmara University Journal of Economic ck Administrative Sciences*, 36(2): 275-298. <https://doi.org/10.14780/iibd.22226>.
- Perloff, R. M. (2014). "Social Media Effects on Young Women's Body Image Concerns: Theoretical Perspectives and an Agenda for Research". *Sex Roles*, 71(11-12): 363-377. <https://doi.org/10.1007/s11199-014-0384-6>.
- Rostami, Z., Abedi, M. R. & Nilforooshan, P. (2021). "Pre-and post-employment issues of bipolar patients and predisposing factors and vocational rehabilitation implications: a new perspective". *Researcher Bulletin of Medical Sciences*, 26(1): e22.
- Tiggemann, M. & Slater, A. (2014). "NetGirls: The Internet, Facebook, and body image concern in adolescent girls". *International Journal of Eating Disorders*, 47(6): 630-633. <https://doi.org/10.1002/eat.22141>
- Ukrainets, K. & Homburg, C. (2021). "Fight or flight: Can marketing tools help consumers cope with self-discrepancies and social identity threat?". *Journal of Consumer Behaviour*, 20(6): 1591-1604. <https://doi.org/10.1002/CB.1972>.
- Valkenburg, P. M. & Peter, J. (2011). "Online Communication Among Adolescents: An Integrated Model of Its Attraction, Opportunities and Risks". *Journal of Adolescent Health*, 48(2): 121-127. <https://doi.org/10.1016/j.jadohealth.2010.08.020>.

- Van Tuinen, H. K. (2011). "The Ignored Manipulation of the Market: Commercial Advertising and Consumerism Require New Economic Theories and Policies". *Review of Political Economy*, 23(2): 213-231. <https://doi.org/10.1080/09538259.2011.561558>.
- Ward, L. M. (2004). "Media Exposure and Threats to Social Identity: The Role of Stereotypes in Attitudes Toward Social Groups". *Journal of Social Issues*, 56(1): 1-20.
- Wu, B., Yu, Z., Chen, Y. & Mu, Y. (2023). "How Do Companies' Marketing Strategies Affect Consumers' Appearance Anxiety & Confidence and Promote Purchasing Behaviors?". *Advances in Economics, Management and Political Sciences*, 17: 25-33.. <https://doi.org/10.54254/2754-1169/17/20231053>.
- Yang, H. J. (2024). "Research on the Influence of Monopoly Behavior on Consumers and Marketing Strategy Take Monopoly Comparison between Alibaba and Amazon as an Example". *SHS Web of Conferences*, 208: 03001. <https://doi.org/10.1051/shsconf/202420803001>.
- Yasin, R., Ariffin, Z. Z., Mohamed, H. A. B., Zawawi, Z., Ghani, S. A. & Liaw, J. O. H. (2025). "Islamic Values in Entrepreneurial Marketing Strategy". In *Dynamic Strategies for Entrepreneurial Marketing* (pp. 311-330). IGI Global Scientific Publishing. <https://doi.org/10.4018/979-8-3693-3936-7.ch015>.
- Zgheib, P. W. (2017). *Advertising Deceit: Manipulation of Information, False Advertising and Promotion*. IGI Global.





Zong, Z., Anwar, M. A., Khan, S., Asmi, F. & Hussain, N. (2025). “Big-data AI analytics in value-chain innovation and international marketing strategy: insights from SMEs in cultural and creative industries”. *International Marketing Review*. ahead-of-print. <https://doi.org/10.1108/IMR-02-2024-0049>.

Exploring Sincerity in University Students: A Developmental Study*

Farhad Khormaei¹  Nadia Dorianizadeh²  Niloufar Moohebat³ 

1- Associate Professor, Department of Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran (Corresponding author).

khormaei@shirazu.ac.ir

2- PhD Candidate in Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Nd1389@gmail.com

3- PhD Candidate in Educational Psychology, Shiraz University, Shiraz, Iran.

Niloufar.m.dr@gmail.com



Abstract

This study aims to conceptualize and explain the structure of sincerity in university students. Adopting a developmental qualitative approach, the research utilized a case-structured ontology method. Participants included nine students from Shiraz University, selected through purposive sampling to represent varying levels of sincerity-related traits. Data were gathered through in-depth interviews and analyzed using directed content analysis to identify, describe, and categorize the indicators of sincerity. SPSS-27 was used for data description, and Social Network Visualizer (SocNetV) software was employed for network analysis. Findings revealed that the construct of sincerity comprises fourteen distinct indicators. Validity and reliability

*Cite this article: Khormaei, F; Dorianizadeh, N; Moohebat, N(2025). Exploring Sincerity in University Students: A Developmental Study, Journal in Applied Ethics Studies,2(80), 145-179.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71373.2025>.

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:** 2025/03/14 • **Revised:** 2025/05/02 • **Accepted:** 2025/05/10 • **Published online:** 2025/10/11



assessments confirmed that both the overall construct and its components are consistent and trustworthy. Network analysis showed that the traits of humility (avoiding self-display), faithfulness, and integrity were the most central and visible elements in the flow of information within the sincerity structure. The results suggest that conscience, moral commitment, and genuineness are the most influential components that activate and drive the sincerity network. Additionally, the traits of trustworthiness and benevolence emerged as key mediators connecting various sincerity indicators. These findings offer practical implications for character education: by cultivating virtues such as trustworthiness and benevolence, and promoting core moral values, it is possible to enhance and accelerate the development of sincerity among students.

Keywords

sincerity, purity of intention, conscience, developmental approach, developmental methodology, moral psychology.

تفسير نقاء النية لدى طلاب الجامعات: دراسة تكوينية*

فرهاد خرمائي^١ • ناديا درياني زاده^٢ • نيلوفر موهبت^٣

١- أستاذ مساعد لقسم علم النفس التربوي في جامعة شيراز. شيراز - إيران (الكاتب مسئول).

khormaei@shirazu.ac.ir

٢- طالبة مرحلة الدكتوراه في فرع علم النفس التربوي في جامعة شيراز. شيراز - إيران.

Nd1389@gmail.com

٣- طالبة مرحلة الدكتوراه في فرع علم النفس التربوي في جامعة شيراز. شيراز - إيران.

Niloufar.m.dr@gmail.com



مستخلص

تهدف هذه الدراسة إلى معرفة نقاء النية وتفسيره لدى طلاب الجامعات. اتبع البحث منهجاً نصف تجريبي وتكويني قائماً على الحالات. شارك في الدراسة تسعة طلاب من جامعة شيراز، تم اختيارهم من خلال معاينة تمثيلية تمثل مستويات متفاوتة من مؤشرات نقاء النية، وهي: النموذجي والطبيعي والمعتاد، وتم التعرف على مؤشرات نقاء النية ووصفها وتصنيفها من خلال مقابلات مدروسة وتحليل المحتوى لها. استُخدم في هذه

***الاستناد إلى هذه المقالة:** خرمائي، فرهاد؛ درياني زاده، ناديا؛ موهبت، نيلوفر (٢٠٢٥). تفسير نقاء النية لدى طلاب الجامعات: دراسة تكوينية. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٢(٨٠)، ١٤٥-١٧٩.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71373.2025>.

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٣/١٤ • تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٥/١٠ • تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٥/٠٢ • تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١١



الدراسة برنامج SPSS-27 لوصف البيانات، وبرنامج مُصوّر الشبكات الاجتماعية (Social Network Visualize) لتحليل الشبكات. كشفت النتائج أن مُكوّن نقاء النية يوصف بأربعة عشر مؤشراً مُختلفاً. وأكدت مؤشرات الصلاحية وكذلك مؤشرات الموثوقية أو التزامن أن بنية نقاء النية ومكوناتها تتسم بالصلاحية والتزامن المناسبين. وأظهر تحليل الشبكة أن سمات تجنب إظهار الذات، والإيمان، والمروءة كانت العناصر الأكثر مركزية ووضوحاً في تدفق المعلومات في بنية شبكة نقاء الإخلاص. تشير النتائج إلى أن الضمير والالتزام الأخلاقي والنقاء هي المكونات الأكثر تأثيراً في تنشيط شبكة بناء نقاء النية. بالإضافة إلى ذلك، أظهرت النتائج أن مكوّن الموثوقية والإحسان كوسيطين رئيسيين يربطان بين مختلف مؤشرات نقاء النية. تتمثل الآثار العملية لنتائج هذه الدراسة في أنه بتعليم وتنمية الفضائل المذكورة آنفاً، يُمكن تسريع وتنشيط وتحفيز تدفق المعلومات في بنية نقاء النية، كما يمكن تعزيز الصلات بين مؤشرات نقاء النية من خلال فضائل كالثقة والإحسان.

الكلمات المفتاحية

نقاء النية، الإخلاص، الضمير، الاتجاه التكويني، المنهجية التكوينية، علم النفس الأخلاقي.



تبیین خلوص نیت در دانشجویان: یک مطالعه تکوینی*

فرهاد خرمائی^۱ • نادیا دریانی زاده^۲ • نیلوفر موهبت^۳

۱- دانشیار گروه روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران (نویسنده مسئول).

khormaei@shirazu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Nd1389@gmail.com

۳- دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی دانشگاه شیراز، شیراز، ایران.

Niloufar.m.dr@gmail.com



چکیده

هدف این پژوهش هستارشناسی و تبیین خلوص نیت در دانشجویان است. روش پژوهش، نیمه تجربی تکوینی از نوع هستارنگاری موردی است. مشارکت کنندگان در پژوهش، دانشجوی دانشگاه شیراز بودند که به روش نمونه‌گیری معرف که نشان‌دهنده سطح گویا، عادی و معمول نشانگرهای خلوص نیت است، انتخاب شدند و از طریق مصاحبه مدبرانه و تحلیل محتوای جهت‌مند، نشانگرهای خلوص نیت شناسایی، توصیف و طبقه‌بندی شدند. در این پژوهش برای توصیف داده‌ها از نرم‌افزار SPSS-۲۷ و برای تحلیل شبکه از

***استناد به این مقاله:** خرمائی، فرهاد؛ دریانی زاده، نادیا؛ موهبت، نیلوفر (۱۴۰۴). تبیین خلوص نیت در دانشجویان: یک مطالعه تکوینی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۵(۸۰)، صص ۱۴۵-۱۷۹.

<https://doi.org/10.22081/jf.2025.71373.2025>.

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمی قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان

□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۴ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۰۲ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹



نرم افزار Social Network Visualize استفاده شد. نتایج نشان داد هستار خلوص نیت با چهارده نشانگر توصیف می شود. شاخص های اعتباریابی و همچنین شاخص های قابلیت اطمینان یا هم گاهی هستار نشان داد هستار خلوص نیت و مؤلفه های آن از قابلیت اطمینان و هم گاهی مناسب برخوردارند. نتایج تحلیل شبکه نشان داد نشانگرهای پرهیز از خودنمایی، مؤمن بودن و بامرام بودن بیشترین وضوح و نمود را در به جریان اندازی اطلاعات در شبکه هستاری خلوص نیت دارند. این نتایج گویای آن است که مؤلفه های وجدان، اخلاق مداری و بی آلاشی برجسته ترین نشانگرهای خلوص نیت هستند که سبب فعال سازی شبکه هستار خلوص نیت می شوند. این نتایج همچنین نشان داد دو مؤلفه معتمد بودن و خیرخواهی، درصد قابل توجهی از واسطه گری بین نشانگرهای خلوص نیت را دارند. تلویحات کاربردی نتایج این پژوهش آن است که می توان با آموزش و بالندگی فضیلت های مورد اشاره، جریان اطلاعات را در هستار خلوص نیت تسریع، فعال و برانگیخته نمود و همچنین، با رشد فضیلت هایی مانند معتمد بودن و خیرخواهی می توان پیوند بین نشانگرهای خلوص نیت را تقویت کرد.

کلیدواژه ها

خلوص نیت، اخلاص، وجدان، رویکرد تکوینی، روش شناسی تکوینی، روان شناسی اخلاق.





مقدمه

امروزه جامعه با مسائل اخلاقی متعددی مواجه است که از جمله آن‌ها می‌توان به ریا، تملق، نفاق و دورویی اشاره کرد. در دنیای امروز، بسیاری از افراد برای دستیابی به موقعیت‌های اجتماعی یا حفظ مقام و جایگاه خود، در اقدامی نادرست، به تخریب شخصیت دیگران می‌پردازند و در سطحی وسیع، رفتارهای ریاکارانه را شاهدیم. این مسائل، در نبود اخلاص ریشه دارند. نبود اخلاص که خود به کارشکنی‌ها و اقدامات مخرب در برابر یکدیگر به دلیل اغراض شخصی منجر می‌شود، نه تنها به فرد آسیب می‌زند، بلکه به جامعه نیز خسارات جبران‌ناپذیری وارد می‌آورد.

در عرصه علم و پژوهش نیز این مشکل کاملاً مشهود است؛ هنگامی که یک دانشمند یا محقق به جای اینکه انگیزه خود را از تلاش‌ها و تحقیق علمی در راستای رضای خدا قرار دهد، اهداف دنیوی را در اولویت قرار می‌دهد، مانع پیشرفت جامعه علمی می‌شود؛ از این رو، اخلاص به عنوان یک مسئله بنیادی و تربیتی مطرح می‌شود (محمودشاهی، ۱۳۹۲) و با عبارت «پاکی در نیت و وجدان‌مداری و بی‌آلایشی در عمل» تعریف می‌شود. درواقع، حیات و ارزش انسان به علم است و ارزش علم و دانش به عمل و ارزش و اهمیت عمل به اخلاص است (نظری، ۱۴۰۳).

خلوص نیت یا اخلاص، جایگاه ویژه‌ای در تعالی اخلاق دارد و به عنوان یک سازه روان‌شناختی مهم شناخته می‌شود؛ اما مرور و بازبینی پژوهش‌های پیشین نشان می‌دهد هنوز تعریف دقیق و جامعی برای مفهوم اخلاص وجود ندارد. در فرهنگ دهخدا، اخلاص به معنای پاک‌سازی، ویژه کردن و عقیده‌ای پاک است و به طور خاص، به معنای آزادسازی دل از آلودگی‌ها و تعلقات غیرخداوندی تعبیر می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، مدخل «اخلاص»).

در فرهنگ معین نیز این واژه به معنای پاک‌سازی و ویژه کردن تعریف شده است (معین، ۱۳۸۶، مدخل «اخلاص»). در فرهنگ عمید، اخلاص به معنای پاک بودن و



بی‌آلایشی آمده است؛ بدین معنا که فرد هیچ‌گونه نیت غیر از رضایت خدا را برای اعمال خود نمی‌طلبد (عمید، ۱۳۷۵، مدخل «اخلاص»).

مهدی نراقی (۱۳۷۰، ج ۲: ص ۲۵۲)، اخلاص را خالص ساختن نیت از غیر خداوند تعریف می‌کند و ملا احمد نراقی (۱۳۸۹، ص ۴۵۴) در تعریفی مشابه، آن را ضد ریا دانسته و می‌نویسد اخلاص به معنای خالص ساختن نیت از غیر خدا و توجه صرف به خداوند است.

طی تاریخ، فیلسوفان و اندیشمندان متعددی درباره اخلاق و فلسفه اخلاق نظریه‌پردازی کرده و کوشیده‌اند با توجه به مبانی فکری و فلسفی خود، نظام‌های اخلاقی گوناگونی ارائه دهند. در این میان، تعاریف مختلفی برای اخلاص ارائه و پژوهش‌های گوناگونی انجام شده است. شجاعی (۱۳۹۴) در کتاب *مقالات: طریقت عملی تزکیه*، معتقد است اخلاص به نیت یا قصد برمی‌گردد و به اینکه انسان در حرکت عبودی جز خدای متعال را قصد نکند.

در این رویکرد، پرسش اساسی این است که آیا افراد رفتارهای خود را برای رضای خدا و تقرب به او انجام می‌دهند یا به دنبال دستیابی به اهداف شخصی خود هستند؟ بارون و همکاران (۲۰۰۶) در کتاب *روان‌شناسی اجتماعی*، یکی از کاربردهای اخلاص را رفتارهای حمایتی می‌دانند؛ به طوری که فرد به قصد کمک به دیگران و تنها به خاطر نوع دوستی، بدون ملاحظه هیچ‌گونه منافع شخصی، این رفتارها را انجام می‌دهد. سرشار (۱۳۸۲) نیز در مقاله‌ای با عنوان «شرک و اخلاص و مرز بین آن‌ها در قرآن کریم»، این دو مفهوم را بررسی و مقایسه و مرز بین آن‌ها را تشریح کرده است.

عبدخدایی (۱۳۸۳) در مقاله‌ای با عنوان «فروغی از اخلاص در تب وحی و نغمه‌های شاعرانه با استناد به آیات و روایات»، به بررسی اخلاص و ابعاد آن پرداخته است. سروری (۱۳۸۴) نیز در پایان‌نامه خود با عنوان *نقش و اهمیت اخلاص در تربیت انسان*، با استناد به آیات و روایات، نقش و اهمیت اخلاص را در تربیت انسان بررسی و ابعاد تربیتی آن را



تحلیل کرده است. عبادی و پاشاپور (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «مفاهیم اخلاص و اوصاف مخلصین از منظر مثنوی مولوی»، جایگاه اخلاص را در دین بررسی و ابعاد مختلف آن را از نگاه مولوی تحلیل کرده‌اند.

گلپایگانی (۱۳۹۲) در تحقیقی با عنوان «جستاری در مفهوم‌شناسی و گستره اخلاص در قرآن» به بررسی گستره اخلاص شامل امور اعتقادی، اعمال عبادی و صفات اخلاقی پسندیده پرداخته است.

آقاداتی و روضاتیان (۱۴۰۲)، در مقاله «مفهوم‌پردازی اخلاص در شرح التعریف و رساله قشیریه؛ از تصوف تا هنر»، اخلاص را پاک کردن نیت از غیر خدا و تصفیه آن از تمامی اغراض دنیوی و اخروی می‌دانند و معتقدند تمامی اقوال، افعال، اعمال شرعی و احوال و مقامات باید منحصرأ برای خداوند و تقرب به او انجام گیرد. از نظر این محققان، اخلاص در آیات و روایات اسلامی نیز به معنای رهایی بنده از هرگونه امری که در آن شائبه ریا و نفاق یا خودخواهی و خودبینی رود، تعریف شده است.

عبدالله (Abdullah, 2020) در مقاله «نقش صداقت به عنوان یک عامل انگیزشی برای کار در سازمان‌های غیرانتفاعی»^۱، براساس مصاحبه با مدیران امور خیریه و وقف اموال، اخلاص را انگیزه‌ای برای تقویت تعهد در این مدیران معرفی کرده است.

در حوزه آموزشی نیز اخلاص، ضرورتی اساسی برای درک صحیح بینش و تجربیات دانشجو و استاد و همچنین، برای مشارکت مؤثر در فرایند یادگیری به شمار آمده است؛ به‌ویژه در سبک‌های یادگیری مدرن، اخلاص، مفهومی است که عناصری چون صداقت، شفافیت، مسئولیت‌پذیری و درست‌کاری را در هم می‌آمیزد و به عنوان یک ارزش بنیادین در فرایند یادگیری مطرح می‌شود (Nawawi & Din, 2021; Soler-Costa et al., 2021). همچنین، اخلاص در قالب خلوص نیت گفتاری نیز دارای اهمیت است. این مفهوم به‌ویژه برای وکلا هنگام دفاع از موکل، قضات در دادگاه یا سخنرانان و گویندگان خبر،

1. The role of sincerity as a motivating factor to work for non-profit organizations

حیاتی دانسته شده است (Cheang & Pell, 2009; Pell et al., 2011; Jiang & Pell, 2015). در برخی از پژوهش‌ها اخلاص را فرایندی ناخودآگاه دانسته‌اند که با گرایش‌های آگاهانه فرد در تضاد است.

با اینکه مفهوم اخلاص در زبان محاوره‌ای بسیار رایج است، ابعاد و مؤلفه‌های آن، به‌ویژه به‌عنوان یک هستار روان‌شناختی، هنوز در هاله‌ای از ابهام قرار دارد و عناصر و مؤلفه‌های این فضیلت به‌خوبی مشخص و تعریف نشده است. هدف این پژوهش، هستارشناسی اخلاص و شناسایی مؤلفه‌هایی است که این هستار را شکل می‌دهند؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش این است که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هستار اخلاص کدام‌اند؟ کدام مؤلفه (یا مؤلفه‌ها) در شناخت اخلاص نقش برجسته‌تری دارد؟ همچنین، این پژوهش، شبکه ارتباطی مؤلفه‌های اخلاص با یکدیگر را مطالعه کرده، به این پرسش نیز پاسخ خواهد داد که کدام مؤلفه (یا مؤلفه‌ها) نقش واسطه‌ای در ارتباط با سایر نشانگرهای اخلاص دارد؟

روش پژوهش

روش این پژوهش، نیمه تجربی تکوینی از نوع هستارنگاری موردی است. روش‌شناسی تکوینی، روشی آنتولوژیک است که بر شناخت هستی و موجودیت‌های آن (هستار) متمرکز است و وجود آن‌ها را بررسی می‌کند. به عبارتی، پژوهشگر از طریق شناسایی هستارها به شناخت موضوع مورد بررسی نائل می‌آید (خرمائی، ۱۴۰۲)؛ بنابراین، هستارها ساختاری برای توصیف و توضیح موضوع مورد مطالعه است. در هستارنگاری موردی، پژوهشگر موضوع (هستار) مورد مشاهده را اوصاف‌نگاری می‌کند، روابط بین مؤلفه‌ها را تبیین و اوصاف این هستار را به‌صورت مختصاتی نگارگری (هستارنگاری) می‌نماید و با ترسیم شبکه ارتباطی بین مؤلفه‌های یک هستار، مهم‌ترین مؤلفه‌هایی که هسته مفهومی یک هستار (در این مطالعه: خلوص نیت) را تشکیل می‌دهد، معرفی می‌کند (خرمائی، ۱۴۰۲).





مشارکت کنندگان در این پژوهش، نه دانشجوی (بیست تا چهل ساله) دانشگاه شیراز بودند که مشخصات فردی آن‌ها در جدول (۱) آمده است. این مشارکت کنندگان به روش نمونه‌گیری هدفمند از نوع نمونه‌گیری معرف انتخاب شدند.

در نمونه‌گیری معرف، مشارکت کنندگان سطوح گویا، عادی و معمول نشانگرهای مورد مطالعه را که در این پژوهش نشانگرهای خلوص نیت بوده است، دارند. نمونه‌گیری در این پژوهش براساس اصل حد کفایت بالا انجام شد؛ به عبارتی، افزودن مشارکت‌کننده دیگر، اطلاعات افزوده‌ای را برای محققان فراهم نمی‌آورد. برای جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش از مصاحبه مدبرانه استفاده شد.

از شرکت کنندگان، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند به عمل آمد و مصاحبه‌ها به روش تحلیل محتوای جهت‌مند تحلیل و نشانگرها و مؤلفه‌های اخلاص شناسایی، نام‌گذاری و توصیف شدند. سپس، سیاهه‌ای از نشانگرهای مستخرج تهیه شد و این سیاهه به روش وحدت رویه یکتا، در اختیار همان مشارکت‌کنندگانی قرار گرفت که از آن‌ها مصاحبه به عمل آمده بود و از آن‌ها درخواست شد شاخص‌های (فراوانی، شدت، وزن و رتبه) هریک از نشانگرهای تشکیل‌دهنده هستار اخلاص را در مقیاسی هفت‌درجه‌ای از خیلی زیاد (با نمره ۷) تا خیلی کم (با نمره ۱) تکمیل کنند.

پس از آن، داده‌ها با نرم‌افزار SPSS-۲۶ و Social Network Visualizer تحلیل شدند. اعتباریابی در این مطالعه به روش اعتباریابی گذار و اعتباریابی تناسب انجام شد. به عبارتی، محقق در اعتباریابی گذار با تشریح چگونگی و روند شناسایی نشانگرهای اخلاص و وضوح بخشی هستاری، شکل‌گیری و شناسایی تکوینی هستار خلوص نیت را گزارش می‌کند و در اعتباریابی تناسب، مطابقت این نشانگرها را متناسب با سلسله مراتب مطرح در فرایند تکوینی مورد بررسی قرار می‌دهد.

شاخص‌های قابلیت اطمینان یا هم‌گاهی مؤلفه‌ها و هستار مورد پژوهش نیز به روش قابلیت اطمینان نمودی و شاخص‌های هم‌گاهی گزارش شده است.

در این پژوهش، معیارهای اخلاق پژوهش از طریق ارائه توضیحات و اطمینان لازم درخصوص محرمانه بودن اطلاعات مورد توجه قرار گرفت؛ همچنین، مشارکت کنندگان اجازه داشتند هرگاه خواستند از ادامه مصاحبه و پاسخ به پرسش نامه ها اجتناب ورزند.

نتایج

در جدول (۱) مشخصات مشارکت کنندگان در پژوهش (شامل سن و جنس) آمده است.

جدول ۱. مشخصات دموگرافیک شرکت کنندگان در پژوهش

مشارکت کنندگان	سن	جنسیت
۱	۲۰	زن
۲	۲۶	زن
۳	۲۲	زن
۴	۲۳	زن
۵	۳۰	زن
۶	۲۵	مرد
۷	۲۲	مرد
۸	۴۰	مرد
۹	۲۳	مرد

در جدول (۲)، نشانگرهای هستار اخلاق، شامل گونه ها یا مصادیق، نشانگرها و توصیف این نشانگرها آمده است.

همان گونه که مشاهده می شود هستار خلوص نیت با چهارده نشانگر صداقت، یکرنگی، قلب پاک داشتن، مهربان بودن، بخشندگی، معتمد بودن، خیرخواهی، بی آلاشی،

مؤمن بودن، با مرام بودن، پرهیز از خودنمایی، اخلاق‌مداری، با وجدان بودن و خوش‌رویی معرفی و توصیف شده است.

جدول ۲. نشانگرهای خلوص نیت (مؤلفه‌ها، توصیف، گونه‌ها، تناسب با مراتب و ابعاد و فراوانی)

نشانگر	توصیف	گونه‌ها	تناسب با مراتب و ابعاد	فراوانی
۱	تفاوت‌نداشتن افکار و رفتار فرد و تحت هیچ شرایطی دروغ‌نگفتن	مثلاً فرد اگر کالایی را از بازار بخرد برای چشم‌وهم‌چشمی، قیمت آن را دروغ نمی‌گوید (۵)	اجتماعی (فردی-دروغی) اگر-آنها (ف)	۶
۲	داشتن ظاهر و باطنی یکسان	تفاوت‌نداشتن افکار و رفتار دیگران را داشته باشد می‌پذیرد (۲) به همکاران خود در محیط کار برای گرفتن ترفیع دروغ نمی‌گوید (۷) اگر تعریف یا انتقادی از دیگران می‌کند واقعی است (۵) پشت‌سر دوست یا همکار و استاد خود غیبت نمی‌کند و اگر تعریفی از فردی می‌کند پشت‌سر او جور دیگری رفتار نمی‌کند (۳) جلوی دیگران به دروغ تظاهر به مهربانی نمی‌کند (۸) برای به دست آوردن محبت کسی رفتار متفاوتی نشان	اجتماعی (فردی-بی‌دروغی) اگر-آنها (جمع)	۷



نشانهگر	توصیف	گونه‌ها	تناسب با مراثب و ابعاد	فراوانی
۳	قلب یابی داشتن خیرخواهی برای دیگران	نمی‌دهد (۹) حرف زبان و قلبش یکی است (۷) مثل فردی که فقیر است، ولی وقتی همسایه خود را در شرایط دشوار می‌بیند به او کمک می‌کند و از کار خود رضایت دارد (۶) برای دیگران خیر می‌خواهد (۱) دوست دارد دیگران هم موفق شوند (۲)	اجتماعی (جمع‌گرا-بیرونی)	۵
۴	مهربان بودن دوست داشتن دیگران و رثوف بودن از صمیم قلب	از خوشحالی دوستانش خوشحال می‌شود (۹) مثل استادی که چند بار مطلب را برای شاگردانش با حوصله و مهربانی توضیح می‌دهد (۲) مادری که از خواب خود می‌زند برای رسیدگی به فرزندش (۳) دوستی که بدون چشمداشت، جزوه خود را به هم‌کلاسی‌اش قرض می‌دهد (۴) فردی که در محله‌ای، مدرسه می‌سازد (۷)	اجتماعی (جمع‌گرا-بیرونی)	۳
۵	بخشش‌بودن کمک کردن به دیگران	پزشکی که از بیمار فقیر خود پولی نمی‌گیرد (۱) کسی که هوای همسایه‌های خود را دارد و به آن‌ها پول قرض می‌دهد (۶)	اجتماعی (جمع‌گرا-بیرونی)	۴

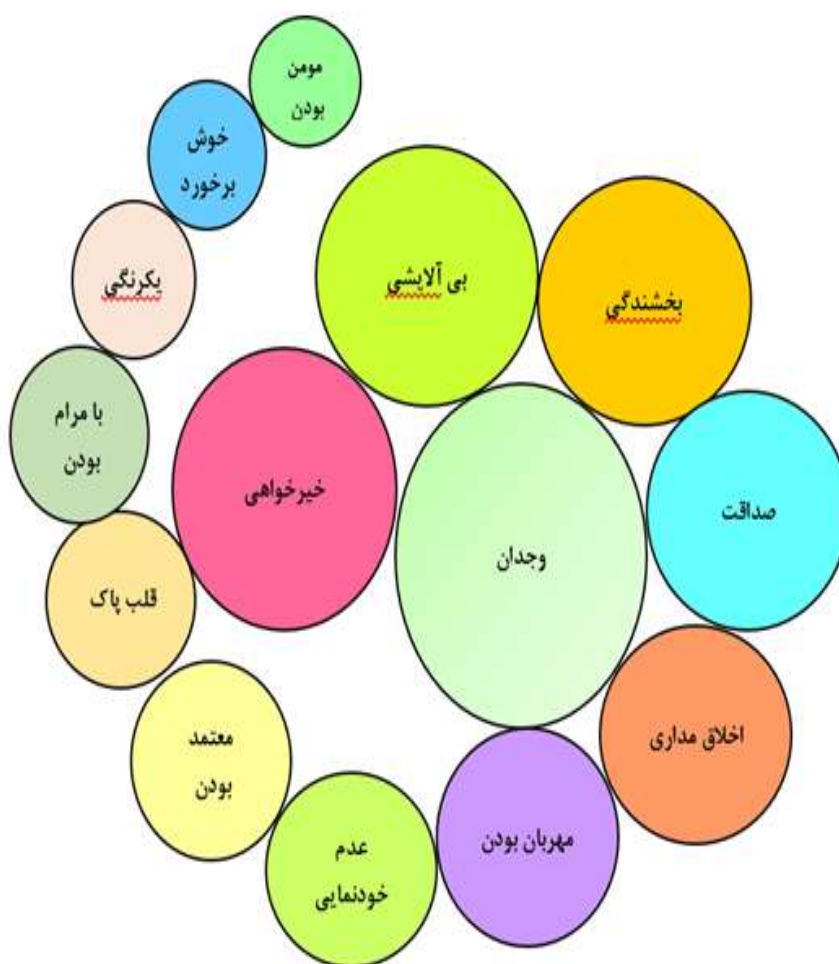
نشانه‌گر	توصیف	گونه‌ها	تناسب با مراتب و ابعاد	فراوانی	
۶	معتدودن	قابل اطمینان و اعتماد بودن برای دیگران	مانند فردی که رازهای دیگران را لو نمی‌دهد یا کارمندی که اگر رئیسش به او پولی بدهد، می‌داند نباید آن را برای مصارف شخصی خود صرف کند و صرفاً برای مخارج اداره است (۸) حرف‌هایم را به مادرم می‌زنم چون به او اعتماد دارم (۱) پزشکی که مریضان فقیرش را با رضایت به‌صورت رایگان ویزیت می‌کند یا استادی که بیشتر از وقت کلاس می‌ماند و برای کسانی که مطالب را نفهمیده‌اند، مجدداً توضیح می‌دهد (۱) استادی که بدون دریافت پول برای دانشجویانش وقت می‌گذارد (۳) با کسانی دوست می‌شوم که می‌دانم خوش‌قلب هستند (۱) کسی که ساده لباس می‌پوشد یا ساده رفتار می‌کند و حتی اگر مقامش بالاتر است با دیگران متواضعانه رفتار می‌کند (۶)	اجتماعی (فردگرایی-بی‌رونی)	۴
۷	معمول	رساندن خیر به دیگران	مانند فردی که رازهای دیگران را لو نمی‌دهد یا کارمندی که اگر رئیسش به او پولی بدهد، می‌داند نباید آن را برای مصارف شخصی خود صرف کند و صرفاً برای مخارج اداره است (۸) حرف‌هایم را به مادرم می‌زنم چون به او اعتماد دارم (۱) پزشکی که مریضان فقیرش را با رضایت به‌صورت رایگان ویزیت می‌کند یا استادی که بیشتر از وقت کلاس می‌ماند و برای کسانی که مطالب را نفهمیده‌اند، مجدداً توضیح می‌دهد (۱) استادی که بدون دریافت پول برای دانشجویانش وقت می‌گذارد (۳) با کسانی دوست می‌شوم که می‌دانم خوش‌قلب هستند (۱) کسی که ساده لباس می‌پوشد یا ساده رفتار می‌کند و حتی اگر مقامش بالاتر است با دیگران متواضعانه رفتار می‌کند (۶) وسایل خانه‌اش را به رخ دیگران نمی‌کشد (۱) کسانی که اصطلاحاً بی‌شیله‌پيله هستند (۲)	اجتماعی (جمع‌گرایی-بی‌رونی)	۸
۸	آلایشی	سادگی و بی‌پیرایه بودن	مانند فردی که رازهای دیگران را لو نمی‌دهد یا کارمندی که اگر رئیسش به او پولی بدهد، می‌داند نباید آن را برای مصارف شخصی خود صرف کند و صرفاً برای مخارج اداره است (۸) حرف‌هایم را به مادرم می‌زنم چون به او اعتماد دارم (۱) پزشکی که مریضان فقیرش را با رضایت به‌صورت رایگان ویزیت می‌کند یا استادی که بیشتر از وقت کلاس می‌ماند و برای کسانی که مطالب را نفهمیده‌اند، مجدداً توضیح می‌دهد (۱) استادی که بدون دریافت پول برای دانشجویانش وقت می‌گذارد (۳) با کسانی دوست می‌شوم که می‌دانم خوش‌قلب هستند (۱) کسی که ساده لباس می‌پوشد یا ساده رفتار می‌کند و حتی اگر مقامش بالاتر است با دیگران متواضعانه رفتار می‌کند (۶) وسایل خانه‌اش را به رخ دیگران نمی‌کشد (۱) کسانی که اصطلاحاً بی‌شیله‌پيله هستند (۲)	اجتماعی (فردگرایی-درونی)	۳

نشانه‌گر	توصیف	گونه‌ها	تناسب با مراتب و ابعاد	فراوانی
		عده‌ای اگر چه از نظر مقام در جایگاه بالایی هستند، به دیگران نگاه از بالا به پایین ندارند (۴)		
۹	به خدا و روز قیامت ایمان داشتن	کسی که نماز می‌خواند یا مسجدی می‌سازد و در حال عبادت است (۱) مادرم در نمازهایش برای من و دیگران دعای عاقبت به خیری می‌کند (۹)	معنایی (عام-درونی)	۲
۱۰	در نظر داشتن دیگران و ترجیح آنان	مثلاً اگر دوستش در امتحان نمره کمی بگیرد ناراحت می‌شود و به او کمک می‌کند (۲) اگر مریض شوم سریع دوستانم به عیادتم می‌آیند و جویای احوالم می‌شوند (۹) حتی بعد از فارغ التحصیلی، دوستانم هوای من را دارند (۶)	اجتماعی (جمع-گرا-بیرونی)	۳
۱۱	زندگی نکردن برای دیگران و نمایش ندادن جلوه‌های مادی زندگی	این فرد سعی نمی‌کند مثلاً با نشان دادن گوشی و مدل ماشین خود جلب توجه کند (۱) به افراد فقیر مخفیانه کمک می‌کند (۳) مدام از خودش تعریف نمی‌کند (۴)	اجتماعی (فرد-گرا-درونی)	۳



نشانگر	توصیف	گونه‌ها	تناسب با مراتب و ابعاد	فراوانی
۱۲	اخلاق‌مداری	پایبندی به اصول اخلاقی و رعایت آن‌ها در دو سطح فردی و اجتماعی	مغازه‌داری که اجناسش را به قیمت واقعی می‌فروشد و برای کسب سود کلان، دروغ نمی‌گوید (۹) پزشکی که بیمارانش را به‌خاطر فقر، به حال خود رها نمی‌کند (۲) کارفرمایی که در استخدام نیرو پارتی‌بازی نمی‌کند (۳) کارمندی که با دروغ گفتن به ارباب رجوع مانع انجام کار او راه نمی‌شود، بلکه تا حد ممکن هدفش این است که کار ارباب رجوع انجام شود (۸)	۷
۱۳	باوجدان بودن	قضاوت اخلاقی و تشخیص درستی یا نادرستی یک رفتار	کارمندی که از تلفن اداره برای امور شخصی خود استفاده نمی‌کند (۵) مثلاً پزشکی که وجدان دارد، اگر مریض بدحالی داشته باشد و زمان ویزیتش تمام شده باشد، مطب را ترک نمی‌کند و به مریض کمک می‌کند (۳) استادی که اگر دانشجویانش مطلبی را متوجه نشوند باز هم آن مطلب را توضیح می‌دهد (۲) مثل مادری که وقتی فرزندش از مدرسه می‌آید با لبخند از او استقبال می‌کند یا کارمندی که با ارباب رجوع با مهربانی و روی گشاده رفتار می‌کند (۶) سر دیگران داد نمی‌زند (۴) رفتارهای پرخاشگرا نه ندارد و صبور است (۹)	۸
۱۴	خوش‌رویی	استقبال از دیگران با روی گشاده	ارباب رجوع با مهربانی و روی گشاده رفتار می‌کند (۶) سر دیگران داد نمی‌زند (۴) رفتارهای پرخاشگرا نه ندارد و صبور است (۹)	۱

همان گونه که در جدول (۲) مشاهده می شود، هستار خلوص نیت با چهارده نشانگر شناسایی شده است. در این جدول، هریک از نشانگرهای هستار با توجه به آنچه مشارکت کنندگان بیان کردند، نام گذاری و توصیف شد و گونه های مصداق این نشانگرها نیز در جدول ارائه شد. علاوه بر این، فراوانی هریک از نشانگرها، بسامد آن را نشان می دهد. به عبارتی، نشانگرهایی که نمود یا ظهور بیشتری دارند، قابلیت اطمینان نمودی بیشتری نیز دارند.



شکل ۱. نگاره هستار خلوص نیت



توجه به نگاره خلوص نیت نشان می‌دهد از بین مؤلفه‌های مستخرج خلوص نیت، نشانگرهای باوجدان بودن، خیرخواهی، بی‌آلایشی، بخشندگی، صداقت و اخلاق‌مداری، وضوح و نمود بیشتری دارند و پس از آن، مهربان بودن، پرهیز از خودنمایی، معتمد بودن، قلب پاک داشتن، بامرام بودن، یکرنگی، خوش‌رویی و مؤمن بودن، نشانگرهایی هستند که هستار خلوص نیت را تشکیل می‌دهند.

در جدول (۲)، ستون «تناسب با مراتب و ابعاد»، اعتباریابی تناسب نشانگرهای پژوهش را نشان می‌دهد. به عبارتی، یکی از روش‌های تعیین اعتبار نشانگرها در پژوهش تکوینی، صحت‌سنجی طبقه‌بندی مبتنی بر نظریه است و پژوهش تکوینی، صحت و درستی مؤلفه‌های مستخرج را از تناسب طبقه‌بندی نشانگرها با مراتب و ابعاد فرانظریه تکوینی می‌گیرد.

گفتنی است در این فرانظریه، هویت انسان متشکل از کالبدهایی است که به ترتیب کالبدهای جسمی (حیاتی)، حسی (انعکاسی)، بدنی (جنبشی)، هیجانی (انگیختگی)، اجتماعی (ارتباطی)، معنایی (نمادی) و مینوی (اشتیاقی) نام گرفته‌اند و فرض بر این است که تمامی کنش‌های انسان از جمله خلوص نیت، قابل شناسایی، طبقه‌بندی و توصیف در این مراتب و ابعاد هستند (خرمائی، ۱۴۰۲).

اعتباریابی تناسب در این پژوهش از طریق تناسب نشانگرهای خلوص نیت با فرانظریه تکوینی، در تبادله برگشتی با تیم تحقیق، بررسی شد.

همچنین، در این جدول، گذر از گونه‌ها به تشکیل نشانگرها و سپس، توصیف نشانگرها آورده شده است که در این فراورش، گذر تکوینی از تحلیل محتوا به شناسایی گونه‌ها یا مصادیق و سپس، شکل‌گیری و توصیف نشانگرها و در نهایت، تکوین هستار خلوص نیت آورده شده که گویای اعتباریابی گذار هستار خلوص نیت است.

در جدول (۳)، شاخص‌های متوسط نشانگرهای خلوص نیت شامل نرخ، شدت، رتبه و وزن نشان داده شده است.

جدول ۳. بررسی شاخص‌های متوسط نشانگرهای خلوص نیت

نشانگر	نرخ	شدت	رتبه	وزن
۱ صداقت	۵/۸۰	۵/۳۰	۶	۶/۳۰
۲ یکرنگی	۵/۸۰	۵/۴۰	۶	۶
۳ قلب پاک داشتن	۵/۸۰	۵	۵/۶۰	۵/۸۰
۴ مهربان بودن	۴/۴۰	۴/۷۰	۴/۵۰	۴/۶۰
۵ بخشندگی	۴/۴۰	۵/۲۰	۴/۳۰	۴/۲۲
۶ معتمد بودن	۴/۵۰	۵	۴/۶۰	۴/۵۰
۷ خیرخواهی	۶/۳۰	۵	۶/۱۱	۶
۸ بی‌آلایشی	۵/۲۰	۵/۱۰	۵/۲۲	۵/۱۱
۹ مؤمن بودن	۵/۳۰	۴/۸۰	۵	۴/۸۰
۱۰ بامرام بودن	۵/۲۰	۵	۴/۸۰	۴/۸۰
۱۱ پرهیز از خودنمایی	۵	۵	۴/۵۰	۴/۶۰
۱۲ اخلاق‌مداری	۵/۳۰	۵/۱۰	۵/۱۰	۵/۴۰
۱۳ باوجدان بودن	۵/۳۰	۵	۴/۵۰	۵
۱۴ خوش‌رویی	۴	۴/۵۰	۴	۴

در جدول (۴)، شاخص‌های اعتماد نشانگرهای خلوص نیت آمده است. شاخص‌های اعتماد، قابلیت اطمینان و اعتماد به تعلق یک نشانگر به هستار مورد مطالعه را نشان می‌دهد.

مهم‌ترین این شاخص‌ها، پیوند (نمود پیوند هر نشانگر در هستار)، تشدید (نمود قدرت هر نشانگر در هستار)، مؤکد (نمود جایگاه و وزن هر نشانگر در هستار)، مرتب (نمود رتبه هر نشانگر در هستار) هستند. ضرایب بالاتر، نمود و تجلی این نشانگر را در هستار نشان می‌دهد.



جدول ۴. شاخص‌های اعتماد نشانگرهای خلوص نیت

نشانگر	پیوند	شدت	مؤکد	مرتب	مضاف (کل)
۱. صداقت	۰/۶۱	۰/۸۱	۰/۳۴	۰/۸۳	۰/۸۱
۲. یکرنگی	-۰/۶۰	۰/۲۸	۰/۱۵	۰/۷۸	۰/۴۹
۳. قلب پاک داشتن	۰/۲۰	۰/۱۱	۰/۶۰	۰/۷۱	۰/۵۸
۴. مهربان بودن	۰/۷۷	۰/۵۹	-۰/۲۱	۰/۸۰	۰/۶۷
۵. بخشندگی	۰/۶۹	۰/۳۱	-۰/۱۲	۰/۸۶	۰/۸۳
۶. معتمد بودن	۰/۷۰	۰/۱۷	۰/۶۳	۰/۷۰	۰/۶۱
۷. خیرخواهی	۰/۶۸	۰/۸۳	۰/۵۹	۰/۹۳	۰/۸۷
۸. بی‌آلایشی	۰/۷۳	۰/۸۶	۰/۷۱	۰/۷۰	۰/۸۷
۹. مؤمن بودن	-۰/۲۰	۰/۲۳	۰/۱۷	۰/۶۷	۰/۱۲
۱۰. بامرام بودن	۰/۳۳	۰/۲۵	۰/۲۸	۰/۸۲	۰/۴۹
۱۱. پرهیز از خودنمایی	۰/۲۱	-۰/۲۶	۰/۷۳	۰/۶۶	۰/۶۳
۱۲. اخلاق‌مداری	۰/۷۴	۰/۷۸	۰/۸۰	۰/۷۶	۰/۸۱
۱۳. باوجدان بودن	۰/۷۶	۰/۸۷	۰/۸۷	۰/۸۶	۰/۹۶
۱۴. خوش‌رویی	۰/۲۴	-۰/۴۵	۰/۵۳	۰/۷۲	۰/۴۵

جدول (۵)، شاخص‌های هم‌گاهی کل هستار را نشان می‌دهد. شاخص‌های هم‌گاهی، قابلیت اطمینان به هستار مورد مطالعه را نشان می‌دهد. مهم‌ترین شاخص‌های هم‌گاهی عبارت‌اند از: شاخص‌های هم‌نمایی هستار (هم‌گاهی نشانگرها و انسجام و سنخیت هستار)، شاخص‌های تحکیم هستار (تداوم و استمرار فعالیت هستار) و شاخص‌های پیشران هستار (توان هم‌گاهی نشانگرها در فعال‌سازی هستار). هرچه مقادیر این شاخص‌ها بیشتر باشد، قابلیت اطمینان یا هم‌گاهی آن‌ها بیشتر است.



جدول ۵. شاخص‌های هم‌گامی هستار خلوص نیت

شاخص‌های هم‌نمایی هستار	مقدار	شاخص‌های تحکیم هستار	مقدار	شاخص‌های شتاب (پیشران)	مقدار
تبادل	۰/۸۷	عمومیت	۰/۲۸	شلیک (ماشه‌چکان)	۰/۵۴
توان	۰/۷۹	قدرت	۰/۵۷	راه‌انداز	۰/۴۵
منزلت	۰/۸۱	استحکام	۰/۶۳	تلنگر	۰/۶۳
مقام	۰/۹۳				

شاخص‌های هم‌گامی هستار که هم‌سانی درونی مؤلفه‌های هستار خلوص نیت را نشان می‌دهد و به قابلیت اطمینان و ثبات هستار مورد مطالعه اشاره دارد، گویای قابلیت اعتماد به نمود و وضوح هستار خلوص نیت است.

در میان شاخص‌های هم‌گامی، شاخص‌های هم‌نمایی هستار مانند تبادل، توان، منزلت و مقام نشان دادند مؤلفه‌های هستار، تبادل اطلاعاتی مناسب با یکدیگر دارند و این نشانگرها قابلیت برانگیختگی دیگر مؤلفه‌ها را در هستار داشته‌اند.

شاخص منزلت نشان داد مؤلفه‌های هستار از وزن و ضرورت کافی برای حضور در ساختار هستار برخوردارند. همچنین، شاخص منزلت نیز بر ثبات رتبه نشانگرهای هستار مورد مطالعه صحه گذاشت.

شاخص‌های تحکیم هستار نیز قدرت و استحکام حد متوسطی را برای هستار نشان دادند و شاخص‌های پیشران هم‌گامی آن بودند که مؤلفه‌های هستار، توانش برانگیختگی یکدیگر را برای بروز و فعالیت هستار داشته‌اند. این نتایج نشان داد مؤلفه‌ها و هستار مورد پژوهش از اعتبار و قابلیت اطمینان مناسب برخوردارند.

با شناسایی مؤلفه‌های هستار خلوص نیت به این پرسش که «مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده خلوص نیت کدام است؟» پاسخ داده شد (جدول ۲).

همچنین، با احتساب اعتبار و قابلیت اطمینان از درستی این مؤلفه‌ها در هستار مورد مطالعه، اعتبار و اطمینان از درستی خود هستار با استفاده از شاخص‌های هم‌نمایی صورت



در جدول (۷)، نتایج تحلیل شبکه و شاخص‌های درجهٔ مرکزیت (DC)، بینیت مرکزی (BC) و مرکزیت اطلاعات (IC) نشانگرهای خلوص نیت آمده است.

جدول ۷. شاخص‌های درجهٔ مرکزیت، بینیت مرکزی و مرکزیت اطلاعات نشانگرهای خلوص نیت

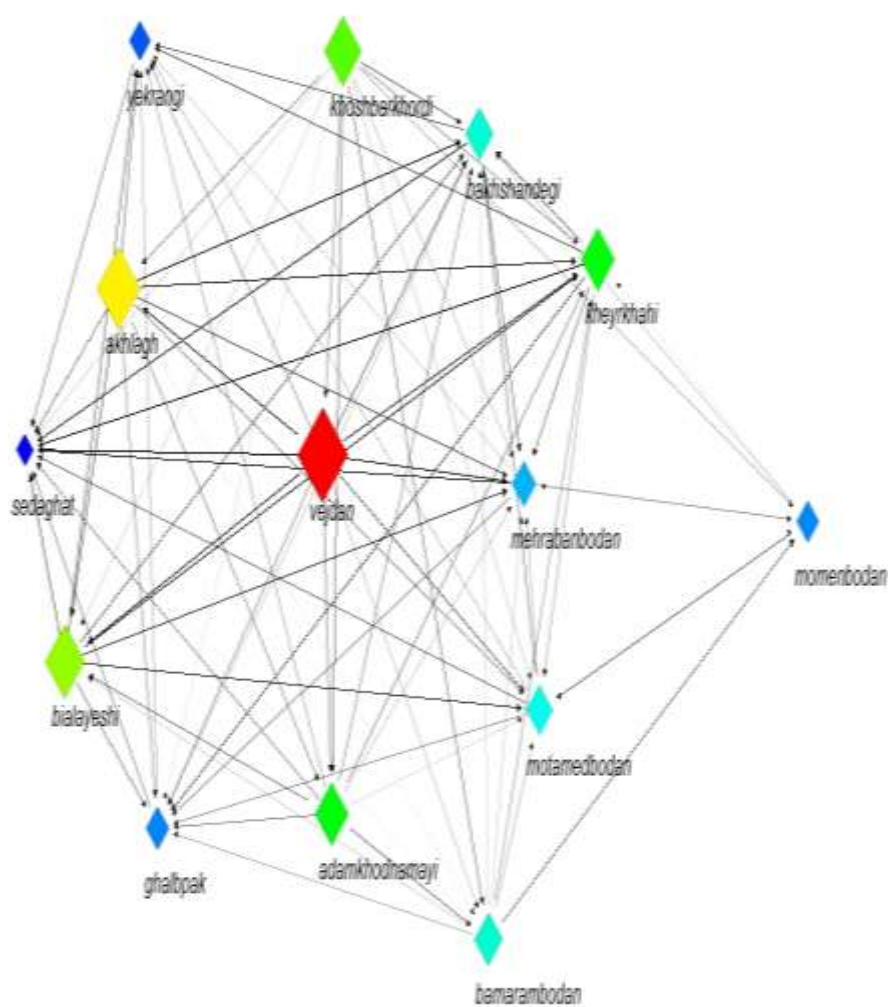
نشانگر	%IC	%DC	%BC
۱ صداقت	۷/۲۷	۰	۰
۲ یکرنگی	۵/۶۱	۱/۵۲	۰
۳ قلب پاک داشتن	۶/۹۷	۲/۳۷	۰/۶۴
۴ مهربان بودن	۷/۱۳	۳/۲۴	۰
۵ بخشنده‌گی	۶/۴۴	۵/۴۶	۲/۵۶
۶ معتمد بودن	۷/۳۹	۴/۹۲	۵/۱۲
۷ خیرخواهی	۶/۷۱	۹/۱۹	۵/۱۲
۸ بی‌آلایشی	۵/۹۶	۱۲/۰۸	۰/۶۴
۹ مؤمن بودن	۸/۹۲	۲/۴۶	۰
۱۰ بامرام بودن	۸/۸۴	۵/۵۲	۲/۵۶
۱۱ پرهیز از خودنمایی	۸/۹۴	۹/۱۹	۳/۸۴
۱۲ اخلاق‌مداری	۶/۳۸	۱۴/۲۶	۰/۶۴
۱۳ باوجدان بودن	۵/۹۴	۱۸/۷۴	۳/۲۰
۱۴ خوش‌رویی	۷/۴۵	۱۰/۹۷	۰

در شکل (۲)، شبکهٔ نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان براساس شاخص درجهٔ مرکزیت (DC) آمده است.

این شاخص، پیوند یک نشانگر را با دیگر نشانگرها در شبکه نشان می‌دهد. به عبارتی، این شاخص، معیاری برای سنجش فعالیت هر نشانگر در شبکه است و می‌توان آن را

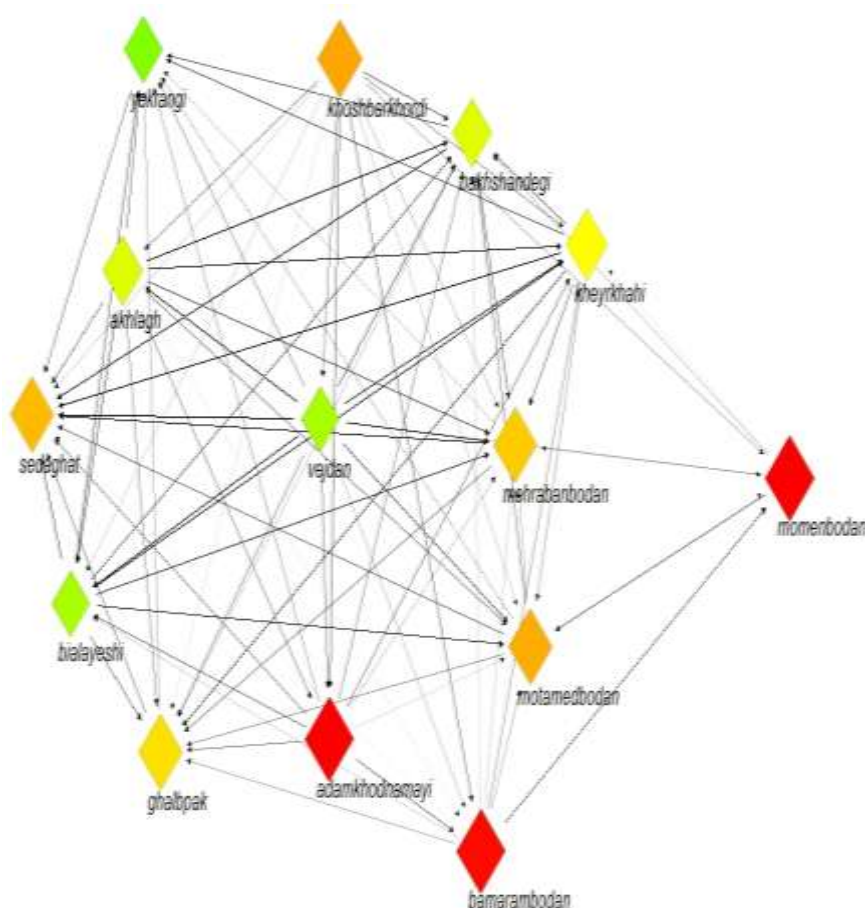


نمودی از بازیگری نشانگرها در شبکه دانست. رنگ‌های به کاررفته در این چهارچوب، نمایانگر اهمیت نسبی نشانگرها هستند. طیف رنگی از رنگ‌های گرم که نشان‌دهنده اهمیت بیشتر است، به رنگ‌های سرد که نمایانگر اهمیت کمتر می‌باشند، تغییر می‌کند؛ برای مثال، یک نشانگر قرمز از نظر درجه اهمیت، بالاتر از نشانگرهایی است که در رنگ‌های سردتر قرار دارند.



شکل ۲. شبکه نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان براساس شاخص DC

جدول (۷)، شاخص‌های درجه مرکزیت (DC)، بینیت مرکزی (BC) و مرکزیت اطلاعات (IC) را نشان می‌دهد؛ براساس شاخص DC، در میان نشانگرهای خلوص نیت، به ترتیب وجدان ($DC=18/74$)، اخلاق‌مداری ($DC=14/26$) و بی‌آلایشی ($DC=12/08$) درصد بیشتری از فعالیت را در شبکه نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان توضیح داده است. شاخص مرکزیت اطلاعات (IC) که نشان‌دهنده قدرت پیوند هر نشانگر با دیگر نشانگرها در شبکه است، از جمله نشانگرهای خلوص نیت بود که در این پژوهش بررسی شد (شکل ۳).



شکل ۳. شبکه نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان براساس شاخص IC

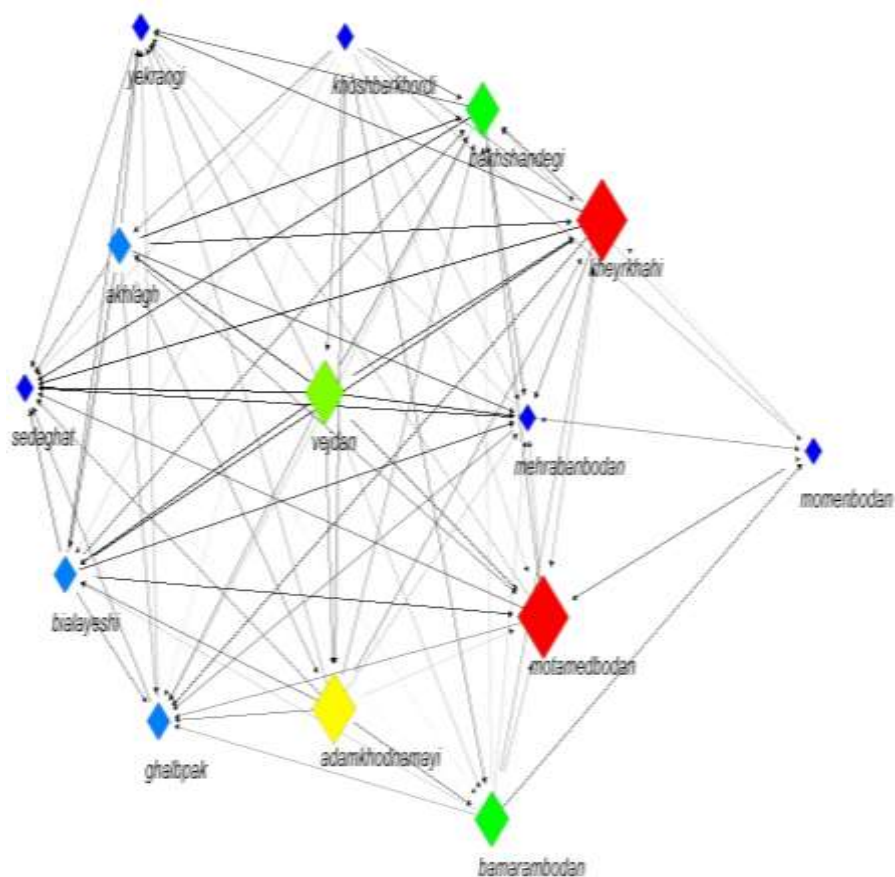


یافته‌ها نشان داد (شکل ۳ و جدول ۷) در بین نشانگرهای خلوص نیت، به ترتیب نشانگرهای پرهیز از خودنمایی ($IC=8/94$)، مؤمن بودن ($IC=8/92$) و بامرام بودن ($IC=8/84$)، بیشترین درصد پیوند را با دیگر نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان دارند.

به عبارتی، این نشانگرها میزان زیادی از تبادل اطلاعات در شبکه و استحکام پیوندهای نشانگرها را توضیح می‌دهند.

همچنین، نتایج تحلیل شبکه هستار خلوص نیت، شاخص بینیت مرکزی (BC) نشانگرها را در شبکه ارتباطی نشانگرها نشان می‌دهد (شکل ۴).

شاخص بینیت مرکزی، معیاری برای نشان دادن نقش واسطه‌ای نشانگرها در ارتباط با دیگر نشانگرهاست. به عبارت دیگر، این شاخص نشان می‌دهد پیوند بین نشانگرها بیشتر از طریق کدام نشانگر یا نشانگرها واسطه‌گری می‌شود.



شکل ۴. شبکه نشانگرهای خلوص نیت در دانشجویان براساس شاخص BC

با توجه به شکل (۴) و جدول (۷) می‌توان گفت به ترتیب نشانگرهای معتمد بودن (BC=۵/۱۲) و خیرخواهی (BC=۵/۱۲) درصد زیادی از بینیت بین نشانگرهای خلوص نیت را توضیح می‌دهند.



بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، هستارشناسی خلوص نیت در دانشجویان بود. برای دستیابی به این هدف، چند پرسش اساسی مطرح گردید. پرسش اول این بود که مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده هستار خلوص نیت (اخلاص) در دانشجویان کدام است؟ یافته‌ها نشان داد چهارده مؤلفه با وجدان‌بودن، خیرخواهی، بی‌آلایشی، بخشندگی، صداقت، اخلاق‌مداری، مهربان‌بودن، پرهیز از خودنمایی، معتمد‌بودن، قلب پاک داشتن، بامرام‌بودن، یکرنگی، خوش‌رویی و مؤمن‌بودن، مؤلفه‌های شکل‌دهنده هستار خلوص نیت هستند که در این میان نشانگرهای با وجدان‌بودن، خیرخواهی، بی‌آلایشی، بخشندگی، صداقت و اخلاق‌مداری نمود و وضوح بیشتری داشته‌اند.

نشانگر با وجدان‌بودن، به‌عنوان قضاوت اخلاقی و تشخیص درست یا غلط‌بودن یک رفتار، توصیف شده است. گونه‌هایی از این نشانگر به‌صورت «مثلاً پزشکی که وجدان دارد، اگر مریض بدحالی داشته باشد و زمان ویزیتش تمام شده باشد، مطب را ترک نمی‌کند و به مریض کمک می‌کند (۳)» یا «استادی که اگر دانشجویانش مطلبی را متوجه نشوند، باز هم آن مطلب را توضیح می‌دهد (۲)» بیان شده است.

خیرخواهی از جمله مؤلفه‌های اجتماعی خلوص نیت بود که به‌صورت رساندن خیر به دیگران توصیف شده است. گونه‌هایی از این نشانگر به‌صورت «پزشکی که بیماران فقیرش را با رضایت به‌صورت رایگان ویزیت می‌کند (۱)» یا «استادی که بدون دریافت پول، برای دانشجویانش وقت می‌گذارد (۳)» آمده است.

بی‌آلایشی نیز از نشانگرهای اجتماعی خلوص نیت بود. این نشانگر با داشتن ویژگی‌هایی چون سادگی و پیراستگی توصیف گردید.

گونه‌هایی از این نشانگر به‌صورت «کسی که ساده لباس می‌پوشد یا ساده رفتار می‌کند و حتی اگر مقامش بالاتر است با دیگران متواضعانه رفتار می‌کند (۶)» یا «کسانی که اصطلاحاً بی‌شیله‌پيله هستند (۲)» بیان شده است. بخشندگی یا بخشنده‌بودن از دیگر نشانگرهای اجتماعی خلوص نیت بود که به‌صورت کمک به دیگران و انفاق در حق



دیگران توصیف شد. گونه‌هایی از این نشانگر به صورت «کسی که هوای همسایه‌های خود را دارد و به آن‌ها پول قرض می‌دهد (۶)» یا «کسی که در محله‌ای، مدرسه می‌سازد (۷)» بیان شده است. صداقت از دیگر مؤلفه‌های اجتماعی هستار خلوص نیت بود. این مؤلفه به صورت نبودن تفاوت و تناقض در افکار و رفتار توصیف شد که دارنده آن نباید در هیچ شرایطی دروغ بگوید.

گونه‌هایی از این نشانگر به صورت «اگر تعریف یا انتقادی از دیگران می‌کند، واقعی است (۵)» یا «به همکاران خود در محیط کار دروغ نمی‌گوید (۷)» آمده است. اخلاق‌مداری نیز از جمله مؤلفه‌های اجتماعی هستار خلوص نیت یا اخلاص بود و به صورت پایبندی به اصول اخلاقی و رعایت آن در دو سطح فردی و اجتماعی توصیف گردید.

گونه‌هایی از این نشانگر به صورت «مغازه‌داری که اجناسش را به قیمت واقعی می‌فروشد و برای کسب سود کلان دروغ نمی‌گوید (۹)» یا «کارمندی که با دروغ گفتن به ارباب رجوع مانع انجام کار او نمی‌شود، بلکه هدفش این است که تا حد ممکن کار ارباب رجوع انجام شود (۸)» آمده است.

دیگر مؤلفه‌های اخلاص نیز به همین گونه در جدول نشانگرهای خلوص نیت تلخیص شده است.

برای اعتباریابی مؤلفه‌ها و هستار اخلاص در دانشجویان نیز از اعتباریابی گذار و اعتباریابی تناسب استفاده شد که یافته‌ها نمایانگر اعتبار این مؤلفه‌ها و نشانگرهای هستار مورد پژوهش بوده است. شاخص‌های هم‌گامی نیز نشان داد مؤلفه‌ها و نشانگرهای هستار مورد مطالعه، قابلیت اطمینان و اعتماد مناسب دارند.

پرسش دوم پژوهش این بود که شبکه ارتباطی بین مؤلفه‌های اخلاص چگونه است؟ به عبارت دیگر، کدام مؤلفه‌ها یا نشانگرها، اطلاعات را در شبکه هستاری اخلاص بیشتر به جریان می‌اندازند؟



نتایج تحلیل شبکه نشان داد بیشتر مؤلفه‌ها از قابلیت به جریان‌اندازی اطلاعات، به‌طور قابل توجهی برخوردارند؛ اما در این میان، نشانگرهای پرهیز از خودنمایی، مؤمن‌بودن و بامرام‌بودن، وضوح و نمود بیشتری داشته‌اند. به عبارتی، کسانی که از فضیلت اخلاقی و پرهیز از خودنمایی برخوردارند، عملی که انجام می‌دهند، برای دستیابی به شهرت و اشتهار نیست، بلکه نفس خود عمل برای آن‌ها اهمیت دارد؛ لذا مؤلفه پرهیز از خودنمایی با مؤلفه‌های دیگر، رابطه و پیوند تنگاتنگی ایجاد می‌کند و سبب به‌جریان‌اندازی اطلاعات در هستار خلوص نیت می‌شود.

پرهیز از خودنمایی، هنگامی که با مؤلفه مؤمن‌بودن همراه می‌شود، فرد با اخلاص را با نظامی معنایی همراه می‌کند که به خدا و قیامت ایمان دارد و در انجام امور، رضای خدا را در نظر می‌گیرد؛ بنابراین، مؤلفه ایمان و مؤمن‌بودن نیز پیوند بین مؤلفه‌ها و نشانگرهای هستار خلوص نیت را تقویت کرده و با راه‌اندازی جریان اطلاعات در هستار، در پیوند قرار می‌گیرد. بامرام‌بودن نیز نشانگری مهم در پیوند بین مؤلفه‌های هستار مورد پژوهش بود. بامرام به کسی اطلاق می‌شود که اخلاق پسندیده دارد و در انجام امور همیشه دیگران را در نظر می‌گیرد.

این فرد با دیگران همدلی می‌کند، جوای احوال دیگران است و با گذشت زمان پیوند دوستی را استمرار می‌دهد؛ چنان که مصادیق و گونه‌های این نشانگر، نمود این نشانگر را نمایان می‌سازد؛ بنابراین، همراهی و پیوند این نشانگر در به‌جریان‌اندازی اطلاعات در شبکه هستاری خلوص نیت نقش دارد.

پرسش سوم پژوهش این بود که کدام مؤلفه (یا مؤلفه‌ها) در هستار خلوص نیت نقش برجسته‌تری دارد؟ نتایج تحلیل شبکه نشان داد هرچند مؤلفه‌های باوجدان‌بودن، اخلاق‌مداری، بی‌آلایشی، خوش‌رویی، پرهیز از خودنمایی و خیرخواهی، مؤلفه‌های برجسته‌بازیگر در هستار خلوص نیت هستند، اما سه نشانگر آغازین یعنی باوجدان‌بودن، اخلاق‌مداری و بی‌آلایشی، برجسته‌تر از دیگر نشانگرهای هستار هستند؛ به عبارتی، این نشانگرها، هستار خلوص نیت را فعال می‌کنند.



در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت باوجدان‌بودن، به‌عنوان قضاوت اخلاقی و قدرت تشخیص درست یا غلط‌بودن یک عمل توصیف شده است. بنا بر گونه‌ها و مصادیقی که در این نشانگر آمده است، افراد باوجدان، وظیفه‌شناس و مسئولیت‌پذیر هستند و تا کار را به‌خوبی به انجام نرسانند، آن را رها نمی‌کنند. این افراد خود را متعهد به انجام کاری می‌دانند که مسئولیت آن را پذیرفته‌اند؛ بنابراین، فعالیت این مؤلفه، نقش مهمی را در فعال‌سازی هستار سبب می‌شود.

همراهی این مؤلفه با اخلاق‌مداری که به‌عنوان پابندی به اصول اخلاقی و رعایت آن در دو سطح فردی و اجتماعی تعریف شده و بی‌آلایشی که به‌عنوان تواضع و فروتنی و نگاه برابر و منصفانه به دیگران توصیف شده است، شبکه‌ای از پیوندهای مؤلفه‌های برجسته را به وجود می‌آورد که سبب فعالیت شبکه‌ی هستاری می‌شود و استحکام و تحکیم هستار را در فرایند زمانی ممکن می‌کند.

پرسش چهارم پژوهش این بود که کدام نشانگر یا نشانگرها، نقش واسطه‌ای در ارتباط با دیگر نشانگرهای هستار خلوص نیت دارند؟ نتایج پژوهش نشان داد دو نشانگر معتمدبودن و خیرخواهی، درصد قابل توجهی از واسطه‌گری رابطه بین نشانگرهای خلوص نیت را داشته‌اند.

در توضیح این یافته می‌توان گفت معتمدبودن به‌عنوان قابلیت اطمینان به فرد و تکیه به او توصیف شده است. گونه‌هایی از این نشانگر به‌صورت حفظ اموال دیگران، استفاده‌نکردن از هزینه‌های عمومی برای مصارف شخصی و اعتماد به شخص مطرح شده است؛ لذا معنای این مؤلفه‌ها گویای آن است که این دو نشانگر، حلقه‌ی ارتباطی بین بسیاری از نشانگرهای شبکه‌ی هستاری خلوص نیت هستند.

تلویحات کاربردی این یافته‌ها آن است که با آموزش فضیلت‌هایی مانند پرهیز از خودنمایی، مؤمن‌بودن و بامرام‌بودن می‌توان رابطه بین نشانگرهای خلوص نیت را تحکیم بخشید و با فراهم‌آوری شرایط برای نمود این فضیلت‌ها می‌توان راه‌اندازی جریان اطلاعات را در شبکه‌ی هستاری خلوص نیت سبب شد.

ازسوی دیگر، آموزش مؤلفه‌هایی مانند باوجدان‌بودن، اخلاق‌مداری و بی‌آلایشی می‌تواند هستار خلوص نیت را فعال‌سازی و این انتظار را تحقق بخشد که در استمرار زمانی، هستار خلوص نیت همچنان فعال و پایدار باشد. در عین حال، یافته‌های این پژوهش نشان داد با بالندگی مؤلفه‌هایی مانند معتمد‌بودن و خیرخواهی می‌توان پیوند بین دیگر مؤلفه‌ها را تقویت کرد؛ به عبارتی، با رشد این مؤلفه‌ها می‌توان ارتباط بین دیگر نشانگرها را در هستار خلوص نیت تسریع کرد.



کتابنامه

خرمائی، فرهاد (۱۴۰۴)، «روش‌شناسی تکوینی: نگاهی تحولی به پژوهش در علوم انسانی و اجتماعی اسلامی»، *تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، ش ۳۱، ص ۷۳-۹۴.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷)، *لغت‌نامه*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

عمید، حسن (۱۳۷۵)، *فرهنگ عمید*، تهران: امیرکبیر.

محمودشاهی، زهرا (۱۳۹۲)، *مفهوم اخلاص از منظر آموزه‌های اسلامی و تلویحات تربیتی آن*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه شیراز.

معین، محمد (۱۳۸۶)، *فرهنگ معین*، تهران: زرین.

نراقی، ملا احمد (۱۳۸۹)، *معراج السعادة*، قم: انتشارات وحدت‌بخش.

نراقی، ملا مهدی (۱۳۷۰)، *جامع السعادات*، ترجمه سیدجلال‌الدین مجتبی، تهران: حکمت.

نظری، احسان (۱۴۰۳)، «راهکارهای ایجاد و موانع اخلاص از منظر امام‌علی (علیه السلام)»، *مطالعات علوم اجتماعی*، دوره ۱۰، ش ۱، ص ۱۰-۱۷.

Cheang, H. S. & Pell, M. D. (2009). "Acoustic markers of sarcasm in Cantonese and English". *The Journal of the Acoustical Society of America*, 126 (3): 1394-1405.

Jiang, X. & Pell, M. D. (2015). "On how the brain decodes vocal cues about speaker confidence". *Cortex*, 66: 9-34.

Nawawi, S. F. A. & Din, R. (2021). "Redefining sincerity from Risale-i Nur perspective in modern learning". *Journal of Personalized Learning*, 4(1): 89-93.

Pell, M. D., Paulmann, S., Dara, C., Allasseri, A. & Kotz, S. A. (2009). "Factors in the recognition of vocally expressed emotions: A



comparison of four languages”. *Journal of Phonetics*, 37(4): 417-435.

Soler-Costa, R., Lafarga-Ostáriz, P., Mauri-Medrano, M. & Moreno-Guerrero, A. J. (2021). “Netiquette: ethic, education and behavior on internet-A systematic literature review”. *International Journal of Environmental Research and Public Health*, 18(3): 1212.





An Analysis of the Necessity of Designing an Ethical Education Curriculum for the Preschool Stage*

Firooze Dordi Mohammadi¹  Ali Hosseinaei²  Mohammad Mehdi Naderi³ 
 Ali Asghar Bayani⁴  Hossein Fakoori Hajiyar⁵ 

1-PhD Student, Department of Educational Sciences, Az.c., Islamic Azad university, Azadshahr, Iran.

firoozeh.dordimohammadi@iau.ac.ir

(This article is derived from a doctoral dissertation in Curriculum Planning at the Azadshahr Branch of Islamic Azad University.)

2-Assistant Professor, Department of Psychology and Counseling, Az.c., Islamic Azad university, Azadshahr, Iran.

a_hosseinaei@iau.ac.ir

(Correspondin Author)

3-Assistant Professor, Department of Theology, Az.c., Islamic Azad university, Azadshahr, Iran.

mm.naderi@iau.ac.ir

4-Associate Professor, Department of Educational Sciences, Az.c., Islamic Azad university, Azadshahr, Iran.

ahiasghar.bayani@iau.ac.ir

5-Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Az.c., Islamic Azad university, Azadshahr, Iran.

0700417990@iau.ac.ir



Abstract

The preschool period is one of the most critical stages of life and plays a significant role in shaping children's personalities and futures. Accordingly, the present study aims to examine the necessity of an

***Cite this article:** Dordi Mohammadi, F; Hosseinaei, A; Naderi, M.M; Bayani, A.A; Fakoori Hajiyar, H.(2025). An Analysis of the Necessity of Designing an Ethical Education Curriculum for the Preschool Stage, Journal in Applied Ethics Studies, 2(80), 181-211.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71596.2034>

■ **Publisher:** Islamic Propagation Office of the Seminary of Qom (Islamic Sciences and Culture Academy, Isfahan, Iran). ***Type of article:** Research Article

■ **Received:**2025/04/22 ■ **Revised:**2025/05/10 ■ **Accepted:**2025/05/06 ■ **Published online:**2025/10/11

ethical education curriculum in the preschool stage of the educational system. This research employs a qualitative approach, with a statistical population comprising documents and records related to the research topic, as well as faculty members in the field of educational sciences (such as curriculum studies, philosophy of education, and preschool education) at universities and higher education institutions. Through purposive sampling and applying the principle of data saturation, 21 documents and 20 participants were selected as the research sample. To conduct the study, interviews were held with experts, and the content of these interviews along with the documents was analyzed using the conventional (inductive) qualitative content analysis method. Analysis and coding of the texts and interviews yielded 38 concepts, seven subcategories, and three main categories concerning the necessity of an ethical education curriculum. The main categories include: moral empowerment, individual readiness and empowerment, and socio-cultural contexts. Therefore, designing an ethical education curriculum for the preschool stage is both necessary and recommended for implementation in preschool centers.

Keywords

necessity, design, curriculum, ethical education, preschool stage.





تحليل مدى ضرورة تصميم منهج التربية الأخلاقية للمرحلة ما قبل الابتدائية*



فيروزه دردي محمدی^۱ علي حسینی^۲ محمد مهدي نادري^۳ علي اصغر بياني^۴
حسين فکوري حاجي يار^۵

۱- طالب مرحلة الدكتوراه في قسم العلوم التربوية، جامعة آزاد الإسلامية - فرع آزادشهر. آزادشهر - إيران.

firozeh.dordimohammadi@iau.ac.ir

(هذه المقالة مستخرجة من أطروحة الدكتوراه في فرع التخطيط الدراسي لفرع آزادشهر..)

۲- أستاذ مساعد في قسم علم النفس والإرشاد، جامعة آزاد الإسلامية - فرع آزادشهر. آزادشهر - إيران (الكاتب المسؤول).

a_hosseinaei@iau.ac.ir

۳- أستاذ مساعد في قسم الإلهيات والمعارف الإسلامية، جامعة آزاد الإسلامية - فرع آزادشهر. آزادشهر - إيران.

mm.naderi@iau.ac.ir

۴- أستاذ مشارك في قسم العلوم التربوية، جامعة آزاد الإسلامية - فرع آزادشهر. آزادشهر - إيران.

aliasghar.bayani@iau.ac.ir

۵- أستاذ مشارك في قسم العلوم التربوية، جامعة آزاد الإسلامية - فرع آزادشهر. آزادشهر - إيران.

0700417990@iau.ac.ir

مستخلص

تُعَدُّ مرحلة ما قبل المدرسة من أهم مراحل الحياة، ولها دورٌ بالغ الأهمية في تكوين شخصية الطفل ومستقبله؛ لذا، يهدف هذا البحث إلى دراسة ضرورة وجود منهجٍ للتربية الأخلاقية في

***الاستناد إلى هذه المقالة:** دردي محمدی، فيروزه؛ حسینی، علي؛ نادري، محمد مهدي؛ بياني، علي اصغر؛ فکوري حاجي يار، حسين (٢٠٢٥). تحليل مدى ضرورة تصميم منهج التربية الأخلاقية للمرحلة ما قبل الابتدائية. دراسات في الأخلاق التطبيقية، ٢٥(٨٠)، صص ١٨١-٢١١.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71596.2034>

□ نوع المقال: بحثي؛ الناشر: مركز الدعوة الإسلامية في حوزة قم (معهد العلوم والثقافة الإسلامية، أصفهان، إيران) © المؤلف.

□ تاريخ الاستلام: ٢٠٢٥/٠٤/٢٢ □ تاريخ التعديل: ٢٠٢٥/٠٥/٠٦ □ تاريخ القبول: ٢٠٢٥/٠٥/١٠ □ تاريخ الإصدار: ٢٠٢٥/١٠/١١





المرحلة ما قبل الابتدائية ضمن المنظومة التعليمية. يعتمد هذا البحث على المنهج النوعي، حيث يتكون مجتمع البحث من الوثائق والسجلات المتعلقة بموضوع البحث، بالإضافة إلى أعضاء هيئة التدريس في مجال العلوم التربوية (مثل تخطيط المناهج، وفلسفة التربية، والمرحلة ما قبل الابتدائية) في الجامعات ومؤسسات التعليم العالي. فمن خلال أخذ العينات الهادفة وتطبيق مبدأ تشبع البيانات، تم اختيار ٢١ وثيقة و ٢٠ مشاركاً كعينة إحصائية. وأما تنفيذ البحث، فكان بإجراء مقابلات مع الخبراء، وتم تحليل محتوى هذه المقابلات والوثائق باستخدام أسلوب تحليل المحتوى النوعي التقليدي (الاستقرائي). وأسفر تحليل النصوص والمقابلات وترميزها عن ٣٨ مفهوماً، وسبع فئات فرعية، وثلاث فئات رئيسية تتعلق بضرورة منهج التربية الأخلاقية. تشمل الفئات الرئيسية: التمكين الأخلاقي، الاستعدادات والتمكين الفردي والسياقات الاجتماعية والثقافية؛ لذلك، يُعدّ تصميم منهج التربية الأخلاقية لمرحلة ما قبل المدرسة ضرورياً ومرغوباً تطبيقه في مراكز المرحلة ما قبل الابتدائية.

المفاتيح الرئيسية

الضرورة، التخطيط، المناهج الدراسية، التربية الأخلاقية، المرحلة ما قبل الابتدائية.

واکاوی ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش‌دبستانی*

فیروزه دردی محمدی^۱ علی حسینیانی^۲ محمد مهدی نادری^۳ علی اصغر بیانی^۴
حسین فکوری حاجی‌یار^۵



۱- دانشجوی دکتری گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران.

firozeh.dordimohammadi@iau.ac.ir

(این مقاله برگرفته از رساله دکتری در رشته برنامه‌ریزی درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر است.)

۲- استادیار گروه روان‌شناسی و مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران (نویسنده مسئول).

a_hosseinaei@iau.ac.ir

۳- استادیار گروه الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران.

mm.naderi@iau.ac.ir

۴- دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران.

aliasghar.bayani@iau.ac.ir

۵- استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد آزادشهر، آزادشهر، ایران.

0700417990@iau.ac.ir

چکیده

دوره پیش‌دبستانی از دوره‌های مهم زندگی است و نقش بسزایی در تحول شخصیت و آینده کودکان دارد. براین اساس، هدف پژوهش حاضر، واکاوی ضرورت برنامه‌درسی

* **استناد به این مقاله:** دردی محمدی، فیروزه؛ حسینیانی، علی؛ نادری، محمد مهدی؛ بیانی، علی اصغر؛ فکوری حاجی‌یار، حسین (۱۴۰۴). واکاوی ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش‌دبستانی. مطالعات اخلاق کاربردی، ۱۵(۲)، ۱۸۱-۲۱۱.

<https://doi.org/1022081/jf.2025.71596.2034>

□ نوع مقاله: پژوهشی؛ ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم (پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، اصفهان، ایران) © نویسندگان
□ تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۲/۰۲ □ تاریخ اصلاح: ۱۴۰۴/۰۲/۱۶ □ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۲۰ □ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۴/۰۷/۱۹





تربیت اخلاقی در دوره پیش دبستانی نظام آموزشی است. روش پژوهش، کیفی است و جامعه آماری، اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین، اعضای هیئت علمی در حوزه علوم تربیتی (نظیر برنامه ریزی درسی، فلسفه تعلیم و تربیت و آموزش پیش دبستانی) در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی است که با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند و با در نظر گرفتن قانون اشباع ۲۱ سند و بیست مشارکت کننده به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای اجرای پژوهش با صاحب نظران مصاحبه شد و محتوای مصاحبه‌ها و اسناد با روش تحلیل محتوای کیفی قراردادی (استقرایی) تحلیل شد. با تحلیل و کدگذاری متون و مصاحبه‌ها، ضرورت برنامه درسی تربیت اخلاقی شامل ۳۸ مفهوم، هفت زیرمقوله و سه مقوله اصلی شد. مقوله‌های اصلی عبارت‌اند از: توانمندسازی اخلاقی، آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی و زمینه‌های فرهنگی اجتماعی. بنابراین، طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش دبستانی، ضرورت دارد و مطلوب است در مراکز پیش دبستانی اجرا گردد.

کلیدواژه‌ها

ضرورت، طراحی، برنامه درسی، تربیت اخلاقی، دوره پیش دبستانی.



مقدمه

روانشناسان معتقدند سال‌های اولیه کودکی نقش بسزایی در تحول شخصیت و آینده کودکان دارد.

براساس مطالعات، از یک سو، حساسیت و سهولت اثرپذیری و ازسوی دیگر، دوام و عمق یادگیری کودکان در این دوره بیشتر است (مفیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۲). دوره پیش‌دبستانی، دوره‌ای است که کودکان یک یا دو سال قبل از ورود به دبستان می‌گذرانند و هدف از آن، کمک به رشد جسمی، ذهنی، عاطفی و اجتماعی کودکان و شکوفایی استعدادها و علایق آنهاست (تقی‌پور و دیگران، ۱۳۹۶).

یکی از مهم‌ترین مسائل مربوط به دوره پیش‌دبستانی، تربیت اخلاقی است. اخلاق و تربیت اخلاقی، یکی از ارکان اساسی فرهنگ بشری محسوب می‌شود. به نظر می‌رسد در حوزه تعلیم و تربیت یکی از مهم‌ترین، تأثیرگذارترین و دشوارترین مباحث، تربیت اخلاقی کودکان است (محمودی مظفر، ۱۳۹۵). به علاوه، افراد در خانواده، اجتماع یا هنگام تجربه بین‌فردی، با مسائل و تضادهایی روبه‌رو می‌شوند که تأمل درباره آن‌ها، به اخلاق وابسته است (Xie, 2017)؛ به همین دلیل، اخلاق و تربیت اخلاقی باید از دوران کودکی مورد توجه واقع شود تا نه تنها زمینه حفظ هویت فرد و جامعه باشد، بلکه از تنش‌های حاصل از بی‌اخلاقی جلوگیری کند (Junaedi & Syukur, 2017).

برای اینکه تربیت اخلاقی به‌طور مناسب صورت گیرد، بهتر است در قالب برنامه‌درسی باشد. جانیز (Janiz, 2017) معتقد است برنامه‌درسی تربیت اخلاقی، منظومه‌ای است که رویکرد کلی برنامه‌درسی و عناصر وابسته به آن، به‌طور صحیح مشخص می‌گردد و سازواری این عناصر با رویکرد حاکم بر نظام آموزشی تضمین می‌شود. شاملی و همکاران (۱۳۹۰) در تعریف برنامه‌درسی، تربیت اخلاقی را نوعی برنامه‌ریزی برای به‌کارگیری و پرورش استعدادها و قوای درونی، قابلیت‌های اخلاقی و توسعه و تثبیت صفات و رفتارهای پسندیده اخلاقی، به‌منظور نیل به فضایل عالی اخلاقی و دوری از رذیلت‌ها و نابود کردن آن‌ها می‌دانند.



ضرورت برنامه‌درسی تربیت اخلاقی از آنجا نشئت می‌گیرد که اخلاق شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی و ریشه‌ تمامی اصلاحات اجتماعی و مؤثرترین راه مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است (سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷). البته پژوهش‌ها نشان می‌دهند جوانان به ارزش‌های اخلاقی چندان اهمیت نمی‌دهند (ربانی خوراسگانی و شهابی، ۱۳۸۹).

پژوهش‌هایی درخصوص برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در سنین اولیه انجام شده است؛ برای مثال ایستینانی و همکاران (Istiyani et al., 2024) در پژوهشی دریافتند یادگیری مبتنی بر ارزش برای دوران کودکی از طریق درک نمادهای دینی، عبادات روزمره و نمازهای روزانه انجام می‌شود، درحالی که تقویت اخلاقی از طریق افسانه‌های حاوی ارزش‌های خوب انجام می‌شود.

درک و تقویت ارزش‌های اخلاقی و دینی در دوران کودکی با توجه به نیازهای هر مدرسه به صورت متغیر اجرا می‌شود.

شیه (Shih, 2022) در پژوهشی درباره تربیت اخلاقی در مراکز پیش دبستانی تایوان دریافت هدف غایی تربیت اخلاقی کودکان خردسال، شکل دادن به شخصیت آنهاست و با استفاده از تربیت اخلاقی باید ارزش‌های اخلاقی نظیر همدلی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی را در کودکان خردسال ایجاد کرد.

چن (Chan, 2020) در پژوهش خود به این نتیجه رسید که نبود توافق درباره ارزش‌ها و شخصیت کودکان پیش دبستانی، مشکل اساسی تربیت اخلاقی در هنگ کنگ است. بامکین (Bamkin, 2020) نیز در پژوهشی نشان داد کلاس، موقعیتی برای یادگیری تربیت اخلاقی است و این موضوع ابتدا در دیگر فعالیت‌های آموزشی طراحی شده است.

حیدری اغجیوان و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی درخصوص تبیین برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه‌های ابن‌سینا، دریافتند در مجموع، هفت معیار را شناسایی کردند که عبارت‌اند از: مالکیت و تسلط بر نفس، صبر راهگشا، توجه به تشویق و تنبیه در تربیت اخلاقی، نیل به کمال حقیقی، اعتدال در قوای نفسانی، تأکید بر



تواضع در بالندگی شخصیت و توجه به عیب‌پوشی به عنوان یکی از مکارم اخلاقی. لواسانی فرد و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهشی درباره مبانی تربیت اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از منظر پراگماتیسم، دریافتند مواردی مانند تأکید بر استعداد فردی کودکان، پرورش نیروی فکر، کودک‌محوری، آموزش گروهی و اصل استمرار تجربه، از ویژگی‌های تربیت اخلاقی مکتب پراگماتیسم است.

علی‌پور مقدم و ملکی (۱۴۰۱) در پژوهشی دریافتند الگوی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی، رویکردی تلفیقی به عناصر برنامه‌درسی تربیت اخلاقی دارد و مهم‌ترین و اولین سطح این الگو، مبانی اسلامی است. کوشی و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی دریافتند الگوی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی ایران دارای ۳۵ مضمون پایه، یازده مضمون سازمان‌دهنده و سه مضمون فراگیر در سه حیطه شناخت، باور و رفتار اخلاقی است.

حیدری‌زاده و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهش خود، ابعاد و مؤلفه‌های الگوی تربیت اخلاقی را در قالب چهار عنصر شامل عوامل مؤثر، زمینه‌ساز، بازدارنده و پیامدها (در حیطه‌های شناختی، عاطفی و مهارتی) در ارتباط با عناصر چهارگانه ارتباطی (یعنی خدا، خود، دیگران و خلقت) تنظیم کردند.

درخصوص دوره پیش‌دبستانی، مسعودی مرغملکی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی دریافتند آموزه‌های مذهبی و احکام، آداب اجتماعی، سبک زندگی، احترام به والدین و توصیه به نظافت، به عنوان مفاهیم اخلاقی و تربیتی مشترک در اشعار و قصه‌های مراکز پیش‌دبستانی استفاده می‌شوند.

میزان تکرار مفاهیم اخلاقی و تربیتی آموزه‌های مذهبی و احکام، احترام به والدین و توصیه به نظافت، در سه بخش اشعار و قصه‌های مذهبی و قصه‌های مبتنی بر اصول و دیدگاه‌های روان‌شناسی، تفاوت معناداری دارد و این تفاوت در آموزش آموزه‌های مذهبی و احکام و توصیه به نظافت در بین اشعار قرآنی و آموزش احترام و نیکی به والدین در قصه‌های مبتنی بر دیدگاه روان‌شناسی، درصد فراوانی بیشتری را به خود اختصاص می‌دهد.



این پژوهش و پژوهش حاضر هر دو به مباحث اخلاقی در دوره پیش دبستانی اختصاص دارند؛ ولی پژوهش یادشده به تحلیل محتوای اشعار و قصه‌های آموزشی مراکز پیش دبستانی از حیث مفاهیم تربیتی و اخلاقی می‌پردازد، درحالی که پژوهش حاضر در پی یافتن ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی است. در واقع، حیطه کار پژوهش حاضر بسیار گسترده‌تر از پژوهش قبلی است.

مرور پیشینه نشان می‌دهد با اینکه پژوهش‌هایی درخصوص تربیت اخلاقی در دوره‌های اولیه زندگی انجام شده است، پژوهشی که به ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی برای کودکان دوره پیش دبستانی، پرداخته باشد، انجام نشده است؛ ازاین‌رو، پژوهش حاضر به ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش دبستانی می‌پردازد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر یک پژوهش کیفی از نوع تحلیل محتوای قراردادی است. جامعه آماری شامل اسناد و مدارک مرتبط با موضوع تحقیق و همچنین، اعضای هیئت علمی در حوزه علوم تربیتی (نظیر برنامه‌ریزی درسی، فلسفه تعلیم و تربیت و آموزش پیش دبستانی) در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بود.

مشارکت کنندگان، بیست نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی بودند که در زمینه تربیت اخلاقی و برنامه‌درسی بیشترین اطلاعات را داشتند و حاضر به همکاری شدند؛ همچنین، ۲۱ سند مرتبط با موضوع تحقیق که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند.

نمونه‌گیری تا اشباع^۱ داده‌ها ادامه یافت، بدین معنی که مصاحبه‌ها تا زمانی انجام شد که مطالب جدیدی ارائه نگردید.

1.Theoretical saturation.



برای اجرای تحقیق، ابتدا اطلاعات لازم با استفاده از منابع مکتوب و مصاحبه نیمه ساختاریافته استخراج شد.

برای تحلیل داده‌ها در کدگذاری اولیه، داده‌ها بررسی شدند و به هر جمله مرتبط با رویداد، یک کد اختصاص یافت و مفاهیم شناسایی شدند. در مرحله بعد، مفاهیم اولیه طبقه‌بندی شدند و مفاهیم مشابه در زیر مقوله‌ها جای گرفتند. سپس، زیرمقوله‌ها با توجه به مشابهت و محتوای داده‌ها به مقولات اصلی اختصاص یافتند.

برای اطمینان از اعتبار یافته‌های کیفی، از ملاک‌های اعتبار پژوهش‌های کیفی استفاده شد که شامل اعتبارپذیری، انتقال‌پذیری و تناسب، تأییدپذیری و قابلیت اعتماد بود. برای اطمینان از صحت و اعتبار داده‌ها و مفاهیم استخراج‌شده از بازنگری مشارکت‌کنندگان استفاده شد.

برای تأییدپذیری، متخصصان و استادانی که در زمینه کار کیفی دارای تجربه کافی بودند، مفاهیم را کنترل کردند.

برای اعتماد و حسابرسی، مراحل تحقیق به‌طور دقیق ثبت و گزارش شد تا امکان پیگیری تحقیق برای دیگران فراهم شود. برای انتقال‌پذیری و تناسب نیز توصیف غنی و توصیف کامل مراحل کار انجام شد.

یافته‌ها

درخصوص ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره پیش‌دبستانی، ۳۸ مفهوم، هفت زیرمقوله و سه مقوله اصلی به دست آمد که در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱. مفاهیم، زیرمقوله‌ها و مقوله‌های اصلی پاسخ به سؤال ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی

ردیف	مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱	رشد اخلاقی کودکان (۹، ۲۰، ۱ و ۶)		
۲	شکوفایی فطرت اخلاقی (۱، ۱۷، ۲۰ و ۲۱)		
۳	تغییر نگرش، گرایش‌ها و باورهای غیر اخلاقی کودکان (۱۹ و ۱)	زمینه‌های رشد اخلاقی	
۴	حساسیت اخلاقی کودک (۴، ۱۲ و ۲۱)		
۵	تربیت و رشد جامع کودک (۳، ۷، ۹، ۱۸ و ۵، ۸، ۱۳ و ۱۹)		
۶	مغفول ماندن تربیت اخلاقی (۱۳، ۱۵، ۱۶)		
۷	رفتار کردن بر طبق نظام اعتقادی و ارزشی (۱ و ۷ و ۱۷)	توانمندسازی اخلاقی	
۸	توسعه ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اخلاقی (۳، ۱ و ۹)		
۹	نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در کودکان (۳، ۵، ۶، ۸، ۱۷، ۱، ۲، ۸ و ۱۳)		
۱۰	کسب فضیلت و دوری از رذیلت اخلاقی (۴، ۵، ۱۳، ۱۵ و ۱۶)	مهارت‌های اخلاقی	
۱۱	تشویق صفات و رفتار اخلاقی (۸، ۱۶، ۱ و ۲، ۳، ۱۴، ۱۸ و ۲۰)		
۱۲	انتقال هنجارهای رفتاری اخلاقی به کودکان (۷، ۹، ۲، ۴، ۶ و ۱۰)		
۱۳	توسعه مهارت تصمیم‌گیری اخلاقی (۸ و ۱۲)		





ردیف	مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۱۴	پویایی و انعطاف‌پذیری ذهنی کودکان پیش‌دبستانی (۲، ۳، ۴، ۷، ۱۰، ۱۰، ۱۰، ۱۷ و س ۲۰)		
۱۵	یادگیری مطلوب‌تر در دوره پیش‌دبستانی (۲، ۳، ۵، ۱۰، ۱۱، ۹، ۱۰، ۱۵، ۱۷، س ۲۰ و س ۲۱)		
۱۶	کمک به پرورش استعدادها (س ۴، ۵، س ۱۰، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۶، ۱۸ و س ۲۱)	آمادگی‌های دوره پیش‌دبستانی	
۱۷	تأثیر دوره پیش‌دبستانی بر رشد بعدی (۱۰ و ۱۶)		
۱۸	عمل به اخلاقیات در آینده (۳، ۵، ۶، ۱۰، س ۱۳، ۱۴، ۱۵ و س ۲۱)		
۱۹	تربیت شهروند سازگار و اخلاقی (س ۶، ۷، س ۱۰، ۱۸، ۱۹ و س ۲۰)	آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی	
۲۰	گسترش سلامت روانی (س ۳، ۴، ۷ و س ۸)		
۲۱	برقراری ارتباط اجتماعی بهتر (۶، ۱، ۵، س ۸ و س ۱۴)		
۲۲	ایجاد مسئولیت‌پذیری در قبال خود و دیگران (۱، ۱، ۱۲ و س ۱۵)		
۲۳	رشد شخصیت کودک (۷، ۸، ۱۲، ۲، س ۱۰، ۱۲، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷، س ۲۰ و س ۲۱)	سلامت و رشد فردی	
۲۴	رسیدن به کرامت و عزت انسانی (س ۷، س ۱۰، ۱۴، ۱۹ و س ۲۰)		
۲۵	خودشناسی و خودسازی (س ۳، ۴، ۵، س ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۵، ۱۷، س ۱۸ و س ۲۱)		



ردیف	مفاهیم	زیرمقوله‌ها	مقوله‌های اصلی
۲۶	بهبود وضعیت اخلاقی جامعه (۳، ۴، ۹، ۱۳، ۲۰، ۱، ۲، ۷، ۸، ۱۰، ۱۲، ۲۰ و ۲۱)		
۲۷	رسیدن به عدالت و اعتدال (۴، ۱۶ و ۱۲)		
۲۸	پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی (۱، ۸ و ۱۹)	بهبود وضعیت اجتماعی	
۲۹	رفع خشونت در خانواده و جامعه (۳، ۶، ۱۹ و ۲۱)		
۳۰	تقویت بنیان خانواده (۲ و ۷)		
۳۱	تأکید فرهنگ بشری بر تربیت اخلاقی (۹ و ۱۹)		
۳۲	عمل به قوانین الهی و دستورات اسلام (۹، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۹)		زمینه‌های فرهنگی اجتماعی
۳۳	رسیدن به کمال معنوی و سعادت فرد و جامعه (۲۰، ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷، ۱۰، ۱۱، ۱۴، ۱۸، ۱۹ و ۲۰)	زمینه‌های دینی و الهی	
۳۴	رسیدن به قرب الهی (۳، ۴، ۶، ۷، ۱۰، ۱۴، ۱۷، ۲۰ و ۲۱)		
۳۵	تأکید متون دینی بر تربیت اخلاقی (۴)		
۳۶	تأکید سند بنیادین تحول آموزش و پرورش (۹، ۱۹، ۱۳ و ۱۸)		
۳۷	تأکید سند ملی برنامه‌درسی (۹، ۱۹ و ۱۸)	اسناد بالادستی	
۳۸	تأکید قوانین سازمانی و کشوری (۱۸)		



براساس جدول ۱، موضوع ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی از سه مقوله اصلی توانمندسازی اخلاقی، آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی، و زمینه‌های فرهنگی اجتماعی تشکیل شده است. مقوله توانمندسازی اخلاقی خود از دو زیرمقوله زمینه‌های رشد اخلاقی و مهارت‌های اخلاقی تشکیل شده است. زیرمقوله زمینه‌های رشد اخلاقی خود شامل مفاهیم رشد اخلاقی کودکان، شکوفایی فطرت اخلاقی، تغییر نگرش، گرایش‌ها و باورهای غیر اخلاقی کودکان، حساسیت اخلاقی کودک، تربیت و رشد جامع کودک و مغفول ماندن تربیت اخلاقی است. نمونه‌هایی از اسناد یا سخنان مشارکت‌کنندگان در زیر آمده است.

رشد اخلاقی کودکان

مشارکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید: «ضرورت طراحی این‌که در واقع تربیت اخلاقی یک وظیفه مشترک همگانی در همه ادوار تاریخیه و چه در دوره سنتی چه در دوره مدرن، بهش توجه شده و برای رشد اخلاقی لازمه؛ بنابراین، تربیت اخلاقی یه وظیفه مشترک همگانه».

شکوفایی فطرت اخلاقی

در سند شماره ۱ آمده است: «این برنامه‌ریزی شامل محتوای رسمی و غیررسمی، شیوه‌های تدریس، شیوه ارزشیابی و فضاهای تربیتی است که از طریق آن برای فراگیران، امکان شناخت توانایی‌های خویش و جهان هستی فراهم می‌شود و بر مبنای آن، فعالیت‌ها و استعدادهای فطری اخلاقی خویش را شکوفا می‌سازند».

حساسیت اخلاقی کودک

در سند شماره ۱۲ آمده است: «آموزش حقوق و وظایف اجتماعی در تربیت اخلاقی در همه ابعاد در دوره ابتدایی موجبات اتحاد ملی و حتی بین‌المللی و نوع‌دوستی را فراهم



می‌سازد و جامعه را از بی تفاوتی نجات می‌دهد و به عبارتی، حساسیت اخلاقی به وجود می‌آورد».

زیرمقوله دوم توانمندسازی اخلاقی، مهارت‌های اخلاقی است که شامل مفاهیم رفتار کردن بر طبق نظام اعتقادی و ارزشی، توسعه ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اخلاقی، نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در کودکان، کسب فضیلت و دوری از رذیلت اخلاقی، تشویق صفات و رفتار اخلاقی، انتقال هنجارهای رفتاری اخلاقی به کودکان و توسعه مهارت تصمیم‌گیری اخلاقی است؛ نمونه‌ها:

رفتار کردن بر طبق نظام اعتقادی و ارزشی

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان می‌کند: «بحث هدف‌های آموزشی اینه که بدونه منظور از آموزش این مطالب چیه و چه انتظاری می‌ره که بیاد این مثلاً یک مفهوم اخلاقی رو یاد بگیره و اون رو بتونه تو زندگی خودش به کار بیره و بر طبق نظام اعتقادی و ارزشی خودش عمل کنه».

توسعه ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اخلاقی

مشارکت‌کننده شماره ۳ اعتقاد دارد: «تربیت اخلاقی، فرایندی‌ست که طی اون افراد، ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اخلاقی خودشون رو توسعه می‌دن. این فرایند از سنین کودکی آغاز می‌شه و در طول زندگی ادامه پیدا می‌کنه».

نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در کودکان

مشارکت‌کننده شماره ۶ اظهار می‌دارد: «تربیت انسان چندوجهیه؛ باید همه ابعاد وجودی کودک رو در بر بگیره و در رشد متوازن از مقطع پیش دبستانی باید ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی نهادینه بشن و تغییر نگرش و توانایی‌های کودک در این سطح باید پی‌ریزی بشه».



مقوله اصلی دوم ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی، آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی است که خود شامل دو زیرمقوله آمادگی‌های دوره پیش‌دبستانی و سلامت و رشد فردی است. زیرمقوله آمادگی‌های دوره پیش‌دبستانی خود شامل مفاهیم پویایی و انعطاف‌پذیری ذهنی کودکان پیش‌دبستانی، یادگیری مطلوب‌تر در دوره پیش‌دبستانی، کمک به پرورش استعدادها، تأثیر دوره پیش‌دبستانی بر رشد بعدی، عمل به اخلاقیات در آینده و تربیت شهروند سازگار و اخلاقی است؛ نمونه‌ها:

پویایی و انعطاف‌پذیری ذهنی کودکان پیش‌دبستانی

مشارکت‌کننده شماره ۲ بیان می‌دارد: «از یه طرف، کودکان در دوره پیش‌دبستانی، به دلیل پویایی و انعطاف‌پذیری ذهنی، آمادگی بیشتری برای یادگیری ارزش‌های اخلاقی دارن. همچنین، در تعالیم اسلامی، تربیت در دوره کودکی مئه‌اینه که نقش روی سنگ حک می‌کنن و به دشواری از بین می‌ره. در بیان دیگه‌ای هم داریم خویی که با شیر اندورن رود از بین‌رفتنی نیست؛ لذا ضرورت آموزش این ارزش‌ها بسیار زیاده».

عمل به اخلاقیات در آینده

مشارکت‌کننده شماره ۶ می‌گوید: «مقطع پیش‌دبستان یکی از مراحل حساس و مهم زندگی کودکانه که حلقه واسطه جامعه‌پذیری کودک و در واقع، مرحله گذر از خانواده و ورود به مرحله تعلیم و تربیت رسمیه؛ پس طراحی برنامه اخلاقی به منظور آماده‌سازی کودک برای مراحل مهم زندگی امری الزامیه؛ کودک باید در آینده به اخلاقیات عمل کنه».

زیرمقوله دوم، آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی، سلامت و رشد فردی است که شامل مفاهیم گسترش سلامت روانی، برقراری ارتباط اجتماعی بهتر، ایجاد مسئولیت‌پذیری در قبال خود و دیگران، رشد شخصیت کودک، رسیدن به کرامت و عزت انسانی و خودشناسی و خودسازی است؛ نمونه‌ها:



گسترش سلامت روانی

در سند شماره ۳ آمده است: «نخست باید سبب رفتارهای نابهنجار اخلاقی را شناسایی و سپس با استفاده از روش‌های مختلف آن را از میان برد و پس از آن سعی کرد حالت سلامت اخلاقی در فرد حفظ شود تا از این طریق سلامت روانی افراد هم افزایش پیدا کند».

ایجاد مسئولیت‌پذیری در قبال خود و دیگران

مشارکت‌کننده شماره ۱ بیان می‌دارد: «تربیت اخلاقی می‌تونه به مسئولیت‌پذیری بچه‌ها هم کمک کنه. وقتی اونا مسائل اخلاقی رو بدونن، خوبی‌ها و بدی‌ها را بدونن، مسئولیت دارن که براساس اون چیزی که می‌دونن، رفتار کنن. این یکی از نتایج تربیت اخلاقی مسئولیت‌پذیره؛ حالا چه در قبال دیگران و چه در قبال خودشون».

مقوله اصلی سوم ضرورت تربیت اخلاقی، زمینه‌های اجتماعی فرهنگی است که خود شامل زیرمقوله‌های بهبود وضعیت اجتماعی، زمینه‌های الهی و دینی و اسناد بالادستی است. زیرمقوله بهبود وضعیت اجتماعی شامل مفاهیم بهبود وضعیت اخلاقی جامعه، رسیدن به عدالت و اعتدال، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی، رفع خشونت در خانواده و جامعه، تقویت بنیان خانواده و تأکید فرهنگ بشری بر تربیت اخلاقی است؛ نمونه‌ها:

بهبود وضعیت اخلاقی جامعه

مشارکت‌کننده شماره ۱۳ در این خصوص می‌گوید: «ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی از اینجا ناشی می‌شه که جامعه امروز، منظور در سطح جهانی هم هست و مثلاً منظور فقط ایران نیست. در سطح جهانی هم ما مشکل تربیت اخلاقی را داریم و چنانچه به تربیت اخلاقی رسیدگی نشه، کل جامعه جهانی و به‌ویژه جامعه ما به خطر می‌افته؛ پس برای بهبود وضعیت اخلاقی جامعه، تربیت اخلاقی لازمه».



پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی

در سند شماره ۸ بیان شده است: «اخلاق، شاهره پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی و همچنین، ریشه تمام اصلاحات اجتماعی و مؤثرترین راه مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است؛ به همین دلیل، ارتقای اخلاق در جامعه همواره مورد توجه مکاتب گوناگون بوده است».

زیرمقوله دوم زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، زمینه‌های دینی و الهی است که خود شامل مفاهیم عمل به قوانین الهی و دستورات اسلام، رسیدن به کمال معنوی و سعادت فرد و جامعه، رسیدن به قرب الهی و تأکید متون دینی بر تربیت اخلاقی است؛ نمونه‌ها:

عمل به قوانین الهی و دستورات اسلام

در سند شماره ۱۹ بیان شده است: «پس مهم‌ترین نهاد اجتماعی در جامعه ما، آموزش و پرورش می‌باشد که براساس ایدئولوژی اسلام، به تربیت اخلاقی دانش‌آموزان می‌پردازد. ایدئولوژی اسلام باید در برنامه‌های درسی مدارس وارد شود و در رفتار دانش‌آموزان به ظهور برسد؛ به عبارتی، باید به قوانین الهی و دستورات اسلام عمل شود».

رسیدن به کمال معنوی و سعادت فرد و جامعه

در سند شماره ۵ ذکر شده است: «آنان به تأکید بر احترام و نیکی به والدین، با توجه به دستورات الهی برای رسیدن به کمال معنوی و سعادت در دنیا و آخرت آدمی، بسیار سفارش کرده‌اند؛ لذا بر ما که در حیطة تعلیم و تربیت فعالیت داریم و مدرسه، خانه دوم بچه‌هاست، لازم است بر این مسائل بیشتر تأکید کنیم و خودمان نیز طوری رفتار کنیم که الگوی مناسبی برای آن‌ها باشیم».

سومین زیرمقوله زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، اسناد بالادستی است که شامل مفاهیم تأکید سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، تأکید سند ملی برنامه‌درسی و تأکید قوانین سازمانی و کشوری است؛ نمونه:

تأکید سند بنیادین تحول آموزش و پرورش

مشارکت‌کننده شماره ۱۹ اظهار می‌دارد: «در سطح کلان سیاست‌گذاری براساس اسناد بالادستی، مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن و سند ملی برنامه‌درسی، به‌صورت مشخص به تربیت اخلاقی پرداخته شده و حدود و ثغور و درجه اهمیت آن مشخص است».





بحث و نتیجه گیری

طبق نتایج پژوهش، برای ضرورت طراحی برنامه درسی تربیت اخلاقی شامل ۳۸ مفهوم، هفت زیرمقوله و سه مقوله اصلی به دست آمد. در این خصوص، نتیجه پژوهش حاضر با پژوهش های حیدری اغجیوان و همکاران (۱۴۰۳)، لواسانی فرد و همکاران (۱۴۰۳)، علی پور مقدم و ملکی (۱۴۰۱)، کوشی و همکاران (۱۳۹۹)، حیدری زاده و همکاران (۱۳۹۹)، ایستینانی و همکاران (۲۰۲۴)، شیه (۲۰۲۲)، چن (۲۰۲۰) و بامکین (۲۰۲۰) هم خوان است.

زیرمقوله زمینه های رشد اخلاقی، از مفاهیم رشد اخلاقی کودکان، شکوفایی فطرت اخلاقی، تغییر نگرش، گرایش ها و باورهای غیر اخلاقی کودکان، حساسیت اخلاقی کودک، تربیت و رشد جامع کودک و مغفول ماندن تربیت اخلاقی تشکیل شد. یکی از ضرورت های تربیت اخلاقی، رشد اخلاقی کودکان است. برای انجام رفتار اخلاقی صحیح، کودک باید از نظر اخلاقی رشد و تحول پیدا کند تا بتواند فضایل و ملکات اخلاقی را کسب و از رذایل اخلاقی دوری کند. بنا بر نظر محققان اخلاق، آنچه در برنامه درسی تربیت اخلاقی اهمیت دارد، رشد اخلاقی دانش آموزان است که به بروز رفتار اخلاقی در آنان منجر می شود (شاملی و دیگران، ۱۳۹۰).

وقتی فرد از نظر اخلاقی، رشد و تحول پیدا کند، نگرش های اخلاقی او تصحیح می شود و در تشخیص خوب از بد، پخته تر و صحیح تر عمل می کند. برنامه درسی تربیت اخلاقی با توضیح موارد اخلاقی و نحوه تشخیص درست از نادرست و به طور کلی، فضایل و رذایل اخلاقی، به کودک کمک می کند رشد اخلاقی بیشتر و بهتری را تجربه کند.

ضرورت دیگر برنامه درسی تربیت اخلاقی، شکوفایی فطرت اخلاقی کودکان است. براساس دیدگاه اسلام، فطرت نقشی محوری دارد و تعیین کننده رفتار ماست. در برخی از داستان های قرآنی، روابط اخلاقی به خوبی و با دقت و ظرافت و مطابق با طبع و فطرت انسان مطرح می شود و سرانجام، اخلاقیات پیروز می شود (نوراللهی، ۱۳۹۵).



گرایش‌های فطری، نوعی آمادگی در افراد برای پدیده خاصی ایجاد می‌کنند. در موضوعات اخلاقی نیز گرایش فطری انسان به‌سوی خیر و دوری از شرّ است؛ لذا اگر در محیط، محرک‌های مناسب ایجاد شوند، فرد به‌سرعت به‌سوی فضایل اخلاقی کشیده و از رذایل دور می‌شود.

اولین مرحله رشد اخلاقی در کودک، حساسیت اخلاقی است؛ براین‌اساس، یکی از ضرورت‌های تربیت اخلاقی، حساس کردن کودک به مسائل اخلاقی است. تمام نابسامانی‌های موجود در سطح جهانی و انواع گرفتاری‌هایی که امروزه بشر با آن دست به گریبان است، ناشی از غفلت انسان از امر «تربیت» و سازندگی روحی و اخلاقی خویش است (سادات، ۱۳۹۶، ص ۳۷).

برای جلوگیری از غفلت درباره مسائل اخلاقی و ایجاد حساسیت بیشتر به مسائل اخلاقی، مطلوب است برنامه‌درسی تربیت اخلاقی طراحی و اجرا شود. زیرمقوله مهارت‌های اخلاقی، شامل مفاهیم رفتار کردن بر طبق نظام اعتقادی و ارزشی، توسعه ارزش‌ها، باورها و نگرش‌های اخلاقی، نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در کودکان، کسب فضیلت و دوری از رذیلت اخلاقی، تشویق صفات و رفتار اخلاقی، انتقال هنجارهای رفتاری اخلاقی به کودکان و توسعه مهارت تصمیم‌گیری اخلاقی است.

یکی از موضوعات مهم در سطح جامعه، اخلاقی رفتار کردن است. یکی از اهداف مهم آموزش و پرورش نیز رفتار کردن بر طبق ارزش‌های اخلاقی است. همچنین، داشتن الزامات اخلاقی و اجتماعی برای آموزش دانش‌آموزان به‌منظور تبدیل شدن آنان به شهروندان دموکرات، دلسوز، خلاق و مسئول، ضروری است (Carr, 1983).

برای اینکه فرد، شهروندی با این ویژگی‌ها شود، باید بر طبق اصول اخلاقی رفتار کند و برای رفتار کردن بر طبق اصول و ارزش‌های اخلاقی باید تربیت اخلاقی صورت گیرد.



رفتار اخلاقی مستلزم نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی در کودکان است. در دوره کودکی، شخصیت اجتماعی دانش‌آموزان در حال شکل‌گیری است و اگر ما بتوانیم مفاهیم اخلاقی و اجتماعی را که در بطن تربیت شهروندی قرار دارد، در وجود دانش‌آموزان نهادینه کنیم، در سال‌های بعد با مشکلات کمتری مواجه خواهیم شد (شهسوار حقیقی، ۱۳۹۷)؛ بنابراین، نهادینه‌سازی ارزش‌ها و مفاهیم اخلاقی می‌تواند باعث انجام رفتار اخلاقی شود و از مشکلات ناشی از بی‌اخلاقی جلوگیری کند.

زیرمقوله آمادگی‌های دوره پیش‌دبستانی خود شامل مفاهیم پویایی و انعطاف‌پذیری ذهنی کودکان پیش‌دبستانی، یادگیری مطلوب‌تر در دوره پیش‌دبستانی، کمک به پرورش استعدادها، تأثیر دوره پیش‌دبستانی بر رشد بعدی، عمل به اخلاقیات در آینده و تربیت شهروند سازگار و اخلاقی است.

در این دوره، هم حساسیت و سهولت اثرپذیری کودکان از محیط‌های آموزشی بیشتر است و هم دوام و عمق یادگیری (مفیدی، ۱۳۹۸، ص ۱۲)؛ به همین دلیل، مطلوب است تربیت اخلاقی نیز که به یادگیری عمیق و عجین شدن با ذهن و شخصیت کودک نیاز دارد، در دوره پیش‌دبستانی شروع شود و تا حد امکان انجام گیرد.

ضرورت دیگر تربیت اخلاقی در دوره پیش‌دبستانی، کمک به پرورش استعدادهاست. تربیت، فرایندی است که به عوامل و شرایط بیرونی و زمینه‌ها و انگیزه‌های درونی بستگی دارد و به معنی فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای شکوفایی استعدادها و پرورش توانایی‌های نهفته برای رسیدن به هدف‌های مورد نظر است (زارعی و دیگران، ۱۳۹۴). انسان به‌طور فطری، دارای استعداد و گرایش اخلاقی است و این استعداد به شرایطی نیاز دارد تا شکوفا شود و ظهور پیدا کند.

زیرمقوله دوم آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی، سلامت و رشد فردی است که شامل مفاهیم گسترش سلامت روانی، برقراری ارتباط اجتماعی بهتر، ایجاد مسئولیت‌پذیری در قبال خود و دیگران، رشد شخصیت کودک، رسیدن به کرامت و عزت انسانی و خودشناسی و خودسازی است.



رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و انجام رفتار اخلاقی، هم نشانه سلامت روانی و هم زمینه‌ای برای ایجاد سلامت روانی است. تربیت اخلاقی از این نظر همواره یکی از دغدغه‌های والدین، مربیان، پژوهشگران و آحاد افراد جامعه بوده است.

البته فقط در صورت رشد تربیتی سالم، زمینه‌های رشد سالم فرد و جامعه فراهم می‌شود (Klaassen et al., 2016). برای اینکه جامعه سالم باشد، باید افراد جامعه سالم باشند و برای اینکه افراد سالم باشند، باید مؤلفه‌های سلامت روانی را داشته باشند. یکی از این مؤلفه‌ها، اخلاقی‌بودن (رعایت اخلاق) است و اخلاق از طریق تربیت اخلاقی، درونی و رعایت می‌شود.

دوره پیش دبستانی، دوره آغاز شکل‌گیری شخصیت کودک هم هست. در همین زمینه، شیه (۲۰۲۲) در پژوهش خود درباره تربیت اخلاقی در پیش دبستان‌های تایوان، هدف غایی تربیت اخلاقی را شکل‌دادن شخصیت کودکان دانسته است؛ بنابراین، تربیت اخلاقی از طریق تمرکز بر ارزش‌های اخلاقی به رشد شخصیت کودک کمک می‌کند. زیرمقوله بهبود وضعیت اجتماعی خود شامل مفاهیم بهبود وضعیت اخلاقی جامعه، رسیدن به عدالت و اعتدال، پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی و روانی، رفع خشونت در خانواده و جامعه، تقویت بنیان خانواده و تأکید فرهنگ بشری بر تربیت اخلاقی است. می‌توان گفت تربیت اخلاقی موجب بهبود وضعیت اخلاقی جامعه می‌شود. اخلاق، شاهراه پیشگیری از آسیب‌های روانی و اجتماعی و ریشه تمامی اصلاحات اجتماعی و مؤثرترین راه مبارزه با مفاسد و ناهنجاری‌های جوامع است (سبحانی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۷). اگر اخلاق آموزش داده شود و افراد بر طبق اخلاق عمل کنند، از آسیب‌های روانی و اجتماعی جلوگیری خواهد شد و وقتی افراد اصول و ارزش‌های اخلاقی را رعایت کنند، جامعه یک جامعه اخلاقی خواهد شد و این رعایت اخلاق در سطح اجتماعی نیز خود را نشان خواهد داد؛ بدین ترتیب، تهذیب نفس و خودشناسی و خودسازی و در نتیجه، کاهش آسیب‌های روانی و اجتماعی و بهبود وضعیت اجتماعی و اخلاقی جامعه از ضرورت‌های برنامه‌درسی تربیت اخلاقی است.



در هر جامعه، خانواده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و نظام آموزش و پرورش نیز برای خانواده ارزش فراوانی قائل است؛ زیرا ارزش‌گذاری برای آموزش‌های اخلاقی دانش‌آموزان (به‌خصوص اخلاق شهروندی)، در تقویت بنیان خانواده، ارزش‌های عدالت و برابری، مبارزه با پیش‌داوری، افزایش بردباری و تحمل، افزایش مسئولیت‌پذیری شخصی، مبارزه با تخلف‌های دوره نوجوانی و جوانی و ارتقای حس صلح‌طلبی آن‌ها تأثیر فراوان دارد و به دولت‌مردان ما در اداره جامعه مدنی موفق کمک خواهد کرد (شهسوار حقیقی، ۱۳۹۷).

وقتی تمامی اعضای خانواده به اصول و ارزش‌های اخلاقی پایبند باشند، ارتباطات خانوادگی مستحکم‌تر شده، انسجام خانواده افزایش می‌یابد.

زیرمقوله دوم زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، زمینه‌های دینی و الهی است که خود شامل مفاهیم عمل به قوانین الهی و دستورات اسلام، رسیدن به کمال معنوی و سعادت فرد و جامعه، رسیدن به قرب الهی و تأکید متون دینی بر تربیت اخلاقی است.

با توجه به اینکه جامعه ما یک جامعه اسلامی است، اصول و ارزش‌های اخلاقی اسلام بر آن حاکم است. ایمان اسلامی، ضامن اجرای قواعد اخلاقی است؛ برای مثال، اگر اعتقاد به معاد در کار نباشد، هیچ عاملی نمی‌تواند انسان را از پیروی هوا و هوس‌های خود بازدارد. در مقابل، اخلاق اسلامی نیز حافظ ایمان دینی است (شهسوار حقیقی، ۱۳۹۷).

در واقع، اسلام از یک سو بر رعایت ارزش‌ها و اصول اخلاقی تأکید می‌کند و از سوی دیگر، رعایت موازین اسلامی را امری اخلاقی می‌داند. در واقع، ارتباطی دوطرفه و مستحکم بین دین اسلام و اخلاق وجود دارد.

هدف نهایی انسان در دین اسلام، رسیدن به قرب الهی است. در واقع، رعایت اصول و ارزش‌های اخلاقی و دینی برای این است که فرد در نهایت به قرب الهی برسد. قرآن، هدف و کمال انسان را در آگاهی کامل و علم شهودی و حضوری او به خدای متعال می‌داند که همان قرب حقیقی به پروردگار است و با تلاش و تهذیب نفس به دست می‌آید (احمدپور مبارکه، ۱۳۹۷).



در واقع، هدف نهایی اسلام و اخلاق، رسیدن به قرب الهی است؛ لذا، تربیت اخلاقی خود هدف نیست، بلکه وسیله‌ای برای رسیدن به هدفی والاتر است که قرب الهی است.

سومین زیرمقوله زمینه‌های فرهنگی اجتماعی، اسناد بالادستی است که شامل مفاهیم تأکید سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، تأکید سند ملی برنامه‌درسی و تأکید قوانین سازمانی و کشوری است.

اسناد تهیه شده در نظام آموزش و پرورش، بر پرورش انسان اخلاق‌مدار و پایبند به ارزش‌ها و اصول اخلاقی تأکید دارد؛ برای مثال، ساحت تربیت اخلاقی در سند بنیادین تحول آموزش و پرورش، از ابعاد بسیار مهم تربیت آدمی و از ساحت‌های خاص تربیت است که وظیفه فراهم‌سازی زمینه مناسب برای بروز و ظهور نیکی در سرشت آدمی و تقویت و تحریک وجدان اخلاقی وی را بر عهده دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰). در سند برنامه‌درسی ملی و نیز قوانین سازمانی و کشوری هم اخلاق به عنوان یک شایستگی بنیادی دیده شده است.

پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی، نظیر برداشت نادرست افراد از سؤالات مصاحبه و معرف نبودن احتمالی نمونه، روبه‌رو بود. پیشنهاد می‌شود برنامه‌درسی تربیت اخلاقی برای کودکان پیش‌دبستانی طراحی و اجرا گردد و مربیان پیش‌دبستانی در این زمینه آموزش لازم را دریافت کنند؛ همچنین، مطلوب است پژوهش‌های آینده به اثربخشی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی اختصاص یابد.

در مجموع، با تحلیل و کدگذاری متون و مصاحبه‌ها، برای ضرورت طراحی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی، ۳۸ مفهوم، هفت زیرمقوله و سه مقوله اصلی به دست آمد که مقوله‌های اصلی شامل توانمندسازی اخلاقی، آمادگی‌ها و توانمندسازی فردی و زمینه‌های فرهنگی اجتماعی بود.

در این پژوهش رضایت آگاهانه مشارکت کنندگان در مصاحبه‌ها و رعایت حقوق انسانی آنان، در تمام مراحل تحقیق مورد توجه بود و سعی شد محرمانگی اطلاعات حفظ شود.

تقدیر و تشکر

بدین وسیله از مشارکت کنندگان در پژوهش که با صرف وقت و انرژی، ما را در انجام این پژوهش یاری رساندند، سپاسگزاری می‌کنیم.



کتابنامه

احمدپور مبارکه، زهرا (۱۳۹۷)، *بررسی مقایسه‌ای تربیت اخلاقی از دیدگاه مکتب اسلام و نوعمل‌گرایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته علوم تربیتی، دانشگاه پیام‌نور اصفهان (واحد پیربکران). در:

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/00cc6e4464a72d5538968918ab749b78>.

تقی‌پور، حسینعلی، روح‌الله کشاورز لشکناری و علی اصغر یوسف رشیدی (۱۳۹۶)، «دانش محتوایی روش‌های معلمی و تأثیر آن بر پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان»، *کنفرانس پژوهش‌های نوین ایران و جهان در مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم انسانی*، دانشگاه دولتی علمی کاربردی شوشتر، شرکت دانش‌پژوهان همایش آفرین پارس بین‌المللی.

حیدری اغجیوان، سرور، فرشته افکاری و ادريس اسلامي (۱۴۰۳)، «تبیین برنامه‌درسی تربیت اخلاقی در دوره دوم ابتدایی براساس آرا و اندیشه‌های ابن‌سینا»، *مطالعات اخلاق کاربردی*، دوره ۱۴، ش ۷ (پیاپی ۷۶)، ص ۷۹-۱۰۵.

Doi:10.22081/jare.2024.69608.1941.

حیدری‌زاده، نسرین، زهره اسمعیلی، مهران فرج‌الهی و طیبیه صفایی (۱۳۹۹)، «ابعاد و مؤلفه‌های تربیت اخلاقی در نظام تربیت رسمی و عمومی دوره ابتدایی ایران»، *آموزش در علوم انتظامی*، دوره ۷، ش ۲۵، ص ۱۸۱-۲۰۳.

ربانی خوراسگانی، رسول و سیامک شهابی (۱۳۸۹)، «بررسی ارزش‌های اخلاقی جوانان شهری اصفهان»، *مطالعات و پژوهش‌های شهری منطقه‌ای*، دوره ۲، ش ۵، ص ۷۷-۹۲.

زارعی، فرشته، فرشته نوری و فرشته یوسف‌زاده (۱۳۹۴)، «بررسی شاخصه‌های احترام به والدین در کتب پایه سوم مقطع ابتدایی ایران با تأکید بر تربیت اخلاقی (مطالعه موردی: کتب پایه سوم مقطع ابتدایی)»، *دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین‌المللی جامعه‌شناسی و اخلاق با تأکید بر نقش تعلیم و تربیت در اعتلای جامعه اسلامی*، تهران.





سادات، محمدعلی (۱۳۹۶)، *اخلاق اسلامی*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 سبحانی نژاد، مهدی، نجمه احمدآبادی آرانی، طاهره جلالوند و آزاد محمدی (۱۳۹۷)،
 «تبیین محتوای برنامه‌درسی تربیت اخلاقی از منظر تحلیل مقایسه‌ای آرای
 کانت و ملا احمد نراقی»، *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی (دانش و پژوهش در علوم
 تربیتی-برنامه‌ریزی درسی)*، دوره ۱۵، ش ۲۹ (پیاپی ۵۶)، ص ۳۰-۴۸.

Doi:10.30486/jsre.2018.539723.

شاملی، عباسعلی، حسن ملکی و حمیدرضا کاظمی (۱۳۹۰)، «برنامه‌درسی، ابزاری برای نیل
 به تربیت اخلاقی»، *اسلام و پژوهش‌های تربیتی*، دوره ۳، ش ۲ (پیاپی ۶)، ص ۷۷-۹۸.
 شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۹۰)، *سند تحول بنیادین آموزش و پرورش*، تهران:
 انتشارات وزارت آموزش و پرورش.

شهسوار حقیقی، سکینه (۱۳۹۷)، *تبیین فلسفه تقدم تربیت اخلاقی (اخلاق شهروندی) بر
 آموزش‌های علمی در مدرسه ابتدایی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم تربیتی،
 دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس. در:

<https://ganj.irandoc.ac.ir/#/articles/4e2f7492c9a4f456d95388096747efd5>.

علی‌پور مقدم، خدیجه و حسن ملکی (۱۴۰۱)، «شناسایی و اعتباریابی مبانی و اهداف
 الگوی برنامه‌درسی تربیت اخلاقی»، *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، دوره ۱۵،
 ش ۳، ص ۲۸۰-۲۸۹.

کوشی، زهرا، نعمت‌الله موسی‌پور، محمد آرمنند و علی مجبی (۱۳۹۹)، «طراحی و
 اعتبارسنجی الگوی تربیت اخلاقی در دوره ابتدایی نظام آموزشی جمهوری اسلامی
 ایران»، *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، دوره ۵، ش ۳ (پیاپی ۱۶)، ص ۱۲۷-۱۵۲.

doi:10.29252/qaie.5.3.6.

لواسانی فرد، سیدحسن، جهانبخش رحمانی و مریم براتعلی (۱۴۰۳)، «واکاوی مبانی تربیت
 اخلاقی دانش‌آموزان دوره ابتدایی از منظر پراگماتیسم به منظور ارائه استلزامات
 تربیتی»، *شناخت، رفتار، یادگیری*، دوره ۱، ش ۳، ص ۷۲-۸۹.



محمودی مظفر، مجید (۱۳۹۵)، «اثربخشی مدل رویکرد تلفیقی تربیت اخلاقی خواجه نصیرالدین طوسی و تحول شناختی پیازه بر تغییر نگرش معلمان در فرایند تربیت اخلاقی دانش آموزان»، توسعه آموزش جندی شاپور، ش ۷ (ویژه نامه)، ص ۹۵-۱۰۴.

مسعودی مرغملکی، رقیه، نفیسه رفیعی و علیرضا چوبگین (۱۴۰۱)، «تحلیل محتوای مفاهیم تربیتی و اخلاقی اشعار و قصه‌های آموزشی مراکز پیش دبستانی وابسته به دارالقرآن‌های شهر اصفهان»، مطالعات اخلاق کاربردی، دوره ۱۸، ش ۱، ص ۱۳۳-۱۶۳.

doi:10.22081/jare.2023.66484.1829.

مفیدی، فرخنده (۱۳۹۸)، مبانی آموزش و پرورش در دوره پیش از دبستان، تهران: سمت.
نوراللهی، فریا (۱۳۹۵)، تحلیل محتوای برنامه درسی مطالعات اجتماعی پایه ششم ابتدایی از منظر توجه به تربیت اخلاقی، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته برنامه ریزی درسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. در:

<https://elmnet.ir/doc/10947233-42421>.

Bamkin, S. (2020). "The taught curriculum of moral education at Japanese elementary school: the role of classtime in the broad curriculum". *Contemporary Japan*, 32(2): 218-239. DOI: 10.1080/ 18692729. 2020.1747780.

Carr, D. (1983). "Three approaches to moral education". *Educational Philosophy and Theory*, 15(2): 39-51. <https://doi.org/10.1111/j.1469-5812.1983.tb00094.x>.

Chan, C. W. (2020). "Moral education in Hong Kong kindergartens: An analysis of the preschool curriculum guides". *Global Studies of Childhood*, 10(2): 156-169. <https://doi.org/10.1177/2043610619885385>

- Istiyani, D., Wibowo, A. M., Taruna, M. M., Rahmawati, T. & Atmanto, N. E. (2024). "Challenges and opportunities in early childhood religious and moral education: A perspective from the evaluation of logical models". *Nazhruna: Jurnal Pendidikan Islam*, 7(2): 233-249. [https:// doi.org/ 10.31538/nzh.v7i2.4843](https://doi.org/10.31538/nzh.v7i2.4843).
- Jainz, A. (2017). "The re-emergence of character education in American Education Policy". *American Journal of Educational Studies*, 53: 239-254.
- Junaedi, M. & Syukur, F. (2017). "Moral education in Japanese schools as a model for improving character education in Indonesia, Analisa". *Journal of Social Science and Religion*, 2 (1): 23-40. [https:// doi.org/ 10.18784/ analisa.v2i01.416](https://doi.org/10.18784/analisa.v2i01.416).
- Klaassen, C. A., Osguthorpe, R. D. & Sanger, M. N. (2016). "Teacher education as a moral endeavor". In *International Handbook of Teacher Education* (pp. 523-557). Springer Singapore. [https:// link.springer. com/chapter/10.1007/978-981-10-0366-0_14](https://link.springer.com/chapter/10.1007/978-981-10-0366-0_14).
- Shih, Y. H. (2022). "Moral education in Taiwanese preschools: importance, concepts and methods". *Policy Futures in Education*, 20(6): 717-730. <https://doi.org/10.1177/14782103211040512>.
- Xie, Z. (2017). "Research on the present situation and countermeasures of moral education of primary school students". *Advances in Higher Education*, 1(1): 14- 32.



Editorial Board (in alphabetical order):

Alizadeh, Mahdi

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Azarbayjani, Masoud

Associate Professor of the Institute of Hawzah and University

Diba, Hossein

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Safouraie Parizi, Mohammad Mahdi

Associate Professor at the Higher Education Complex of Islamic
Humanities, Al-Mustafa International University

Habibollahi, Mahdi

Assistant Professor of Bagher-'Oloom University

Hadi, Asghar

Assistant Professor of the Islamic Science and Culture Academy

Salarifar, Mohammadreza

Assistant Professor of the Institute of Hawzah and University

The Reviewers of this Issue:

Mohammad Mahdi Safouraie Parizi, Ali Shirvani Shiri, Hassan Bosliki,
Sayyed Hasan Eslami Ardakani, Hossein Diba, Ghodratollah Momeni,
Sayed Mohammad Kazem Qahfaroukhi, Mohsen Rezaei Aderyani,
Sayyed Rouhollah Mousavizadeh, Razieh Yousef Boroujerdi



Islamic Sciences and Culture Academy
Institute of Family and Theology

Journal in Applied Ethics Studies
Vol. 15, No. 2, Summer 2025
(80)

Publisher: Islamic Preaching Office of the Qom Islamic Seminary

Editor-in-Chief:
Ahmadian, Abdorrasool

Managing Editor
Hadi, Asghar

Executive Director
Khani, Saeed

Tel: 031-32344410 (EX7321) PO Box: 81465-697 Fax: 031-32208005

Jf.isca.ac.ir • akhlagh@dte.ir



www.akhlagh.morsalat.ir

